

فهرست مطالب

بخش اول

۱۱	فصل اول: کلیاتی در خصوص حقوق مالکیت معنوی
۱۱	مفهوم مالکیت معنوی و اقسام آن
۱۱	مقدمه
۱۲	اقسام حقوق مالکیت معنوی
۱۴	الف) ورقه اختراع (حق الاختراع)
۱۵	شرایط اعطای ورقه اختراع
۱۶	ب) کپی رایت و حقوق مشابه آن
۱۷	موضوعات داخل در محدوده کپی رایت
۱۸	حقوق متشکله کپی رایت
۱۹	حقوق مشابه کپی رایت
۲۲	ج) مارکهای تجاری و خدماتی
۲۲	مارکهای تجاری
۲۲	مارکهای خدماتی
۲۳	مارکهای جمعی و مارکهای تضمینی
۲۴	شرایط لازم برای اعطای حمایت از مارکها
۲۵	د) طراحیهای صنعتی و مدارهای همگرا (آی.سی.ها)
۲۵	۱- طراحیهای صنعتی

۲ ■ سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو)

۲۶	۲- ارتباط موضوع با کپی رایت
۲۷	۳- مدارهای همگرا
۲۹	ه) علائم جغرافیایی
۳۱	تفاوت علائم جغرافیایی با مارکهای تجاری
۳۱	دو جنبه مختلف حمایت از علائم جغرافیایی
۳۲	و) حفاظت در قبال رقابت ناجوانمردانه
۳۵	فصل دوم: سازمان جهانی مالکیت معنوی (پیشینه، ساختار و وظایف)
۳۵	۱- تاریخچه
۴۰	۲- سازمان جهانی مالکیت معنوی در عصر حاضر
۴۱	۳- کارکردها و وظایف
۴۳	فعالیت‌های وایپو
۴۳	الف) امور ثبتی
۴۴	ب) همکاری بین‌الدولی
۴۴	ج) فعالیت‌های برنامه‌ای
۴۴	توسعه حقوق بین‌المللی مالکیت معنوی
۴۷	توسعه حقوق مالکیت صنعتی
۴۹	توسعه حقوق مربوط به کپی رایت
۵۰	۴- ساختار و تشکیلات
۵۰	الف) مجمع عمومی
۵۲	ب) کنفرانس
۵۳	ج) کمیته هماهنگی
۵۵	د) دفتر بین‌المللی

۵۷	۵- عضویت در وایپو.....
۵۷	۶- بودجه.....
۶۰	۷- اهلیت حقوقی، مزایا و مصونیت‌ها.....
۶۳	فصل سوم: معاهدات سازمان جهانی مالکیت معنوی
۶۴	گروه اول: معاهدات موجد حمایت از مالکیت معنوی.....
۶۵	گروه دوم: معاهدات سیستم جهانی حمایت و حفاظت.....
۶۶	گروه سوم: معاهدات طبقه‌بندی کننده.....
۶۷	تعدادی از معاهدات با اهمیت در حوزه مالکیت معنوی.....
۶۸	کنوانسیون پاریس ۱۸۸۳ برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی.....
۶۸	مقررات کلی.....
۷۰	مقررات مالی و اجرایی و نهادهای اتحادیه پاریس.....
۷۴	کنوانسیون برن ۱۸۸۶ برای حمایت از آثار ادبی و هنری.....
۷۷	سند اصلاحی پاریس بر کنوانسیون برن و کشورهای در حال توسعه.....
۷۹	مقررات مالی اجرایی.....
۸۰	موافقتنامه لاهه برای ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی.....
۸۴	معاهده همکاری در زمینه حق اختراع.....
۸۷	موافقتنامه مادرید در خصوص ثبت بین‌المللی مارکها و پروتکل آن.....
۹۱	معاهده قانون مارکهای تجاری.....
۹۵	موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی.....
۱۰۰	معاهدات طبقه‌بندی.....
۱۰۱	موافقتنامه نیس.....
۱۰۳	موافقتنامه استراسبورگ.....

۴ ■ سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو)

۱۰۶	موافقتنامه وین.....
۱۰۷	موافقتنامه لوکارنو.....
۱۰۷	معاهدات ویژه در حوزه حقوق همسایه کپی رایت.....
۱۱۳	کنوانسیون بین‌المللی رم.....
۱۱۴	کنوانسیون ماهواره و کنوانسیون فونوگرام.....
۱۱۸	معاهده کپی رایت وایپو.....
۱۲۲	کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از گونه‌های گیاهی جدید.....

بخش دوم

۱۲۹	فصل اول: اجرای حقوق مالکیت معنوی.....
۱۲۹	الف) مقدمه.....
۱۲۹	۱- کلیات.....
۱۳۰	۲- پرهیز از روشهای قضایی.....
۱۳۲	ب) اجرای حقوق مالکیت صنعتی.....
۱۳۳	۱- عمل از طریق ادارات مربوطه.....
۱۳۶	۲- روند کار در محاکم مدنی.....
۱۳۷	۳- اقدامات کیفری.....
۱۳۸	ج) اجرای کپی رایت و حقوق همسایه آن.....
۱۳۸	۱- مقدمه.....
۱۳۸	۲- تدابیر ملی.....
۱۴۰	۳- تدابیر مرزی.....
۱۴۲	۴- سرقت معنوی.....
۱۴۷	۵- مقررات کنوانسیونهای بین‌المللی در خصوص اجرای کپی رایت.....

۱۴۸	۶- تحول استانداردهای بین‌المللی
۱۵۰	د) فعالیتهای وایپو در زمینه اجرای حقوق
۱۵۲	ه) مفاد موافقتنامه «تریپس» در خصوص اجرای حقوق
۱۵۷	فصل دوم: داوری و میانجیگری در اختلافات حوزه مالکیت معنوی
۱۵۷	«روشهای جایگزین» در حل اختلافات
۱۵۸	حل و فصل اختلافات در عرصه بین‌المللی
۱۶۱	مرکز داوری و میانجیگری سازمان جهانی مالکیت معنوی
۱۶۱	- مرکز داوری وایپو بعنوان یک مقام اجرایی
۱۶۲	- مرکز داوری وایپو بعنوان یک مرکز مرجع
۱۶۳	شورای داوری وایپو
۱۶۴	کمیسیون مشورتی داوری وایپو
۱۶۴	روشها و مکانیزمها
۱۶۸	مساعی جمیله
۱۷۱	میانجیگری
۱۷۳	نقش مرکز داوری و میانجیگری وایپو
۱۷۶	داوری
۱۷۸	نقش مرکز داوری و میانجیگری وایپو
۱۸۲	داوری سریع
۱۸۴	روش میانجیگری که با عدم حصول نتیجه، به داوری می‌انجامد
۱۸۶	انتصاب میانجی یا داور توسط مرکز داوری و میانجیگری وایپو
۱۸۸	خصوصیات و امتیازات سه روش اصلی غیرقضایی حل و فصل اختلافات
۱۸۹	داوری و امتیازات آن

۱۹۰	داوری سریع و امتیازات آن
۱۹۳	میانجیگری و امتیازات آن
۱۹۷	خدمات وایپو تحت قواعد آنسیترال
۲۰۰	سرویس ویژه وایپو در حل اختلافات مربوط به نامهای اینترنتی
۲۰۱	۱- سیاست هماهنگ حل اختلافات مربوط به اسامی اینترنتی
۲۰۲	۲- عملکرد سازمان جهانی مالکیت معنوی

بخش سوم

فصل اول: روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با کشورها و سازمانهای

۲۰۷	بین‌المللی
۲۰۷	وایپو و کشورهای در حال توسعه
۲۰۷	I) برنامه همکاری توسعه
۲۰۷	اهداف و فعالیتهای
۲۰۹	۱- آموزش
۲۱۱	آکادمی جهانی مالکیت معنوی وایپو
۲۱۱	۲- کمکها و توصیه‌های حقوقی و قانونی
۲۱۳	۳- کمکهای ساختاری
۲۱۴	سیستمهای مدیریت جمعی کپی رایت
۲۱۶	۴- کمک به رشد خلاقیت، نوآوری و ابداعات بومی
۲۱۷	۵- کمک به استفاده از اطلاعات موجود در حوزه مالکیت معنوی
۲۱۸	شبکه جهانی اطلاعات مالکیت معنوی وابسته به وایپو
۲۱۹	۶- برنامه‌هایی برای قانونگذاران و دستگاههای قضایی
۲۲۰	دفاتر منطقه‌ای وایپو برای برنامه همکاری توسعه

۲۲۰	دفتر آسیا و پاسیفیک سازمان جهانی مالکیت معنوی
۲۲۷	فعالیت‌های دفتر آسیا - اقیانوسیه
۲۲۸	II برنامه همکاری با کشورهای در حال گذار
۲۲۹	III روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با سازمان تجارت جهانی
۲۳۸	موافقتنامه‌های همکاری میان دو سازمان
۲۴۱	فصل دوم: جمهوری اسلامی ایران و سازمان جهانی مالکیت معنوی
۲۴۱	الف) حقوق مالکیت معنوی در ایران
۲۴۵	ب) پاره‌ای اندیشه‌های فقهی در خصوص حقوق مالکیت معنوی
۲۴۹	ج) ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی مالکیت معنوی
۲۴۹	۱- کنوانسیون پاریس مورخ ۲۰ مارس ۱۸۸۳
۲۵۱	۲- وضعیت الحاق ایران به کنوانسیون مؤسس وایپو
۲۵۲	۳- وضعیت الحاق به موافقتنامه‌های مادرید و لاهه
۲۵۳	د) همکاری‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی و ایران
۲۵۳	ملاحظات
۲۵۹	منابع
۲۵۹	الف) منابع فارسی
۲۶۰	ب) منابع انگلیسی
۲۷۰	اسامی مقامات اصلی سازمان

بخش اول

فصل اول



کلیاتی در خصوص حقوق مالکیت معنوی

مفهوم مالکیت معنوی و اقسام آن

مقدمه

امروزه ارزش دانش، فناوری و اندیشه در فرایند تجارت بین‌المللی به مراتب بیشتر از هر زمان دیگری افزایش یافته است. مثلاً ارزش داروهای جدید و یا سایر محصولات که در آنها از فناوریهای بالا استفاده شده است، نه در جنس و ماده فیزیکی مورد استفاده بلکه در میزان نوآوری، خلاقیت، ابتکار و درجه نبوغی است که در آنها بکار رفته است. همینطور فیلمها، کتابها، نوارهای موسیقی، برنامه‌های کامپیوتری و خدمات اینترنتی به دلیل اطلاعات و یا خلاقیت موجود در آنهاست که خرید و فروش می‌شود، نه بدلیل کاغذ، پلاستیک یا فلزی که این نوع محصولات در قالب آنها عرضه می‌شود. بعلاوه بسیاری از محصولاتی که در نگاه اول نیاز کمتری به تکنولوژی پیشرفته و فناوری بالا دارند از جمله پوشاک یا پرورش گیاهان نیز امروزه برای اینکه در بازار رقابت جلو بیافتند و توجه خریداران را از کالاهای رقیب به سوی خود جلب کنند، روز به روز خلاقیت و ابتکار بیشتری طلب می‌کنند.

با در نظر گرفتن حقایق فوق و با توجه به مفاهیم «اندیشه» و «خلاقیت» - به‌عنوان سرمایه‌هایی ارزشمند که باید مورد حمایت قرار گیرند - مفهوم مالکیت معنوی در ادبیات حقوقی معاصر جلوه‌گر می‌شود. مالکیت معنوی از یک منظر عام، به معنای آن دسته از حقوق قانونی و علایق مالکانه است که ناشی از فعالیتهای ذهنی در حوزه‌های هنری و ادبی، علمی و

۱۲ ■ سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو)

صنعتی باشد. کشورها با تصویب قوانینی، از این دسته از حقوق حمایت می‌کنند تا به دو هدف عمده دست یابند. یکی اعطای وجهه قانونی به حقوق اخلاقی و اقتصادی خالقان این نوع آثار نسبت به انتفاع مادی از آنها و چگونگی دسترسی عامه به این نوع آثار، و دوم ارتقاء و اشاعه خلاقیت و ابتکار و استفاده از نتایج آن و تشویق «تجارت جوانمردانه» که به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک شایانی می‌کند.^(۱)

در کل، «حقوق مالکیت معنوی» از راه اعطاء حقوقی مشخص و محدود به زمان معین برای کنترل نحوه استفاده از کالاها و خدمات فکری به تولیدکنندگان این آثار، از این اشخاص حمایت بعمل می‌آورد. این حقوق به اشیاء فیزیکی که احتمالاً «اثر» یا «آفرینه»^(۲) ممکن است در آنها قالبگیری یا تجسم یافته باشد مربوط نمی‌شود بلکه مربوط به نفس آن دارایی یا اثر ذهنی و معنوی می‌گردند. این قبیل مالکیت بطور سنتی به دو شاخه عمده تقسیم می‌شود: «اموال صنعتی یا مالکیت صنعتی» و «کپی رایت»^(۳) یا حق نسخه‌برداری.^(۴)

اقسام مالکیت معنوی

کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی «وایپو» که در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در استکهلم منعقد شد در ماده ۲ خود چنین می‌گوید: «مالکیت معنوی مشتمل است بر حقوق مربوط به:

۱- ادبیات و کارهای هنری و علمی

۲- اجراهای هنرمندان و حقوق مربوط به ضبط و پخش آنها

1. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, WIPO Publication No. 476(e), Geneva, 1999, p. 3

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق اموال*، گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۱۶۳

3. Copy Right

4. Fernandez, Collar and Spolter, Jerry, *International Intellectual Property Dispute Resolution* Journal of World Intellectual Property, 1 (3) May 1998, p. 556

۳- اختراعات در تمام زمینه‌ها^(۱)

۴- اکتشافات علمی^(۲)

۵- طراحیهای صنعتی^(۳)

۶- مارکهای تجاری، مارکهای خدماتی، نامها و علائم معرفه بازرگانی

۷- حفاظت در برابر رقابت ناجوانمردانه

و تمام حقوق ناشی از فعالیت ذهنی در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی یا هنری»
قلمرو بند ۱ اشاره به طیف «کپی رایت» دارد و آنچه در بند ۲ مورد اشاره قرار گرفته است معمولاً در ادبیات حقوقی مربوطه، «حقوق مشابه»^(۴) خوانده می‌شود یعنی حقوق مشابه، کپی‌رایت یا حقوق نزدیک به کپی رایت. موارد مورد اشاره در بندهای ۳، ۵ و ۶ عناصر متشکله بخش «مالکیت صنعتی» در حقوق مالکیت معنوی هستند و آنچه در بند ۷ مورد اشاره قرار گرفته است نیز می‌توان در قالب همان شاخه دسته‌بندی کرد، چنانچه ماده ۱ بند ۲ کنوانسیون پاریس برای حمایت از داراییهای صنعتی «مبارزه با رقابت ناجوانمردانه» را جزئی از قلمرو «حفاظت از مالکیت صنعتی» می‌داند. کنوانسیون مزبور اظهار می‌دارد که «هر رقابتی برخلاف رفتار شرافتمندانه در امور تجاری و صنعتی به معنای رقابت ناجوانمردانه است.»^(۵)

گفتیم که اصطلاح «مالکیت صنعتی» طرحهای صنعتی و اختراعات را نیز شامل می‌شود. اگر بطور ساده بگوییم، «اختراعات» یعنی ارائه راه‌حلهای جدید برای مسائل فنی^(۶) و «طراحیهای صنعتی» یعنی طرحهایی که برای زیبا نمودن و تشخیص بخشیدن به ظاهر یک محصول صنعتی خلق می‌شوند. مثلاً طرح یک تلویزیون یا یک ضبط صوت یا ... که مشخصه آن نوع کالا است. بعلاوه مبحث مالکیت معنوی در برگیرنده مارکهای تجاری، نامها و علائم مشخصه

1. Inventions

2. Scientific Discoveries

3. Industrial Designs

4. Neighboring rights

۵. ماده ۱۰ مکرر

۶. در این مورد تعریفی که در مواد ۲۷ و ۲۸ قانون ثبت علائم کشورمان آمده است اینگونه است: «ابداع محصول صنعتی تازه و نیز کشف وسیله تازه یا اعمال وسایل موجوده بطریقی نو برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی و فلاحتی»

بازرگانی نیز می‌باشد، از جمله نشانگرهای مبدا و اسم محل تولید و نیز بحث حمایت در مقابل رقابت ناجوانمردانه. ممکن است در این قسمت شناسایی مفهوم مالکیت و اموال معنوی به نسبت مثلاً «حق اختراع» کمتر معلوم و قابل تمییز باشد اما آنچه مهم است این است که مالکیت صنعتی در این معنی به آن دسته از علائم مربوط می‌شود که اطلاعاتی را به خریدار منتقل می‌کند. به‌طور اخص در مورد کالاها و خدماتی که در بازار برای عموم عرضه می‌شوند. و این که باید با استفاده غیرمجاز از این علائم که به گمراه شدن خریدار بیانجامد، برخورد شود.

در مورد «اکتشافات علمی» که در بند ۴ مذکور در کنوانسیون مؤسس وایپو به آن اشاره شده است نیز باید گفت که این مفهوم با مفهوم «اختراعات» یکی نیست. معاهده ژنو ۱۹۷۸ در خصوص ثبت بین‌المللی اکتشافات علمی، یک «اکتشاف علمی» را چنین تعریف می‌کند: «شناخت پدیده‌ها، قوانین یا خصوصیات عالم ماده که قبل از این شناخته نشده و قابل ارزیابی نبوده باشد.»^(۱) حال آنکه اختراعات چنانکه ذکر شد، ارائه راه‌حلهای نوین برای مسائل خصوصاً مسائل فنی هستند. البته این راه‌حلهای فنی همان اختراعات - طبعاً باید متکی بر خصوصیات و قوانین عالم ماده باشند وگرنه نمی‌توانند به لحاظ فنی یا مادی بکار آیند، اما نیازی نیست که این قوانین یا خصوصیات، پیش از اختراع نامکشوف و ناشناخته بوده باشند. بنابراین اختراع، اختراع است چه قوانین طبیعی مربوط به آن همزمان با اختراع و توسط خود مخترع کشف شوند و یا اینکه قبلاً بوسیله دیگران کشف شده باشند.

الف) ورقه اختراع (حق الاختراع)

ورقه اختراع سندی است که بنابه تقاضای فرد از سوی یک دولت صادر می‌شود و با شرح یک اختراع، وضعیتی قانونی ایجاد می‌کند که به موجب آن، اختراع مورد نظر تنها با اجازه شخص صاحب امتیاز قابل بهره‌برداری از قبیل تولید، استفاده، فروش و غیره است.^(۲) «اختراع» چنانچه

۱. ماده ۱ پاراگراف ۱ بند ۱

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۲، ص ۷۴۲

کلیاتی در خصوص حقوق مالکیت معنوی ■ ۱۵

ذکر شد، راه‌حلی است برای یک مسأله در حوزه تکنولوژی، و ممکن است مربوط به یک محصول و یا یک روند^(۱) باشد. معمولاً امتیاز اختراع محدود به زمان معینی عموماً بین ۱۵ الی ۲۰ سال است.

باید توجه داشت که در هیچ‌کجا، حق‌الامتیاز اختراع به معنی حق فروش یا استفاده یا تولید نیست. یعنی حق اختراع تنها به این معناست که هیچ‌کس بدون اجازه دارنده این امتیاز، حق استفاده و بهره‌برداری از آن را ندارد ولی بمعنی حق صاحب امتیاز برای مثلاً تأسیس یک کارخانه یا یک کارگاه یا تولید انبوه آن محصول هم نیست و در تمام این موارد، ورقه اختراع تنها مانع از استفاده و بهره‌برداری دیگران از اختراع می‌شود و چنانچه مخترع خود نیز بخواهد دست به کاری یا تولیدی بزند، نیاز به اخذ مجوزهای جداگانه و طی مراحل اداری و تشریفاتی مخصوص به خود دارد که در هر کشور متفاوت است.

از دیگر سو، دولت گرچه این امتیاز را به ثبت می‌رساند ولی وظیفه کشف موارد سوءاستفاده از اختراع و بهره‌برداری بی‌اجازه از یک اختراع نه با دولت که با خود دارنده امتیاز است و در حقیقت مخترع، پلیس اختراع خود است و دولتها معمولاً تنها پس از شکایت مخترع و تعقیب قضیه از سوی او، وارد مراحل قانونی می‌شوند.

در مجموع، می‌توان گفت امتیاز اختراع یک امتیاز انحصاری است که از سوی دولت به یک مخترع برای یک مدت محدود و در عوض انتشار و اشاعه آن اختراع برای نفع عامه اعطاء می‌شود و لذا دولت در ازای اینکه مخترع، اختراع خود را به صورت یک راز مکتوم نگاه نداشته است و جزییات آنرا برای نفع علمی جامعه در اختیار دولت می‌نهد، از حقوق مادی و معنوی وی پاسداری می‌کند و مانع بهره‌برداری سوء دیگران از اختراع وی می‌شود.

شرایط اعطاء ورقه اختراع

یک اختراع یا اکتشاف باید حایز شرایط متعددی باشد تا قابلیت اخذ امتیاز مذکور را

بباید. این شرایط بطور خلاصه و فهرست‌وار معمولاً عبارتند از اینکه اولاً موضوع آن اختراع در قانون دولت مزبور، قابلیت اعطاء ورقه اختراع را داشته باشد. در قوانین بسیاری از کشورها، مواردی هستند که از دریافت این حق مستثنی می‌شوند. در این خصوص می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کشف مواد و عناصری که در حالت عادی در طبیعت موجودند

- تئوریهای علمی و فرمولهای ریاضی

- گونه‌های حیوانی و گیاهی

- طرحها و متدهایی که صرفاً ذهنی هستند، مثلاً یک روش خاص برای یک بازی مثل

شطرنج را نمی‌توان ثبت کرد و استفاده دیگران را ممنوع نمود.

علاوه بر موضوع اختراع، یک اختراع برای اینکه تحت حمایت دولت واقع شود باید کاربرد داشته باشد، جدید و تازه باشد و یک گام علمی واقعی به جلو باشد یعنی واضح و بدیهی نباشد و نهایتاً مطابق استانداردهای دولت مورد نظر، جزییات و طرح آن در اختیار دولت قرار گیرد.^(۱)

ب) کپی راییت و حقوق مشابه آن

کپی راییت شاخه‌ای از حقوق است که به مسائل مربوط به آفرینندگان آثار غیرمادی و ذهنی می‌پردازد. کپی راییت با گونه‌های بخصوصی از خلاقیت سروکار دارد که عمدتاً ناظر به ارتباطات جمعی^(۲) است. تمام اشکال و روشهای ارتباطات عمومی، نه تنها انتشارات چاپی بلکه موضوعاتی چون پخش صوت و برنامه‌های تلویزیونی، فیلم و نمایش عمومی آن در سینماها و حتی سیستمهای رایانه‌ای نگاهداری و بازیافت اطلاعات، به بحث کپی راییت مربوط می‌شوند. با این حال، کپی راییت، تنها حافظ «شکل بیان یک ایده» است نه خود ایده و عقیده. خلاقیتی که مورد حمایت قانون کپی راییت است، خلاقیت در انتخاب و ترتیب دادن کلمات، نتهای موسیقی، رنگها، اشکال و مانند اینهاست. قانون کپی راییت حامی دارنده این حق است در برابر

1. WIPO Publication, *op.cit.* p.p. 14-17

2. Mass Communication

کسانی که آن کار را «کپی» می‌کنند یعنی آن «شکلی»^(۱) را که مؤلف اصلی برگزیده بوده است، گرفته و مورد استفاده قرار می‌دهند. قانون کپی‌رایت هیچ ارتباطی به درستی یا نادرستی یا ارزش‌گذاری آن ایده و عقیده به لحاظ ماهوی ندارد و مؤلف اثر خود پاسخگو یا مدافع این موارد است.

موضوعات داخل در محدوده کپی‌رایت

این بخش دربرگیرنده تمام انواع تولیدات در زمینه‌های ادبیات، علوم و هنر است، با هر شکل و فرمی که ارائه شده باشند. با این شرط که یک کار برای اینکه تحت حمایت کپی‌رایت واقع شود، باید اصالت داشته باشد البته نه به آن معنا که ایده‌های بیان شده در آن کار جدید باشد بلکه به آن معنا که شکلی که مؤلف برای ارائه آن عقاید برگزیده است باید اصالتاً از خود وی باشد.^(۲) نهایتاً همانطور که گفته شد حمایت قوانین کپی‌رایت از یک آفرینه، مجرد است از هر نوع ارزش‌گذاری در مورد آن. یعنی یک کار مورد حمایت واقع می‌شود اگرچه به لحاظ سلاقی مختلف خوب یا بد باشد و این حمایت، به هدف مورد نظر آن آفرینه نیز کاری ندارد.

در عمل تمام قوانین کپی‌رایت در کشورها، از گونه‌های ذیل حمایت می‌کنند:

- کارهای ادبی مانند ناولها، داستانهای کوتاه، اشعار و ... بدون در نظر گرفتن محتوای آن، طول آن، هدف آن (آموزشی، سرگرمی، تبلیغات و ...)، شکل آن، (کتاب، جزوه، ورقه، روزنامه، مجله، و ...) چه چاپ شده باشد یا نه، بعلاوه در بسیاری از کشورها «کارهای شفاهی» که هنوز مکتوب نشده‌اند نیز تحت حمایت کپی‌رایت هستند.

- موسیقی به هر نوع و روش و با هر وسیله و ابزاری که نوشته یا نواخته شده باشد

- کارهای هنری اعم از دوبعدی مثل نقاشی یا سه بعدی مانند آثار حجمی

- نقشه‌ها و طراحی‌های فنی

1. Form

۲. صفایی، سیدحسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۵، ص ۷۱

- کارهای عکاسی

- تصاویر متحرک

- برنامه‌های رایانه‌ای

- وبلاخه در قوانین بسیاری از کشورها، هنرهای کاربردی نیز مورد حمایت هستند مثل جواهرسازی، لامپ و لوسترسازی، کاغذ دیواری، اثاث منزل (مبل‌مان) و ...

حقوق متشکله کپی رایت

- دارنده امتیاز کپی رایت می‌تواند کار خود را هر طور که خود بخواهد، مورد استفاده قرار دهد - البته با در نظر گرفتن حقوق دیگران و نظم عمومی - و می‌تواند سایرین را از استفاده و بهره‌برداری از آن بدون اجازه خود منع کند. لذا معمولاً از حقوقی که از سوی قانون به صاحب امتیاز یک اثر تعلق می‌گیرد بعنوان «حقوق انحصاری» صاحب امتیاز در اعطاء جواز به دیگران برای استفاده از آن آفرینه یاد می‌شود.^(۱)

همچنین، خالق اصلی اثر مورد حمایت کپی رایت علاوه بر حقوق انحصاری مزبور از برخی «حقوق اخلاقی»^(۲) نیز برخوردار است. چنانچه کنوانسیون برن از دول عضو می‌خواهد که به این اشخاص حق «ادعای خلق آفرینه» و حق «جلوگیری از هر نوع وارونه جلوه دادن و قلب واقعیت، ناقص‌سازی یا دستکاری و یا سایر اعمال مخرب در ارتباط با اثر وی که به پیش‌داوری سوء در مورد وی و هتک حیثیت و شرافت او بیانجامد»، اعطاء کنند.

اما معنای «بهره‌برداری از یک اثر که تحت حمایت کپی‌رایت است» چیست؟

بیشتر قوانین کپی‌رایت، اعمالی را که سایرین نمی‌توانند بدون کسب اجازه از صاحب

امتیاز انجام دهند، تعریف کرده‌اند. این اعمال عموماً به شرح ذیل هستند:

کپی‌کردن یا باز تولید کردن آن اثر، اجرای آن اثر در معرض عموم، ساخت یک اثر صوتی

1. International Bureau of *WIPO, Introduction to Basic Notions of Copy Right and Neighboring Rights*, WIPO/CNR/KTM/97, Geneva, 1997, p. 9

2. Moral Rights

از آن، تهیه یک فیلم از آن کار، پخش رادیو تلویزیونی، ترجمه و اقتباس از آن اثر.^(۱)

حقوق مشابه کپی رایت

گفتیم که برخی حقوق وجود دارند که با کپی رایت در ارتباطند و آنها را اصطلاحاً حقوق مشابه کپی رایت می‌خوانند. بطور عمده، سه نوع عمده از این دست موجود است: حقوق هنرپیشگان^(۲) در اجراهایشان، حقوق تولیدکنندگان آثار - تهیه‌کننده‌ها و مؤسسات تکثیر و چاپ - و حقوق سازمانهای پخش‌کننده برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی^(۳) و در یک کلمه، حمایت از تمامی آنانی که به خالقان آثار در رساندن پیغام و عرضه آثارشان در عرصه عمومی کمک می‌کنند، در محدوده «حقوق مشابه» قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که روز بروز تعداد بیشتری از کشورها مضمون حقوق مشابه را در قوانین خود داخل کرده‌اند تا از منافع اجراکنندگان، تهیه‌کنندگان و بنگاههای رادیو - تلویزیونی در ارتباط با استفاده عمومی از کارهای مورد نظر و رساندن اخبار، اطلاعات، اصوات و تصاویر به عموم مردم حفاظت کنند. مهمترین مقوله‌ها در این میان عبارتند از حق هنرپیشگان (اجراکنندگان) نسبت به جلوگیری از ضبط، پخش و انتشار عمومی اجراهایشان بدون جلب رضایت آنها، حق تولیدکنندگان محصولات صوتی (فونوگرام) برای صدور اجازه و یا جلوگیری از توزیع، باز تولید یا تقلید تولیداتشان بدون کسب اجازه از آنها و حق سازمانهای رادیو - تلویزیونی نسبت به صدور اجازه و یا منع باز پخش و یا کپی کردن آثارشان توسط دیگر سازمانها. تعداد روبه افزایشی از کشورها تا بحال این موارد را تماماً یا بطور جزئی در قوانین خود و عمدتاً در قانون کپی‌رایت مورد حمایت قرار داده‌اند.^(۴) بعلاوه برخی کشورها، نوعی حقوق اخلاقی نیز برای این

۱. در این زمینه، قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان کشورمان در ماده ۳ می‌گوید: «حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.»

2. Performers

3. Broadcasting Organizations

۴. در این زمینه در قوانین کشورمان می‌توان به قانون حمایت از مؤلفین و مصنفین و هنرمندان اشاره کرد که در مواد ۱ و ۲ خود، بسیاری از مواردی را که در این مبحث تحت عنوان «حقوق مشابه» از آنها یاد کرده‌ایم، تحت حمایت خود قرار می‌دهد.

اشخاص قائل شده‌اند، حقوقی مشابه حقوق اخلاقی که در بخش کپی‌رایت توضیح داده شد. در اینجا برای روشن شدن بهتر مطلب باید ذکر کنیم که مفهوم اصطلاح «حمایت از اجراگران یا هنرپیشگان»، محافظت از منافع و حقوق بازیگران، خوانندگان، موسیقی‌دانان یا سایر افرادی است که با ایفای نقش، خواندن، نواختن و نظایر آنها، کارهای هنری و ادبی - از جمله آثار فولکلور - ارائه می‌دهند در برابر استفاده‌های خلاف قانون از آثار و اجراهای آنها.

اصطلاح «تولیدکننده فونوگرام»^(۱) یا «تولیدکننده محصولات صوتی» ناظر به هر شخص حقیقی یا حقوقی است که برای نخستین بار صدای یک «اجرا» را ضبط می‌کند و «فونوگرام» به اصوات منحصر بفرد ضبط شده از یک اجرا اطلاق می‌گردد. تقلید یا تکثیر از یک فونوگرام به معنی هر چیزی است که بطور مستقیم یا غیرمستقیم، تمام یا بخش عمده‌ای از اصوات ضبط شده در یک فونوگرام را در خود داشته باشد و این خود می‌تواند یک صفحه گرامافون، نوار کاست و یا یک دیسک فشرده^(۲) باشد و پخش^(۳) معمولاً بمعنای انتشار رادیو تلویزیونی صدا با تصویر یا بدون تصویر در عرصه عمومی است. در یک معنای گسترده، این اصطلاح شامل انتشار از طریق کابل و سیم مثلاً در شبکه‌های تلویزیونی کابلی نیز می‌شود.

منظور از نخستین ضبط یک اجرا، ضبط کردن یک اجرای زنده برای نخستین بار و نه از روی هر نوع صدای ضبط شده دیگر می‌باشد. به عبارتی نخستین ضبط اصوات یک اجرا بر روی دیسکت، نوار یا هر نوع ابزار دیگر. نخستین ضبط یک اثر را نباید با نخستین پخش یا انتشار یک فونوگرام اشتباه کرد.^(۴)

منظور از «بازپخش» این است که یک سازمان رادیو تلویزیونی، آثاری را که یک سازمان یا

1. Phonogram

2. Compact Disc or C.D.

3. Broadcasting

۴. موارد ذکر شده در مورد ضبط یا پخش آثار صوتی تماماً قابل تعمیم به آثار تصویری نیز می‌باشند و علت اینکه در تعاریف فوق بیشتر به آثار صوتی پرداخته شده است تنها در این است که این تعاریف در زمانهایی بعمل آمده است که صنعت فیلمبرداری به شیوه امروزی یا وجود نداشت و یا به این گستردگی نبود، در هر حال در تمام اسناد و قوانین جدید، این مقررات به طریق اولی در مورد آثار تصویری نیز ساری و جاری است.

منبع دیگر پخش کرده، دریافت کند و دوباره پخش نماید.^(۱)

در نهایت ذکر این نکته مهم است که با توجه به اینکه در حیات فرهنگی کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه، میراث فرهنگی و هنری ارزش بسیار زیادی دارد، حفاظت از حقوق کسانی که به هر نوعی در اشاعه و استمرار این آثار فرهنگی نقش دارند، اهمیت زیادی دارد و از آنجا که در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران که بخش عمده‌ای از سنت‌ها و فرهنگشان بصورت غیرمکتوب و شفاهی است و نیز اغلب اوقات مؤلف یک اثر، خود اجراگر آن نیز هست، این موضوع اهمیت مضاعفی می‌یابد، در این زمینه باید همواره جایگاه آثار فولکلور^(۲) و سنتی را در خاطر داشت و از حقوق هنرمندانی که حامل این آثار هستند حمایت کرد. همچنین حمایت از حقوق و منافع تولیدکنندگان آثار ضبط شده صوتی یا تصویری در این زمینه، سبب رشد این بخش از صنعت شده و ضمن تضمین دوام و اشاعه فرهنگ ملی، هم در چارچوب مرزها و هم در سطح جهان، می‌تواند محل درآمد خوبی برای اقتصاد کشور بوده و در مواردی که این آثار بتوانند به خارج از مرزها نفوذ کنند، می‌توانند منبع ارزآوری برای کشور نیز باشند. این حفاظت و حمایت باید دربرگیرنده سازمانهای رادیو تلویزیونی نیز در قبال کپی‌کاری و بازپخش کارهایشان بشود.

ذکر این مسأله خالی از اهمیت نیست که در کشورهای مختلف، ممکن است حق کپی‌رایت قابل انتقال باشد یا نباشد و نیز ممکن است استثناءهایی مانند محدودیتهای زمانی یا مکانی (جغرافیایی) وضع شود و یا برخی استفاده‌ها و بهره‌برداریهامجاز شناخته شود مثل تکثیر برای استفاده شخصی و نه فروش و استفاده اقتصادی و یا نقل قول با ذکر منبع و ...

1. International Bureau of WIPO, *op.cit*, p.p. 11-15

2. Folklore

ج) مارک‌های تجارتي و خدماتي

مارک‌های تجاري^(۱)

مارک تجارتي، هر علامتي است اعم از نقش، تصوير، رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غيره که براي امتياز و تشخيص محصول صنعتي يا تجارتي يا فلاحتي اختيار شود.^(۲) بعبارت ديگر يک علامت تجاري علامتي است که کالاي يک شرکت معين را مشخص کرده و سبب تميز آن از کالاهای شرکت‌های رقيب می‌گردد. برای اينکه کالا برای خريدار مشخص باشد، بايد علامت تجاري نشاندهنده منبع خود باشد. اين بدان معنی نيست که بايد خريدار از نام دقيق کسی که کالا را توليد کرده و يا می‌فروشد مطلع شود بلکه کافي است که خريدار بتواند به يک شرکت يا مؤسسه معين که مسئول کالايی است که تحت آن نام فروخته شده است، اطمینان يابد و لزومی ندارد که وی از جزييات نام و مشخصات آن شرکت يا مؤسسه مطلع باشد. اين بدان خاطر است که خريدار بتواند کالاهای اين مؤسسه را از سايرين تميز دهد و حق انتخاب داشته باشد.

مارک‌های خدماتي^(۳)

در بازرگانی نوين، مشتري نه تنها با تعداد بسيار زيادی از انتخابها برای خريد کالاهای گوناگون روبرو است بلکه تعداد روبه تزايدی از خدمات در عرصه ملی و بين‌المللی نيز در مقابل وی صف کشيده‌اند. بنابراین بايد علائمی موجود باشد که مشتري را قادر سازد در کارهای گوناگون خدماتي نظير بیمه، هواپیمایی، بانکداری، اجاره اتومبيل و غيره، مؤسسات و شرکت‌های مختلف را از يکديگر تميز دهد. اين علائم را «مارک‌های خدماتي» می‌نامند و کارکرد عمده آنها دقيقاً نظير همان مارک‌های تجاري است. به لحاظ نزديکی فراوان مارک‌های خدماتي به مارک‌های تجاري، معمولاً در قوانين مربوطه آنها را به صورت يک پيوست کوتاه بدنبال مقررات مربوط به حفاظت از مارک‌های تجاري می‌آورند. لذا مارک‌های خدماتي را اصولاً بهمان روش مارک‌های تجاري

1. Trade Marks

۲. جعفري لنگرودی، محمدجعفر، پيشين، ص ۴۶۶

3. Servic Marks

می‌توان ثبت کرد، تجدید کرد و یا لغو نمود و قانون حاکم برای آنها همان قانون حاکم برای مارکهای تجاری است.

مارکهای جمعی^(۱) و مارکهای تضمینی^(۲)

این نوع علائم، معمولاً به یک شرکت خاص محدود نیستند و تعلق ندارند. مارکهای جمعی معمولاً به مارکهای انجمن‌هایی اطلاق می‌شود که مؤسسات تولیدی یا خدماتی که در زمینه مورد نظر فعال هستند، اگر استانداردهای آن انجمن‌ها را رعایت کنند، حق دارند علاوه بر مارک تجاری یا خدماتی خود، از علامت آن انجمن نیز به نشانه عضویت در آن استفاده کنند.^(۳) کنوانسیون پاریس^(۴) مقرر می‌دارد که کشورها این نوع علائم را نیز باید محترم بشمارند و این مسأله که فلان نهاد یا انجمن در کشوری بخصوص به ثبت نرسیده و یا طبق قوانین آن کشور تأسیس نشده است، دلیل بر آن نمی‌شود که در آن کشور حمایت لازم از مارک و علامت آن بعمل نیاید. با این حال کنوانسیون در مورد منافع ملی هر کشور عضو، این استثناء را قائل می‌شود که آن کشور حق دارد شرایط خود را برای حمایت یا سرباز زدن از حمایت از چنان مارک جمعی در صورتیکه خلاف منافع ملی باشد، بکار بندد.

مارکهای تضمینی نیز نوع بخصوصی از علائم هستند که تنها به استانداردهای تعریف شده برای کیفیت کالا برمی‌گردند. تفاوت عمده بین مارکهای جمعی و مارکهای تضمینی در این است که دارندگان مارکهای جمعی تنها مؤسسات خاصی هستند مثلاً اعضای یک انجمن یا ... و در حقیقت در این نوع مارکها یک حالت «بسته» وجود دارد که باعث می‌شود دارندگان این مارکها تشکیل یک نوع کلوپ را بدهند ولی مارکهای تضمینی مثل علامت استاندارد ایران یا ایزو ۹۰۰۰

1. Collective Marks

2. Certification Marks

3. International Bureau of WIPO, *Introduction to Trademark Law and Practice*, 2nd edition, WIPO Publication No. 653 (e), Geneva, 1993, p. 7

۴. ماده ۷ مکرر

تنها با شرط رعایت استانداردها اعطا می‌شوند و در حالت کلی بر روی همه افراد باز هستند.^(۱)

شرایط لازم برای اعطاء حمایت از مارکها

شرایط لازم برای اینکه یک «مارک» قابل حمایت شناخته شود عمدتاً در سراسر جهان بصورت استاندارد است. در کل دو نوع شرط متفاوت باید وجود داشته باشد. نخستین شرط به ماهیت و کارکرد اصلی مارک تجاری برمی‌گردد. یعنی تمیز دادن محصولات یا خدمات یک مؤسسه از دیگران. لذا باید یک علامت تجاری یا خدماتی، «متمایز» و «قابل تشخیص» باشد. شرط دوم، باز می‌گردد به اثرات مخرب احتمالی یک علامت. یعنی چنانچه علامت مورد نظر از ماهیتی گمراه‌کننده برخوردار بوده و یا ناقض نظم و اخلاق عمومی باشد از آن حمایت نمی‌شود. این دو شرط تقریباً در تمام قوانین ملی مربوط به مارکهای تجاری موجود هستند.^(۲) در کنوانسیون پاریس نیز ذکر شده است که تنها در صورتی می‌توان از حمایت و یا ثبت مارکهای تجاری مذکور در کنوانسیون سرباز زد یا با آنها مقابله کرد که نامتمایز بوده و قابل تمایز و تشخیص نباشند یا ناقض نظم یا اخلاق عمومی باشند و یا از طبیعتی متقلبانانه و فریب‌دهنده برخوردار باشند.^(۳)

درخصوص قابل تمییز بودن یک مارک باید گفت این خاصیت تنها در رابطه با کالایی که مارک تجاری برای عرضه آن استفاده شده است سنجیده می‌شود، مثلاً علامت سیب برای عرضه محصول سیب کاملاً نامتمایز است چون در هر حال تمام تولیدکنندگان، سیب تولید می‌کنند ولی مارک سیب در مورد رایانه‌های شخصی بسیار متمایز کننده است و می‌تواند کاملاً محصولات کارخانه «اپل»^(۴) را از دیگر تولیدکنندگان رایانه قابل تشخیص نماید. پس در واقع اصل «ضرورت متمایز بودن علامت» بیانگر این نیز هست که هیچ‌کس حق ندارد یک اصطلاح

1. Ibid

۲. این شروط در مواد ۴ و ۵ قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ نیز آمده‌اند.

3. Article 6 quinquies B

4. Apple Computers

ژنریک^(۱) را برای کالای خود که مصداقی از آن «کل» است، صادره نماید.

در خصوص اینکه یک علامت نباید متقلبانه و فریب‌دهنده باشد، می‌توان مثال زد که یک شرکت تولیدکننده شکلات در آسیا، با سوء استفاده از شهرت شکلاتهای سوئیسی، نام و تصویر یک کوه معروف سوئیسی یا یک شهر سوئیسی را برای محصول خود برگزیند و این سبب شود که خریدار در تشخیص مبدا ساخت شکلات دچار مشکل شود، یا یک کارخانه قالی‌بافی هندی، نام تبریز یا اصفهان را برای قالی‌های خود برگزیند تا خریدار تصور کند با خرید آن، یک قالی ایرانی را می‌خرد.

در مورد عدم استفاده از مارکهای خلاف نظم و اخلاق عمومی نیز می‌توان اشاره کرد که مؤسسات حق ندارند در مارکهای خود از علائم و نمادهای مؤسسات عمومی مثل ادارات و وزارتخانه‌ها و یا احزاب غیرقانونی و یا تصاویر خلاف قوانین و عرف ملی استفاده نمایند.

د) طراحیهای صنعتی و مدارهای همگرا^(۲)

۱- طراحیهای صنعتی

این اصطلاح در یک معنای عام، باز می‌گردد به خلاقیت‌هایی که برای زیبا جلوه دادن یک کالای تولید شده صورت می‌گیرد تا در قالب محدودیت‌های مالی، هم کالا بتواند کارکرد اصلی خود را به خوبی داشته باشد و هم به لحاظ ظاهری بتواند خریدار بالقوه را جلب کند. اما در بعد حقوقی، اصطلاح طراحی صنعتی ناظر به حقی است که در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است که بر مبنای آن از جلوه‌های ظاهری یک محصول - و نه خصوصیات مربوط به کارایی و توان محصول - که نتیجه خلاقیت در طراحی است، حفاظت شود.^(۳) با در نظر گرفتن این نکته که خصوصاً در شرایطی که کالاهایی با کارایی و کارکرد یکسان در بازار موجود است و ظاهر یک کالا می‌تواند اثر بسیار زیادی در جلب مشتری داشته باشد، حفاظت از طراحیهای

1. Generic

2. Integrated Circuits or I.Cs

3. International Bureau of WIPO, *The Main Objects of Industrial Property: Inventions, Industrial Designs, Marks*, WIPO/LIC/WL6/91/1, Geneva, 1991, p. 1

صورت گرفته برای زیباتر نمودن ظاهر محصولات، در واقع حفاظت از حقوق یک مؤسسه در تلاش برای موفقیت در بازار فروش است.

لذا هر نوع خلاقیت از جنبه شکل، رنگ یا پیکربندی داخلی یا خارجی کل یا قسمتی از یک محصول صنعتی یا صنایع دستی که جلوه خاصی به آن بدهد و در قضاوت ظاهری نسبت به آن مؤثر باشد، مطابق بخش ۲ قانون مدل وایپو در مورد طراحیهای صنعتی^(۱) (که در بسیاری از کشورهای جهان هم مشابه دارد) قابل حمایت است. با این حال این حمایت به آن بخش از طراحیهای صنعتی که صرفاً به منظور نیل به یک هدف فنی به وجود آمده‌اند تسری داده نمی‌شود (مثلاً در هر حال یک ضبط صوت باید محلی برای نوار داشته باشد و نمی‌توان جانواری ضبط صوت را به کلی داخل در این مقوله دانست و یا مثلاً تمام پیچها به یک شکل ساخته می‌شوند (رزوه شده) و اگر رزوه بودن پیچ را به یک سازنده اختصاص دهیم، سایرین را از حقوق خود محروم کرده‌ایم).

۲- ارتباط با کپی رایت

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که موضوعاتی که تحت حمایت قانون طراحیهای صنعتی واقع می‌شوند، ممکن است مشمول قانون کپی رایت نیز واقع گردند. لذا طراحیهای صنعتی هم با قوانین کپی رایت و هم با قوانین مالکیت صنعتی ارتباط دارد. بنابراین، بسته به قوانین کشورها، فرد ممکن است از هر دو و یا یکی از دو قانون برای حمایت از حقوق خود سود جوید. برخی قوانین نظیر آلمان یا فرانسه و نیز قانون مدل وایپو (بخش ۱ پاراگراف ۲) اینکه حقوق فرد توسط یکی از دو قانون مورد حمایت قرار گیرد را مانع حمایت قانون دیگر نمی‌دانند و در واقع اثر هر دو قانون را به رسمیت می‌شناسند. ولی در بسیاری از کشورها، فرد با انتخاب یکی از دو قانون، دیگری را به کنار می‌نهد و دیگر نمی‌تواند به آن استناد جوید.

تفاوتهای عمده میان قانون کپی رایت و قانون طراحیهای صنعتی معمولاً به شرح ذیل

1. Wipo Model Law for Developing Countries on Industrial Designs, Section 2, Article 3 (1)

است:

- تحت قانون طراحیهای صنعتی، حمایت در صورتی بعمل می آید که طرح مزبور توسط متقاضی قبل از هر نوع استفاده به ثبت برسد. ولی کپی‌رایت در اکثر کشورها بدون تشریفات و ثبت قابل اعمال است.

- حمایت قانون طراحیهای صنعتی معمولاً متعلق به دوره‌ای کوتاه از ۳ تا ۱۵ سال است ولی کپی‌رایت در اکثر کشورها تا زمان مرگ مؤلف و حتی ۵۰ سال پس از مرگ وی ادامه دارد. - حقی که تحت قانون طراحیهای صنعتی با ثبت یک طرح بدست می آید، کامل و جامع است یعنی اگر یک کپی یا تقلید بطور غیر عمدی نیز بعمل آمده باشد، به عنوان یک «نقض» شناخته می‌شود حتی اگر بدون قصد بوده و مرتکب از اثر ثبت شده اطلاعی هم نداشته باشد و بطور مستقل کار کرده باشد، ولی در قانون کپی‌رایت عمل تنها در صورتی تخلف شناخته می‌شود که بازتولید همان اثر اصلی باشد و نه صرفاً تبادر ذهن.^(۱)

۳- مدارهای همگرا

یک زمینه دیگر در بحث حفاظت از داراییهای معنوی، نقشه مدارهای ریز الکترونیکی یا آی.سی.هاست. این مدارها اغلب نتیجه کار مداوم و صرف وقت متخصصان متبحر و نیز سرمایه‌گذار پیهای عظیم هستند. هر چه این مدارها کوچکتر شوند، ماده اولیه کمتری برای تولید و فضای کمتری برای جایگیری نیاز دارند و با توجه به کاربرد روزافزون این مدارها در صنایع مختلف مثل ساعت، تلویزیون، رایانه، اتومبیل و ... اهمیت فراوانی دارد که مدارهایی با کارایی بیشتر و حجم کمتر طراحی و ساخته شود.

در عین حال، کپی از روی یک مدار، هزینه بسیار ناچیزی دربردارد که در مقابل سرمایه‌گذار پیهای عظیم برای طراحی آن، عملاً صفر است. سادگی تقلید و کپی این مدارها و دشواری طراحی اولیه آنها، ضرورت قانونگذاری برای حمایت از حقوق طراحان اولیه این مدارها

1. International Bureau of WIPO, *Supra*, 55

را آشکار می‌سازد. با این حال استفاده از یک مدار برای طراحی مداری با کارایی بیشتر که در حقیقت نوعی پیشرفت به نفع عموم است، مجاز می‌باشد.^(۱)

در این ارتباط در سال ۱۹۸۹ موافقتنامه‌ای درخصوص مدارهای همگرا در واشنگتن منعقد شد که بر روی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با شرایط خاص مفتوح است. این موافقتنامه بعدها با اصلاحاتی در موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی^(۲) سازمان تجارت جهانی وارد شد و جنبه جهانی یافت.^(۳)

تعریف موضوع

معاهده مورد نظر آی. سی را محصولی می‌داند که «در شکل نهایی یا متوسط خود، از چند المنت^(۴) تشکیل یافته باشد که این المنت‌ها بر روی یک تکه ماده مخصوص با هدف ایفای یک کار الکترونیکی سوار شده‌اند» و نقشه آی. سی. به معنای «طرحی است که آن عناصر و نحوه جایگزینی و ارتباطات آنها را بنحوی شرح دهد که بتوان از روی آن، آی. سی مورد نظر را تولید کرد.»

مطابق معاهده واشنگتن، طرفهای عضو متعهد هستند که از حقوق مالکیت معنوی مربوط به طرحها و نقشه‌های آی. سی‌ها چه در یک وسیله مورد استفاده قرار گرفته باشند یا خیر، کمال حمایت را بعمل آورند. یعنی حداقل، باز تولید طرح مزبور، فروش و یا سایر روشهای توزیع با اهداف تجاری را بدون اجازه صاحب امتیاز منع کنند. با این احوال، ممکن است از آی. سی‌ها برای اهداف شخصی و یا برای کارهای صرف علمی مثلاً تجزیه و تحلیل، ارتقا، تحقیقات یا

1. For more information look at: Andrew, Christie, *Integrated Circuits and their contents: International Protection*, Sweet & Maxwell, London, 1995

2. Trade Related aspects of Intellectual Properties or TRIPs

۳. برخی از این اصلاحات عبارتند از افزایش زمان حمایت از ۸ به ۱۰ سال، تسری حقوق انحصاری صاحب امتیاز به کالاهایی که از آی. سی مورد نظر در آنها استفاده شده است، و نیز محدود کردن شرایطی که در آنها بدون کسب رضایت صاحب امتیاز، می‌توان از آی. سی مورد نظر استفاده کرد.

4. Element

آموزش بهره برد و نیز در شرایطی که استفاده از آن برای اهداف ملی ضرورت داشته باشد و قبلاً تلاش برای کسب رضایت صاحب امتیاز ناموفق بوده باشد، مرجع صادرکننده امتیاز می تواند آنرا بطور محدود یا نامحدود لغو کند تا از منافع ملی حراست شود.^(۱)

ه) علائم جغرافیایی^(۲)

برخی اسامی جغرافیایی نظیر نام شهرها یا کشورها یا مناطق وجود دارند که در سراسر جهان نامشان با نام یک محصول طبیعی یا نوع خاصی از یک محصول آمیخته است، بطوری که گاهی انسان با شنیدن آن نام بیشتر به یاد آن محصول می افتد تا خود محل. بدین لحاظ، مشخص است که علائم جغرافیایی در مواردی می توانند سبب ارزش تجاری بالایی شوند. لذا در مواردی اینچنین، تقلب و نیرنگ، فراوان به چشم می خورد و درست بهمین دلیل، حمایت جهانی و ملی از این علائم و مشخصات ضروری است.

مفهوم «حفاظت از علائم جغرافیایی» در مذاکرات بین المللی مفهومی تازه و جدید است. با این حال در کنوانسیون پاریس در مورد حفاظت از داراییهای صنعتی^(۳)، اشاره ای نیز به علائم مشخص کننده مکان و محل ساخت^(۴) و نام مبدأ^(۵) محصول شده است که در معاهدات رسمی واپس ه هنوز نیز این اصطلاح بکار می رود. تفاوت دو اصطلاح فوق در این است که محل ساخت باز می گردد به علامت یا اصطلاحی که نشانگر آن است که محصول مزبور از یک کشور، منطقه یا محل خاصی ریشه می گیرد ولی «نام مبدأ» بیانگر نام جغرافیایی یک کشور، منطقه یا محل است که بیانگر کیفیت و خصوصیات خاص محصولی است که در آن کشور بطور انحصاری یا عمده تولید می شود، مثلاً بدلیل خصوصیات طبیعی یا انسانی یا ... که فقط یا اکثراً در آن منطقه وجود

1. International Bureau of WIPO, *Guide on the Licensing of Integrated Circuits*, WIPO Publications No. 689(E), Geneva, 1999, p. 12

2. Geographical Indications

۳. ماده ۱ پاراگراف ۲

4. Indication of Source

5. Appellation of origin

دارد. در واقع «نام مبدا» حالتی اخص از «محل ساخت» است که وقتی بکار می‌رود باید علاوه بر اینکه آن محصول در آن محل ساخته شده باشد، آن خصوصیات مورد نظر را هم داشته باشد مثلاً با همان روشهای سنتی مورد نظر و یا با همان مواد مورد نظر ساخته شده باشد.^(۱) مثلاً با توجه به شهرت فرشهای دست بافت منطقه فراهان، اگر کارخانه‌ای نام محصولات خود را فرش فراهان بگذارد ولی فرشهای ماشینی ارائه دهد، گرچه این فرشها در همان منطقه فراهان تولید شده باشد، چون نام «فرش فراهان» تداعی کننده کیفیات و خصوصیات خاصی است، این نام می‌تواند سبب بروز اشتباه در خریدار گردد.

اصطلاح «علائم جغرافیایی» توسط وایپو برای موضوع یک معاهده جدید در جهت حمایت بین‌المللی از نامها و نشانه‌هایی که مشخص کننده اصالت جغرافیایی یک محصول معین هستند، برگزیده شده است. این اصطلاح در وسیع‌ترین معنای ممکن بکار می‌رود. یعنی علاوه بر اینکه تمام موارد فوق‌الاشاره را پوشش می‌دهد، شامل نشانه‌ها نیز می‌شود چرا که علائم جغرافیایی محدود به اسامی نیست بلکه شامل نشانه‌هایی نیز می‌شود که اگرچه غیرمستقیم، ولی بطور مؤثر اشاره به چنان مناطقی دارد. مثلاً برج ایفل برای پاریس، سی و سه پل برای اصفهان، تاج محل برای هندوستان و ...

اصطلاح مزبور در مصوبه ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۲ شورای اتحادیه اروپایی و نیز بخش «علائم مربوط به مبدا محصولات کشاورزی و غذایی» در موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی به چشم می‌خورد. در هر دو این اسناد، اصطلاح مزبور در مورد کالاهایی استعمال شده است که کیفیت و مشخصات آنها قابل انتساب به مبدا جغرافیایی شان باشد که این مفهوم به مفهوم «نام مبدا» نزدیکتر است.

1. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, WIPO Publication No. 476 (E), Geneva, 1999, p.p. 115-25

تفاوت علائم جغرافیایی با مارکهای تجاری

هنگامی که علائم جغرافیایی را بعنوان یک نوع خاص از علائم بکار رفته در بازرگانی و لذا مقوله‌ای خاص در مالکیت معنوی ذکر می‌کنیم، باید به تفاوت‌های آن با مارکهای تجاری اشاره‌ای کنیم و آنها را از یکدیگر تمیز دهیم. مارکهای تجاری معرف مؤسسه‌ای هستند که کالا یا خدمات خاصی را در بازار عرضه می‌کند، درحالی‌که یک علامت جغرافیایی معرف منطقه‌ای جغرافیایی است که در آن منطقه ممکن است یک یا چند مؤسسه واقع باشند که تولیدکننده آن نوع کالایی هستند که علامت جغرافیایی مورد نظر برای آن بکار رفته است. لذا علامت جغرافیایی هیچ «مالکی» ندارد، یعنی شخص یا مؤسسه‌ای نمی‌تواند دیگران را از کاربرد آن منع کند، بلکه تمام آنهایی که در آن ناحیه و باکیفیات مورد نظر، آن کالا را تولید می‌کنند حق استفاده از آن علامت را دارند.^(۱)

دو جنبه مختلف حمایت از علائم جغرافیایی

باید در نظر داشت که در مورد علائم جغرافیایی دو نوع مسأله ممکن است پدید آید. نخست ضرورت مقابله با سوء استفاده از این اسامی، یعنی حفاظت از منافع و حقوق کسانی که به حق از این علائم استفاده می‌کنند در قبال کسانی که به ناحق از این علائم سود می‌برند. اما جنبه دوم که قدری ظریفتر به نظر می‌رسد، مربوط می‌شود به حالتی که آن «دیگران» مدعی می‌شوند که آن علامت جغرافیایی تبدیل به یک نام ژنریک برای محصول مورد نظر شده است و لذا هر کسی که آنرا تولید می‌کند در هر کجا که باشد حق استفاده از آنرا دارد و همانطور که قبلاً ذکر شد، اسامی ژنریک از محدوده حفاظت حقوق مالکیت معنوی خارج هستند. مثال بارز این وضعیت که در اکثر کتب مربوطه ذکر می‌شود و ما صرفاً به قصد توضیح مطلب آنرا تکرار می‌کنیم واژه فرانسوی «شامپانی»^(۲) است که گرچه در خود فرانسه فقط آن دسته از مشروبات الکلی که در ناحیه شامپانی و با رعایت کیفیات مورد نظر تولید می‌شوند حق استفاده از این نام

1. Ibid

2. Champagne

را دارند ولی در ایالات متحده، تمام کمپانیهایی که مشروباتی بدان روش تولید می‌کنند به این عنوان که این نام تبدیل به یک نام ژنریک برای محصول مورد نظر شده است، از این نام برای معرفی محصولات خود بهره می‌برند گرچه یقیناً در منطقه شامپانی قرار ندارند.^(۱)

درخصوص این جنبه، «موافقتنامه لیسبون برای حفاظت از اسامی مبدا و ثبت بین‌المللی آنها» مقرراتی دارد که بطور خلاصه عبارت است از اینکه هنگامی که این علائم ثبت می‌گردند، از آنها بطور نامحدود از لحاظ زمانی حمایت به عمل خواهد آمد و به هیچ عنوان، اسامی جغرافیایی یا این نوع علائم مشابه را بعد از ثبت تازمانی که در خودکشور مبدا، این علائم، ژنریک محسوب نگردد، نمی‌توان «ژنریک شده» دانست. بنابراین حمایت بین‌المللی فقط در دو صورت انجام نمی‌شود، یکی زمانی که در خودکشور مبدا، این علامت را «ژنریک» محسوب کنند و دیگری در صورتی که بنا به تقاضای نهاد صاحب صلاحیت در کشور مبدا، امتیاز ثبت شده بین‌المللی توسط دفتر بین‌المللی وایپو ملغی گردد.

حمایتهای مورد نظر در ماده ۳ موافقتنامه لیسبون بسیار گسترده است. هر نوع تقلید و کاربرد نابجای علائم مورد نظر ممنوع است، حتی اگر نام مبدا اصلی محصول نیز ذکر شده باشد و حتی اگر علامت مزبور به شکل ترجمه شده و غیره استفاده شده باشد.^(۲)

و) حفاظت در قبال رقابت ناجوانمردانه

این مفهوم نخستین بار در کنفرانس دیپلماتیکی که در بروکسل در سال ۱۹۰۰ برای بازنگری معاهده پاریس تشکیل شد بصورت ماده ۱۰ مکرر داخل عهدنامه شد. در حال حاضر در سند استکهلم ۱۹۶۷ از معاهده پاریس در مورد حمایت از حقوق مالکیت صنعتی چنین آمده

۱. مثال دیگری که می‌توان ذکر کرد واژه «قالی» است. قالی گویا ابتدائاً به فرشهایی اطلاق می‌شده است که در شهری به نام قال بافته می‌شده‌اند اما بعدها این اصطلاح به طور کلی در مورد تمام انواع فرش استفاده شده است.

2. International Bureau of WIPO, Protection and Registration of Geographical Indications (Including Appellations of Origin) on the National & International Level: the Lisbon Agreement for the protection of Origins and their International Registration, WIPO/ACAD/S/94/8, Geneva, 1994, p. 8

است.

«۱- تمام دول این اتحادیه باید حفاظت از اتباع یکدیگر را در قبال رقابت ناجوانمردانه تضمین نمایند.

۲- هر نوع رقابت برخلاف رفتار شرافتمندانه در موضوعات بازرگانی یا صنعتی، یک نوع رقابت ناجوانمردانه است.

۳- موارد ذیل بخصوص ممنوع هستند:

الف) تمام اعمالی که ذاتاً سبب ایجاد سردرگمی در مورد کالاها یا فعالیتهای اقتصادی، بازرگانی یا صنعتی رقیب گردند.

ب) ادعاهای کذب در جریان تجارت به نحوی که سبب کاهش اعتبار رقیب گردد.

ج) علائم یا ادعاهایی که استفاده آنها در جریان بازرگانی سبب گمراهی عامه در مورد اصل، روند تولید و مشخصات و کمیت کالاها و مناسب بودن آن کالاها برای اهدافی خاص شود.»

درخصوص این مقوله باید اشاره کرد که در واقع با در نظر گرفتن چند نمونه، روشن می شود که بحث حفاظت علیه رقابت ناجوانمردانه، پوشش دهنده ابعادی از مالکیت صنعتی است که در بخشهای قبلی مورد اشاره مستقیم واقع نشده اند، مثلاً با استناد به این مبحث، چنانچه مخترعی اختراع خود را به قصد استفاده های بعدی، به صورت یک راز مکتوم دارد و لذا برای کسب امتیاز آن بصورت ورقه اختراع اقدام نکند، تلاش رقبا برای دستیابی به آن و استفاده از آن گرچه چون هنوز اختراع ثبت نشده است، توسط «حقوق مربوط به ورقه اختراع» محکوم نیست ولی به عنوان یک نوع تجارت و رقابت ناجوانمردانه محکوم بوده و ممکن است تحت تعقیب واقع شود. و با استفاده غیرمجاز از یک مارک تجاری ثبت نشده را با استناد به این بخش از حقوق که شاید بتوان آنرا جزء «اصول کلی حقوق» طبقه بندی کرد، می شود منع نموده و تعقیب نمود.^(۱)

1. International Bureau of WIPO, *Protection against Unfair Competition*, WIPO Publication No.

در هر حال، نباید از این نکته غفلت نمود که با وجود مضامینی که در کنوانسیونهای مذکور و یا قوانین داخلی کشورها برای «رقابت ناجوانمردانه» ذکر شده است، مفهوم این اصطلاح و به عبارت دیگر معنی و حدود و استانداردهای «انصاف»^(۱)، «صداقت»^(۲) و «حسن نیت»^(۳)، بسیار نامعین و مبهم است و از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر دستخوش تغییر بوده، از دیدگاههای مختلف جامعه‌شناسانه، مذهبی، اخلاقی و اقتصادی دارای تفاوت‌های زیادی است.

با این وجود، در سه رهیافتی که به عنوان مصداق مشخص این اصطلاح در کنوانسیون پاریس ذکر شده‌اند^(۴) یعنی ایجاد سردرگمی، بی‌اعتبار کردن و استفاده از علائم گمراه‌کننده، عامل مشترک در هر سه عبارت است از تلاش برای موفقیت در رقابت در زمینه کیفیت و قیمت کالا یا خدمات مورد ارائه بدون اتکا به دستاوردها و زحمت خود و با سوء استفاده از کار دیگران یا تحت تأثیر قرار دادن تقاضای خریدار از طریق اعمال گمراه‌کننده است. لذا می‌توان این مسأله را بعنوان معیاری کلی برای تشخیص «رقابت جوانمردانه» از «ناجوانمردانه» در نظر گرفته و بکار برد. بحث در مورد جزییات و رویه‌های موجود، فرصت بیشتری می‌طلبد که ناچار به همین مختصر اکتفا می‌کنیم و اضافه می‌کنیم که معیارها برای حتی همان مصداقها نیز بسته به کشورهای مختلف متفاوت است. مثلاً در مورد «گمراه کردن خریدار» در کشور آلمان به لحاظ تجاری فرض بر این است که جامعه، تمام تبلیغات را باور می‌کند و لذا قانون بسیار تند و قاطعی بر تبلیغات و بزرگنمایی‌هایی نظیر (اولین ...، بهترین ...) حاکم است ولی در کشورهایی مثل ایتالیا یا آمریکا، ادعاهای گزاف در تبلیغات تحمل می‌شود و فرهنگ جامعه چنان مواردی را صرفاً «بازار گرمی»^(۵) می‌شمارد.

725, Geneva, 1994, p. 4

1. Fairness

2. Honesty

3. Good faith

5. Sale talk

فصل دوم



سازمان جهانی مالکیت معنوی^(۱)

(پیشینه و ساختار)

۱- تاریخچه

برخی از مواردی که امروزه مورد حمایت حقوق مالکیت معنوی قرار گرفته‌اند، از روزگار بسیار قدیم وجود داشته‌اند بعنوان مثال مارکهای تجاری. در حدود ۳۰۰۰ سال پیش، هنرمندان هندی، تولیدات خود را پیش از آنکه توسط بازرگانان فعال ایرانی منتقل شود، حتماً امضا می‌کردند و علامتی از خود یا ناحیه خود بر روی محصولات، ایجاد می‌کردند و با مثلاً نام فور تیس که تولیدکننده سفال در روم باستان بود، آن چنان در منطقه شهرت یافت که تقلید شد و بسیاری از تولیدکنندگان، سفالهای خود را با نام فور تیس به فروش می‌رساندند.^(۲)

اما تنها با فرارسیدن دوران صنعتی شدن جهان و عصر نوین تکنولوژی در سده‌های قبل بود که بحث مالکیت معنوی و ضرورت حمایت از آن، اهمیت فراوانی یافت. با وقوع انقلاب صنعتی در غرب، مارکهای تجاری نقش اساسی در جهان نوین تجارت و بازاریابی پیدا کردند. انقلاب صنعتی و مدرنیزاسیون، این فرصت را برای خریداران در سراسر جهان ایجاد کرد که حق انتخاب گسترده‌ای بین کالاهای دارای کارکرد مشابه پیدا کنند لذا طبعاً خریداران برای انتخاب یک کالا، از منظرهای گوناگونی به آن می‌نگریستند و باز طبعاً برای هدایت خریداران به اینکه همواره کالای خاصی را بخرند، باید کالاها اسم و عنوان می‌یافتند. بعلاوه، داغ شدن بازار رقابت

1. World Intellectual Property Organization

2. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, WIPO Publication No. 476, Geneva, 1999, p. 60

برای کسب مشتری، صاحبان صنایع را بر آن داشت تا از سویی کیفیت کالای خود را افزایش و قیمت آنرا کاهش دهند و از سویی با معرفی و تبلیغات گسترده، توجه عموم را به خصایص کالای خود جلب کرده، آن نام بخصوص را مطلوب خریداران سازند و همین باعث شد که عده‌ای نیز به فکر سوء استفاده از زحمات دیگران افتاده راه تقلب و کپی‌کاری در پیش گیرند.

از سوی دیگر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده از یک سو و سرعت بالای توسعه فنی از سوی دیگر، جهان را دچار دگرگونی‌های بسیاری کرد و این تغییرات در یک بعد منجر به تحولات اساسی در بحث کپی رایت و سایر انواع حقوق مالکیت معنوی شد. همچنین آزادی مطبوعات و گسترش آنها، محو تدریجی نظم فئودالی، رشد آموزش و پرورش و اشاعه طرحهای آموزش همگانی، بالا رفتن استانداردها در آموزش عالی، افزایش تعداد دانشگاهها، مراکز مطالعاتی - پژوهشی و کتابخانه‌ها، تأکید بر بکارگیری زبانهای ملی، توسعه علوم و فنون، تغییر نقشه جهان با تولد دولتهای جدید و در حال توسعه، همه و همه سبب ایجاد تغییراتی بنیادین در بحث مالکیت معنوی گردیدند.

در این میان، ریشه‌های تشکیل سازمان جهانی مالکیت معنوی به سال ۱۸۸۳ باز می‌گردد. در واقع آنچه برای نخستین بار، انسان جدید را عمیقاً به فکر ضرورت حمایت بین‌المللی از مالکیت معنوی انداخت، شرکت نکردن بسیاری از صاحبان صنایع و هنرمندان در «نمایشگاه بین‌المللی اختراعات در وین» در سال ۱۸۷۳ از بیم دزیده شدن و سوء بهره‌برداری از اختراعات و دستاوردهایشان توسط دیگران بود. این واقعه موجب شد که ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۳، «کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی» منعقد گردد.^(۱) این اولین معاهده بین‌المللی بود که با هدف کمک به اتباع یک کشور برای کسب حمایت از آثار معنوی و ذهنی‌شان در کشورهای دیگر بوجود آمد و حقوق مالکیت صنعتی را به سه بخش تقسیم کرد:

- اختراعات

1. World Intellectual Property Organization, *General Information About WIPO*, www.wipo.org/en/about/gib.html, September 2001

- مارکهای تجاری

- و طراحیهای صنعتی.

کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۴ با ۱۴ دولت عضو، الزام آور گردید و در همین سال یک دفتر بین‌المللی برای انجام امور اداری - اجرایی آن از قبیل سازماندهی جلسات دول عضو بوجود آمد.^(۱)

در سال ۱۸۸۶ میلادی «کپی رایت» نیز راه خود را به عرصه حقوق بین‌المللی گشود و در قالب «کنوانسیون برن برای حمایت از آفرینه‌های ادبی و هنری» پای به عرصه حیات نهاد. هدف این کنوانسیون کمک به اتباع دول عضو برای کسب حمایت از حقوقشان نسبت به کنترل آثار خود و دریافت مبالغی در ازای استفاده از کارهایشان در زمینه‌های ذیل بود:

- نوول‌ها، داستانهای کوتاه، اشعار، نمایشنامه‌ها

- آواها، اپراها، برنامه‌های موزیکال و تکنوازیها

- و طراحیها، نقاشیها، مجسمه‌سازی و کارهای معماری.

کنوانسیون برن نیز مثل کنوانسیون پاریس دفتری بین‌المللی برای انجام وظایف اداری و اجرایی تأسیس کرد. این دو دفتر بسیار کوچک بوده و هر دو تحت نظارت عالیه دولت فدرال سوئیس قرار داشتند و با تعداد کمی پرسنل، در شهر برن سوئیس انجام وظیفه می‌کردند. در سال ۱۸۹۳ میلادی، این دو دفتر کوچک در یکدیگر ادغام گردیده و دفتر جدید و یکپارچه‌ای تشکیل دادند. این دفتر جدید با استفاده از حروف آغازین عنوان آن در زبان فرانسه «بیرپی»^(۲) نام گرفت.^(۳)

این دفتر که تنها با هفت کارمند در برن آغاز به کار نمود، سلف سازمان واپیوی امروزی است که ۱۷۸ دولت^(۴) عضو آن هستند و کادری حدود ۷۶۰ نفر از ۸۳ کشور جهان آنرا اداره

1. Ibid.

2. BIRPI

۳. دفتر متحده بین‌المللی برای حمایت از مالکیت معنوی

۴. با احتساب جمهوری اسلامی ایران که اخیراً عضویت سازمان جهانی مالکیت معنوی را پذیرفته است.

می‌کنند.^(۱)

به مرور زمان با افزایش اهمیت مالکیت معنوی، ساختار، شکل و اندازه این دفتر نیز تغییر کرد. در سال ۱۹۶۰ «بیری» از برن به ژنو منتقل شد تا به مقر اروپایی سازمان ملل متحد و بیش از حدود ۲۰۰ سازمان بین‌المللی^(۲) که در این شهر مستقر هستند، بپیوندد. در ۱۹۶۷ در کنفرانس دیپلماتیک استکهلم با انعقاد کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی - وایپو - در ۲۱ ماده و تصویب اسناد اصلاحی کنوانسیون‌های دیگر در زمینه مالکیت معنوی از جمله کنوانسیون پاریس و کنوانسیون برن، ساختار «بیری» و متن اکثر کنوانسیونها و معاهدات مربوطه قدیمی کاملاً مورد تجدیدنظر واقع شد. کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی مطابق ماده ۱۵ آن مدت سه ماه پس از آنکه ده دولت عضو کنوانسیون پاریس و هفت عضو کنوانسیون برن آنرا تصویب کردند در ۲۶ آوریل سال ۱۹۷۰ میلادی لازم‌الاجرا شده و وارد مرحله عمل گردید. از همین روز بعدها در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، اعضا وایپو روز ۲۶ آوریل را بعنوان روز جهانی مالکیت معنوی برگزیدند و در سال ۲۰۰۱ نیز به همین مناسبت مراسم ویژه‌ای در مقر این سازمان و بسیاری از کشورهای عضو آن برگزار گردید.^(۳) شایان ذکر است که طبق^(۴) این کنوانسیون، هیچ نوع حق شرطی به آن پذیرفته نیست ولی خروج از این کنوانسیون همواره آزاد بوده و دولتها می‌توانند با اعلام به مدیرکل وایپو، از این سازمان بیرون بروند. البته این عمل شش ماه پس از تاریخ اعلام به مدیرکل، اثر حقوقی خواهد داشت.^(۵)

از جمله اصلاحاتی که در مراحل تبدیل ساختار «بیری» به «وایپو» یا «امپی»^(۶) بعمل آمد، این بود که نظارت دولت فدرال سوییس بر این سازمان لغو شد تا این نهاد بتواند مانند سایر

1. World Intellectual Property Organization, *Supra*

2. Guide to Geneva Tourism, Office Genevoise de Tourism, 2000, p.5

3. www.wipo.org/news/en/worldip/world-ip.html, October 2001

۵. ماده ۱۸

۴. ماده ۱۶

۶. OMPI) معادل وایپو در زبان فرانسه و مخفف: (l'Organisation Mondiale de Propriete Intellectuelle)

سازمانهای بین‌المللی فعالیت کرده و بتواند به عنوان یکی از سازمانهای تخصصی ملل متحد شناخته شود. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که اکثر سازمانهای تخصصی سیستم ملل متحد، قبل از جنگ جهانی دوم وجود نداشتند و بعدها برای ایفای نقشی خاص در عرصه بین‌المللی تأسیس شدند. با این حال برخی از این سازمانها مثل سازمان بین‌المللی کار^(۱)، اتحادیه جهانی پست^(۲) و اتحادیه جهانی مخابرات^(۳) مدتها قبل از تأسیس «ملل متحد» وجود داشته و فعال بودند و بعد از تأسیس سازمان ملل متحد به عنوان سازمانهای تخصصی، به سیستم ملل متحد پیوستند.

به همین گونه، «بیرپی» نیز پیش از تأسیس سازمان ملل، فعالیت داشت و واپس به عنوان خلف آن، با امضای موافقتنامه‌ای با سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۴، کار خود را به عنوان یکی از آژانسهای تخصصی ملل متحد آغاز نمود.^(۴)

یک آژانس تخصصی ملل متحد، گرچه به عضویت سیستم ملل متحد درآمده است، استقلال خود را حفظ می‌کند. هر سازمان تخصصی مقررات خاص عضویت خود را دارد. و گرچه تمام اعضای ملل متحد می‌توانند به عضویت سازمانهای تخصصی درآیند اما در عمل تمام آنان، عضویت تمام سازمانهای تخصصی را دارا نیستند. هر سازمان تخصصی، اساسنامه خود را داراست به اضافه نهادهای تصمیم‌گیرنده، مقامات اجرایی، برنامه‌ها، درآمد، بودجه و فعالیتهای خاص خود. درست است که یک سیستم برای هماهنگ کردن فعالیتهای سازمانهای تخصصی با یکدیگر و با سازمان ملل متحد وجود دارد ولی در اصل، هر سازمان بطور جداگانه پاسخگوی دول عضو، در حوزه کاری خود است.

در ۱۹۷۸ واپس به ساختمان جدید مرکز اداری خود در ژنو منتقل شد که یک سر و گردن از تمامی سازمانهای بین‌المللی واقع در این شهر بلندتر و زیباتر است و به گفته سازندگان،

1. International Labour Office

2. Universal Post Union

3. International Telecommunication Union

4. Bogsch, Arpad, *Brief History of the first 25 years of the World Intellectual Property Organization*, WIPO Publications, Geneva, 1992, p. 33

۴۰ ■ سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو)

طوری طراحی شده است که نشانگر اهمیت نقش این سازمان در میان سایر سازمانهای بین‌المللی باشد. وایپو به مرور نقش خود را توسعه داده و اهمیت حقوق مالکیت معنوی در مدیریت بازرگانی جهانی را بیشتر نشان داده است. بدین لحاظ در سال ۱۹۹۵ با امضای موافقتنامه‌ای، همکاری خود را با سازمان تجارت جهانی آغاز نمود که هم اکنون نیز ادامه دارد. عاملی که در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، سبب انعقاد کنوانسیونهای برن و پاریس گردید - یعنی آرزوی ارتقاء خلاقیت در عرصه ادب، هنر، صنعت و تجارت از طریق حمایت از کارهای فکری - هنوز نیز وجود دارد و به کارهای سازمان جهانی مالکیت معنوی اعتبار می‌بخشد، اما حوزه و زمینه خدماتی که سازمان ارائه می‌دهد امروزه پس از گذشت حدود ۱۲۰ سال، توسعه سریعی یافته است.

۲- سازمان جهانی مالکیت معنوی در عصر حاضر (وایپو امروزین)

در سال ۱۸۸۹، دفتر متحد بین‌المللی برای حمایت از مالکیت معنوی مجری تنها ۴ معاهده بین‌المللی بود. امروزه، وایپو، خلف آن سازمان، مجری ۲۱ معاهده بین‌المللی است. دو عدد از آنها بصورت مشترک با سایر سازمانهای بین‌المللی^(۱) - و یک برنامه کاری گسترده و متنوع را از طریق دبیرخانه و اعضایش به مرحله اجرا درمی‌آورد با هدف:

- هماهنگ کردن قوانین و رویه‌های مربوط به مالکیت معنوی در سطوح ملی
- ارائه خدمات به متقاضیان بین‌المللی حقوق مالکیت صنعتی
- تبادل اطلاعات در خصوص مالکیت معنوی
- ارائه کمکهای حقوقی و فنی به کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه
- تسهیل حل و فصل اختلافات خصوصی در عرصه مالکیت معنوی
- نظم و ترتیب بخشیدن به تکنولوژی اطلاعات بعنوان ابزاری برای نگهداری، دسترسی و

1. International Bureau of WIPO, *The Organization, Functions and Activities of the World Intellectual Property Organization*, WIPO/IP/SUV/99/Geneva, 1999, p. 3

استفاده از اطلاعات ذی‌قیمت مالکیت معنوی^(۱)

۳- کارکردها و وظایف

وایپو دارای ۱۷۸ کشور عضو است که چیزی حدود ۹۱ درصد کل کشورهای جهان را شامل می‌شود و در این میان، جمهوری اسلامی ایران اخیراً کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی را تصویب کرده است.^(۲) کنوانسیون مؤسس این سازمان یا سند اصلی تأسیس آن، کنوانسیون‌نی است که در سال ۱۹۶۷ در استکهلم سوئد به امضا رسیده است. علت اصلی تأسیس چنین سازمانی آن است که حقوق مالکیت معنوی به عنوان بخشی از حقوق خصوصی هر کشور به مرزها محدود هستند، این حقوق تنها درون حوزه صلاحیت کشور یا کشورهای اعمال می‌شوند که تحت قانون آن، این حقوق به رسمیت شناخته شده و اعطاء گردیده‌اند. اما آثار ذهنی و فکری از جمله ایده‌ها و ابتکارات مخترعانه، باید از مرزها عبور کنند و عبور می‌کنند. بعلاوه با افزایش مشابهت در دیدگاه‌ها و رویه‌های حاکم بر موضوعات مالکیت معنوی در کشورهای گوناگون، کاملاً روشن است که باید رویه‌ها و عملکرد کشورها در خصوص شناسایی حق و تکلیف در این موارد، بصورتی استاندارد و مشترک درآید. در این راستا دولتها پس از مذاکرات بسیار، معاهدات چندجانبه متعددی در زمینه‌های مختلف مالکیت معنوی منعقد کرده‌اند که هر یک از آنها مؤسس یک «اتحادیه»^(۳) از کشورهایی است که با یکدیگر توافق کرده‌اند تا از حقوق مالکیت معنوی اتباع سایر کشورهای عضو اتحادیه - البته با رعایت برخی قواعد مشترک، استانداردها و رویه‌های مورد توافق و هماهنگ - همان حمایتی را بعمل آورند که از اتباع خود بعمل می‌آورند. سازمان جهانی مالکیت معنوی اداره امور تمام این اتحادیه‌ها را برعهده دارد. یعنی اتحادیه‌هایی که وایپو اداره‌کننده آنها است، با این معاهدات ایجاد شده‌اند. یک اتحادیه شامل تمام کشورهایایی است که عضو یک معاهده مشترک هستند. نام اتحادیه

1. Bogsxh, Arpad, *Supra*, p. 37

معمولاً و در اغلب موارد از نام محلی اقتباس می‌شود که متن معاهده مربوط به آن برای نخستین بار در آنجا پذیرفته شده است (مثلاً اتحادیه پاریس، اتحادیه برن و غیره).^(۱) این معاهدات در سه گروه تقسیم‌بندی می‌شوند:

- گروه اول، معاهداتی هستند که برقرار کننده «حمایت بین‌المللی» می‌باشند یعنی معاهداتی که منبع حمایت از حقوق مورد توافق کشورها در سطح بین‌المللی هستند. بعنوان مثال، در حوزه مالکیت صنعتی سه معاهده ذیل در این گروه جای می‌گیرند: «کنوانسیون پاریس»، «موافقتنامه مادرید برای جلوگیری از علائم نادرست و متقلبانه نشانگر مبدا کالا» و «موافقتنامه لیسبون برای حمایت از نامهای مبادی و ثبت بین‌المللی آنها».

- گروه دوم، متشکل است از معاهداتی که تحقق حمایت بین‌المللی از حقوقی که در معاهدات گروه اول مورد شناسایی قرار گرفته‌اند را تسهیل می‌کنند. برای مثال در همان حوزه مالکیت صنعتی، شش معاهده در این گروه جای می‌گیرند. معاهده «همکاری در زمینه حق اختراع» که شرایط ثبت بین‌المللی تقاضاهای صدور ورقه اختراع را فراهم می‌کند، «موافقتنامه مادرید در مورد ثبت بین‌المللی مارکها»، «موافقتنامه لیسبون» که در بالا هم ذکر شد چون این موافقتنامه به هر دو گروه تعلق دارد، «معاهده بوداپست در مورد شناسایی بین‌المللی ثبت^(۲) موجودات زنده میکروسکوپی به منظور تسهیل رویه‌های اعطاء حق اختراع» و «موافقتنامه لاهه در مورد ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی».

- گروه سوم متشکل است از معاهداتی که مؤسس سیستم‌ها و نظامهای «طبقه‌بندی» و رویه‌های برای ارتقاء و به روز نگه‌داشتن این سیستم‌ها هستند. چهار معاهده ذیل که تماماً در حوزه مالکیت صنعتی هستند، مثالهایی برای این گروه می‌باشند. این معاهدات عبارتند از «موافقتنامه بین‌المللی طبقه‌بندی حق اختراع»، «موافقتنامه نیس در خصوص طبقه‌بندی بین‌المللی کالاها و خدمات به منظور ثبت مارکهای تجاری و خدماتی»، «موافقتنامه وین» که

1. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 11

2. Deposit

ایجادکننده یک طبقه‌بندی بین‌المللی از علائم تمثیلی مارکها است و نهایتاً «موافقتنامه لوکارنو» که مؤسس یک نوع طبقه‌بندی بین‌المللی برای طراحیهای صنعتی است.^(۱) بازنگری و تجدیدنظر در این معاهدات و انعقاد موافقتنامه‌های جدید، وظایفی هستند که نیاز به یک روند طولانی و مداوم مذاکره و همکاری دارند و این روند ممکن نیست مگر با حمایت و پشتیبانی یک دبیرخانه تخصصی و کارآمد. سازمان جهانی مالکیت معنوی در حقیقت چارچوب این امور است. فعالیتهای وایپو اصولاً سه نوع هستند، فعالیتهای ثبتی^(۲)، ارتقاء همکاریهای بین‌المللی در امر اجرای حقوق مالکیت معنوی و فعالیتهای برنامه‌ای یا ماهوی^(۳). تمام این فعالیتهای در خدمت اهداف کلی وایپو هستند یعنی گسترش احترام جهانی به حقوق مالکیت معنوی به منظور حمایت از توسعه صنعتی و فرهنگی کشورها از طریق تشویق ابتکارها و خلاقیتها، تسهیل انتقال فن‌آوری به کشورهای در حال توسعه و اشاعه آثار فرهنگی و ادبی.^(۴)

فعالیت‌های وایپو

الف) امور ثبتی

فعالیت‌های ثبتی وایپو مشتمل است بر ارائه خدمات مستقیم به متقاضیان و یا دارندگان حقوق دارایی‌های صنعتی. خدماتی چون: دریافت و به جریان انداختن تقاضاهای بین‌المللی که تحت «معاهده‌های بین‌المللی در زمینه حق اختراع» و یا «ثبت بین‌المللی مارکها و طراحیهای صنعتی» صورت می‌پذیرند. این فعالیتها معمولاً از محل دریافت مبالغی معین که توسط متقاضیان پرداخت می‌شود و حدوداً نزدیک به سه چهارم بودجه سالانه وایپو را تشکیل می‌دهند، تأمین مالی می‌گردند.

1. *Ibid.*

3. Substantive

2. Registration Activities

4. *Ibid*, p. 12

ب) همکاری بین‌الدولی

فعالیت‌های عمده وایپو در بخش همکاری بین‌الدولی برای اجرا و راهبرد مالکیت معنوی ناظر به اموری است چون: مدیریت مجموعه‌هایی از اسناد و اوراق مربوط به حق اختراع که برای جستجو و ارجاع مورد استفاده قرار می‌گیرند، طراحی ابزارهایی برای ایجاد امکان دسترسی آسان به اطلاعاتی که در این مجموعه‌ها نگهداری می‌شود، حفظ و ارتقاء سیستم‌های طبقه‌بندی بین‌المللی، جمع‌بندی آمارهای مربوط به مالکیت معنوی که روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند و بالاخره تحقیقات منطقه‌ای در مورد نحوه اجرای قوانین کپی‌رایت و مالکیت صنعتی. وایپو مجموعه‌های وسیع و کاملی از قوانین مربوط به کپی‌رایت و مالکیت صنعتی در عرصه بین‌المللی و نیز در سطوح قوانین ملی کشورهای جهان تهیه کرده و در دسترس عموم می‌گذارد. این مجموعه‌ها بطور ماهانه در انتشارات وایپو چاپ و نیز بر روی دیسک فشرده‌ای با نام «آی.پی. - لکس»^(۱) منتشر می‌شوند.

ج) فعالیت‌های برنامه‌ای

این نوع فعالیت‌های وایپو که در حقیقت بخش اصلی فعالیت‌های این سازمان است، شامل فعالیت‌هایی است در جهت ایجاد مقبولیت گسترده‌تر و بیشتر برای معاهدات موجود، ارتقاء و اصلاح معاهدات، انعقاد معاهدات جدید و سازماندهی و شرکت در فعالیت‌های «همکاری در زمینه توسعه»^(۲).

توسعه حقوق بین‌المللی مالکیت معنوی

کنوانسیون وایپو در تعریف کارکردها و وظایف این سازمان چنین می‌گوید:
«به منظور تحقق اهداف مذکور در ماده ۳، سازمان از طریق ایجاد نهادهای مناسب و به روشی منطبق با صلاحیت‌های اتحادیه‌ها:

1. IP-LEX

2. *Ibid*, p.p. 12-16

۱- باید به توسعه ابزارهایی پیردازد که به منظور تسهیل در به عمل آمدن حمایت مؤثر از مالکیت معنوی در سراسر جهان و هماهنگ کردن قوانین ملی در این زمینه طراحی شده‌اند.

۲- باید امور و وظایف اداری اتحادیه پاریس و اتحادیه‌های ویژه مرتبط با آن و نیز اتحادیه برن و اتحادیه‌های مرتبط با آن را انجام دهد.

۳- می‌تواند بپذیرد که امور اداری هر موافقتنامه بین‌المللی که با هدف ارتقاء حمایت از مالکیت معنوی ایجاد شده باشد را بپذیرد و یا در انجام این نوع امور مشارکت کند.

۴- باید انعقاد موافقتنامه‌های بین‌المللی در این زمینه را تشویق کند.

۵- باید به دولتی که متقاضی دریافت کمک‌های حقوقی - فنی در این حوزه هستند، کمک نماید.

۶- باید اطلاعات مرتبط با مسأله حمایت از مالکیت معنوی را جمع‌آوری و جمع‌بندی کرده و مطالعاتی در این زمینه به عمل آورد و نتایج این مطالعات را منتشر نماید.

۷- باید خدماتی ارائه کند که حمایت از مالکیت معنوی را تسهیل نماید و هر کجا مقتضی باشد، امور ثبتی حوزه را انجام داده و اطلاعات مربوطه را منتشر نماید.

۸- و بالاخره تمام امور ضروری و مناسب دیگر برای حمایت از مالکیت معنوی را انجام دهد.

بنابراین یک بخش اساسی و مهم از فعالیتهای واپیو در زمینه ارتقاء حمایت از مالکیت معنوی، تلاش برای توسعه روزافزون و به‌کارگیری هنجارها و استانداردهای بین‌المللی در جهان است.^(۱)

سازمان در حال حاضر امور اجرایی معاهداتی را که به عنوان گروه اول معاهدات واپیو

۱. ماده چهار کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی

معروفند انجام می‌دهد. این معاهدات استانداردهای مشترک و حقوق مورد توافق جامعه بین‌المللی در زمینه مالکیت معنوی را تعریف می‌کنند و دول عضو آنها، موافقت کرده‌اند که این حقوق و استانداردها را در قلمرو خود محترم شمارند.

با آنکه همچنان دو معاهده پاریس و برن پایه اساسی سیستم وایپو هستند، معاهدات بعدی در گسترش و عمق بخشیدن به حمایت‌هایی که در این دو کنوانسیون مادر ذکر شده‌اند، نقش مهمی ایفا کرده و تغییرات فن‌آوری و عرصه‌های جدید ایجاد شده در حوزه مالکیت معنوی را مورد شمول خود قرار داده‌اند. دو نمونه متأخر از این معاهدات، «معاهده وایپو در مورد کپی‌رایت»^(۱) و «معاهده وایپو در خصوص اجراگران (هنرپیشگان) و آثار ضبط شده»^(۲) است. این معاهدات دربرگیرنده قواعدی اساسی است که حمایت بین‌المللی از کپی‌رایت و حقوق مربوطه را با تحولات عصر اینترنت همگام می‌سازد.

وایپو نیاز به توسعه مداوم هنجارها و استانداردهای جدید و همگام با پیشرفتهای صورت گرفته در فن‌آوری و تجارت بین‌المللی را در نظر گرفته و بعلاوه به مسائلی که بطور ویژه حساسیت جامعه بین‌المللی را برانگیخته‌اند از جمله دانش سنتی^(۳)، فولکلور (آداب و رسوم)، تنوع زیستی^(۴) و بیوتکنولوژی^(۵) یا فن‌آوری زیستی توجه دارد.

سازمان جهانی مالکیت معنوی همچنین از طریق هماهنگ کردن و آسان کردن رویه‌های موجود، نقش فزاینده‌ای در ساده‌تر کردن نظامها و سیستمهای ملی و منطقه‌ای برای ثبت امور مربوط به مالکیت معنوی دارد. بعنوان مثال، معاهده قانون مارکهای تجاری وایپو ۱۹۹۴^(۶) بطور ساده و شفاف بیان می‌کند که تبعه یکی از کشورهای عضو برای ثبت مارک تجاری خود در کشور دیگر، باید چه اطلاعاتی ارائه دهد و چه مراحل را طی کند. بنابراین فرد متقاضی برای آغاز و انجام مراحل تقاضای خود تنها با یک سری مقررات ساده و واحد روبرو می‌شود و

1. WIPO CopyRight Treaty (WCT)

2. WIPO Performers & Producers Treaty (WPPT)

3. Traditional Knowledge

4. Biodiversity

5. Biotechnology

6. Trademark Law Treaty

دیگر نیازی به آشنایی با قوانین پیچیده و متفاوت کشورهای مختلف و طی تمام مراحل مندرج در آنها نخواهد داشت.

واضح است که حتی بهترین معاهدات از نظر متن، بدون مشارکت عملی دول عضو در راه تحقق آن، بی فایده است، پس وایپو دولتها را تشویق به امضاء، اجرا و تضمین اجرای معاهدات خود می‌کند. الحاق گسترده و اجرای پایدار این معاهدات زمینه‌ساز ایجاد یک محیط با ثبات بین‌المللی، احساس اطمینان از مراعات حقوق مالکیت معنوی در سراسر جهان، تشویق سرمایه‌گذاری و کمک به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی خواهد شد.

بنابراین یکی از وظایف و کارکردهای اصلی وایپو، گسترش، توسعه و ایجاد هماهنگی در قوانین، استانداردها و رویه‌های مربوط به مالکیت معنوی در میان دول عضو خود می‌باشد. کمک به رشد اصول و قواعد بین‌المللی مشترک حاکم بر مالکیت معنوی نیازمند مشورت و تبادل نظر گسترده با دولتها و سایر گروه‌های ذی‌نفع است که وایپو سعی می‌کند این مهم را به انجام رساند. فعالیت‌های وایپو در راستای توسعه حقوق بین‌المللی مالکیت معنوی در دو بخش اصلی و مهم مالکیت معنوی منعکس می‌شود، یعنی توسعه حقوق مالکیت صنعتی و توسعه کپی‌رایت. در ادامه، بطور خلاصه به شرح فعالیت‌های وایپو در هر یک از دو زمینه فوق می‌پردازیم. همچنین باید اشاره کنیم که وایپو از طریق «برنامه همکاری توسعه وایپو»^(۱) و «برنامه همکاری با کشورهای در حال گذار»^(۲) کمک‌های فنی و حقوقی در اختیار کشورها می‌گذارد تا بتوانند قوانین و سیستم‌های مناسب و جامعی برای توسعه حقوق مالکیت معنوی درون مرزهای ملی خود بنا نهند.

توسعه حقوق مالکیت صنعتی

وایپو کار توسعه هنجارهای بین‌المللی در قلمرو مالکیت صنعتی را از طریق «بخش حقوق مالکیت صنعتی» دفتر بین‌المللی خود انجام می‌دهد. در این بخش چند کمیته به

دولت‌های عضو کمک می‌کنند تا تلاش‌های خود را برای توسعه این هنجارها هماهنگ سازند. نمایندگان دول عضو سازمان و نیز نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی منتخب و نیز برخی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در این کمیته‌ها فعالیت دارند. این کمیته‌ها در حال حاضر عبارتند از:

- کمیته ثابت حقوق «ورقه اختراع»^(۱)

- کمیته ثابت حقوق مارک‌های تجاری، طراحی‌های صنعتی و علائم جغرافیایی^(۲)

- و کمیته مشورتی اجرا و الزام حقوق مالکیت صنعتی^(۳)

موضوعاتی که در حال حاضر در دستور کار این کمیته‌ها قرار دارد به ترتیب عبارتند از:
کمیته ثابت قانون حق اختراع:

۱- هماهنگی امور شکلی حق اختراع

۲- هماهنگی بیشتر در قوانین مربوط به حق اختراع

۳- ثبت مرکزی تغییرات در حقوق اختراعات و تقاضانامه‌های جدید

۴- انتشار اطلاعات فنی در اینترنت و اثرات آن بر «امکان دریافت حق اختراع»

۵- اختراعات بیوتکنولوژیک^(۴)

کمیته ثابت حقوق مارک‌های تجاری:

۱- مقرراتی در مورد مارک‌های مشهور

۲- اینترنت و مارک‌های تجاری

۳- اعطاء و انتقال مارک‌های تجاری

۴- علائم مشخصه جغرافیایی

1. Standing Committee on Patent Law

2. Standing Committee on Trademark, Industrial Designs and Geographical Indications

3. ACE/IP (Advisory Committee on Enforcement of Intellectual Property Rights)

4. www.wipo.org/activities/iplaw.html, September 2001

۵. مارکهای تجاری و اسامی بین‌المللی غیرمالکانه برای مواد دارویی^(۱)
کمیته مشورتی در مورد اجرای حقوق مالکیت صنعتی^(۲): این کمیته تأسیس شده است تا در کل به موضوعاتی در خصوص نحوه به اجرا رساندن حقوق از جمله روشهای مقابله با نقض حق اختراع و تقلب در مارکها و طراحیها بپردازد. نخستین جلسه این کمیته در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۰ در ژنو برگزار شده و به بحث و بررسی موضوعات مقدماتی پرداخته است.^(۳)

توسعه حقوق مربوط به کپی رایت

توسعه هنجارها و استانداردهای بین‌المللی در زمینه «حق نسخه‌برداری»^(۴) یکی از وظایف وایپو است که از طریق «بخش حقوق (قانون) کپی رایت» دفتر بین‌المللی انجام می‌گیرد. این بخش بطور نزدیک با «کمیته ثابت کپی رایت و حقوق مرتبط»^(۵) همکاری می‌کند. این کمیته در حال حاضر مشغول بحث بر روی روزآمد کردن و اصلاح روشهای حمایت بین‌المللی از سازمانهای رادیو - تلویزیونی و برخی موضوعات دیگر می‌باشد. بخش مزبور در کار بررسی و تحلیل «معاهده کپی رایت وایپو» و «معاهده وایپو در خصوص اجراها و آثار صوتی» که هنوز لازم‌الاجرا نشده‌اند و مجموعاً بعنوان «معاهدات اینترنتی وایپو» معروفند نیز از طریق تشکیل جلسات و سمینارهای متعددی فعالیت دارد. این بخش همچنین مسئولیت فعالیتهای وایپو در ارتباط با اجرای کپی رایت و حقوق مرتبط در شبکه‌های دیجیتال و نحوه الزام افراد به رعایت آنرا نیز برعهده دارد. این بخش بعنوان دبیرخانه «کمیته مشورتی مدیریت و اجرای کپی رایت و حقوق مربوطه در شبکه‌های دیجیتال جهانی» عمل کرده و کار برگزاری جلسات و کارگاههای آموزشی و تشکیل گروههای مشاوره بر روی موضوعات داخل در وظایف کمیته مزبور را نیز

1. International Nonproprietary Names for Pharmaceutical Substances (INNs)

2. ACE/IP

3. *Ibid.*

۴. اصطلاح «حق نسخه‌برداری» معادل فارسی «کپی رایت» است ولی به علت رایج نبودن آن در اکثر موارد از همان واژه «کپی رایت» استفاده کرده‌ایم.

5. Standing Committee on Copy Right

برعهده دارد.^(۱)

۴- ساختار و تشکیلات وایپو

کنوانسیون مؤسس وایپو، برای این سازمان چهار نهاد مجزا تعبیه کرده است که عبارتند از مجمع عمومی، کنفرانس، کمیته هماهنگی و دفتر بین‌المللی وایپو یا دبیرخانه.

الف) مجمع عمومی^(۲)

مجمع عمومی عالیترین نهاد تصمیم‌گیرنده در وایپو است. این نهاد،

۱- مدیرکل وایپو را بنا بر پیشنهاد کمیته هماهنگی منصوب می‌کند.

۲- گزارشها و فعالیت‌های کمیته هماهنگی را نظارت و تأیید می‌نماید.

۳- به گزارشهای دبیرکل در امور مربوطه رسیدگی می‌کند.

۴- مقررات مالی وایپو، بودجه سالانه و مخارج مشترک اتحادیه‌ها را تصویب می‌کند.

۵- روشها و ابزارهای پیشنهاد شده توسط مدیرکل در مورد اجرای موافقتنامه‌های

بین‌المللی با هدف ارتقاء حمایت از مالکیت معنوی را مدنظر قرار داده، رد یا تصویب می‌کند.

۶- زمانهای کاری دبیرخانه را با توجه به رویه‌های سازمان ملل متحد، معین می‌کند.

۷- مشخص می‌کند که کدام دولت غیر عضو وایپو و کدام سازمان بین‌المللی دولتی یا

غیردولتی می‌تواند اجازه یابد در اجلاس مربوطه به صورت ناظر شرکت کند.

۸- می‌تواند طبق ماده ۵ بند ۲، دولت‌ها را برای عضویت در وایپو دعوت کند.

- مجمع عمومی تشکیل شده است از تمام دولتهایی که هم عضو وایپو و هم عضو

دست‌کم یکی از اتحادیه‌ها هستند.

- هر دولت چه عضو یک اتحادیه باشد یا بیشتر، تنها یک رأی در مجمع عمومی دارد.

1. www.wipo.org/activities/en/copyright-law.html, September 2001

2. General Assembly

- حد نصاب تشکیل جلسات، یک دوم تعداد دولتهای عضو است. با اینحال اگر تعداد دولتها یک سوم یا بیشتر هم باشد، مجمع عمومی حق تصمیم‌گیری در اموری غیر از آیین‌نامه داخلی خود را داراست ولی این تصمیمات برای اجرا باید مراحل ذیل را طی کند:

دبیرخانه با همه دولتهایی که در جلسه حاضر نبوده‌اند تماس حاصل کرده و مراتب را به آنها ابلاغ می‌کند و آنان سه ماه فرصت دارند که رأی یا امتناع خود را اعلام کنند. پس از انقضای این مهلت سه ماهه، اگر تعداد آراء جمع شده، کسری حد نصاب لازم را جبران کند، آن تصمیم به مرحله عمل درمی‌آید.

مجمع عمومی تصمیمات خود را با اکثریت دوسوم آراء اتخاذ می‌کند مگر در موارد ذیل:

- تصویب روشها و ابزارهای مربوط به اجرای موافقتنامه‌های بین‌المللی که در ماده ۴ به آنان اشاره شده است، نیاز به کسب سه چهارم آراء دارد.

- تأیید و تصویب یک موافقتنامه با سازمان ملل متحد تحت مواد ۵۷ و ۶۳ منشور ملل متحد نیاز به اکثری نه دهم آراء ماخوذه دارد.

- برای انتصاب مدیرکل، تأیید روشها و ابزارهای پیشنهادی مدیرکل برای اجرای موافقتنامه‌های بین‌المللی و نیز انتقال مقر سازمان، به غیر از اکثریت مورد نظر در مجمع عمومی، اکثریت آراء در مجمع اتحادیه‌های برن و پاریس نیز بطور جداگانه باید کسب شود.

- ممتنع، رأی به حساب نمی‌آید.

- یک نماینده تنها از سوی یک کشور می‌تواند رأی دهد.

مجمع عمومی بطور عادی هر دو سال یکبار و با دعوت و هماهنگی مدیرکل تشکیل جلسه می‌دهد. جلسات فوق‌العاده به درخواست یک‌چهارم دول عضو مجمع و یا درخواست کمیته هماهنگی و با دعوت مدیرکل برگزار می‌شود. اجلاس در مقر سازمان در ژنو برگزار شده و دولتهای عضو کنوانسیون استکهلم ۱۹۶۷ که عضو اتحادیه‌ها نیستند، بصورت ناظر در جلسات مجمع عمومی شرکت می‌کنند. مجمع عمومی آیین‌نامه داخلی خود را نیز مورد پذیرش قرار

می‌دهد.^(۱)

ب) کنفرانس^(۲)

برخلاف مجمع عمومی، کنفرانس متشکل است از تمام دولتهایی که عضو کنوانسیون وایپو هستند خواه عضو یکی از اتحادیه‌ها باشند یا نباشند. کارکرد اصلی کنفرانس را می‌توان به پنج دسته تقسیم‌بندی کرد: پیش از هر چیز کنفرانس عرصه‌ای برای تبادل نظرات میان تمام دولتهای عضو وایپو در مورد مسائل مربوط به مالکیت معنوی است و خصوصاً بدین لحاظ، کنفرانس می‌تواند در مورد چنین موضوعاتی با توجه به صلاحیت و خودمختاری اتحادیه‌ها، پیشنهادهاتی ارائه دهد. دوم، کنفرانس نهادی است که وظیفه برنامه‌ریزیهای دوسالانه برای «همکاری در زمینه توسعه» با کشورهای در حال توسعه را بر عهده دارد. نکته سوم اینکه برای نیل به چنان مقاصدی، بودجه در نظر می‌گیرد. چهارم اینکه کنفرانس از صلاحیت پذیرش الحاقیه و اصلاحیه به کنوانسیون مؤسس وایپو برخوردار است. پیشنهاد الحاقیه و اصلاحیه را هر دولت عضو وایپو، کمیته هماهنگی و نیز مدیرکل می‌تواند مطرح کند. پنجم اینکه کنفرانس مانند مجمع عمومی می‌تواند به دولتها یا سازمانها اجازه دهد که در جلساتش بصورت عضو ناظر شرکت جویند.^(۳)

وظایف کنفرانس به شرح ذیل است:

۱- مورد بحث قرار دادن موضوعاتی که به علائق عمومی در حوزه مالکیت معنوی مرتبط است و نیز صدور توصیه‌هایی در ارتباط با این موضوعات با در نظر گرفتن صلاحیتها و خودمختاری اتحادیه‌ها.

۲- پذیرش بودجه دوسالانه

۱. ماده شش کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی ۱۹۶۷

2. Conference

3. International Bureau of WIPO, *The Organization, Functions and Activities of the World Intellectual Property Organization*, Wipo/IP/SUV, Geneva, 1999, p. 23

- ۳- در چارچوب محدودیتهای بودجهای کنفرانس، ایجاد برنامه‌های دوسالانه برای کمکهای فنی - حقوقی به دولتها.
- ۴- مطابق با ماده ۱۷ کنوانسیون استکهلم، کنفرانس صلاحیت وارد کردن الحاقیه و یا اصلاح کنوانسیون مزبور را داراست.
- ۵- دعوت از دولتهای غیر عضو یا سازمانهای بین‌المللی دولتی یا غیردولتی برای شرکت در جلسات کنفرانس بصورت ناظر.
- هر عضو تنها یک رأی در کنفرانس دارد. حد نصاب تشکیل جلسات کنفرانس، حضور یک‌سوم دول عضو است.
- در مورد موضوعات مربوط به ماده ۱۷ کنوانسیون یعنی بحث اضافه کردن به کنوانسیون، کنفرانس با اکثریت دوسوم آراء تصمیم می‌گیرد. کنفرانس بطور عادی با دعوت مدیرکل، همزمان با مجمع عمومی تشکیل جلسه می‌دهد. جلسات فوق‌العاده نیز با درخواست اکثریت اعضاء امکان‌پذیر است.^(۱)

ج) کمیته هماهنگی^(۲)

کمیته هماهنگی هم یک نهاد مشورتی در مسائل مربوط به منافع عام است و هم یک ارگان اجرایی برای مجمع عمومی و کنفرانس. به ارگانهای مختلف اتحادیه‌ها و وایپو در مورد موضوعات مورد علاقه مشترک دو یا چند اتحادیه و یا یک یا چند اتحادیه از یک سو و وایپو از سوی دیگر خصوصاً در مورد بودجه مخارج مشترک اتحادیه‌ها، توصیه‌هایی ارائه می‌کند. کمیته هماهنگی پیش‌نویس دستور کار مجمع عمومی و کنفرانس و پیش‌نویس برنامه و بودجه را نیز مهیا می‌کند.

کمیته هماهنگی متشکل است از دولتهایی که عضو کنوانسیون استکهلم و عضو کمیته

۱. ماده هفت کنوانسیون مؤسس وایپو

اجرای اتحادیه پاریس یا برن یا هر دو باشند. اگر تعداد اعضاء هر یک از این کمیته‌ها، از یک چهارم تعداد اعضای مجمعی^(۱) که آن کمیته را انتخاب کرده است بیشتر باشد، خود آن کمیته باید تعدادی را برای عضویت در کمیته هماهنگی برگزیند به نحوی که از آن یک چهارم مورد نظر تجاوز نکند.^(۲) هر کشور در کمیته هماهنگی نیز مثل کنفرانس و مجمع عمومی تنها یک نماینده دارد که البته وی می‌تواند جانشین و مشاورانی داشته باشد.

هر زمان که کمیته هماهنگی تصمیماتی در زمینه بررسی موضوعات مربوط به برنامه و بودجه کنفرانس یا برنامه کاری آن و یا پیشنهادهایی برای اصلاح کنوانسیون استکهلم می‌گیرد که حقوق یا تعهدات دول عضو کنوانسیون را که در اتحادیه‌ها عضویت ندارند، تحت تأثیر قرار دهد، یک چهارم این دولتها باید با حقوقی برابر با اعضاء کمیته، در اجلاس کمیته هماهنگی شرکت کنند. دولتهایی را که به این نحو در کمیته هماهنگی شرکت می‌کنند، کنفرانس در جلسات عادی خود انتخاب می‌کند.

پس وظایف کمیته هماهنگی عبارتند از:

۱- توصیه به ارگانهای اتحادیه‌ها، مجمع عمومی، کنفرانس و مدیرکل در مورد تمام موضوعات اجرای، مالی و مسائل مورد علاقه مشترک دو یا چند اتحادیه، یا یک یا چند اتحادیه و سازمان بخصوص در مورد بودجه هزینه‌های مشترک اتحادیه‌ها.

۲- تهیه پیش نویس دستور کار مجمع عمومی.

۳- تهیه پیش نویس دستور کار و برنامه و بودجه کنفرانس.

۴- با نزدیکی زمان انقضاء دوره مدیریت کل یا خالی شدن این پست بهر دلیل، کمیته هماهنگی یک کاندیدا برای کسب رأی مجمع عمومی معرفی می‌کند و اگر مجمع به وی رأی نداد، کمیته باید نامزد دیگری معرفی کند و همین طور تا زمانی که مجمع عمومی به یکی رأی دهد. اگر پست مدیرکلی در فاصله بین اجلاس عادی مجمع خالی شود، کمیته یک سرپرست

۱. منظور مجمع عمومی هر یک از اتحادیه‌ها است.

۲. البته در احتساب این یک چهارم، کشور مقر سازمان به حساب نمی‌آید.

برای این پست تعیین می‌کند که تا زمان انتخاب مدیرکل، وظایفش را انجام دهد. کمیته هماهنگی هر ساله اجلاس عادی خود را در مقر سازمان در ژنو برگزار می‌کند. اجلاس فوق‌العاده به درخواست مدیرکل، یا رئیس کمیته و یا یک چهارم اعضا برگزار می‌شود. هر کشور، چه عضو کمیته اجرایی یکی از اتحادیه‌ها باشد یا هر دو، فقط یک رأی در کمیته هماهنگی دارد.

حد نصاب تشکیل جلسات کمیته، حضور نیمی از دول عضو است. تصمیمات کمیته با اکثریت ساده آراء اتخاذ می‌شود و رأی ممتنع، به حساب نمی‌آید. با این حال، یک عضو می‌تواند بلافاصله پس از شمارش آراء، تقاضا کند که آرا با شیوه ذیل بازشماری مخصوص شوند: در دو لیست جداگانه اسامی دول عضو کمیته اجرایی اتحادیه پاریس و کمیته اجرایی اتحادیه برن را نوشته و رأی هر دولت را مقابل اسمش می‌نویسند. اگر در هر یک از دو لیست، طرح مزبور حائز اکثریت نشده باشد، آن طرح گرچه در کل کمیته رأی آورده باشد، پذیرفته نمی‌گردد. این روند تنها در صورتی اجرا می‌شود که یک دولت عضو آنرا تقاضا کند. اعضای سازمان که عضو کمیته نیستند می‌توانند بصورت عضو ناظر در بحثها شرکت کنند ولی حق رأی ندارند.^(۱)

د) دفتر بین‌المللی^(۲)

چهارمین ارگان وایپو، دفتر بین‌المللی وایپو یا دبیرخانه^(۳) است. این نهاد توسط مدیرکل^(۴) اداره می‌شود و متشکل است از یک کادر رسمی که کادر حرفه‌ای و تخصصی آن بر مبنای اصل مساوات به لحاظ توزیع جغرافیایی، طبق سیستم سازمان ملل متحد استخدام می‌شوند و سایر کارکنان نیز از طیف گسترده‌ای از کشورهای جهان هستند. این نهاد که همان دبیرخانه سازمان است توسط مدیرکل سازمان و معاونین او اداره

۱. ماده هشت کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی که دربرگیرنده هشت بند است.

2. International Bureau

3. Secretariat

4. Director General

می‌شود. مدیرکل برای مدتی معین که نباید کمتر از ۶ سال باشد انتخاب می‌شود و مجدداً نیز قابل انتخاب است. این مدت‌ها را طبق ماده ۹ کنوانسیون استکهلم، مجمع عمومی معین می‌کند. مدیرکل، رئیس اجرایی و نماینده سازمان است و باید به مجمع عمومی در خصوص امور داخلی و خارجی سازمان گزارش دهد و به توصیه‌های آن عمل نماید. وی باید پیش‌نویس برنامه‌ها و بودجه‌ها و نیز گزارش‌های اداری را تهیه کرده و موارد لازم را به دولت‌های ذی‌نفع و ارگان‌های صلاحیت‌دار اتحادیه‌ها و سازمان منعکس نماید.

مدیرکل و یا هر یک از کارکنان که وی او را منصوب می‌کند باید بدون حق رأی در تمام اجلاس مجمع عمومی، کنفرانس، کمیته هماهنگی و هر گروه کاری و کمیته دیگر شرکت کنند. مدیرکل یا کسی که او منصوب می‌کند، به مناسبت سمت خود، بعنوان دبیر این گروه‌ها و نهادها عمل می‌نماید.

مدیرکل، بنابه ضرورت و نیازهای سازمان، کارکنانی را استخدام و منصوب می‌نماید. وی با تأیید کمیته هماهنگی، معاونینی برای خود انتخاب می‌کند. همچنین کمیته هماهنگی، طبق پیشنهاد وی، قوانین استخدامی و شرایط کاری سازمان را تصویب می‌نماید. معیار اصلی انتخاب کارکنان و شرایط استخدامی آنان باید دارا بودن بالاترین میزان استانداردهای کارایی، صلاحیت و اخلاق باشد. همچنین باید تا حد امکان، به توزیع جغرافیایی کارکنان نیز توجه کرد. مدیرکل و کارکنان سازمان باید همواره به مسئولیتهای خود از منظر بین‌المللی بنگرند و در وظایف خود، از هیچ دولت، سازمان یا نهادی خارج از وایپو، تبعیت نداشته باشند و خط‌نگیرند و از هر عمل و اقدامی که بر موقعیت بین‌المللی آنها تأثیر سوء بگذارد، خودداری کنند. هر دولت عضو، متعهد است که این جنبه منحصراً «بین‌المللی» مسئولیتهای مدیرکل و کادر سازمان را محترم بشمارد و از تلاش برای اعمال نفوذ در وظایف آنان خودداری کند.^(۱)

۱. ماده نهم کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت معنوی که دربردارنده ۸ بند است.

۵- عضویت در وایپو

کنوانسیون مؤسس وایپو اعلام می‌دارد^(۱) که عضویت در وایپو برای

۱- هر دولتی که عضویت یکی از اتحادیه‌ها را دارا است؛

۲- هر دولتی که عضو اتحادیه‌ها نیست ولی عضو سازمان ملل متحد یا آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی یا اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری باشد؛ و

۳- هر دولتی که توسط مجمع عمومی وایپو دعوت به عضویت شود آزاد است. لذا تنها

«دولتها» هستند که می‌توانند به عضویت وایپو (و یا در واقع به عضویت هر سازمان تخصصی

سیستم ملل متحد) درآیند.

یک دولت برای اینکه عضو وایپو شود باید سند تصویب یا الحاق را نزد مدیرکل وایپو در

مقر این سازمان در شهر ژنو سوئیس تودیع کند. دول عضو کنوانسیون‌های پاریس و برن تنها در

صورتی می‌توانند عضو وایپو شوند که قبلاً و یا در حال حاضر مقررات اجرایی سند استکهلم

۱۹۶۷ بر کنوانسیون پاریس یا سند اصلاحی ۱۹۷۱ پاریس بر کنوانسیون برن در مورد آنان

الزام آور شده باشد.^(۲)

۶- بودجه

مطابق کنوانسیون استکهلم^(۳)، چنان که ذکر شد، تصویب مقررات مالی وایپو و نیز

بودجه دوسالانه هزینه‌های مشترک اتحادیه‌ها با مجمع عمومی است.

در مورد بودجه سازمان و نحوه تأمین و هزینه آن، کنوانسیون مذکور چنین می‌گوید^(۴):

«سازمان از دو نوع بودجه جداگانه برخوردار است. یکی بودجه هزینه‌های مشترک

اتحادیه‌ها و دیگری بودجه کنفرانس.

- بودجه هزینه‌های مشترک اتحادیه‌ها مشتمل است بر مقرراتی در مورد سهمیه

۲. ماده ۱۴ کنوانسیون مؤسس وایپو

۴. ماده یازدهم

۱. ماده پنجم

۳. ماده ششم

هزینه‌های اتحادیه‌های گوناگونی که امور اجرایی آنان بر عهده وایپو است. این بودجه از منابع ذیل تأمین می‌شود:

۱- مشارکتهای اتحادیه‌ها به این نحو که میزان مشارکت آنها در بودجه توسط مجمع هر یک از آنها و با توجه به سهمی که اتحادیه مزبور در «هزینه‌های مشترک» دارد مشخص می‌شود.
۲- دریافتهایی که در ازای خدمات انجام شده توسط دفتر بین‌المللی صورت می‌گیرند. این خدمات غیر از وظایفی است که این دفتر در ارتباط مستقیم با اتحادیه‌ها بر عهده دارد و یا خدماتی که در قالب کمکهای فنی - حقوقی به دولت‌ها ارائه می‌شود.

۳- فروش انتشارات سازمان

۴- هدایا و کمکهایی که به سازمان می‌شود.

۵- سایر درآمدهای متفرقه سازمان از محل سودهای بانکی و...^(۱)

- بودجه کنفرانس، مشتمل است بر بودجه‌ای که صرف برگزاری جلسات کنفرانس می‌شود بعلاوه بودجه‌ی که کنفرانس برای کمکهای فنی - حقوقی به دولت‌ها اختصاص می‌دهد. این بودجه از محل منابع ذیل تأمین می‌شود:

۱- مشارکت دولتهای عضو وایپو که عضو هیچیک از اتحادیه‌ها نیستند.

۲- هر مبلغی که اتحادیه‌ها خود به این منظور در اختیار بگذارند این مبالغ را مجمع هر اتحادیه معین می‌کند و اتحادیه‌ها آزادند که از کمک به این بودجه خودداری کنند.

۳- مبالغ دریافتی در ازای کمکهای فنی - حقوقی که دفتر بین‌المللی ارائه می‌دهد.

۴- هدایا و کمکهایی که به منظور کمک به این بودجه، از سوی افراد یا شرکتهای و یا دولت‌ها به سازمان داده می‌شود.

هر دولت عضو کنوانسیون مؤسس وایپو که در اتحادیه‌ها عضویت ندارد، برای مشارکت در بودجه کنفرانس در یکی از گروههای سه‌گانه قرار می‌گیرد و باید هزینه سالانه را با توجه به واحدهای مشخص شده برای هر گروه بپردازد.

۱. ماده ۱۱ بند دو قسمت (ب) کنوانسیون مؤسس

- گروه A ۱۰

- گروه B ... ۳

- گروه C ۱

هر دولت، هم زمان با مراحل عضویت که طبق ماده ۱۴ کنوانسیون استکهلم به عمل می‌آورد، باید خود معین کند که می‌خواهد به کدام گروه تعلق داشته باشد. یک دولت می‌تواند گروه خود را تغییر دهد و اگر این تغییر در راستای انتقال به گروه پایین‌تری باشد، دولت باید این تغییر را در یکی از جلسات عادی کنفرانس، اعلام کند و تغییر مزبور از ابتدای سال تقویمی آینده لحاظ خواهد شد.

پرداختی سالانه هر دولت، باید بر مبنای واحدهای انتخابی او باشد. یعنی هر نسبتی که واحدهای آن گروه که انتخاب کرده با کل واحدهای انتخابی دولتهای عضو دارد، به همان نسبت باید سهمی از بودجه مقرر کنفرانس را بپردازد. این مبالغ باید در ابتدای ژانویه هر سال پرداخت گردد. اگر در ابتدای دوره مالی جدید هنوز مورد پذیرش واقع نشده باشد، آنرا در همان سطح سال قبل در نظر می‌گیرند.^(۱)

هر دولتی که عضو کنوانسیون مؤسس وایبو است و عضو اتحادیه‌ها نیست، اگر در پرداختهای مقرری خود در بودجه کنفرانس، تأخیر کند و نیز هر دولتی که عضو کنوانسیون مؤسس و نیز عضو یکی از اتحادیه‌ها است در پرداختهای مقرری خود در قبال اتحادیه تأخیر داشته باشد، در صورتی که مبلغ بدهی پرداخت نشده به اندازه مبلغ مقرری دو سال کامل برسد یا از آن تجاوز کند، از حق رأی خود در تمام نهادهای سازمان که در آنها عضویت دارد، محروم می‌گردد. مگر آنکه سازمان یا نهاد مورد نظر قانع شود که بدهی مزبور در اثر وقایعی غیرقابل اجتناب و استثنائاً ایجاد شده و لذا به دولت مزبور اجازه دهد از حق رأی خود بهره‌مند باشد. - میزان عوارض و مبالغ دریافتی در ازای خدمات ارائه شده در حوزه کمکه‌های فنی - حقوقی توسط مدیرکل معین و به کمیته هماهنگی گزارش می‌شود.

۱. ماده یازده پاراگراف چهار کنوانسیون مؤسس

- سازمان با تأیید کمیته هماهنگی می تواند هدایا، اعانه‌ها و کمک‌های دولتها، نهادهای عمومی یا خصوصی، انجمن‌ها و افراد را دریافت کند.

- سازمان از یک «صندوق سرمایه‌کاری»^(۱) برخوردار است. این صندوق در ابتدا با مبالغ پرداختی توسط دولتها و اتحادیه‌ها تأسیس شده است. میزان پرداختهای مزبور برای دولتها را مدیرکل با نظر کمیته هماهنگی تعیین و به تصویب کنفرانس می‌رساند. میزان پرداختی اتحادیه‌ها را مجمع هر اتحادیه معین می‌کند.

مطابق کنوانسیون^(۲)، در قرارداد مقرر با دولت فدرال سوئیس گنجانده شده است که در مواردی که ذخیره موجودی صندوق مزبور به کمتر از حد نصاب لازم برسد، دولت محل مقرر سازمان باید این کسری را به حساب صندوق واریز کند. در عوض، مادام که این پرداخت کسری از سوی دولت مقرر ادامه دارد، این دولت از یک کرسی فوق‌العاده در کمیته هماهنگی برخوردار خواهد بود. با این حال هم دولت مزبور و هم سازمان حق دارند این قید تعهد به پرداخت کسری را فسخ کنند که این فسخ از سه سال بعد از اعلام، اثر خواهد داشت.

حسابرسی امور مالی سازمان را مجمع عمومی با وضع مقررات مالی لازم، می‌تواند به یک یا چند دولت عضو و یا حسابرسان خارج از سازمان محول کند.^(۳)

۷- اهلیت حقوقی^(۴)، مزایا^(۵) و مصونیت‌ها^(۶)

هر فرد یا نهاد یا مؤسسه‌ای که می‌خواهد نوعی فعالیت اقتصادی، حقوقی یا غیره داشته باشد، باید برای انجام آن از نوعی اهلیت برخوردار باشد. سازمانهای بین‌المللی نیز از این امر مستثنی نیستند. اما اینکه حد و حدود این اهلیت و صلاحیت تا کجا است و جایگاه سازمان مزبور در حقوق بین‌الملل و نیز در ارتباط با دولتها چگونه است، مطلبی است که به طور کلی و عمومی

1. Working Capital Fund

۳. همان ماده بند دهم

۲. ماده یازدهم بند نهم

4. Legal Capacity

5. Privileges

6. Immunities

نمی‌توان در مورد آن اظهار نظر کرد. بلکه در هر مورد، بر عهده کشورهای خالق این سازمانها است که محدوده حقوق و تعهدات آنها را مشخص و معین سازند. گرچه به هر حال می‌توان به پاره‌ای اشارات کلی پرداخت. از جمله می‌توان بین حقوق و تعهداتی که معاهده‌ای بوجود می‌آورد، از یک طرف و حقوق و تعهداتی که از حقوق بین‌الملل عام سرچشمه می‌گیرد قائل به تفاوت شد. دسته اول که مندرج در اساسنامه هر سازمان است، بی‌تردید فقط نسبت به کسانی که معاهده را امضا کرده‌اند اعتبار دارد.^(۱) اما بطور کلی، آنچه بعد از جنگ دوم جهانی رایج و متداول شده است، نشان می‌دهد که یک رشته قواعد بین‌المللی، حقوقی برای سازمانها در برابر کشورهایی که عضو این سازمانها نیستند ایجاد کرده است، به شرط آنکه این سازمانها به حد کافی مستقل بوده و صاحب چنان تشکیلاتی باشند که به آنها اجازه دهد در عرصه بین‌المللی اظهار وجود کنند. از جمله حقوقی که به سازمانهای بین‌المللی اختصاص داده شده است می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- حق انعقاد توافقنامه با کشورهای غیر عضو

- تقاضای اعمال مصونیت قضایی برای اعمال و فعالیتهایی که از ناحیه کارکنان این

سازمانها در محدوده وظایفشان صورت می‌گیرد

- حق حمایت از کلیه مستخدمان سازمانهای مربوط که در خاک کشورهای ثالث بعنوان

نمایندگان جامعه بین‌المللی^(۲) عهده‌دار وظیفه‌ای هستند

- و نیز حق درخواست جبران هرگونه خسارتی که توسط کشورهای عضو یا ثالث به

سازمان و افراد در خدمت آن وارد شده است.^(۳)

1. «pacta tertiis nec nocent nec prosunt» or «res inter alios acta nec nocere nec prodesse potest».

عباراتی لاتینی برای اشاره به مفهوم نسبی بودن آثار حقوقی قراردادها.

۲. بر این حق، در رأی مشورتی **دیوان بین‌المللی دادگستری** در یازدهم آوریل سال ۱۹۴۹ در خصوص جبران خسارات وارده به کسانی که در خدمت سازمان ملل متحد دچار آسیب و ضرر شده‌اند، صراحتاً تأکید شده است.

۳. کاسسه، آنتونیو، **حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد**، مرتضی کلانتریان، چاپ اول، دفتر خدمات حقوقی

جمهوری اسلامی ایران، تهران، زمستان ۱۳۷۰، ص ۱۱۸

۶۲ ■ سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو)

اما در مورد سازمان جهانی مالکیت معنوی، کنوانسیون مؤسس آن در سال ۱۹۶۷^(۱) ذکر می‌کند که سازمان در سرزمین هر دولت عضو و مطابق با قوانین دولت مزبور، از اهلیت و صلاحیت حقوقی لازم برای تحقق اهداف سازمان و اجرای کارکردها و وظایف خود بهره‌مند است.

سازمان با دولت فدرال سوئیس و یا هر دولت دیگری که در آینده به عنوان مقر انتخاب شود، می‌تواند قرارداد امضا کند. بعلاوه سازمان می‌تواند با سایر دول عضو، موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه با هدف برخوردار کردن سازمان و کارکنان آن و نمایندگان دول عضو از مزایا و مصونیت‌های لازم برای تحقق اهداف سازمان و اجرای وظایف آن، منعقد نماید. برای این قراردادها مدیرکل وارد مذاکره می‌شود و بعد از تصویب کمیته هماهنگی، از طرف سازمان آنها را امضا می‌نماید.

فصل سوم



معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت معنوی^(۱)

گفتیم که مطابق کنوانسیون مؤسس وایپو^(۲)، اهداف این سازمان عبارت است از تلاش در جهت ارتقاء حمایت جهانی از حقوق مالکیت معنوی و تضمین هماهنگی و همکاری عملی - اجرایی بین اتحادیه‌هایی که در قسمتهای قبل به طور مختصر به آنها اشاره کردیم. سازمان وایپو مطابق کنوانسیون مزبور^(۳) باید امور و وظایف اداری اتحادیه پاریس و اتحادیه‌های مرتبط با آن و نیز اتحادیه برن را انجام دهد و نیز می‌تواند بپذیرد که امور اداری هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر که با هدف ارتقاء حمایت از مالکیت معنوی ایجاد شده باشد را انجام دهد یا در انجام این امور مشارکت کند. پذیرش این قبیل تعهدات از سوی وایپو مطابق کنوانسیون مزبور^(۴) باید با رأی مثبت اکثریت سه چهارم آراء ماخوذه در مجمع عمومی سازمان همراه باشد. تا تاریخ جاری، سازمان جهانی مالکیت معنوی، بعنوان یک سازمان تخصصی سیستم ملل متحد مجری و عهده‌دار امور اداری ۲۱ معاهده بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت معنوی است. این معاهدات را همانطور که اشاره کردیم می‌توان در سه گروه عمده طبقه‌بندی کرد^(۵) که ذیلاً به توضیح بیشتر آنها می‌پردازیم:

1. WIPO Treaties

۳. ماده چهارم

۲. ماده سوم

۴. ماده ۶ پاراگراف ۳ بند ح

5. www.wipo.org/treaties, September 2001

- گروه اول: معاهدات موجد حمایت از حقوق مالکیت معنوی

این گروه، استانداردهای اولیه مورد موافقت جامعه بین‌المللی در زمینه حمایت از مالکیت‌های معنوی را تعریف می‌کند.

این معاهدات عبارتند از:

- ۱- معاهده حقوق ورقه اختراع^(۱)
- ۲- کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت‌های صنعتی
- ۳- کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری
- ۴- کنوانسیون رم برای حمایت از هنرمندان و هنرپیشگان، تهیه‌کنندگان آثار صوتی و سازمان‌های رادیو - تلویزیونی
- ۵- کنوانسیون ژنو برای حمایت از تهیه‌کنندگان آثار صوتی در قبال تکثیر غیرمجاز
- ۶- معاهده نایروبی در مورد حفاظت از نشانها و سمبل‌های المپیک
- ۷- موافقتنامه مادرید برای جلوگیری و مقابله با علائم دروغین و متقلبانه نشانگر مبدأ

کالا

۸- معاهده حقوق علائم تجاری^(۲) (مارک‌های تجاری) ۱۹۹۴

- مواد معاهده حقوق مارک‌های تجاری

- مقررات مربوط به معاهده مزبور

- فرم‌های نمونه بین‌المللی

۹- کنوانسیون بروکسل در ارتباط با پخش امواج حاوی برنامه از طریق ماهواره

۱۰- معاهده وایپو در خصوص کپی رایت^(۳) (حق نسخه‌برداری)

۱۱- معاهده وایپو در خصوص ایفاگران و آثار صوتی^(۴)

1. Patent Law Treaty (PLT)

2. Trademark Law Treaty (TLT)

3. Wipo Copyright Treaty (WCT)

4. Wipo Performances and Phonograms Treaty (WPPT)

- گروه دوم: معاهدات سیستم جهانی حمایت و حفاظت

این گروه از معاهدات تضمین‌کننده این است که اگر یک حق در سطح بین‌المللی به ثبت برسد و برای آن پرونده‌ای تشکیل شود این ثبت در تمام دول امضاکننده این معاهدات اثر حقوقی و قانونی خواهد داشت.^(۱) خدماتی که در قالب این معاهدات، توسط وایپو ارائه می‌شود، مراحل ثبت و تقاضاهای انفرادی در تمام کشورهای عضو را در یک مرحله ثبت بین‌المللی خلاصه کرده و سبب صرفه‌جویی وقتی و هزینه‌ای بسیار زیادی در این امر می‌شود و در عین حال تمام اثراتی که باید این عمل در یکایک کشورها داشته باشد را دارد. با استفاده از این سیستمها دیگر نیازی نخواهد بود که یک مخترع یا نمایندگان یک شرکت برای جلوگیری از تقلب دیگران، دست به مسافرتی به دور دنیا بزنند و در تمام کشورهای متمدن جهان، اختراع یا نام تجاری خود را ثبت کند بلکه کافی است با استفاده از سیستمهای ارائه شده در گروه دوم معاهدات مربوط به مالکیت معنوی، این مخترع یا شرکت با مراجعه به دفتر بین‌المللی وایپو، تقاضای خود را تسلیم و ثبت کند تا در تمام کشورهای عضو این نوع معاهدات، بتواند از حقوق قانونی خود کمال استفاده را بنماید.^(۲) البته مقررات تمام این معاهدات عیناً مانند یکدیگر نیست و تفاوتهایی هم وجود دارد که در قسمتهای آتی به نحوی کاملتر به شرح آنها خواهیم پرداخت.

این گروه شامل معاهدات ذیل است:

- ۱- معاهده همکاری در زمینه حق اختراع^(۳)
- ۲- مقررات تحت معاهده فوق
- ۳- موافقتنامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی مارکها
- ۴- پروتکل مربوط به موافقتنامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی مارکها
- ۵- مقررات عمومی تحت موافقتنامه و پروتکل آن
- ۶- سیستم مادرید برای ثبت بین‌المللی مارکها

1. *Ibid.*

2. *Ibid.*

3. Patent Cooperation Treaty (PCT)

- ۷- موافقتنامه لاهه در مورد ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی^(۱)
- سند اصلاحی لندن ۱۹۳۴ بر موافقتنامه لاهه
 - سند اصلاحی لاهه ۱۹۶۰ بر موافقتنامه لاهه
 - سند الحاقی موناکو ۱۸ نوامبر ۱۹۶۱ به موافقتنامه لاهه
 - سند تکمیلی استکهلم ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ و اصلاحات ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹
 - سند ژنو در مورد موافقتنامه لاهه و مقررات اضافی مربوط به آن
- ۸- مقررات تحت موافقتنامه لاهه
- ۹- دستورالعملهای اجرایی برای کاربرد موافقتنامه لاهه
- ۱۰- سیستم لاهه برای ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی
- ۱۱- معاهده بوداپست در خصوص شناسایی بین‌المللی ثبت «ریزسازه‌های آلی»^(۲) در راستای مراحل ثبت حق اختراع
- ۱۲- مقررات تحت معاهده بوداپست
- ۱۳- راهنمای ثبت میکروارگانیسمها تحت معاهده بوداپست
- ۱۴- موافقتنامه لیسبون برای حمایت از اسامی مبدا (کالاها) و ثبت بین‌المللی آنها
- ۱۵- مقررات ناظر به موافقتنامه لیسبون^(۳)

گروه سوم: معاهدات طبقه‌بندی کننده^(۴)

نوع سوم از معاهداتی که توسط وایپو اجرا و نظارت می‌شوند، بنام معاهدات طبقه‌بندی کننده شهرت دارند. این معاهدات، سیستم‌هایی برای طبقه‌بندی طرح می‌کنند که اطلاعات مربوط به اختراعات، مارکهای تجاری و طراحیهای صنعتی را در قالب ساختارهایی با قابلیت

1. International Sepsit of Industrial Designs

2. Micro Organisms

3. *Ibid.*

4. Classification Treaties

دسترسی سریع و آسان، سازماندهی می‌نمایند.^(۱)

خاطر نشان می‌شود که یک معاهده ممکن است در یک یا دو یا هر سه گروه جای گیرد. یعنی یک معاهده ممکن است دارای جنبه‌های متفاوت و متنوعی گردد که تحت یک یا چند عنوان فوق قرار گیرد.

معاهدات طبقه‌بندی کننده شامل:

۱- موافقتنامه لوکارنو^(۲) برای ایجاد یک سیستم طبقه‌بندی بین‌المللی طراحیهای

صنعتی

۲- موافقتنامه نیس^(۳) در خصوص طبقه‌بندی بین‌المللی کالاها و خدمات به منظور ثبت

مارکها

۳- موافقتنامه استراسبورگ^(۴) در خصوص طبقه‌بندی بین‌المللی حق اختراع

۴- موافقتنامه وین برای ایجاد طبقه‌بندی بین‌المللی عوامل شکلی و تمثیلی مارکها^(۵)

تعدادی از معاهدات با اهمیت در حوزه مالکیت معنوی

در ادامه این فصل، با توجه به اینکه آشنایی کلی با معاهدات مذکور و سیستم‌ها و نظامهایی که توسط این معاهدات تعبیه شده است، برای درک وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل مالکیت معنوی در سطح جهان و نظامهای رایج مربوط به آن و نیز موقعیت و جایگاه سازمان جهانی مالکیت معنوی، ضروری است، و با در نظر گرفتن مجال اندک و محدودیت‌هایی که در این مجموعه ناچار به رعایت آنها هستیم و اینکه توضیح و شرح و بسط هر یک از این معاهدات و تاریخچه و اثرات هر یک از آنها نیاز به نگارش چند جلد کتاب و تحقیق مستقل دارد، سعی شده است که برخی از مهمترین و مؤثرترین این معاهدات، بطور خلاصه و موجز معرفی و شرح داده

1. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, WIPO Publication No.476, Geneva, 1999, p. 10

2. Locarno

3. Nice

4. Strasburg

5. Figurative Elements

شود. بنابراین ذیلاً معاهداتی نظیر پاریس، برن، موافقتنامه لاهه و ... بطور مختصر توضیح داده می‌شود:

کنوانسیون پاریس ۱۸۸۳ برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی^(۱)

این کنوانسیون، بدنبال تشکیل یک کنفرانس دیپلماتیک در پاریس منعقد گشت. کنوانسیون پاریس ابتدا توسط ۱۱ کشور بلژیک، برزیل، السالوادور، فرانسه، گواتمالا، ایتالیا، هلند، پرتغال، صربستان، اسپانیا و سوئیس امضا شد. با لازم الاجرا شدن آن در ۷ ژوئیه ۱۸۸۴، بریتانیا، تونس و اکوادور بالحاق به این کنوانسیون تعداد اعضاء اولیه آنرا به ۱۴ عضو رساندند. اما بعدها در قرن بیستم و بخصوص پس از جنگ جهانی دوم، تعداد اعضاء این پیمان افزایش چشمگیری یافت.

این کنوانسیون گاه به گاه مورد بازنگری قرار گرفته است، هر یک از این کنفرانسهای بازنگری که با کنفرانس بروکسل در ۱۹۰۰ آغاز شدند، به تصویب یک سند اصلاحی از کنوانسیون پاریس ختم شده‌اند. با اینکه امروزه به جز سند اصلاحی مصوب کنفرانس بروکسل ۱۹۰۰ و واشنگتن ۱۹۱۱، بقیه این سندهای اصلاحی همچنان اهمیت دارند ولی در حال حاضر اکثریت وسیعی از کشورها، عضو آخرین سند اصلاحی یعنی استکهلم ۱۹۶۷ هستند.^(۲)

مقررات کلی

مقررات کنوانسیون پاریس را می‌توان به چهار گروه عمده تقسیم نمود:

۱- قواعد حقوقی ماهوی که متضمن شناخت یک قاعده اساسی بنام حق «رفتار ملی» در

هر یک از کشورهای عضو است.

۲- قواعدی موجد یک حق اساسی دیگر بنام «حق تقدم» یا «حق اولویت»

1. Paris Convention for Protection of Industrial Properties

2. www.wipo.int/treaties/docs/english/d-paris.doc, October 2001

۳- تعدادی مشخص از قواعد عمومی در حوزه حقوق ماهوی که دربرگیرنده قوانین موجد حقوق و تعهدات برای افراد حقیقی و حقوقی است و نیز قواعدی که به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد یا در مواردی آنها را ملزم می‌کند که به تبعیت از آن قواعد، قانونگزاری نمایند.

۴- و قواعدی دربرگیرنده چارچوبی اجرایی که برای انجام و تحقق کنوانسیون ضروری است.^(۱)

رفتار ملی^(۲) چیست؟

رفتار ملی در حوزه دارایی‌های صنعتی یعنی که هر کشور عضو کنوانسیون پاریس باید عین حمایتی را که از حقوق اتباع خود در این مقوله بعمل می‌آورد، در اختیار اتباع سایر کشورهای عضو نیز قرار دهد. مواد ۲ و ۳ کنوانسیون پاریس ناظر به این مقوله است. بحث رفتار ملی بعدها به یکی از دو اصل اساسی تجارت بین‌المللی در اسنادگات و سازمان تجارت جهانی تبدیل شد.^(۳)

حق اولویت^(۴) یعنی چه؟

حق تقدم یا اولویت به این معنی است که بر مبنای یک تقاضای عادی در مورد حقوق مالکیت صنعتی که توسط یک متقاضی در یکی از کشورهای عضو بعمل آمده است، فرد مزبور یا جانشین وی می‌تواند ظرف یک مدت معین زمانی (۶ یا ۱۲ ماه) در تمام کشورهای عضو، تقاضای حمایت و حفاظت از حق مزبور را بنماید. دولت‌های عضو باید تاریخ این تقاضاهای موخری را که در کشورشان به عمل می‌آید درست مطابق با همان تاریخ تقاضای اولیه در کشور

1. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 233

2. National Treatment

3. Petersman, E, and G. Marceau, *The GATT/WTO-International Law, International Organization and Dispute Settlement*, Journal of World Trade, No. 31 (3), 1997, p. 21

4. Right of Priority

نخست در نظر بگیرند. از اینرو، این تقاضاهای موخر از یک وضعیت دارای اولویت به نسبت تمام تقاضاهای احتمالی دیگران در ارتباط با اختراع مزبور که بعد از تاریخ تقاضای اولیه بعمل آمده باشند برخوردار می‌گردند. همچنین این تقاضاها نسبت به کلیه قوانینی که در دیگر کشورهای عضو ظرف مدت زمان پس از تاریخ تقاضای اولیه متقاضی در کشور نخست، تصویب شده‌اند و ممکن است ملغی‌کننده حقوق متقاضی باشند، از یک نوع اولویت زمانی برخوردارند چراکه اگر قرار است تاریخ این تقاضاهای موخر را همان تاریخ تقاضای اولیه در نظر بگیریم، قوانین لاحق به مصداق «قانون، عطف به ماسبق نمی‌شود» نسبت به آن بی‌اثر خواهند بود.^(۱) مقررات مربوط به این مقوله در ماده ۴ کنوانسیون پاریس ذکر شده است.

- علاوه بر دو اصل اساسی که در بالا توضیح داده شدند، کنوانسیون پاریس واضح مقرراتی در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی است. مقرراتی در خصوص حق اختراع، مدل‌های کاربردی^(۲)، طراحی‌های صنعتی، مارک‌های تجاری، مارک‌های خدماتی، نام‌های تجاری، علائم منبع یا اسامی مبداء کالا یا خدمات و مقابله با رقابت ناجوانمردانه.^(۳) کنوانسیون تصریح دارد که اصطلاح مالکیت صنعتی را در این معاهده باید در وسیع‌ترین معنی ممکن در نظر گرفت و آنرا نه تنها در امور مربوط به صنعت و تجارت بلکه در کشاورزی و صنایع استحصالی - استخراجی^(۴) و تمام محصولات طبیعی یا مصنوعی مثل حبوبات، برگ تنباکو، میوه‌جات، دامداری، مواد معدنی، آب معدنی، شراب، آب جو، گل و ... بکار برد.

مقررات مالی - اجرایی و نهادهای اتحادیه پاریس

کشورهای عضو کنوانسیون پاریس، یک «اتحادیه» تشکیل می‌دهند و بدین لحاظ کنوانسیون پاریس از حد یک معاهده که صرفاً بیانگر حقوق و تعهدات است فراتر می‌رود، یعنی

1. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 235

2. Utility Models

۳. ماده یک، پاراگراف دو

4. Extractive

مؤسس یک نهاد بین‌المللی و یک شخصیت حقوقی در حقوق بین‌الملل با نهادهای لازم برای ایفای وظایفی مشخص است.

در این راستا یک دولت وقتی از طریق الحاق به آخرین سند کنوانسیون پاریس^(۱) به عضویت اتحادیه درمی‌آید، در قبال تمام کشورهای عضو متعهد می‌گردد ولو آنها هنوز به عضویت سند اصلاحی آخر درنیامده باشند. کنوانسیون می‌گوید^(۲) که چنان کشوری باید سند استکهلم را حتی در قبال دول عضو اتحادیه که هنوز به عضویت سند مذکور درنیامده‌اند، مراعات کند و بپذیرد که آنها در روابط متقابل، مطابق مقررات آخرین سندی که برای خودشان الزام‌آور است، عمل کنند.

اتحادیه دارای سه نهاد اجرایی است، مجمع، کمیته اجرایی و دفتر بین‌المللی واپو با ریاست مدیرکل سازمان جهانی مالکیت معنوی.

مجمع متشکل است از تمام کشورهای عضو که حداقل مواد ۱۳ تا ۱۷ سند استکهلم کنوانسیون پاریس برایشان الزام‌آور باشد.^(۳) این مواد، دربرگیرنده مقررات اجرایی سند است. مجمع مهمترین نهاد اتحادیه است که تمام قدرتهای سیاستگزاری و کنترل را داراست. مجمع در تمام امور مربوط به بقاء و توسعه اتحادیه و اجرای کنوانسیون پاریس دخالت دارد. بخصوص، مجمع هرگاه لازم بداند، در مورد برپایی کنفرانسهایی برای تجدیدنظر در کنوانسیون پاریس دستورالعملهایی صادر می‌کند. مجمع گزارشهای مدیرکل واپو در مورد اتحادیه را مرور و تأیید می‌کند و در حوزه صلاحیت اتحادیه، به وی توصیه‌هایی می‌نماید. مجمع برنامه کاری اتحادیه و بودجه دوسالانه آن را تصویب و حسابهای مالی را رسیدگی و تصویب می‌کند. مجمع هر دو سال یکبار، همزمان با مجمع عمومی واپو جلسه عادی دارد.

مجمع اتحادیه پاریس دارای یک کمیته اجرایی است.^(۴) این کمیته متشکل است از یک چهارم کشورهای عضو مجمع که توسط مجمع برای دوره کاری بین دو جلسه عادی مجمع با

۱. استکهلم ۱۹۶۷

۲. ماده ۲۷ پاراگراف سه

۳. ماده ۱۳ کنوانسیون

۴. ماده ۱۴ کنوانسیون پاریس

مراعات عدالت در توزیع جغرافیایی کشورها انتخاب می‌شود. کمیته اجرایی سالی یکبار همزمان با کمیته هماهنگی وایپو، جلسه عادی دارد. کمیته اجرایی مسئول رسیدگی به تمام مسائلی است که باید در فاصله بین دو جلسه مجمع رسیدگی شوند. همینطور رسیدگی به مسائلی که در حد و اندازه مجمع نمی‌باشند برعهده کمیته است. بعلاوه کمیته اجرایی، مقدمات برگزاری جلسات مجمع را فراهم و ابزارهای لازم برای تضمین اجرای برنامه مصوب مجمع را مهیا می‌کند.

ماده ۱۵ کنوانسیون پاریس مربوط است به دفتر بین‌المللی. همانطور که در بخشهای قبلی گفتیم، دفتر اجرایی کنوانسیون ابتدا نهاد کوچکی بود که بعداً با ادغام در دفتر اتحادیه برن، نام «بیرپی» به خود گرفت. اما بعدها با تشکیل وایپو و اصلاح کنوانسیون پاریس، دفتر بین‌المللی وایپو بعنوان ارگان اجرایی - اداری اتحادیه پاریس نیز شناخته شد و امروزه تمام امور اداری و اجرایی اتحادیه را انجام می‌دهد. وایپو بعنوان دبیرخانه نهادهای مختلف اتحادیه عمل می‌کند و مدیرکل آن، رئیس اجرایی - اداری اتحادیه است.^(۱)

مقررات مالی

این مقررات در ماده ۱۶ کنوانسیون ذکر شده‌اند. اتحادیه پاریس بودجه مخصوص به خود را دارد که عمدتاً از منبع سهمیه مقرر برای کشورهای عضو تأمین می‌شود. این سهمیه براساس گروهها و یک سیستم واحدبندی شبیه سیستم بودجه کنفرانس وایپو محاسبه می‌شود. یک دولت که عضو بالاترین گروه یعنی گروه I باشد سهمی معادل ۲۵ واحد و دولتی که عضو پایین‌ترین گروه یعنی گروه VII باشد سهمی معادل ۱ واحد دارد.^(۲) هر دولت، گروه مالی مورد نظرش را خود معین می‌کند و آزاد است که آنرا تغییر دهد.^(۳)

۱. مطابق ماده ۲۱ پاراگراف ۳ کنوانسیون مؤسس وایپو، مادام که کشورهایی وجود دارند که عضو اتحادیه پاریس هستند ولی به عضویت وایپو درنیامده‌اند، سازمان جهانی مالکیت معنوی در رابطه با این کشورها بعنوان دفتر اجرایی اتحادیه پاریس عمل می‌نماید.

۲. جمهوری اسلامی ایران جزء این گروه است.

۳. ماده شانزدهم (بند چهار) کنوانسیون پاریس

اصلاح و تجدیدنظر در کنوانسیون

مطابق کنوانسیون^(۱)، دفتر بین‌المللی وایپو هرگاه که اصلاح کنوانسیون طبق نظر مجمع ضروری باشد، با هماهنگی کمیته اجرایی اتحادیه، مقدمات برگزاری کنفرانسهای تجدیدنظر کنوانسیون را در یکی از کشورهای عضو فراهم می‌کند.

اما تجدیدنظر در مواد ۱۷-۱۳ کنوانسیون، تابع قاعده‌ای جداگانه است. این مواد که به ساختار اتحادیه مربوط هستند ممکن است با پیشنهاد یک دولت عضو، کمیته اجرایی یا مدیرکل وایپو مورد تجدیدنظر واقع شوند. مدیرکل پیشنهادات مزبور را ۶ ماه قبل از طرح در مجمع، برای بررسی به دول عضو ارسال می‌کند. پیشنهادات برای اینکه تصویب شوند باید حائز سه چهارم آراء مجمع گردند. البته استثنائاً پیشنهاد تجدیدنظر در ماده ۱۳ که مقررات آن مربوط به کارکردهای خود مجمع است باید چهار پنجم آراء را حائز گردد.^(۲)

دیگر مقررات

- انعقاد موافقتنامه‌های ویژه بین کشورهای عضو در مورد مالکیت صنعتی مجاز است به شرط آنکه مخل به مفاد این کنوانسیون نباشد.^(۳)

- بعد از الزام آور شدن سند استکھلم، الحاق به اسناد قبلی کنوانسیون پاریس ممکن نیست.^(۴)

کنوانسیون پاریس محدودیت زمانی ندارد. با این حال هر دولت عضومی تواند با اطلاع به مدیرکل، از این کنوانسیون خارج شود که این به منزله خروج از تمامی اسناد قبلی کنوانسیون^(۵) خواهد بود. این خروج، یکسال بعد از تاریخ اطلاع به مدیرکل معتبر است. حق خروج از کنوانسیون، قبل از انقضای مدت ۵ سال از تاریخ عضویت هر کشور، قابل اجرا خواهد بود.^(۶)

۲. مواد هفدهم و هجدهم

۱. ماده هجدهم

۴. ماده ۲۳

۳. ماده نوزدهم

۵. مقصود، اصلاحیه‌هایی است که در بروکسل ۱۹۰۰، واشنگتن ۱۹۱۱، لاهه ۱۹۲۵، لندن ۱۹۳۴ و لیسبون ۱۹۵۸ بر

۶. ماده ۲۶

کنوانسیون پاریس وارد گردیده است.

حل و فصل اختلافات

هر اختلافی که در خصوص تفسیر یا اجرای کنوانسیون پاریس بین دو یا چند عضو اتحادیه بروز کند و از طریق مذاکره حل نشود، می‌تواند از طریق هر یک از کشورهای مورد نظر برای اظهار نظر به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردد مگر آنکه دول طرف اختلاف روی شیوه دیگری توافق نمایند. کشوری که موضوع را در دیوان مطرح می‌کند باید به دفتر بین‌المللی اطلاع داده و دفتر بین‌المللی قضیه را به آگاهی تمامی دول عضو اتحادیه برساند.^(۱) البته هر دولتی می‌تواند به هنگام امضاء این سند یا تودیع اسناد الحاق یا تصویب، اعلام کند که شیوه فوق را برای خود الزام‌آور نمی‌داند.^(۲) این اعلامیه را همواره می‌توان پس‌گرفت و صلاحیت دیوان را به رسمیت شناخت. کنوانسیون پاریس ۱۶۲ عضو^(۳) دارد.^(۴)

کنوانسیون برن ۱۸۸۶ برای حمایت از آثار ادبی و هنری

این کنوانسیون در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ در برن سوئیس منعقد گشت و پس از آن چندین بار مورد بازنگری قرار گرفته است تا با مسائل بوجود آمده در اثر رشد و توسعه سریع تکنولوژی در حوزه بهره‌برداری از آثار مؤلفین و مصنفین هماهنگ شود. نخستین بازنگری عمده در سال ۱۹۰۸ در کنفرانس برلین صورت گرفت و به دنبال آن کنوانسیون برن در رم ۱۹۲۸، بروکسل ۱۹۴۸، استکهلم ۱۹۶۷ و پاریس ۱۹۷۱ مورد تجدیدنظر واقع شد.

هدف تجدیدنظرهای صورت گرفته در استکهلم، در نظر گرفتن نیازهای کشورهای تازه استقلال یافته و در حال توسعه و ایجاد تغییرات ساختاری و اجرایی بود. مقررات ترجیحی که در استکهلم برای کمک به کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شد، بعدها در کنفرانس

۱. ماده ۲۸

۲. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از بند ۲ ماده ۲۸، بند یک این ماده را برای خود الزام‌آور نمی‌داند و در واقع خود را از شمول شیوه حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده در این کنوانسیون خارج ساخته است.

۳. تا تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۱

۴. برای مطالعه بیشتر در مورد کنوانسیون پاریس ر.ک. امامی نورالدین و دیگران، درباره قرارداد پاریس راجع به حقوق مالکیت صنعتی، مؤسسه حقوقی تهران، تهران، ۱۳۵۳

تجدیدنظر پاریس ۱۹۷۱ گسترش یافتند.^(۱)

هدف کنوانسیون برن چنانکه در مقدمه‌اش آمده است، «حمایت از حقوق مؤلفین نسبت به آفرینه‌های ادبی و هنریشان به مؤثرترین و هماهنگ‌ترین شکل ممکن» می‌باشد. کنوانسیون همچنین^(۲) ذکر می‌کند که دول عضو این کنوانسیون، اتحادیه‌ای برای حمایت از حقوق مؤلفین نسبت به آثار ادبی و هنریشان تأسیس می‌کند. کنوانسیون برن بر سه اصل اساسی استوار است: نخست، «رفتار ملی» بدین معنی که آثاری که از اتباع یکی از دول عضو سرچشمه می‌گیرند باید در سایر دول عضو تحت همان حمایتی قرار گیرند که این دولتها از آثار اتباع خود بعمل می‌آورند. دوم، «حمایت خودکار یا اتوماتیک»^(۳) بدین معنی که آن حمایت و رفتار ملی باید کاملاً مستقل بعمل آید و وابسته به هیچ نوع تشریفات ثبت و... نباشد.^(۴) و سومین اصل، «استقلال حمایت»^(۵) است بدین معنی که بهره‌مندی و اعمال حقوقی که در کنوانسیون به رسمیت شناخته می‌شوند، باید وابسته به وجود حمایت کشور مبدا اثر از آن نباشد.

آثاری که مورد حمایت قرار می‌گیرند، طبق ماده ۲ کنوانسیون مشتمل هستند بر هر آفرینه اصلی^(۶) در قلمرو علمی، ادبی و هنری به هر شکلی که بیان شود و یا در هر قالبی ریخته شده باشد. بعلاوه کارهای مشتق شده^(۷) از کارهای دیگر یعنی آثاری که بر پایه یک کار دیگر بوجود آمده‌اند مثل ترجمه یک کتاب، اقتباس و... از حمایت یکسانی بهره‌مند می‌شوند. حمایت از برخی آثار برای دولتها اختیاری است یعنی هر کشوری خود تصمیم می‌گیرد که مثلاً از متونی

1. International Bureau of WIPO, *Berne Convention for Protection of Literary & Artistic Works: Basic Rules & Special Rules for Developing Countries*, WIPO/GIC/CNR, Geneva, 1986, p. 4

۲. ماده اول

3. Automatic Protection

۴. برخلاف حقوق مالکیت صنعتی

5. Independence of Protection

6. Original

7. Deriving Works

با ماهیت حقوقی یا اداری^(۱) و یا از سخنرانیها و خطابه‌ها و سایر آثار لفظی^(۲) و نیز آثار فولکلور تا چه حد حمایت کند. بعلاوه ممکن است حمایت از برخی آثار منوط گردد به درج و ثبت آنها در یک شکل یا قالب مادی. مثلاً دولتی می‌تواند حمایت از آثاری چون طراحی حرکات موزون^(۳) را منوط به درج و نگارش آنها کند.^(۴)

یکی از جنبه‌های مهم این کنوانسیون، مقرراتی است ناظر بر کارهایی که به «فولکلور» موسومند. کنوانسیون بدون اشاره به این اسم، مقرر می‌دارد که هر دولت عضو می‌تواند از آثار انتشار نیافته‌ای که هویت مولف آن نامعلوم است ولی قرائن حاکی از آن است که مولف از اتباع آن دولت بوده است حمایت به عمل آورد یعنی با تعیین یک مقام صالح به عنوان نماینده مولف گمنام، از حقوق مزبور در سایر دولت‌های عضو حمایت کند. لذا کنوانسیون برن سبب می‌شود کشورهایی که فولکلور آنها جزئی از میراث فرهنگی و تاریخی آنها است، بتوانند از آن محافظت کنند.^(۵)

حقوقی که به مؤلف اعطا می‌شود انحصاری و مشتمل است بر حق ترجمه، حق بازتولید در هر شکل و صورت - صوت و تصویر -، حق اجرای آثار - مثلاً نمایشنامه و ... -، حق چاپ و حق پخش اثر از طریق سیم، امواج بلندگو یا هر وسیله و روش پخش دیگر و حق نمایشنامه‌نویسی از روی اثر، تنظیم و ...^(۶) بعلاوه، کنوانسیون غیر از حقوق اقتصادی، نوعی حقوق اخلاقی^(۷) برای مؤلف قائل است، یعنی حق مؤلف نسبت به ادعای تألیف اثر و مخالفت با هر نوع تخریب، دستکاری و تحریف اثر خود که بتواند در قضاوت دیگران نسبت به اثر او، تأثیر منفی بگذارد. البته استثناهایی بر این حقوق نیز وارد شده است. یعنی مواردی که می‌توان از آثار مورد حمایت، بدون کسب اجازه مؤلف و پرداخت وجهی به وی استفاده کرد. این موارد شامل بازتولید اثر در موارد ویژه معین^(۸)، نقل قول و استفاده از آثار با مقاصد آموزشی، بازتولید روزنامه‌ها و

۱. ماده ۲

۲. ماده ۲ مکرر

4. International Bureau of WIPO, *Supra*, p. 10

3. Choreographic

۵. ماده پانزده بند چهار کنوانسیون برن

۶. مواد هشت تا چهارده

۷. ماده شش مکرر

۸. ماده نهم بند دو

مجلات و... و استفاده از این نوع کارها با هدف گزارش وقایع جاری با ذکر منبع و ضبط کوتاه‌مدت^(۱) می‌شود.^(۲)

مدت زمان حمایت: قاعده کلی در کنوانسیون این است که حداقل زمان حمایت برابر است با عمر صاحب اثر بعلاوه ۵۰ سال از زمان مرگ وی^(۳) (در واقع عمر مؤلف بعلاوه عمر تقریبی فرزندان) این روش هم منافع مؤلف و خانواده‌اش را تأمین می‌کند و هم به منافع درازمدت جامعه می‌اندیشد.

با این حال، استثناهایی هم هست. مثلاً در مورد آثار سینمایی، زمان حمایت تا ۵۰ سال پس از اولین تاریخی است که اثر در اختیار عموم قرار گرفته است و اگر در اختیار عموم قرار نگرفته باشد، از تاریخ ساخت آن. یا در آثار عکاسی، حداقل زمان حمایت، ۲۵ سال از تاریخ ساخت اثر است.

سند اصلاحی پاریس بر کنوانسیون برن و کشورهای در حال توسعه

اندیشه داخل کردن مقررات خاص برای کشورهای در حال توسعه در کنوانسیون برن، نخستین بار در یک اجلاس آفریقایی کپی رایت در برازاول در سال ۱۹۶۳ مورد توجه قرار گرفت و بعدها در کنفرانسی که در استکهلم در سال ۱۹۶۷ تشکیل شده بود دنبال شد، در این کنفرانس یک «پروتکل راجع به کشورهای در حال توسعه» به کنوانسیون اضافه شد معروف به «پروتکل استکهلم»^(۴).

با این حال، خیلی زود روشن شد که این راه حل یعنی پروتکل اختیاری اضافی، موفقیت چندانی در بین اعضای اتحادیه بدست نمی‌آورد خصوصاً در بین کشورهایی که با تصویب پروتکل، آثار اتباعشان در معرض استفاده کشورهای در حال توسعه قرار می‌گرفت. لذا کنفرانس بازنگری پاریس ۱۹۷۱ از ابتدا دنبال یافتن راهی بود که از یکسو به کنوانسیون برن اثری جهانی

1. Ephemeral Recording

۳. ماده هفت

۲. ماده ده، ده مکرر و یازده مکرر

4. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 258

بخشیده و پایه‌های مناسبی برای فعالیت آن ایجاد کند و از سویی مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه را هم در نظر بگیرد. نتیجه بده - بستانهای کنفرانس، اضافه شدن یک ضمیمه به کنوانسیون در مورد کشورهای در حال توسعه بود که این ضمیمه یک جزء لایتجزی از کنوانسیون است. این ضمیمه در مواردی مثل ترجمه و باز تولید آثار باریشه خارجی، راه را برای کشورهای در حال توسعه هموارتر کرده است و برخی شرایط ترجیحی برای آنان قائل شده است. بنابراین سند پاریس، در چند مورد، منافع کشورهای در حال توسعه را در نظر گرفته است، از جمله همانطور که ذکر شد حق حمایت از آثاری که مؤلف آنها معلوم نیست و جزء فولکلور کشورها بشمار می‌آید، یعنی با اینکه کسی نیست که مدعی این حقوق باشد، کنوانسیون اجازه داده است در مواردی که شواهد نشان می‌دهد مؤلف از اتباع کشور خاصی بوده است، این کشور با تعیین یک مرجع ثالث از طریق قانون‌گذاری داخلی، حقوق مربوطه را در کشورهای خارجی استیفا کند و این مسأله در کشورهای در حال توسعه^(۱) مثل ایران که فولکلور آنها بخش مهمی از میراث فرهنگی آنهاست، می‌تواند بسیار ارزشمند باشد.

در ضمیمه مذکور که در اجلاس پاریس به کنوانسیون اضافه شد، امکان اعطاء جوازهای اضطراری غیرانحصاری و غیرقابل انتقال در رابطه با:

۱- ترجمه با هدف آموزش و یا تحقیق؛

۲- چاپ مجدد و باز تولید در ارتباط با فعالیتهای آموزشی

برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. این جوازها را مقام صالح دولت در حال توسعه می‌تواند بعد از انقضاء مدتی معین و بعد از طی مراحل و روندی مشخص، اعطا کند، گرچه باید غرامت عادلانه به صاحب حق اولیه پرداخت گردد. کپی‌ها و ترجمه‌هایی که به این طریق از کتب بعمل می‌آید را نمی‌توان به خارج صادر کرد و از آنجا که جوازهای مزبور، انحصاری

۱. با اینکه این مسأله منافع غیرقابل انکاری برای کشورهای در حال توسعه به همراه دارد و در اکثر کتب و نوشته‌هایی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند نیز، منت این مسأله بر سر این کشورها نهاده شده است ولی نباید فراموش کرد که کشورهای صنعتی نیز در این گونه موارد، منافع سرشاری دارند، نگاهی به برخی آمارها نشان می‌دهد که کشوری مثل ایالات متحده، حتی از محل فروش آثار سنتی سرخپوستها میلیونها دلار در سال درآمد دارد.

نیستند، صاحب امتیاز اولیه می‌تواند کپی‌های خود را نیز به بازار عرضه کند که در این صورت، جواز مزبور و حق صاحب جواز ثانویه برای ادامه کپی متوقف می‌شود، زیرا هدف اصلی از صدور چنین جوازهایی، نفع مادی نیست بلکه هدف دسترسی به مطالب علمی و آموزشی است و لذا با ارائه مطلب توسط خود صاحب امتیاز اصلی، دلیلی برای ادامه کپی بدون رضایت وی باقی نمی‌ماند.^(۱)

مقررات مالی اجرایی

در آخرین اصلاحیه کنوانسیون برن یعنی سند پاریس ۱۹۷۱، مواد ۱ الی ۲۱ و ضمیمه کنوانسیون حاوی مقررات ماهوی و مواد ۲۲ الی ۳۸ حاوی مقررات شکلی و اجرایی می‌باشند. امور اجرایی کنوانسیون برن را سازمان جهانی مالکیت معنوی برعهده دارد.^(۲) این وظایف مشتمل است بر جمع‌آوری و انتشار اطلاعاتی درخصوص حمایت از حق نسخه‌برداری یا کپی‌رایت. هر دولت عضو، تمام قوانین جدید کپی‌رایت خود را به وایپو ارسال می‌کند. وایپو یک نشریه ماهانه با نام «کپی‌رایت» منتشر می‌کند و در آن آخرین اخبار و اطلاعات در این زمینه را انتشار می‌دهد. وایپو مطالعات و پژوهشهایی در زمینه کپی‌رایت انجام می‌دهد و خدماتی برای تسهیل حمایت از کپی‌رایت ارائه می‌دهد. بعنوان «دبیرخانه» در تمام جلسات مجمع و کمیته اجرایی، یا هر کمیته کارشناسی یا گروه کاری اتحادیه برن شرکت دارد. بعلاوه با دستورالعملهای مجمع و با همکاری کمیته اجرایی، وایپو مقدمات برگزاری کنفرانسهای تجدیدنظر در کنوانسیون را مهیا می‌کند.^(۳)

مقررات اجرایی کنوانسیون، موجد تشکیل یک مجمع هستند که تمام دولتهای عضو در

1. International Bureau of WIPO, *Supra*, p. 20

۲. همچنانچه در مورد کنوانسیون پاریس ذکر شد، مطابق کنوانسیون مؤسس وایپو، تا زمانی که تمام اعضاء اتحادیه برن به عضویت کنوانسیون مؤسس درنیامده‌اند، سازمان جهانی مالکیت معنوی در ارتباط با این کشورها بعنوان دفتر اجرایی اتحادیه برن عمل می‌نماید.

3. International Bureau of WIPO, *The Organization, Functions & Activities of the World Intellectual Property Organization*, WIPO/IP/SUV, Geneva, 1999, p. 38

آن نماینده‌ای دارند مجمع، برنامه و بودجه و امور مالی اتحادیه را تصویب می‌کند و اعضاء کمیته اجرایی را انتخاب می‌کند. یک چهارم اعضاء مجمع، در کمیته اجرایی عضویت می‌یابند. کمیته اجرایی سالی یکبار جلسه عادی و معمولاً دو سالی یکبار جلسه فوق‌العاده دارد. سهمیه مقرر پرداخت برای دول عضو براساس یک سیستم هفت گروهی است که مانند کنوانسیون پاریس، هر دولت آزادانه به یکی از گروهها ملحق می‌شود و براساس واحدهای مشخص شده برای گروه مزبور، سهمیه خود از بودجه کل اتحادیه را پرداخت می‌کند.

عضویت در اتحادیه برن

برای عضویت، باید اسناد الحاق یا تصویب را نزد مدیرکل وایپو تودیع کرد و سه ماه بعد، عضویت رسمیت می‌یابد.^(۱) طبق ماده ۱ ضمیمه کنوانسیون، دولتهای در حال توسعه که می‌خواهند از مقررات ضمیمه استفاده جویند باید در هنگام تودیع اسناد، رسماً اعلام کنند که قصد بهره‌مند شدن از ضمیمه کنوانسیون را دارند. عضویت در کنوانسیون برن به معنی عضویت در اتحادیه برن است لذا دولت عضو:

- از حق کامل عضویت (حق رأی) در مجمع اتحادیه برن و نیز حق رأی در انتخابات اعضاء کمیته اجرایی و حق انتخاب شدن برای عضویت در کمیته مزبور برخوردار می‌شود؛^(۲)
- بطور خودکار در مدت عضویت در کمیته اجرایی به عضویت کمیته هماهنگی وایپو درمی‌آید.^(۳) کنوانسیون برن ۱۴۸ عضو دارد.^(۴)

موافقتنامه لاهه برای ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی^(۵)

در تاریخ ششم نوامبر ۱۹۲۵ این موافقتنامه در چارچوب مقررات کنوانسیون پاریس به امضا رسید. این موافقتنامه نیز بنوبه خود بدفعات تحت بازنگری و اصلاح قرار گرفته و برای

۱. ماده بیست و نهم

۲. ماده بیست و دوم

۳. ماده هشت کنوانسیون مؤسس وایپو

۴. تا تاریخ پانزدهم نوامبر ۲۰۰۱

آخرین بار در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در استکهلم یک سند تکمیلی به آن افزوده شده است.

- اصل «ثبت بین‌المللی»

هدف اصلی از ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی، این است که شخص راقادر سازد تنها با تشکیل پرونده در دفتر بین‌المللی وایپو، در تمام کشورهای مورد نظر از حمایت قانونی در مورد طراحیهای صنعتی خود برخوردار شود. تحت مقررات موافقتنامه لاهه، هر شخصی که بتواند طراحیهای صنعتی خود را در سطح بین‌المللی و در دفتر وایپو که البته در آن زمان نام «بیرپی» بر خود داشت ثبت کند، بدون درگیر شدن در تشریفات و مخارج جداگانه در کشورهای مختلف که از هر کشور به کشور دیگر متفاوت است، از حمایت قانونی در تمام این کشورها بهره‌مند می‌شود.^(۱)

- مقررات کلی موافقتنامه لاهه

«ثبت» بین‌المللی ممکن است توسط هر یک از اتباع^(۲) یکی از دول عضو صورت گیرد. منظور از «اتباع» در این موافقتنامه، هر شخص حقیقی یا حقوقی است که دارای تابعیت این کشورها باشد و یا حتی کسی که اقامتگاه او در یکی از این کشورها است و یا در یکی از این کشورها دارای اموال، علائق صنعتی یا تجاری مؤثر و واقعی باشد.

«ثبت بین‌المللی» نیاز به «ثبت ملی» قبلی ندارد و تقاضای آن مستقیماً در دفتر بین‌المللی وایپو توسط فرد ذی‌نفع یا نماینده قانونی وی و بر روی یک فرم رایگان که توسط دفتر در اختیار وی قرار می‌گیرد انجام می‌شود. با این حال ممکن است این کار را چنانچه قانون یکی از کشورها اقتضا کند، یکی از ادارات آن کشور از طرف وی انجام دهد. ولی عمل نکردن به این قانون و دور زدن ادارات ملی سبب نمی‌شود که این ثبت بین‌المللی در سایر کشورها از درجه اعتبار

1. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 284

2. Nationals

ساقط شود.^(۱)

این ثبت بین‌المللی در تمام کشورهای عضو باید از همان اعتباری برخوردار باشد که گویی بطور جداگانه در خود این کشورها و در همان تاریخ، به ثبت رسیده است. این امر شامل کشور اصلی و متبوع فرد نیز می‌شود مگر آنکه قوانین داخلی کشور متبوع، طور دیگری اقتضا کند.

لازم به ذکر است که هر دولت عضو که مطابق قوانین داخلی خود، طرح مورد نظر را مستوجب حمایت نداند - مثلاً بدلیل مخالفت بحق یک طرف ثالث یا بدلیل اینکه طرح مورد نظر از استانداردها و حداقل‌های قانونی برای اعطاء حمایت برخوردار نیست - می‌تواند از اعطاء حمایت سرباز زند ولی نمی‌تواند بدلیل عدم رعایت تشریفات و مقررات شکلی خود، حمایت را دریغ نماید چرا که باید فرض را بر این گذاشت که اعضاء موافقتنامه لاهه، ثبت بین‌المللی طرح مزبور را کافی دانسته و دیگر نیازی به طی مراحل شکلی و تشریفاتی داخلی کشورهای عضو نیست. زمانی هم که کشوری بدلیل موجه ماهوی همانطور که ذکر شد از حمایت سرباز می‌زند، باید مراتب را به اطلاع دفتر بین‌المللی برساند تا به فرد صاحب اثر ابلاغ شود. این موضوع را کشور مورد نظر باید حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ دریافت بولتن ادواری وایپو که در آن، طرح مورد نظر درج شده است، به دفتر بین‌المللی اطلاع دهد. فرد صاحب امتیاز در این صورت می‌تواند به همان مراحل تجدیدنظر و اعتراض تمسک جوید که اگر طرح خود را در کشور مزبور ثبت می‌کرد می‌توانست از آنها استفاده کند. اگر ظرف مدت ۶ ماهه مزبور، موضوع خودداری از اعطاء حمایت، به اطلاع دفتر بین‌المللی نرسد، فرض می‌شود که مخالفتی نیست و لذا طرح مزبور، ثبت شده و تحت حمایت تلقی می‌گردد.

طرحهای ثبت شده بین‌المللی در یک ماهنامه ادواری بنام «بولتن طراحیهای بین‌المللی»^(۲) توسط دفتر بین‌المللی وایپو منتشر می‌شوند. فرد متقاضی می‌تواند درخواست

۱. ماده چهار

کند که انتشار طرح وی به مدتی که نمی‌تواند بیش از ۱۲ ماه باشد، به تأخیر بیفتد. چند نسخه این بولتن بطور رایگان برای دفاتر ملی مربوطه در دول عضو ارسال می‌شود. فرد متقاضی، چنانچه ظرف ۶ ماه از نخستین تقاضای خود در سطح ملی یا منطقه‌ای، آنرا «ثبت بین‌المللی» نماید، می‌تواند از حقوقی که در ماده ۴ کنوانسیون پاریس به رسمیت شناخته شده، در تمام دول عضو این کنوانسیون بهره‌گیرد.

این ثبت بین‌المللی پنج سال اعتبار دارد و می‌توان آنرا کلاً یا بطور جزئی تمدید کرد. اما با این حال تمدید مجدد تنها در کشورهایی اثر خواهد داشت که در قانون داخلی خود، محدوده زمانی اعطاء حمایت و حفاظت را بیش از ۵ سال تعیین کرده باشند و سایرین موظف نیستند برای مدت بیش از ۵ سال از این ثبت بین‌المللی حمایت کنند. برای انجام «ثبت بین‌المللی» مبالغی به فرانک سوئیس توسط دفتر بین‌المللی اخذ می‌شود. این مبالغ را مجمع «اتحادیه لاهه»^(۱) تعیین می‌کند.

در مجموع، استفاده از این روش سبب می‌شود که فرد متقاضی از طی مراحل ثبت در کشورهای متعدد و مخارج بی‌شمار این کار و تسلیم درخواست به زبانهای متفاوت و نگرانی پایان گرفتن مهلت‌ها و ضرب‌الاجلهای قانونی در کشورهای متعدد و پرداخت عوارض گوناگون خلاصی یافته و تمام مراحل فوق را در یکبار انجام دادن هر عمل در دفتر بین‌المللی واپیو خلاصه نماید و همه نتایج مورد نظر را نیز بدست آورد. شایان ذکر است که واپیو بخشی از مبالغ دریافتی را سالانه بین دفاتر ملی دول عضو موافقتنامه لاهه توزیع می‌نماید. اتحادیه لاهه دارای ۲۹ عضو^(۲) می‌باشد.^(۳)

1. Hague Union

۲. تا تاریخ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی

3. For more information look at: International Bureau of WIPO, *The Hague Agreement Concerning the International Deposit of Industrial Designs*, WIPO/INF/14 Rev. 2, Geneva, 1999

معاهده همکاری در زمینه حق اختراع^(۱)

ابتدا باید بدانیم که مطابق کنوانسیون پاریس، متقاضی یک حق اختراع برای اینکه اختراعش در کشورهای مطلوب خود از حمایت برخوردار شده و اختراع او دارای حق اولویت باشد، می‌بایست حداکثر ظرف مدت ۱۲ ماه از ثبت اولیه اختراع خود در مثلاً کشورهای متبوعش، آنرا در هر یک از کشورهایی که مایل است، ثبت کند.^(۲) اگر پس از انقضا ۱۲ ماه، وی به یک کشور مراجعه کند تا اختراع خود را ثبت کند و در این مدت، در این کشور اختراع او توسط دیگری ثبت شده باشد وی از حقی برخوردار نیست. این روش یعنی خرجهای فراوان برای سفر به کشورهای مختلف بعلاوه مخارج وکلای مختلف برای نظامهای حقوقی مختلف و اینکه دفتر ملی مربوطه در هر کشور بطور جداگانه، اختراع را از نظر ماهوی با شرایط خود وفق دهد و عوارض مربوطه را نیز دریافت کند و ... لذا در سال ۱۹۶۶، کمیته اجرایی اتحادیه پاریس از «بیرپی»^(۳) خواست تحقیقاتی فوری برای یافتن راه حل مناسب انجام دهد. نهایتاً در ژوئن ۱۹۷۰ کنفرانسی در واشنگتن برپا شد و در آن، معاهده‌ای برای همکاری در زمینه حق اختراع منعقد شد که به «پی.سی.تی.» معروف است. این معاهده در ۱۹۷۸ با ۱۸ عضو لازم‌الاجرا شد. از این معاهده چه از طرف کشورها و چه از طرف متقاضیان ثبت اختراع، استقبال شایانی بعمل آمده است. در حال حاضر ۱۱۵ کشور عضویت این معاهده را دارا هستند.^(۴)

این معاهده چنانکه از نامش پیداست، توافقنامه‌ای است برای همکاری بین‌المللی در زمینه حق اختراع. معمولاً از این معاهده به عنوان مهمترین گام رو به جلو در این زمینه از زمان کنوانسیون پاریس یاد می‌شود. لازم به یادآوری است که این معاهده، حقی و ورقه اختراعی اعطاء نمی‌کند بلکه اعطاء حق اختراع همچنان در اختیار کشورها می‌ماند. تفاوت در این است که طبق معاهده پاریس، متقاضی پس از کسب حق اختراع خود در یک کشور برای اینکه آنرا در

1. Patent Cooperation Treaty (PCT)

۲. ماده چهار کنوانسیون پاریس در مورد حقوق مالکیت صنعتی

3. B.I.R.P.I. به تاریخچه سازمان جهانی مالکیت معنوی در فصل دوم مراجعه کنید.

۴. ۲۰ تا سپتامبر ۲۰۰۱

سایر کشورها محترم شمارند، باید این حق اختراع را در تمامی آنها ظرف مدت یکسال ثبت می‌کرد و البته طبق کنوانسیون پاریس، کشورها موظف بودند حق اختراع اعطاء شده توسط یکی از اعضاء را از «حق رفتار ملی» و «حق اولویت» برخوردار سازند. ولی مراحل تشریفاتی و شکلی زیاد، سبب زحمت فراوان متقاضیان می‌شد. موافقتنامه حاضر، تمام این مراحل پیچیده را در یک مرحله خلاصه می‌کند. پس در واقع «پی.سی.تی.» یک موافقتنامه ویژه تحت کنوانسیون پاریس است و فقط بر روی اعضاء آن مفتوح است.

هنر عمده معاهده همکاری حق اختراع، ابداع سیستمی است برای تسریع و تسهیل در جریان ثبت اختراع در کشورهای مورد نظر متقاضی. طبق این سیستم، متقاضی (مخترع) ابتدا در خود دفتر بین‌المللی و یا در یکی از دفاتر ملی کشورهای عضو «پی.سی.تی.»^(۱)، تقاضای خود را ارائه می‌دهد. از متقاضی هزینه‌ای در ازای کار «دفتر دریافت تقاضا»^(۲)، «دفتر بین‌المللی تحقیق و جستجو»^(۳) و «دفتر بین‌المللی وایپو» اخذ می‌شود.^(۴) دفتر دریافت تقاضا، نسخه‌هایی از تقاضا را برای وایپو و برای دفتر بین‌المللی تحقیق و جستجو ارسال می‌کند. هر تقاضا تحت یک تحقیق بین‌المللی قرار می‌گیرد، یعنی یک تحقیق با کیفیت بالا از اسناد مربوط به حق اختراع و سایر مسائل مربوطه در زبانهای مختلف و در نقاطی از جهان که معمولاً بیشترین اختراع در آنها صورت می‌گیرد.

کیفیت بالای این تحقیقات بدلیل استانداردهایی است که موافقتنامه برای روشهای تهیه و استفاده از اسناد، کارآیی کادر و روشهای تحقیق دفاتر بین‌المللی تحقیق معین کرده است. این دفاتر توسط مجمع اتحادیه «پی.سی.تی.» انتخاب شده و با آنها موافقتنامه‌ای مبنی بر رعایت استانداردهای مورد نظر امضا می‌شود. تاکنون دفاتر ذیل بعنوان مراجع بین‌المللی تحقیق انتخاب شده‌اند: اداره حق اختراع استرالیا، اتریش و چین، اداره اروپایی حق اختراع، اداره حق اختراع ژاپن، روسیه، دفتر حق اختراع و مارکهای تجاری اسپانیا، سوئد و دفتر حق اختراع و

۱. متقاضی باید تبعه یا مقیم یکی از کشورهای عضو باشد.

2. Receiving Office

3. International Search Office

۴. اتباع کشورهایی که درآمد سرانه آنها از حد معینی کمتر است، مشمول تخفیف قابل ملاحظه‌ای هستند.

مارکهای تجاری ایالات متحده.^(۱)

این دفاتر موظفند پس از دریافت مدارک مربوط به تقاضا، کلیه اسناد مربوط به حق اختراعات را از ۱۹۲۰ به این سو با رعایت استانداردهای مربوطه بررسی کرده و نتیجه را به دفتر بین‌المللی وایپو اعلام کنند که آیا با توجه به نتایج بررسی‌های آنان، تقاضای مزبور از کیفیات و شرایط لازم برای دریافت حق اختراع در کشورهای مورد نظر برخوردار هست یا خیر. این نتایج حداکثر ظرف مدت ۵ الی ۶ ماه به اطلاع متقاضی می‌رسد و وی بدون صرف وقت و پول و ... برای تجربه تک تک کشورهای مزبور، متوجه می‌شود که آیا شانس اخذ ورقه اختراع در کشورهای مورد نظر را دارا هست یا خیر. بعلاوه نتایج این تحقیقات برای دفاتر ملی کشورهای مورد نظر متقاضی بخصوص آنانکه از کادر مجرب و گسترده و سیستم بایگانی و آرشیو مجهز برخوردار نیستند نیز کمک خوبی است. اگر متقاضی تصمیم به توقف کار بگیرد، وی تا این مرحله در هزینه و وقت صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای کرده است و اگر تصمیم به ادامه بگیرد، می‌تواند از مزایای این طرح استفاده کند، بدین معنی که تقاضای وی برای استفاده از «حق اولویت» مندرج در کنوانسیون پاریس برای ثبت اختراع خود در تمام کشورهای مورد نظرش از طریق مکانیزم این معاهده در تمام این کشورها اثر دارد و این بدان معنی است که وی حتی اگر یک روز مانده به پایان مهلت ۱۲ ماهه از تاریخ ثبت اختراع خود در کشور متبوعش، اقدام به تقاضای ثبت بین‌المللی بنماید، می‌تواند از «حق اولویت» مزبور، در تمام کشورهای مورد نظر خود بهره بگیرد و مراحل بعدی را بدون شتاب زمانی و نگرانی از انقضای مهلت مزبور، ادامه دهد. مزیت دیگر هم این است که وی با اطلاع از نتایج «تحقیق بین‌المللی» با اطلاعات مکفی اقدام به ادامه یا توقف مراحل بعدی می‌کند و بدین لحاظ در وقت و هزینه‌ای که باید برای کسب اطلاعات در تک تک کشورهای مورد نظر صرف می‌کند، صرفه‌جویی می‌کند.

این پروسه، برای اقتصاد ملی کشورها نیز مفید است چراکه از این طریق هم در وقت و هم در مخارج نهادهای ملی صدور حق اختراع صرفه‌جویی می‌شود و هم اینکه اگر متقاضی پس از

1. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 273

اطلاع از نتایج تحقیق بین‌المللی اقدام به درخواست از مراجع ملی برای صدور حق اختراع کند، این یعنی وی متوجه شده است که دلایل توجیه‌کننده اقتصادی و فنی کافی برای این کار وجود دارد. پس «حق اختراعی» که بدین ترتیب و بعد از طی این مراحل صادر می‌شود، از زمینه‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری مالی و انتقال تکنولوژی برخوردار است چرا که متقاضی با اطلاعات کافی و با در نظر گرفتن تمام شرایط، تقاضای خود را مطرح کرده است و زمینه سرمایه‌گذاری در کشور مزبور را از قبل محاسبه کرده است.^(۱)

مکانیزم فوق از یک جهت دیگر نیز بسیار به نفع کشورهای در حال توسعه است. از آنجا که دسترسی به اسناد و مدارک مربوط به «حقوق اختراع» که در کشورهای دیگر منتشر می‌شود - به زبانهای مختلف و گوناگون - برای ادارات مربوطه در یک کشور کاری بسیار هزینه‌بر و دشوار است، استفاده از مزایای «پی.سی.تی.» که در آن کلیه تقاضاهای بین‌المللی، ۱۸ ماه پس از تاریخ اولویت تقاضا، به زبان انگلیسی (و اگر نه، حداقل همراه با خلاصه‌ای به زبان انگلیسی) چاپ و منتشر می‌شود سبب تسهیل ارزیابی فنی اختراع مورد نظر می‌شود. دفاتر ملی مربوطه در دول عضو، بطور رایگان نسخه‌هایی از این تقاضاهای منتشر شده، مجله رسمی پی.سی.تی.^(۲) و تمام انتشارات دیگر دفتر بین‌المللی در ارتباط با معاهده همکاری در زمینه حق اختراع را دریافت می‌دارند.^(۳)

موافقتنامه مادرید در خصوص ثبت بین‌المللی مارکها و پروتکل آن^(۴)

دو معاهده بین‌المللی در خصوص سیستم ثبت بین‌المللی مارکها وجود دارد، یکی معاهده‌ای موسوم به «موافقتنامه مادرید در خصوص ثبت بین‌المللی مارکها» که در سال ۱۸۹۱

1. International Bureau of WIPO, *The Patent Cooperation Treaty & its Importance to Developing Countries*, WIPO/PCT/Rev. 17, Geneva, 1995, p. 7

2. PCT Gazette

3. *Ibid.*

4. The Madrid Agreement Concerning the International Registration of Marks and the Protocol Relating to that Agreement

منعقد شده و دیگری پروتکل مربوط به این معاهده که در سال ۱۹۸۹ منعقد شده است. امور اجرایی سیستم ثبت مورد نظر این دو سند بر عهده دفتر بین‌المللی وایپو است که بعنوان «دفتر ثبت بین‌المللی» عمل می‌کند و «مجله رسمی وایپو در مورد مارک‌های بین‌المللی»^(۱) را نیز منتشر می‌سازد.

دلیل اصلی انعقاد پروتکل که نسبت به خود موافقتنامه حدود یک قرن جدیدتر است^(۲)، عدم عضویت کشورهای مثل ایالات متحده آمریکا، انگلستان و ژاپن که در حوزه مارک‌های تجاری دارای اهمیت هستند در اتحادیه مادرید بود. لذا به منظور اینکه سیستم مادرید برای تعداد بیشتری از کشورها بخصوص کشورهای نامبرده قابل قبول باشد، پروتکل ۱۹۸۹ نیز منعقد گشت.

روش کار سیستم ثبت بین‌المللی

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تبعه یا ساکن یکی از کشورهای عضو موافقتنامه یا پروتکل آن باشد و یا در یکی از این کشورها، تأسیسات یا علائق مؤثر و حقیقی تجاری یا صنعتی داشته باشد می‌تواند تقاضای ثبت بین‌المللی بنماید. یک مارک تنها در صورتی می‌تواند موضوع این تقاضا واقع شود که قبلاً در اداره ملی کشور مبدأ خود ثبت شده باشد.^(۳) تقاضای باید در تقاضای خود، کشورهایی را که مایل است مارک مورد نظر در آنها مورد حمایت قرار گیرد مشخص کند و این کشورها و کشور مبدأ باید عضو معاهده یکسانی باشند. مثلاً هر دو عضو موافقتنامه یا هر دو عضو پروتکل باشند، اگر یکی عضو پروتکل و کشور دیگر عضو موافقتنامه باشد، عملاً دو کشور در قبال یکدیگر تعهدی ندارند، و در صورتیکه هر دو طرف عضو هر دو سند باشند،

1. WIPO Gazette of International Marks

۲. البته موافقتنامه مادرید به دفعات در بروکسل ۱۹۰۰، واشینگتن ۱۹۱۱، لاهه ۱۹۲۵، لندن ۱۹۳۴، نیس ۱۹۵۷، استکهلم ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته است.

۳. کشور مبدأ یکی از کشورهایی است که در بالا ذکر شد.

موافقتنامه مقدم است بر پروتکل^(۱) - در تقاضانامه باید علامت و مارک مورد نظر بهمراه نوع کالاها و خدماتی که تحت آن ارائه می‌شود مشخص باشد. بعلاوه متقاضی می‌تواند در صورتیکه قبلاً مارک خود را در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون مزبور ثبت کرده باشد مدعی «حق اولویت» مندرج در ماده ۴ کنوانسیون پاریس هم بشود.^(۲) متقاضی هزینه‌هایی را هم باید بپردازد از جمله هزینه اولیه که به همراه تقاضانامه و برای آغاز مراحل کار دریافت می‌شود، هزینه‌ای که دولتهای عضو که نام آنها در تقاضانامه قید شده است، طلب می‌کنند و برخی هزینه‌ها که ممکن است بسته به نوع کالا و شرایط خاصی که برای آنها وجود داشته باشد از متقاضی دریافت شود.

اداره مربوطه در کشور مبدأ باید تأیید کند که علامت و کالاها و خدماتی که در تقاضا ذکر شده همانها است که در مبدأ به ثبت رسیده است و تاریخ ادعا شده توسط متقاضی را نیز تأیید کند و ترتیبی دهد که از تاریخ دریافت تقاضای ثبت بین‌المللی آنرا ظرف حداکثر ۲ ماه به دفتر بین‌المللی واپو تسلیم کند. دفتر بین‌المللی تقاضا را بررسی کرده، با مقررات مشترک موافقتنامه و پروتکل و نیز بسته به مورد با سایر مقررات یکی از آن دو مطابقت می‌دهد و اگر موردی رعایت نشده باشد، ۳ ماه فرصت می‌دهد تا آن مورد اصلاح گردد. پس از انقضاء مدت اگر ایرادات هنوز برطرف نشده باشد، تقاضا را مردود اعلام می‌کند. اما در صورتیکه شرایط لازم مراعات شده باشد، دفتر بین‌المللی آنرا ثبت می‌کند و در مجله رسمی مارکهای بین‌المللی درج و منتشر کرده به اطلاع دول عضو که شخص خواستار کسب حمایت در آنها شده است می‌رساند. این ثبت بین‌المللی ۱۰ سال اعتبار دارد و با پرداخت عوارضی معین، می‌توان آنرا برای مدت ۱۰ سال دیگر نیز تمدید کرد.^(۳)

این ثبت بین‌المللی در کشورهای مورد نظر همان اثری را دارد که اگر مارک مزبور در

۱. ماده ۹ پروتکل

۲. ولو آن کشور عضو موافقتنامه مادرید یا پروتکل آن نباشد.

3. International Bureau of WIPO, *Guide to the International Registration of Marks Under the Madrid Agreement & Madrid Protocol* Wipo Publications No. 455, Geneva, 1996, p. 16

همان کشورها به طور مستقیم به ثبت می‌رسید. متقاضی می‌تواند بعدها تقاضای حمایت در کشورهای دیگر را نیز با پرداخت عوارضی معین بنماید.

البته هر دولت عضو می‌تواند در یک مورد بخصوص، به دلیل قوانین خود از اعطاء حمایت به یک علامت و مارک خودداری کند چرا که سیستم مادرید، کاری به مقررات ماهوی ندارد و آنرا به عهده دولتها می‌گذارد. دولتی که از اعطاء حمایت و قبول ثبت علامت خودداری کرده است، باید مراتب را در مدتی معین به دفتر بین‌المللی اطلاع دهد و بعد هم نتیجه نهایی را - که ممکن است در اثر اعتراض متقاضی در مراجع صالحه کشور مزبور، تغییر کرده باشد - به اطلاع دفتر بین‌المللی وایپو برساند که همه در مجله رسمی درج می‌شود.^(۱)

شرط عضویت در معاهده و پروتکل آن

هر دولتی که عضو کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی باشد می‌تواند به عضویت موافقتنامه مادرید و یا پروتکل مربوط به آن و یا هر دو درآید. بعلاوه، سازمانهای بین‌المللی دولتی نیز با شرایط ذیل می‌توانند به پروتکل (و نه موافقتنامه) ملحق شوند:

- حداقل یکی از دول عضو سازمان مزبور، در کنوانسیون پاریس عضویت داشته باشد و سازمان دارای دفتری منطقه‌ای با هدف ثبت مارکها باشد که در تمام کشورهای عضو معتبر باشد.

دول عضو موافقتنامه یا پروتکل یا هر دو و نیز سازمانهای عضو پروتکل را معمولاً در کل، اطراف معاهده می‌خوانند. هر طرف معاهده، یک عضو مجمع اتحادیه مادرید است. از مهمترین وظایف اتحادیه مادرید می‌توان به تصویب و پذیرش برنامه و بودجه اتحادیه و تصویب و اصلاح مقررات اجرایی مثل تعیین عوارض و هزینه‌های مربوط به سیستم مادرید اشاره کرد.^(۲)

1. *Ibid.*

2. World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/treaties/docs/en, September 2001

مزایای سیستم مادرید

ثبت بین‌المللی مزایای متعددی برای صاحب امتیاز یک مارک دربردارد. بعد از ثبت مارک یا تشکیل پرونده و تقاضا برای ثبت در اداره مربوطه در کشور مبدأ، وی به جای آنکه مجبور باشد در ادارات مربوطه در کشورهای متعدد به طور جداگانه و به زبانهای متفاوت و با پرداخت عوارض گوناگون به ارزشهای مختلف تشکیل پرونده داده و تقاضای حمایت از مارک خود را نماید، تنها نیاز به تشکیل یک پرونده تقاضا به یک زبان و در یک دفتر دارد و عوارض را تنها به یک دفتر می‌پردازد. همین موارد در مورد تمدید و تجدید تقاضا نیز صادق است. از سوی دیگر دفاتر ملی که متولی امر مارکهای تجاری هستند نیز از این سیستم منتفع می‌گردند. بعنوان مثال، آنها متحمل زحمت تطبیق هر تقاضا با شرایط و مقررات و نیز طبقه‌بندی آن طبق نظامهای طبقه‌بندی کالا و خدمات و نیز انتشار آنها نمی‌شوند. همچنین عوارض مربوطه را نیز دفتر بین‌المللی جمع‌آوری کرده و به طور جداگانه برای دولتهایی که قرار است حمایت را بعمل آورند می‌فرستد. علاوه بر این، پس از بستن بودجه‌نهایی دوسالانه دفتر ثبت بین‌المللی، اگر مازادی موجود باشد بین دول عضو تقسیم می‌شود.^(۱)

اتحادیه مادرید در کل ۷۰ دولت عضو دارد.^(۲) ۵۲ کشور عضو موافقتنامه مادرید و ۵۴ کشور عضو پروتکل هستند.^(۳) (تعدادی از اینها عضو هر دو و تعدادی فقط عضو یکی از آنها می‌باشند).

معاهده قانون مارکهای تجاری^(۴)

این معاهده در ۱۲۷ اکتبر ۱۹۹۴ در یک کنفرانس دیپلماتیک در ژنو منعقد گشت. هدف از این معاهده تسهیل و هماهنگ کردن مراحل اجرایی در بحث تقاضاها و حمایت در سطح ملی از

1. International Bureau of WIPO, *Supra*, p. 22

۲. بلژیک، هلند و لوگزامبورگ در قالب سازمان اتحادیه بنه لوکس به عضویت اتحادیه درآمده‌اند.

۳. تا تاریخ پانزدهم اوت ۲۰۰۱

4. Trademark Law Treaty (TLT)

مارکهای تجاری است. در واقع این معاهده برخلاف معاهداتی که در بالا توضیح داده شد، در فعالیتهای دفاتر ملی مالکیت صنعتی کشورها نیز وارد می‌شود و با تعیین برخی قواعد و استانداردهای معین سعی می‌کند که یک نوع هماهنگی، هارمونی و نظم در میان دفاتر مختلف مالکیت معنوی در کشورهای عضو ایجاد نماید. دولت‌ها می‌توانند منفرداً و یا در قالب آن دسته از سازمانهای بین‌المللی که دفتری برای ثبت مارکهای تجاری دارند مثل اتحادیه اروپایی^(۱) و سازمان آفریقایی مالکیت معنوی^(۲) به عضویت این معاهده درآیند. این معاهده از اول اوت ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا شده است.

مقررات معاهده

۱- مارکهایی که معاهده شامل آنها می‌شود:

معاهده مارکهای مربوط به کالاها و خدمات را شامل می‌شود.^(۳) این بدان معنی است که کشورهایی که در حال حاضر، مارکهای خدماتی را ثبت نمی‌کنند، با الحاق به این معاهده باید آنها را نیز به ثبت برسانند و مقررات کنوانسیون پاریس را در مورد مارکهای خدماتی نیز اجرا کنند.^(۴)

مارکهای جمعی و مارکهای تضمینی^(۵) از شمول مقررات این معاهده خارجند چراکه قواعد و مقررات مربوط به آنها در کشورهای مختلف بسیار متنوع است. هولوگرام^(۶)ها و مارکهای نادیدنی مثل مارکهای صوتی و بویایی نیز از شمول مقررات این معاهده بیرونند.^(۷)

1. European Union

2. O.A.P.I.

۴. ماده شانزدهم

۳. ماده دو

۵. به فصل اول رجوع کنید.

6. Holograms

7. International Bureau of WIPO, *Trademark Law Treaty and Regulations* Wipo Publication No. 225, Geneva, 1994, p. 4

۲- تقاضاها

ماده ۳ معاهده، شامل فهرست جامعی از اطلاعات است که ادارات مربوطه می‌توانند به ضمیمه تقاضاهای ثبت مارک تجاری از متقاضی طلب کنند از جمله اسم و آدرس متقاضی، در صورتیکه ادعای «حق اولویت» شده است مدرکی دال بر آن، یک یا چند نمونه از مارک تجاری مورد نظر بسته به رنگ یا ابعاد آن، نام کالاها و خدماتی که تحت آن مارک ارائه می‌شوند و ... هیچ یک از ادارات ملی حق ندارند چیزی بیشتر از آنچه در این معاهده مقرر شده، طلب کنند، مثلاً نباید نسخه‌ای از جواز تجاری، یا مدرکی دال بر اینکه متقاضی، فعالیت صنعتی یا تجاری خاصی دارد یا اینکه متقاضی واقعاً به تجارت و صنعت در مورد کالاها و خدمات مورد اشاره اشتغال دارد یا خیر، از متقاضی بخواهند. اماکشورها در وضع مقررات در مورد اینکه آیا کسی می‌تواند به نمایندگی از متقاضی اصلی، تقاضا را تسلیم اداره مربوطه کند یا خیر و اینکه وکیل چه شرایطی باید داشته باشد و غیره آزادند.^(۱)

در صورتیکه یک یا چند مورد از کالاها یا خدمات مورد نظر، برای کسب مارک مزبور دارای ایراد قانونی باشند و یا از سوی طرف ثالث مورد اختلاف و ادعا قرار گیرند، مراحل ثبت مارک برای سایر کالاها و خدماتی که احتمالاً در تقاضا قید شده‌اند ادامه می‌یابد. در صورتیکه متقاضی در دعوی حقوقی با طرف ثالث پیروز شد و با ایراد قانونی مزبور را از طریق فرجام‌خواهی و غیره دفع نمود، تاریخ ثبت مارک تجاری برای آن دسته از کالاها و خدمات که مورد ایراد قرار داشته‌اند نیز، همان تاریخ اولیه است. این امر در مواردی که تقاضای «حق اولویت» شده است، اهمیت بیشتری دارد.

معاهده، محدوده زمانی اولیه اعتبار مارک ثبت شده را ۱۰ سال ذکر می‌کند و امکان تمدید آنرا برای ادوار ۱۰ ساله دیگر نیز فراهم می‌کند.^(۲) دولتها برای تمدید مارک تجاری ثبت شده حق ندارند مدارک اضافی طلب کنند مثلاً وارد مسائل محتوایی و ماهوی جریان ثبت مارک در ۱۰ سال قبل شوند و یا درخواست مدرکی دال بر استفاده شخص از مارک مزبور در ۱۰

۱. ماده چهار

۲. ماده سیزدهم

سال گذشته نمایند.

مارک ثبت شده را می‌توان با رعایت مقرراتی، تغییر داده یا اصلاح کرد و در صورتیکه دولت به دلایلی با اصلاح یا تغییر آن مخالف باشد باید با ذکر دلایل، مهلتی معین به متقاضی بدهد تا وی فرصت تغییر پیشنهاد و اصلاح مارک خود را داشته باشد. انتخاب زبان برای ارائه تقاضانامه در اختیار دولتهاست و معاهده مقررات خاصی در این مورد بر دولتها تحمیل نمی‌کند.

- معاهده قانون مارکهای تجاری، مستلزم عضویت دولتها در هیچ معاهده و کنوانسیون بین‌المللی دیگری نیست و تنها دولتها را ملزم می‌کند که بخشی از مقررات کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی را که اختصاص به مارکها دارد، رعایت نمایند^(۱) و نیز از دولتها می‌خواهد در کار تشکیل پرونده برای تقاضای ثبت یک مارک، مقررات معاهده طبقه‌بندی نیس در ارتباط با گروه‌بندی اسامی کالاها و خدمات مندرج در تقاضانامه مراعات شود.^(۲)

مقررات ضمیمه و فرمهای نمونه بین‌المللی

جزئیات مفیدی در خصوص اجرای ترتیبات اجرایی و اداری مذکور در معاهده، به صورت دسته‌ای از مقررات به آن ضمیمه شده است. این قوانین مربوطند به تقاضانامه‌ها، نمایندگی‌ها و وکالت، تاریخ پرونده و بحث حق اولویت، امضاء، مدت و محدوده زمانی، تجدید و غیره. مثلاً این قوانین شرح می‌دهند که چند نمونه از مارک مورد نظر باید ضمیمه تقاضا باشد و...^(۳)

این مقررات ضمیمه شامل هشت فرم نمونه بین‌المللی نیز هستند که مربوطند به تشکیل پرونده برای یک تقاضانامه، درخواست تجدید مدت، ثبت تغییرات در اسامی، آدرسها و مالکیت، تصحیح اشتباهات، نصب نماینده و وکیل، مدارک انتقال و اسناد مربوطه. استفاده از این فرمها تضمینی است برای حصول اطمینان از عدم تخطی دولتها از مقررات مذکور در معاهده.

۱. ماده پانزدهم

2. *Ibid.*

3. World Intellectual Property Organization, *Supra*

دولتها در مواردی مجاز هستند تطبیق قوانین و رویه اجرایی خود با معاهده را حداکثر تا تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۰۴ به تعویق افکنند.

معاهده قانون مارکهای تجاری ۲۶ عضو دارد.^(۱)

موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی^(۲)

دور اروگوئه مذاکرات چندجانبه تجاری که تحت چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت^(۳) برگزار شد، در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ به نتیجه رسید و اسناد آن که حاوی نتایج مذاکرات و نیز تأسیس سازمان تجارت جهانی^(۴) بود، در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در مراکش پذیرفته شد. برای نخستین بار در گات، این مذاکرات شامل بحثهایی در مورد جنبه‌هایی از حقوق مالکیت معنوی که با تجارت بین‌المللی در ارتباط هستند نیز بود و نتایج این قسمت از مذاکرات، در یک ضمیمه به همراه موافقتنامه سازمان تجارت جهانی پذیرفته شده است. این ضمیمه را «موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی» یا به اختصار «تریپس»^(۵) خواندند. موافقتنامه سازمان تجارت جهانی و ضمیمه آن یعنی «تریپس» که برای تمام اعضای سازمان تجارت جهانی الزام‌آور است در تاریخ یکم ژانویه ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا گردید و سازمان تجارت جهانی کار خود را از این تاریخ آغاز کرد.^(۶) اما موافقتنامه مزبور، یک مهلت معین برای اعضاء اختصاص داده است که از آن بعنوان «مرحله گذار» استفاده کنند. یعنی این کشورها مدتی وقت دارند که خود را با شرایط تریپس وفق داده و پس از آن، این معاهده برای آنان لازم‌الاجرا می‌گردد. بنابراین زمان اجرای «تریپس» تابع مقررات ذیل است:

- عموماً اول ژانویه ۱۹۹۶

۱. تا تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۱

2. Trade Related Aspects of Intellectual Property

3. General Agreement on Trade & Tariff (GATT)

4. World Trade Organization (WTO)

5. TRIPs

6. World Trade Organization, *Trading Into Future*, WTO Publications, 2nd edition, Geneva, April 1999, p.p. 1-7

- برای آن دسته از کشورهای در حال توسعه که در حال گذار به سوی یک اقتصاد بازار آزاد و اصلاحات ساختاری در نظام مالکیت معنوی هستند و با مشکلات ویژه‌ای سر و کار دارند، از تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۰، البته این مهلت زمانی شامل مقررات مربوط به شرط «ملت کامله‌الوداد» و شرط «رفتار ملی» نمی‌شود و به این دو قاعده باید از همان ابتدا عمل شود.

- کشورهای در حال توسعه‌ای که به سبب موافقتنامه مجبورند برخی محصولات را که قبلاً تحت حمایت حقوق اختراعات در آن کشورها نبوده است، داخل در این حمایت نمایند، تا تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۵ فرصت دارند.

- کشورهای عقب مانده یا کمتر توسعه یافته^(۱)، به غیر از قید کامله‌الوداد و رفتار ملی، برای اجرای بقیه مقررات موافقتنامه تا تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۶ فرصت دارند که البته قابل تمدید است.^(۲)

طبق موافقتنامه مزبور، کشورهای توسعه یافته ملزم هستند بر مبنای درخواست کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، و بر اساس همکاریهای متقابل و شرایط مورد توافق طرفین، کمکهای فنی و مالی در اختیار این کشورها قرار دهد و آنها را در تهیه قوانین مناسب و تأسیس دفاتر و ادارات مربوطه یاری دهند.^(۳)

موافقتنامه «تریپس» حاوی مقرراتی ساختاری از جمله تأسیس شورای جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی و نیز مقرراتی در مورد همکاری سازمان تجارت جهانی با سازمان جهانی مالکیت معنوی هم هست. قواعد و مقررات مربوط به مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات نیز در جای خود مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

1. Less Developed Countries (LDCs)

۲. مواد ۶۳ و ۶۵

3. Smith, Gary W., *Intellectual Property Rights, Developing Countries and TRIPs*, The Journal of World Intellectual Property, 1(3) May 1998, p. 696

قواعد و مقررات

دول عضو موظفند مقررات این موافقتنامه را در مورد اتباع تمام کشورهای عضو به مرحله اجرا درآورند. منظور از تبعه در اینجا، اشخاص حقیقی یا حقوقی است که تحت کنوانسیون پاریس، برن، رم و معاهده واشنگتن در مورد مدارهای همگرا باید مورد حمایت واقع شوند. دول عضو در انتخاب روش مناسب برای اجرای مقررات موافقتنامه «تریپس» در چارچوب سیستم حقوقی خود آزادند و نیز می‌توانند حمایتی بیش از آنچه در موافقتنامه مقرر شده است بعمل آورند به شرط آنکه به مقررات موافقتنامه لطمه‌ای وارد نیاید.^(۱)

موافقتنامه «تریپس» اعلام می‌دارد که در این سند، اصطلاح «مالکیت معنوی» مشتمل است بر تمام مواردی که در بخشهای ۱ تا ۷ موافقتنامه به آنها اشاره شده است^(۲) یعنی کپی‌رایت و حقوق همسایه آن، مارکهای تجاری، علائم جغرافیایی، طراحیهای صنعتی، حق اختراع، نقشه مدارهای همگرا و نیز اطلاعات فاش نشده.^(۳)

موافقتنامه مزبور بر پایه اصولی بنا شده است که بیش از یک قرن عمر دارد. این اصول در اواخر قرن ۱۹ در کنوانسیون پاریس برای حمایت از دارایی‌های صنعتی و کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری تجسم یافتند. در واقع، تمام مقررات ماهوی این دو کنوانسیون بطور مستقیم در موافقتنامه «تریپس» مورد ارجاع قرار گرفته‌اند.

در مورد مالکیت صنعتی، موافقتنامه از دول عضو می‌خواهد مواد ۱ تا ۱۲ و نیز ۱۹ کنوانسیون پاریس را کاملاً مراعات نمایند.^(۴)

در حوزه حق نسخه‌برداری یا کپی‌رایت، اعضاء ملزم شده‌اند که مواد ۱ تا ۱۲ کنوانسیون برن و ضمیمه آنرا مراعات کنند. با این حال اعضا سازمان تجارت جهانی حق یا تکلیفی در مورد

1. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, Wipo Publication No. 476, Geneva, 1999, p. 333
2. World Trade Organization, *Supra*, p. 25
3. Undisclosed Information

۴. این مواد شامل کلیه مقررات ماهوی کنوانسیون پاریس است.

ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن در مورد «حقوق اخلاقی» و حقوق منشعب از آن پیدا نمی‌کنند.^(۱) بعلاوه موافقتنامه تأکید می‌کند که هیچ ماده‌ای در این موافقتنامه، اعضاء را از تعهداتی که احتمالاً بر مبنای کنوانسیون پاریس یا کنوانسیون برن برعهده دارند، معاف نمی‌کند. در موافقتنامه «تریپس» که جزئی از سند مذاکرات در چارچوب گات است، دو اصل کلی و اساسی که در تمام مقررات گات از جایگاه مهمی برخوردار هستند نیز به چشم می‌خورد. این دو اصل که حتی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته نیز نمی‌توانند علی‌رغم مهلتی که برای اجرای موافقتنامه به آنها داده شده است اجرای این دو را به تعویق بیندازند عبارتند از: «اصل رفتار ملی»^(۲) و «اصل ملت کامله‌الوداد»^(۳).

براساس اصل رفتار ملی، دول عضو موظفند با اتباع سایر کشورهای عضو، همان رفتاری را در پیش گیرند که با اتباع خود بعمل می‌آورند و اتباع خود را از امتیاز خاصی در قبال اتباع دیگر کشورهای عضو، بهره‌مند نسازند. این اصل در حوزه مالکیت صنعتی و نیز کیپی رایت به تمام حقوق مربوطه تسری داده می‌شود. با این حال تصریح شده است که در مورد ایفاگران^(۴) و هنرپیشگان، تهیه‌کنندگان آثار ضبط شده و سازمانهای رادیو تلویزیونی، این اصل تنها شامل حقوقی می‌شود که در این موافقتنامه صراحتاً ذکر شده است. همچنین رویه‌هایی که در «معاهدات وایپو» به نحو خاصی مقرر شده باشند، از شمول این اصل خارج بوده و باید به آنها عمل کرد.

اما اصل «ملت کامله‌الوداد» قبل از موافقتنامه «تریپس» معمولاً در اسناد مربوط به حقوق مالکیت معنوی در مذاکرات چندجانبه ذکر نمی‌شد. این اصل مقرر می‌دارد که هر نوع امتیاز، تخفیف، تقدم، مصونیت و معافیت که از سوی یکی از دول عضو به اتباع کشور دیگر داده شود - چه این کشور دیگر عضو موافقتنامه باشد یا نباشد - باید فوراً و بدون قید و شرط به اتباع تمام کشورهای عضو تسری داده شود.

۱. ماده نهم

2. The Principle of National Treatment

3. The Principle of Most Favored Nation

4. Performers

موافقت‌نامه «تریپس» به موارد مربوط به حقوق مالکیت معنوی در بخش دوم خود پرداخته است. این موارد شامل استانداردهای مورد نظر موافقت‌نامه در مورد گستره و کاربرد حقوق مالکیت معنوی است. این بخش شامل ۸ قسمت است.

قسمت اول ناظر است به کپی رایت و حقوق مربوطه، قسمت دوم مربوط به مارک‌های تجاری، قسمت سوم علائم جغرافیایی، قسمت چهارم طراحی‌های صنعتی، قسمت پنجم حق اختراع، قسمت ششم نقشه‌های مدارهای همگرا یا آی.سی.ها، قسمت هفتم در مورد حمایت از اطلاعات فاش نشده و قسمت هشتم کنترل اعمال خلاف رقابت سالم در گواهی‌نامه‌های قراردادی^(۱) است^(۲) که موضوع اخیر در تعریف مالکیت معنوی که در ماده ۱ بند ۲ موافقت‌نامه آمده است، ذکر نگردیده است.^(۳)

بخش دیگری از موافقت‌نامه «تریپس» اختصاص به اعمال و رویه‌هایی دارد که دولتها برای تضمین حقوق مالکیت معنوی باید در پیش گیرند. اتخاذ تدابیر و رویه‌هایی برای مقابله با هر نوع نقض حقوق مالکیت معنوی که در این موافقت‌نامه مورد اشاره قرار گرفته است، الزامی است. تدابیری شامل اقدامات فوری برای جلوگیری از نقض این حقوق و نیز راه‌حلهایی برای ایجاد یک نوع بازدارندگی در قبال نقض‌هایی که در آینده ممکن است اتفاق بیافتند. این تدابیر و رویه‌ها باید به شکلی به کار گرفته شوند که در مقابل تجارت مشروع و قانونی سدی ایجاد نشود و در عین حال از سوء استفاده‌ها جلوگیری شود.^(۴)

تدابیری که برای ضمانت اجرای حقوق مالکیت معنوی اتخاذ می‌شوند باید عادلانه و منصفانه^(۵) بوده و حتی‌المقدور پرهزینه و پیچیده نباشند. در مراحل قضایی، باید رأی حتی‌الامکان مکتوب و مستدل بوده و به طرفین دعوی بدون تأخیر و بطور مقتضی اطلاع داده

1. Contractual Licenses

۲. ماده ۳۹ بند اول

3. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 341

4. World Trade Organization, *Supra*, p. 29 5. Just and Fair

شود و طرفین از کلیه حقوق قانونی لازم برای دفاع از خود و حق استماع^(۱) برخوردار باشند. درکل، موافقتنامه هم حاوی مقررات و دستورالعملهایی در مورد «تدابیر مقدماتی» یا «اقدامات تأمینی» است، هم حاوی مواردی درخصوص اعمال و رویه‌های مدنی و اجرایی و هم مواردی درخصوص اقدامات کیفری و جزایی. موافقتنامه از دول عضو می‌خواهد که مجازاتهای مناسب و قوانین کیفری در خوری را حداقل برای مرتکبین تقلب آگاهانه و عامدانه در مارکهای تجاری و کپی‌رایت در نظر بگیرند. این مجازاتها ممکن است شامل زندان، جرائم مالی، ضبط و مصادره و یا انهدام اموال و کالاهایی که در این جرائم نقش داشته‌اند و نیز سایر مجازاتها بسته به نظام حقوقی کشور مزبور شود.

شایان ذکر است که دول عضو متعهد نیستند که یک سیستم قضایی ویژه و مجزا از نظام حقوقی کلی و عام خود برای تضمین حقوق مالکیت معنوی بوجود آورند بلکه کافی است که قواعد و مقررات لازم برای این تضمین را در سیستم حقوقی خود وارد کرده و دادگاههای خود را برای رسیدگی به این نوع مسائل و موارد صالح بشناسند.

معاهدات طبقه‌بندی^(۲)

از اواخر قرن ۱۹ میلادی، مشخص شده بود که ضروری است در تمام حوزه‌های اصلی مالکیت صنعتی مثل حق اختراع، مارکهای تجاری و طراحیهای صنعتی، سیستم‌هایی برای طبقه‌بندی ایجاد شود. از دلایل این امر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: لزوم وجود نظم اداری - اجرایی مراحل ثبت اسناد در اداراتی که در سطوح ملی متصدی امر هستند، تلاش در جهت ایجاد نظامی برای بهبود وضعیت بایگانی به نحوی که دسترسی به اطلاعات سابق را آسان ساخته و جستجو و آزمایش را تسهیل نماید و بالاخره نیاز به هماهنگ کردن نظامهای طبقه‌بندی کشورها با یکدیگر برای تسهیل ارتباطات و همکاری بین‌المللی در این حوزه.

1. The right to be heard

2. Classification Treaties

موافقتنامه نیس برای طبقه‌بندی کالاها و خدمات به منظور ثبت مارکها^(۱)

یکی از نخستین معاهدات در این حوزه، معاهده‌ای است موسوم به «موافقتنامه نیس در مورد طبقه‌بندی کالاها و خدمات به منظور ثبت مارکها».

این معاهده یک سند بین‌المللی چندجانبه است که در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۷ به امضا رسیده و در ۸ آوریل ۱۹۶۱ لازم‌الاجرا شده است و مثل بسیاری از معاهدات هم‌نوع خود، در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در استکهلم سوئد مورد بازنگری قرار گرفته است. بعدها نیز در ۱۳ ماه مه ۱۹۷۴ در شهر «ژنو» مورد اصلاح قرار گرفته است.^(۲)

این معاهده متشکل است از:

- فهرستی از گروه‌ها که هر کجا لازم بوده توضیحاتی هم به آنها اضافه شده، شامل ۳۴ گروه از کالاها و هشت گروه از خدمات.

- یک فهرست الفبایی از کالاها و خدمات با مشخص کردن گروه هر یک از کالاها و خدمات مذکور. این معاهده هیچ‌گونه تعهدی برای دول عضو اتحادیه نیس در خصوص میزان حمایت از کالا یا خدمات خاصی ایجاد نمی‌کند و بعلاوه دول عضو مجبور نیستند آنرا به عنوان تنها فهرست طبقه‌بندی در حقوق داخلی خود وارد کنند بلکه می‌توانند آنرا در کنار سیستم سابق که احتمالاً در حقوق داخلی‌شان وجود داشته است به کار برند.

یک کشور با عضویت در معاهده نیس بطور خودکار عضو مجمع اتحادیه نیس می‌گردد. این مجمع بطور عادی هر دو سال یکبار جلسه دارد. مجمع به موضوعاتی در خصوص اجرای معاهده و نیز برنامه و بودجه اتحادیه می‌پردازد هر دولت عضو، یک نماینده نیز در کمیته کارشناسی^(۳) دارد. این کمیته:

1. Nice Agreement Concerning the International Classification of Goods and Services for the Purposes of the Registration of Marks

2. International Bureau of WIPO, *Nice Agreement Concerning the International Classification of Goods and Services for the Purposes of the Registration of Marks*, WIPO/EIPI/IP, Geneva, 1993, p.

- در مورد تغییرات لازم در طبقه‌بندی تصمیم می‌گیرد.
- باهدف تسهیل استفاده از طبقه‌بندی و توسعه استفاده همگانی بطور هماهنگ از آن به دولتهای عضو توصیه‌هایی می‌کند.
- هر اقدام دیگری را که بدون ایجاد بار مالی، به کاربرد طبقه‌بندی مزبور از سوی کشورهای در حال توسعه کمک کند انجام خواهد داد.
- می‌تواند کمیته‌های فرعی و گروه‌های کاری لازم را تشکیل دهد.
- گفتنی است امروزه علاوه بر اعضاء معاهده نیس، عده زیادی از کشورها بطور آزادانه و بدون اینکه در این معاهده عضو شوند، از طبقه‌بندی مذکور استفاده می‌کنند.
در دفتر بین‌المللی وایپو، یک «دفتر خدماتی در امور طبقه‌بندی مارکهای تجاری»^(۱) تأسیس شده است. هدف این سرویس، ارائه نظرات مشورتی در زمینه طبقه‌بندی به هر کسی است که چنین نظراتی را درخواست کند. این متقاضی ممکن است اداره مربوطه در یک کشور، یک سازمان دولتی یا غیردولتی، یک فرد یا هر شخص حقوقی باشد.^(۲)
یکی از وظایف کمیته کارشناسی اتحادیه نیس، روزآمد کردن طبقه‌بندی است. از زمانی که برای اولین بار، فهرست الفبایی کالاها تهیه شده است تاکنون بسیاری از کالاها و خدماتی که در فهرست اولیه نام برده شده‌اند، امروزه دیگر وجود ندارند یا به عبارتی، مورد مصرف ندارند و بالعکس بسیاری کالاهای جدید به بازار عرضه شده و بسیاری خدماتی نوین ایجاد شده است که در فهرست مزبور جایی ندارند. بنابراین کمیته کارشناسان هر پنج سال یکبار بنابه دعوت مدیرکل وایپو تشکیل جلسه می‌دهد. این کمیته در مورد اینکه آیا ضرورت دارد مواردی در فهرست الفبایی اصلاح شود یا خیر و موضوعات مشابه دیگر تصمیم می‌گیرد. این اصلاحات ممکن است به معنی حذف چند مورد از فهرست و یا اضافه کردن محصولات و خدماتی جدید به فهرست و یا اصلاح کلمات و اصطلاحات و توضیح بیشتر و یا ایجاد تمایز بین اسامی مشابه و یا

1. Trade Mark Classification Service

2. World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/about-wipo/en, October 2001

انتقال کالایی از یک گروه به گروه دیگر باشد. گرچه مورد اخیر بسیار نادر است.^(۱) دولتهای غیر عضو اتحادیه نیس و همینطور سازمانهای بین‌الدولی تخصصی در زمینه مارکها و نیز نمایندگان سازمانهای بین‌المللی غیردولتی^(۲) ممکن است از سوی مدیرکل واپیو دعوت شوند تا نمایندگانی بصورت ناظر در جلسات کمیته کارشناسی اتحادیه نیس داشته باشند.

موافقتنامه استراسبورگ برای طبقه‌بندی بین‌المللی حق اختراع^(۳)

معمولاً اداراتی که وظایف مربوط به مالکیت صنعتی را برعهده دارند با دو نوع مسئله متفاوت سروکار دارند، یکی مراحل اداری - اجرایی روند رسیدگی به تقاضای ثبت حق اختراع و دیگری ایجاد پرونده‌ها و آرشیوهای مخصوص جستجو و بررسی که اسناد مربوط به حقوق اختراعات را در آنها درج می‌کنند. این پرونده‌ها و بایگانیها از انواع مشابه خود در سایر ادارات اهمیت نسبتاً بیشتری دارند چرا که جستجو و بررسی در میان آنها هر بار برای رسیدگی به تقاضاهای جدید و تطبیق آنها با موارد دیگر ضروری است. هرچه یک اداره با تقاضاهای بیشتری روبرو باشد، نیاز به وجود یک آرشیو منظم و کارآمد در آن اداره بیشتر می‌شود. از اینرو تقاضاهای رسیده باید از یک سو دارای علائمی باشند که مراحل اداری را تسهیل کند که از این نظر معمولاً از یک شماره سریال استفاده می‌شود. از سوی دیگر باید علائمی به آنها الصاق شود که نشانگر آن حوزه فنی و تکنولوژی یک باشد که اختراع مزبور متعلق به آن است. این علائم باید بنحوی طراحی شود که هم به اشخاص ذینفع مثل اشخاص فعال در بخش صنعت کمک کند و هم نظم و روال اسناد مربوطه را افزایش دهد تا دسترسی به آنها و جستجو در میان آنها آسانتر شود.

اولین سیستمهای طبقه‌بندی در این زمینه، در سال ۱۸۳۱ میلادی در اداره حق

1. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, Wipo Publication No. 476, Geneva, 1999, p. 295
2. Non-Governmental Organizations (NGOs)
3. The Strasburg Agreement Concerning the International Patent Classification

اختراعات ایالات متحده، در سال ۱۸۷۷ در آلمان و در ۱۸۸۰ در انگلستان ایجاد شد. در سالهای بعد با تصمیم کشورهای صنعتی مبنی بر لزوم توجه به اسناد «بالاترین اختراعات در سطح جهان»^(۱) در زمینه‌های مختلف که در کشورهای دیگر منتشر می‌گردند در مراحل رسیدگی به یک تقاضا - برای حصول اطمینان از اینکه تقاضای مزبور واقعاً یک گام علمی روبه جلو می‌باشد - کار طبقه‌بندی کمی دشوارتر گردید چراکه ادارات مربوطه در هر کشور مجبور بود اسناد و مدارک منتشر شده در سایر کشورها را نیز مورد بررسی قرار دهد حال آنکه این اسناد دارای طبقه‌بندی‌ها و نظامهای مشخصه متفاوتی با نظام علائم و طبقه‌بندی کشور خودش بود.^(۲) در یک دوره زمانی برای حل این مشکل تصمیم گرفته شد که هر کشور بطور جداگانه اسناد کشورهای دیگر را که به دستش می‌رسید، برای استفاده خود و طبق سیستم خود، طبقه‌بندی کند ولی این فکر بخاطر حجم عظیم کاری که بوجود می‌آورد مردود شد. لذا کشورها ابتدا دوه‌دو و بعد بطور جمعی تصمیم گرفتند از سیستمهای مشترک استفاده کنند. از ۱۹۵۶ کار در این زمینه در شورای اروپا^(۳) و بعد در سازمان جهانی مالکیت معنوی آغاز شد و نهایتاً در سال ۱۹۷۱ موافقتنامه استراسبورگ در زمینه طبقه‌بندی بین‌المللی حق اختراع منعقد گشت. این معاهده از ۱۷ اکتبر ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شد.

این موافقتنامه یک معاهده چندجانبه بین‌المللی است که امور اجرایی آن برعهده وایپو است. نظام طبقه‌بندی آن، فن‌آوری^(۴) را به ۸ بخش^(۵)، ۲۰ «زیربخش»، ۱۱۸ طبقه^(۶) و ۶۲۴ زیرطبقه^(۷) و بیش از ۶۷۰۰۰ گروه - که حدود ۱۰٪ آنها «گروه اصلی» نامیده شده‌اند و بقیه «زیرگروه» - تقسیم می‌کند. هر یک از بخشها، طبقات، طبقه‌های فرعی، گروهها و گروههای فرعی دارای یک عنوان و یک علامت هستند. بخشهای فرعی تنها دارای عنوان می‌باشند.

1. Universal State of Art

2. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 291

3. The Council of Europe با شورای اتحادیه اروپا اشتباه نشود

۴. واژه «فن‌آوری» یا «فناوری» جایگزین فارسی اصطلاح «تکنولوژی» است.

5. Section

6. Class

7. Subclass

اداره مربوطه در هر کشور، باید دست کم علامت آن دسته از طبقات فرعی را که اختراع ثبت شده به آن تعلق دارد روی اسناد مربوط به اختراع درج کند. به این ترتیب کار جستجو در میان اسناد ساده‌تر و در نتیجه دسترسی به آنها آسانتر می‌گردد.^(۱)

از سال ۱۹۹۲ میلادی، وایپو سالانه یک دیسکت فشرده بنام آی.پی.سی - کلاس (مخفف این عبارات: سیستم جستجوی پیشرفته زبانی و یکپارچه طبقه‌بندی بین‌المللی حق اختراع)^(۲) منتشر کرده و در اختیار عموم می‌گذارد. این دیسکت فشرده امکان جستجو در میان اسناد منتشر شده به چند زبان مختلف را فراهم می‌آورد.

مجمع آی.پی.سی. و کمیته کارشناسی

هر دولت با عضویت در موافقتنامه استراسبورگ بطور خودکار به عضویت مجمع اتحادیه آی.پی.سی. درمی‌آید که هر دو سال یکبار بطور عادی تشکیل جلسه می‌دهد. مهمترین وظیفه مجمع، تصویب برنامه و بودجه اتحادیه و سایر امور ناظر بر توسعه اتحادیه است.

اصلاح و تجدید نظر در این طبقه‌بندی برای روزآمد کردن آن، برعهده یک کمیته کارشناسی بین‌الدولی است که تمام دول عضو اتحادیه در آن نماینده دارند. این کمیته با در نظر گرفتن اینکه طبقه‌بندی بین‌المللی اوراق اختراع باید ابزاری برای نیل به یک سیستم طبقه‌بندی هماهنگ و واحد جهانی در زمینه حق اختراع باشد، اعلام داشته است که:

الف) در درجه اول، آی.پی.سی.^(۳) باید یک ابزار جستجوی مؤثر برای بازیابی اسناد مربوط به حق اختراع توسط ادارات و دفاتر مالکیت صنعتی و سایر کاربران باشد تا سبب رشد خلاقیت و نوآوری شده و نیز کار بررسی اینکه آیا اختراع مورد نظر واقعاً یک «گام علمی روبه جلو» هست یا نه را ساده‌تر کند.

1. International Bureau of WIPO, *General Information on the Sixth Edition of the International Patent Classification*, Wipo Publication No. 409, Geneva, 1995, p. 10

2. International-Patent Classification-Cumulative & Linguistic Advanced Search System (IPC-CLASS)

3. IPC (International Patent Classification)

ب) نظام طبقه‌بندی فوق باید خدمات ذیل را عرضه کند:

- ۱- ابزاری باشد برای منظم و مرتب کردن اسناد مربوط به حق اختراع
 - ۲- پایه‌ای باشد برای انتشار گزیده اطلاعات برای تمام کاربران
 - ۳- پایه‌ای باشد برای بررسی حد اعلا پیشرفت^(۱) در زمینه‌های فنی مورد نظر
 - ۴- و نهایتاً پایه‌ای باشد برای تهیه آمارهای مالکیت صنعتی که خود به سنجش توسعه فنی در مناطق مختلف جهان کمک می‌کند.
- ۴۹ کشور موافقتنامه استراسبورگ را تصویب کرده‌اند^(۲) و تعداد زیادی از کشورها نیز بدون پیوستن رسمی به اتحادیه استراسبورگ یا اتحادیه آی.پی.سی. از سیستم طبقه‌بندی مزبور استفاده می‌کنند.^(۳)

معاهدات وین و لوکارنو

در زمینه طبقه‌بندی بین‌المللی، علاوه بر دو معاهده نیس و استراسبورگ، دو معاهده دیگر هم تاکنون منعقد شده است که اشاره‌ای به آنها نیز می‌کنیم.

– موافقتنامه وین برای ایجاد طبقه‌بندی بین‌المللی مارکها از جنبه‌های ظاهری^(۴)

این موافقتنامه در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۳ در یک کنفرانس دیپلماتیک در شهر وین اتریش منعقد گشت و در تاریخ ۹ اوت ۱۹۸۵ لازم‌الاجرا گردید. این معاهده ارتباط بسیار تنگاتنگی با دو معاهده قبلی یعنی نیس و استراسبورگ دارد. طبقه‌بندی مندرج در این موافقتنامه طبق آنچه در خود معاهده ذکر شده، عبارت است از «فهرستی از مقوله‌ها، بخشها و

1. State of Art

۲. تا تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۱

3. World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/treaties/docs/english/n-strsbg.doc, September 2001

4. The Vienna Agreement Stabilishing an International Classification of the Figurative Elements of Marks

معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت معنوی ■ ۱۰۷

قسمتها که حاوی طبقه‌بندی جنبه‌های تصویری و شکلی مارکهای تجاری هستند و هر کجا نیازی بوده، توضیحاتی افزوده شده است.»

این موافقتنامه نیز یک اتحادیه تشکیل می‌دهد که شامل مجمع و کمیته کارشناسی است که هر یک وظایفی مشابه نهادهای همسان خود در اتحادیه‌های نیس و استراسبورگ دارند. این اتحادیه دارای ۱۹ عضو تا تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌باشد.^(۱)

- موافقتنامه لوکارنو برای ایجاد یک طبقه‌بندی بین‌المللی از طراحیهای صنعتی^(۲)

این سند، یک معاهده چندجانبه بین‌المللی است که در هشتم اکتبر ۱۹۶۸ منعقد شده و در ۲۷ آوریل ۱۹۷۱ لازم‌الاجرا گردیده است.

این معاهده، موجد یک طبقه‌بندی است شامل سه بخش:

- یک لیست از طبقه‌ها و طبقات فرعی: شامل ۳۱ طبقه و ۲۱۱ طبقه فرعی

- یک فهرست الفبایی از کالاهایی که در آنها طراحیهای صنعتی به چشم می‌خورد، این

فهرست در کل مشتمل بر شش هزار مدخل است

- و بالاخره توضیحات و تشریحات مربوط به فهرستها

این موافقتنامه نیز یک مجمع و یک کمیته کارشناسی تأسیس کرده است. اتحادیه

لوکارنو تا تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۱ دارای ۴۰ کشور عضو است.^(۳)

معاهدات ویژه در حوزه حقوق همسایه کپی رایت

کنوانسیون بین‌المللی رم برای حمایت از حقوق هنرپیشگان، تهیه‌کنندگان محصولات

1. International Bureau of Wipo, *The Vienna Agreement Stablising an International Classification of the Figurative Elements of Marks*, WIPO-CEIPI/IP, Geneva, 1993

2. The Locarno Agreement Stablising an International Classification for Industrial Designs

3. World Intellectual Property Organization, *Supra*

صوتی ضبط شده و سازمانهای رادیو تلویزیونی^(۱)

حقوق همسایه کپی رایت پیش از هر چیز نتیجه رشد و توسعه صنعتی و فنی است. در سطح ملی، برای نخستین بار در صنعت صدانگاری یا ضبط اصوات بحث حمایت از حقوق همسایه کپی رایت در مقابل تکثیر غیرمجاز اجراهای موسیقی مطرح شد. در سطح بین‌المللی نیز همین صنعت بود که برای نخستین بار سبب شد بحثی بنام «حمایت از حقوق همسایه کپی رایت» مطرح شود. در کنفرانس دیپلماتیک بازنگری «کنوانسیون برن برای حمایت از حقوق آفرینه‌های ادبی و هنری» در سال ۱۹۲۸ چنین مطرح شد که «هنگامی که یک اثر آهنگین بوسیله تلاشهای هنرمندان و اجراگران بر روی یک وسیله مکانیکی پیاده می‌شود، دسته اخیر نیز باید بسان آهنگسازان، از نوعی حقوق قانونی منتفع شوند.» و از دولت‌ها خواسته شد تا سرحد امکان این مقوله را در قوانین خود در نظر بگیرند.^(۲)

بعدها در سال ۱۹۳۴ «کنفدراسیون بین‌المللی جوامع مؤلفین و مصنفین»^(۳) به اتفاق «فدراسیون بین‌المللی گرامافون» درخواست کردند که در کنفرانس بازنگری بعدی کنوانسیون برن موارد ذیل بصورت یک ضمیمه به آن اضافه شود:

۱- حمایت از آثار ضبط شده در برابر تکثیر غیرمجاز

۲- حق تهیه کنندگان آثار ضبطی برای برخورداری از منافع مادی پخش آثار ضبط شده‌شان از طریق صنعت سینماتوگرافی یا رادیو تلویزیون

از سوی دیگر سازمان جهانی کار، از سال ۱۹۲۶ به بعد توجه مداومی به حمایت از هنرپیشگان و اجراگران^(۴) نشان داد و مسأله را در اجلاس «سامادن» سوئیس در سال ۱۹۳۹ مورد بررسی عمیق قرار داد. نتیجه تمام این اقدامات، تهیه پیش‌نویسهایی با همکاری «دفاتر

1. International Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms & Broadcasting Organizations (Rome Convention)

2. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, Wipo Publication No. 476, Geneva, 1999, p. 301 3. I.C.S.A.C.

۴. واژه مربوطه در زبان انگلیسی Performer است که هم مربوط به اجراهای موسیقایی می‌شود و هم اجراهای تئاتری. بنابراین در این متن به جای آن گاه از واژه هنرپیشه، گاه اجراگر و گاهی ایفاگر استفاده شده است.

متحده بین‌المللی اتحادیه‌های پاریس و برن» بود که البته با وقوع جنگ جهانی دوم، همه این تلاشها متوقف شد.^(۱) پس از جنگ، کوششهای این نهادها ادامه یافت و نهایتاً در سال ۱۹۶۰ یک کمیته کارشناسی با همکاری «بیرپی»، یونسکو^(۲) و سازمان جهانی کار در شهر لاهه تشکیل شد و پیش نویسی تهیه کرد که سال بعد یعنی در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۱ در کنفرانس دیپلماتیک رم منجر به تصویب «کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از ایفاگران، تهیه‌کنندگان آثار ضبط‌شده و سازمانهای رادیو - تلویزیونی» گردید.

مقررات ماهوی

با در نظر گرفتن این نکته که همواره در کارهای هنرپیشگان، اجراکنندگان و ضبط‌کنندگان به نحو گسترده‌ای از آثار ادبی و هنری بهره گرفته می‌شود، در اولین ماده کنوانسیون رم قید شده است که حمایت اعطا شده تحت کنوانسیون حاضر به هیچ عنوان اثری بر حمایت از کپی‌رایت آفرینه‌های ادبی و هنری ندارد و روشن است که هر کجا به سبب قانون کپی‌رایت، کسب اجازه مؤلف برای استفاده از اثر وی در اجراها، ضبط‌ها و پخشها ضروری باشد، مقررات کنوانسیون رم این امر را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد.^(۳)

در مذاکرات رم بسیاری از کشورها معتقد بودند در حالتی که یک کشور به خاطر عدم عضویت در کنوانسیونهای کپی‌رایت، به ایفاگران و متصدیان ضبط و پخش اجازه می‌دهد بدون کسب رضایت صاحب یک اثر از آن استفاده کنند، باز هم باید حقوق ایفاگران و ... تحت کنوانسیون حاضر و در سطح بین‌المللی محترم شمرده شود و عدم کسب اجازه از مؤلف اصلی در کشور مبدأ دلیل بر آن نمی‌شود که آثار ضبط شده و مانند آن در سایر کشورها تکثیر گردد. از سوی دیگر عده‌ای معتقد بودند کسی که مثلاً از نمایشنامه‌های یک نویسنده بدون اجازه وی در

1. *Ibid.*

2. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد UNESCO

3. International Bureau of WIPO, *Basic Notions of Neighboring Rights-International Conventions in the Field of Neighboring Rights*, WIPO/CR, Geneva, 1993, p. 5

تأثیر خود استفاده کرده است فی الواقع «حقی» نسبت به آن اثر ندارد و دولت‌ها نباید از چنین آثاری در قبال ضبط و پخش غیر قانونی حمایت کنند. تدوین کنندگان کنوانسیون رم برای جمع‌بندی دو عقیده فوق، در ماده ۲۴ کنوانسیون تصریح کرده‌اند که یک دولت برای عضویت در کنوانسیون حاضر باید الزاماً عضو سازمان ملل متحد و نیز عضو اتحادیه برن و یا «کنوانسیون جهانی کپی‌رایت»^(۱) باشد و اگر بعد از عضویت در کنوانسیون رم از معاهدات مزبور خارج شد، عضویت وی در کنوانسیون رم نیز معلق می‌گردد. لذا از نظر برخی حقوقدانان، کنوانسیون رم یک معاهده بسته تلقی می‌شود.^(۲)

- اصل رفتار ملی

همانند کنوانسیون برن، کنوانسیون رم نیز بر اصل رفتار ملی یعنی اعطاء همان حقوق و مزایایی که به اتباع داخلی داده می‌شود به اتباع سایر دول عضو پای می‌فشارد.^(۳) یعنی غیر از حداقل حقوقی که در کنوانسیون برای اشخاص مورد حمایت مشخص شده است و صرف‌نظر از محدودیت‌های مقرر در کنوانسیون، هنرپیشگان، تهیه‌کنندگان و سازمانهای پخش خارجی باید دست‌کم از حقوق مشابه حقوق اتباع داخلی هر دولت بهره‌مند گردند.

- چه کسانی تحت حمایت اصل رفتار ملی هستند؟

شرط رفتار ملی باید در مورد اشخاص ذیل بعمل آید: ایفاگران اگر اجرای آنان در یکی از دول عضو کنوانسیون صورت گرفته باشد (صرف‌نظر از تابعیت آنان) یا اگر این اجرا در یک وسیله ضبطی تحت حمایت کنوانسیون ضبط شده باشد (صرف‌نظر از تابعیت اجراگران و محل اجرا) و

1. Universal Copyright Convention

کنوانسیون جهانی کپی‌رایت یکی از معاهدات بین‌المللی مهم در زمینه کپی‌رایت است که چون ارتباطی با وایپو ندارد و نیز کشورمان در آن عضو نیست، در این مجموعه اشاره‌ای به این کنوانسیون نکرده و بررسی آنرا به فرصت دیگری موکول می‌کنیم.

2. *Ibid*, p. 11

۳. ماده دوم

یا اگر این اجرا بصورت زنده از طریق رسانه‌های مورد حمایت کنوانسیون پخش شده باشد.^(۱) در مورد تهیه‌کنندگان آثار ضبط شده اگر تهیه‌کننده تبعه یک دولت عضو باشد یا ضبط اولیه در قلمرو یک دولت عضو بعمل آمده باشد یا ضبط مورد نظر نخستین بار در یک دولت عضو منتشر شده باشد باید اصل رفتار ملی اجرا شود. البته این سه شرط را دولت‌ها می‌توانند بصورت رزرو درآورده و یک یا دو عدد از آنها را از شمول تعهدات خود خارج کنند. این مسأله را باید دولت مزبور رسماً به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد برساند.^(۲)

اما اصل رفتار ملی در مورد متصدیان پخش رادیو تلویزیونی باید بعمل آید اگر: ادارات مرکزی این سازمانها در یک دولت عضو واقع باشد یا پخش آنها از طریق مرکز پخش واقع در یک دولت عضو بعمل آید. البته دولت‌ها می‌توانند اعلام کنند در صورتی که هر دو شرط فوق با هم توأم باشد، اصل رفتار ملی را معمول خواهند داشت.^(۳)

- حداقل حقوق مورد نظر کنوانسیون

ایفاگران باید امکان «جلوگیری از انجام برخی امور معین که بدون کسب رضایت آنها انجام می‌شود» را داشته باشند. این امور حداقل عبارتند از: پخش و اکران عمومی یک اجرای زنده، ضبط یک اجرای ضبط نشده و تکثیر نسخه ضبط شده آن در صورتی که نسخه اصل بدون رضایت دارنده حق، ضبط شده باشد.^(۴)

اما تهیه‌کنندگان آثار ضبط شده نیز حق دارند اجازه بدهند یا ندهند که آثاری که آنها ضبط کرده‌اند، تکثیر شود.^(۵) کنوانسیون رم در مورد توزیع یا وارد کردن نسخه‌هایی که بدون رضایت صاحبان حق تکثیر شده‌اند ساکت است. سازمانهای پخش نیز حق صدور اجازه یا ممنوع

۱. ماده چهارم

۲. همانطور که گفته شد، کنوانسیون رم محصول تلاش مشترک وایپو، یونسکو و سازمان جهانی کار است، لذا این نوع مسئولیتها به دبیرکل ملل متحد که نقطه اشتراک هر سه سازمان است، واگذار شده است.

۳. ماده ششم

۴. ماده هفتم

۵. ماده دهم

کردن پخش دوباره آنچه آنان پخش کرده‌اند و نیز ضبط آن و پخش مجدد برنامه‌های خود از سوی دیگران را دارا هستند. همچنین حق دارند مانع استفاده افراد از گیرنده‌هایی شوند که بدون پرداخت پول به آنان برنامه‌هایشان را در معرض استفاده عموم قرار می‌دهد. البته حق اخیر شامل پخشهای صوتی صرف نمی‌شود و این امر برعهده دولتهاست که این عمل را ممنوع یا مجاز شمارند. کنوانسیون رم در مورد بازپخش کابلی برنامه‌های این سازمانها نیز ساکت است. کنوانسیون رم به دولتها اجازه می‌دهد علاوه بر استانداردهای فوق، به دلخواه خود نیز برای حمایت از اشخاص مذکور وضع قانون کنند.

- مدت حمایت

حداقل مدت زمان حمایت تحت کنوانسیون رم، یک دوره ۲۰ ساله است که از پایان سالی محاسبه می‌شود که: در آن سال، عمل ضبط صورت گرفته است (برای آثار ضبط شده)، اجرا انجام شده است (برای اجراها) و یا «پخش» صورت گرفته است برای برنامه‌های پخش شده.^(۱)

- محدودیت تشریفات

حداکثر تشریفات لازم برای حمایت از «حقوق همسایه» در ارتباط با آثار ضبط شده عبارت است از اینکه تمام نسخه‌های منتشر شده باید از علامت P در داخل یک دایره به همراه سال انتشار استفاده کنند و اگر خود این نسخه‌ها (مثلاً به طریق صوتی) معرف صاحب امتیاز و اجراکنندگان اصلی اولیه نیستند، این مشخصات نیز باید روی آنها قید شود.^(۲) و ^(۳)

۲. ماده یازدهم

۱. ماده چهاردهم

۳. با اینکه جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رم نپیوسته است ولی در ماده ۴ قانون «ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» مصوب ۱۳۵۲ مفاد ماده یازدهم این کنوانسیون عیناً تکرار شده است.

- اجرای کنوانسیون رم

از آنجا که کنوانسیون رم برخلاف بسیاری از کنوانسیونهای مربوط به حقوق مالکیت معنوی که از اواخر قرن نوزدهم به تصویب رسیده بودند، حاصل و برآیندی از قوانین ملی نبود بلکه یک کنوانسیون پیشرو به شمار می‌آید و در زمان انعقاد آن، دولتهای اندکی حقوق موسوم به حقوق همسایه کپی رایت را در سیستم‌های داخلی قانونی خود به وجود آورده بودند، لذا سرعت اجرا و گسترش آن در جهان اندکی کمتر از سایر کنوانسیونها بود. اما بتدریج از سال ۱۹۶۱ قوانین داخلی زیادی در کشورهای مختلف در این زمینه به تصویب رسیده است. از ۱۹۷۱، سازمان جهانی مالکیت معنوی به همراه یونسکو و سازمان جهانی کار، یک «قانون نمونه» ارائه کرده‌اند که می‌تواند دولتها را در کار قانون‌گذاری در این زمینه یاری دهد.^(۱)

- کنوانسیون رم و کشورهای در حال توسعه

تعداد زیادی از اعضای کنوانسیون رم راکشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند. یک دلیل عمده این امر آن است که در اکثر کشورهای در حال توسعه، میراث فرهنگی و ملی تا حدود زیادی تشکیل یافته از موسیقی، رقصهای سنتی و سایر خلاقیت‌های اینچنین است. لذا ارزش کنوانسیون رم برای این کشورها ناشی از این واقعیت است که این کنوانسیون اسباب حمایت از حقوق کسانی است که در انتشار و پخش جهانی و بین‌المللی آن میراث فرهنگی مشارکت دارند. این کنوانسیون خصوصاً برای کشورهایی مهم است که تمدن و آداب و رسوم آنها بیشتر «شفاهی» است و مؤلف و مصنف خود اجراگر اثر نیز هست. یعنی مثلاً در آثار فولکلور، آهنگساز خود آنرا می‌نوازد و رسم بر آن نیست که وی آهنگ را نوشته و در اختیار دیگری بگذارد تا او اجرا کند لذا حمایت از حقوق چنین اشخاصی اهمیت مضاعف می‌یابد و از آنجا که در معاهدات کپی‌رایت، آثار فولکلور از توجه چندانی برخوردار نشده‌اند، حمایت از این آثار می‌تواند بطور غیرمستقیم از راه حمایت از اجراگران، ضبط‌کنندگان و پخش‌کنندگان آنها بعمل آید.

1. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 306

کنوانسیون رم با حمایت از اجراگران و متصدیان ضبط و پخش و بهره‌مند کردن آنان از حقوق مادی اثر خود در ارتقاء و شکوفایی خلاقیتها و میراث هنری جوامع اثر زیادی داشته و از سوی دیگر به توسعه و رشد اقتصادی در صنایع وابسته به این حوزه‌ها نیز کمک شایانی می‌کند. شایان ذکر است که در این کنوانسیون با آنکه سازمان جهانی مالکیت معنوی نقش زیادی در مراحل مذاکره و تصویب داشته است. امور اداری و اجرایی از قبیل دبیرخانه تنهابرعهده این سازمان نیست و به طور مشترک با سازمان جهانی کار و یونسکو انجام می‌شود. مرجع تودیع اسناد تصویب و الحاق نیز دبیرکل سازمان ملل متحد است. این کنوانسیون دارای ۶۸ عضو است.^(۱)

کنوانسیون ماهواره^(۲) و کنوانسیون فونوگرام^(۳)

علاوه بر کنوانسیون رم ۱۹۶۱ که یک سند حقوقی پایه در زمینه حقوق همسایه است، دو سند بین‌المللی دیگر نیز در این زمینه بوجود آمده است. این دو سند عبارتند از کنوانسیون حمایت از تولیدکنندگان آثار صوتی ضبط شده در قبال تکثیر غیرمجاز محصولاتشان^(۴) که در اکتبر ۱۹۷۱ در ژنو منعقد گشت و به اختصار «کنوانسیون فونوگرام» خوانده می‌شود و دیگری کنوانسیونی راجع به «توزیع امواج حاوی برنامه پخش شده از طریق ماهواره»^(۵) که در ماه مه ۱۹۷۴ در بروکسل منعقد شد و به اختصار «کنوانسیون ماهواره» خوانده می‌شود. این دو کنوانسیون نیز در چارچوب حقوق همسایه کپی رایت قرار می‌گیرند و هدف آنها حفاظت از منافع تولیدکنندگان فونوگرام و سازمانهای رادیو تلویزیونی در قبال نقض حقوق آنها است.^(۶)

۱. تا تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۱

2. Satelites Convention

3. Phonograms Conventio

4. Convention for the Protection of Producers of Phonograms Against Unauthorized Duplication of Their Phonograms

5. Convention Relating to the Distribution of Programme-Carrying Signals Transmitted by Satellite

6. International Bureau of WIPO, *Basic Notions of Neighboring Rights-International Conventions*

با نظر به کنوانسیون رم، این دو کنوانسیون را می‌توان به عنوان موافقتنامه‌هایی خاص به حساب آورد که انعقاد آنها توسط دولتهای عضو سبب حمایت بیشتر از حقوق ایفاگران، تولیدکنندگان فونوگرام و سازمانهای پخش کننده می‌شود. مقرراتشان نیز در چارچوب مقررات کنوانسیون رم است و این امر یعنی انعقاد این نوع موافقتنامه‌ها در ماده ۲۲ کنوانسیون رم مجاز شمرده شده است.

- دلایل و اهداف انعقاد این دو سند

دلیل مقبولیت سریع کنوانسیون فونوگرام افزایش شدید موارد نقض و سوء استفاده بین‌المللی از این حقوق در دو دهه اخیر از یک سو و از سوی دیگر مشخصات حقوقی خود کنوانسیون است. درحالیکه تعدادی از کشورها در حال تهیه قوانین جدید در حوزه حقوق همسایه کپی‌رایت مطابق با استانداردهای کنوانسیون رم بودند، سوء استفاده در سطح بین‌المللی در زمینه صنعت ضبط اصوات رشد زیادی کرد و میزان فروش آثار تکثیر شده غیرمجاز و غیرقانونی در سطح جهان بسیار بالا رفت. لذا حتی در اوایل دهه ۷۰ میلادی، ایجاد یک کنوانسیون ویژه برای این امر ضرورت خود را نشان داد. از اینرو در ماه مه ۱۹۷۰ در کمیته مقدماتی برای بازنگری دو کنوانسیون مهم کپی‌رایت این موضوع مطرح شد و کنوانسیون جدید ظرف مدت کمتر از ۱۸ ماه در ژنو منعقد گشت.

کنوانسیون فونوگرام تمام تدابیری که تا آن زمان در سطح ملی تعبیه شده بود را پذیرفته و اجازه می‌دهد به جای استفاده از یک سیستم واحد بین‌المللی، تمام این تدابیر اعمال شوند. لذا دولت‌ها برای عضویت در این کنوانسیون نیاز به اصلاح بنیادین قوانین ملی خود نمی‌یافتند^(۱) (دولتهایی که تا آن زمان خود راهکارهایی برای این حمایت‌های مورد نظر کنوانسیون، پیش‌بینی کرده بودند)

in the Field of Neighboring Rights, WIPO/CR, Geneva, 1993, p. 32

1. *Ibid.*, p. 34

کنوانسیون ماهواره نیز به دلیل اینکه از سال ۱۹۶۵، به کارگیری ماهواره‌ها در ارتباطات بین‌المللی مشکلات تازه‌ای بر سر راه حمایت از حقوق سازمانهای رادیو تلویزیونی ایجاد کرده بود، منعقد گشت. ابتدا باید اشاره کرد که در روش پخش مستقیم ماهواره‌ای که روز بروز در حال یافتن جایگاه مهمتری در عرصه جهانی است، امواج ارسالی به ماهواره‌ها خود به نوعی تنظیم می‌شوند که پس از بازتاب توسط ماهواره‌ها توسط گیرندگان عادی و بدون نیاز به وساطت ایستگاههای زمینی قابل دریافت باشند.^(۱) اما لازم به توضیح است که حتی امروزه، هنوز انتقال برنامه‌ها از طریق ماهواره عمدتاً بطور غیرمستقیم است. یعنی امواج حاوی برنامه‌ها از طریق ماهواره به نقاطی که معمولاً نمی‌توانند آنها را دریافت کنند منتقل می‌شود اما در اکثر موارد، امواج پخش شده توسط ماهواره‌ها بطور مستقیم برای گیرندگان عادی قابل دریافت نیست و باید ایستگاههای زمینی این امواج را گرفته و برای استفاده عموم پخش کنند.

مشکل حقوقی که به انعقاد کنوانسیون ماهواره انجامید ناشی از عبارات بکار رفته در ماده ۳ کنوانسیون رم بود که می‌گوید «منظور از پخش، انتقال از طریق روشهای بدون سیم برای دریافت صوت یا تصویر و صوت از سوی عموم است.» حال با در نظر گرفتن اینکه مسائل مربوط به انتقال ماهواره‌ای دو جنبه داشت یعنی از یکسو امواج منتشر شده از سوی سازمان اصلی قابل استفاده و دریافت از سوی عموم نبود و از سوی دیگر امواج منتقل شده که عموماً توسط ایستگاههای زمینی دریافت می‌شدند معمولاً توسط کابل در اختیار مردم قرار می‌گرفت و نه «بدون سیم» لذا عده‌ای از سازمانها با سوء استفاده از الفاظ کنوانسیون رم و با استفاده از این دو جنبه، مقررات کنوانسیون مزبور را زیر پای می‌گذاشتند، مثلاً امواج ماهواره دیگران را گرفته و با کابل بین مشترکان خود توزیع می‌کردند.

کنوانسیون ماهواره برای حل این نوع مسائل از دولتها می‌خواهد که اقدامات مقتضی برای جلوگیری از توزیع امواج حاوی برنامه از سوی تمام کسانی که ارسال اولیه امواج برای آنان

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه امواج ماهواره‌ای و مسائل حقوقی آن ر.ک. زمانی، سیدقاسم، **پخش مستقیم ماهواره‌ای و اقدامات متقابل**، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی، شماره ۲۴، سال ۱۳۷۸، صص ۳۵۳-۳۱۹

انجام نشده است را معمول دارند. توزیع نیز در این کنوانسیون چنین معنی شده است «عملیاتی که بوسیله آن یک توزیع کننده، امواج دریافتی را به عموم منتقل می‌کند» لذا توزیع از طریق کابل نیز در این تعریف می‌گنجد.^(۱)

گرچه می‌توان دو کنوانسیون فونوگرام و ماهواره را مکمل کنوانسیون رم دانست ولی این دو کنوانسیون از سه جنبه تفاوت‌هایی با کنوانسیون رم دارد:

- نخست آنکه کنوانسیون رم بدون آنکه حقوق مؤلفان یعنی «صاحبان کپی رایت» نادیده گرفته شود به دارندگان حقوق همسایه کپی رایت، امکان صدور اجازه یا منع استفاده از حقوق‌شان را می‌دهد ولی معاهدات فونوگرام و ماهواره حقوق خاص جدیدی را معرفی نمی‌کند بلکه انتخاب ابزارهای حقوقی برای جلوگیری از سوء استفاده در زمینه مورد نظر به دولتها وامی‌گذارد.

- ثانیاً کنوانسیون رم براساس اصل رفتار ملی بنا نهاده شده است و این بدان معنی است که حمایت مورد نظر در کنوانسیون رم تنها حداقل حمایت است بنابراین جدا از حقوق تضمین شده در کنوانسیون یا همان «حداقل حقوق» و با در نظر گرفتن برخی حق شرطها که دولتها بر کنوانسیون وارد کرده‌اند، ایفاگران و تولیدکنندگان فونوگرامها و سازمانهای پخش از همان حقوقی بهره‌مند می‌شدند که کشورهای خارجی برای اتباع خود قائل است ولی کنوانسیون فونوگرام صحبتی از رفتار ملی نمی‌کند و به صراحت، اعمال غیرقانونی را که دولتها باید در مقابل آنها، از اشخاص مورد نظر حمایت کنند، تعریف می‌کند. لذا دولتها موظف نیستند تمام حمایتی را که از اتباع خود بعمل می‌آورند از اتباع خارجی نیز بنمایند.^(۲) با این حال باید اشاره کرد که کنوانسیون فونوگرام اثر کاهنده بر حقوقی که قوانین ملی یا سایر اسناد بین‌المللی برای اتباع

1. *Ibid.*, p. 6

۲. مثلاً کشوری که اجرای عمومی غیرمجاز فونوگرامها را ممنوع می‌سازد ملزم نیست همین کار را برای فونوگرامهای اتباع دیگر کشورها هم انجام دهد چرا که کنوانسیون فونوگرام صحبتی از حمایت در قبال استفاده عمومی از فونوگرامهایی که به صورت مجاز تکثیر و توزیع شده‌اند ندارد.

خارجی قائل می‌شوند ندارد.^(۱) «مسأله رفتار ملی» در کنوانسیون ماهواره نیز مورد اشاره قرار نمی‌گیرد.

- ثالثاً برای مبارزه گسترده با سوء استفاده در حوزه‌های مورد نظر، کنوانسیونهای فونوگرام و ماهواره بر روی تمام دول عضو ملل متحد یا دول عضو هر سازمان تخصصی که با ملل متحد مرتبط است و نیز اعضاء اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مفتوح است که تقریباً شامل تمام کشورهای دنیا می‌شود. در مقابل، کنوانسیون رم تنها بر روی دول عضو دو کنوانسیون عمده کپی رایت باز است.

کنوانسیون ۱۹۷۱ «حمایت از تولیدکنندگان فونوگرامها در مقابل تکثیر غیرمجاز محصولات آنها» دارای ۶۷ دولت عضو^(۲) و «کنوانسیون ۱۹۷۴ راجع به توزیع امواج حامل برنامه پخش شده توسط ماهواره» دارای ۲۴^(۳) می‌باشند.^(۴)

معاهده کپی رایت وایپو^(۵)

مقدمه

کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری پس از انعقاد در سال ۱۸۸۶، بطور تقریبی هر ۲۰ سال یکبار مورد اصلاح و تجدید نظر قرار گرفته است، تا اینکه برای آخرین بار در ۱۹۶۷ در استکهلم و در ۱۹۷۱ در پاریس این اصلاحات صورت گرفت. این اصلاحات و تجدیدنظرها برای یافتن پاسخی به پیشرفتهای فنی جدید مثل تکنولوژی ضبط اصوات، عکاسی، رادیو، سینماتوگرافی و تلویزیون انجام می‌شدند.

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، پیشرفتهای تکنولوژیک مهمی رخ داد - مثل تکنولوژی ویدئو، نوارهای فشرده که امکان ضبط در خانه را فراهم می‌ساخت، پخش ماهواره‌ای، تلویزیون

۱. ماده هفتم

۲. تا تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۱

۳. تا تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱

4. World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/treaties/en/docs, September 2001

5. WIPO CopyRight Treaty (WCT)

کابلی، افزایش اهمیت برنامه‌های رایانه‌ای و کلاً کارهایی که براساس فن‌آوری رایانه‌ای انجام می‌گرفتند.

تا مدتی، مجامع بین‌المللی که در زمینه کپی رایت فعال بودند، به جای تلاش برای ایجاد هنجارهای نوین بین‌المللی، تلاش می‌کردند که پیشرفته‌ها و تحولات جدید را با همان قالبهای گذشته وفق دهند و از طریق مطالعه و تحقیق، راههای مناسبی برای پرداختن به این امور جدید بیابند. در این مراحل، نهادهای مطالعاتی وایپو بطور گسترده و در مواردی با همکاری سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، راهنماییها و توصیه‌هایی به دولت‌ها می‌کردند که تمام این توصیه‌ها بر مبنای تفسیرهایی جدید از کنوانسیون برن بعمل می‌آمد و نقشی مهم در توسعه و تکامل قانون‌های ملی در مورد این مسائل نوین ایفا کرد. اما در اواخر دهه ۱۹۸۰، دیگر روشن شده بود که این رهیافت کافی نیست و لذا تلاش برای مهیا کردن هنجارهای الزام‌آور جدید بین‌المللی در دو عرصه آغاز شد یکی در قالب گات و مذاکرات دور اروگوئه و دیگری در قالب دو کمیته کارشناسی سازمان جهانی مالکیت معنوی.

اما بعد از تصویب موافقتنامه «تریپس» در چارچوب گات، کمیته‌های وایپو تلاش کردند مسائلی را در مطالعات خود در نظر بگیرند که در موافقتنامه مذکور مورد اشاره واقع نشده‌اند. بدین منظور کنفرانس دیپلماتیک وایپو در مورد برخی مسائل مربوط به کپی رایت و حقوق همسایه آن از دوم تا بیستم دسامبر ۱۹۹۶ در شهر ژنو تشکیل شد. این کنفرانس دیپلماتیک، دو معاهده را مورد پذیرش قرار داد، یکی معاهده کپی رایت وایپو و دیگری معاهده وایپو در خصوص ایفاگران و تهیه‌کنندگان آثار ضبط شده.^(۱) و ^(۲)

معاهده کپی رایت وایپو، موافقت‌نامه‌ای است ویژه که طبق ماده ۲۰ کنوانسیون برن

۱. معاهده وایپو در خصوص «اجراها و آثار ضبط شده» یا WIPO Performances & Phonograms Treaty (WPPT) طبق آخرین اطلاعات در تاریخ ۲۰ ماه می سال ۲۰۰۲ میلادی لازم‌الاجرا می‌شود. این معاهده نیز در جای خود از اهمیت زیادی در حوزه حقوق همسایه کپی رایت برخوردار است اما به جهت پرهیز از اطباب کلام، فعلاً از آن می‌گذریم.

2. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, Wipo Publication No. 476, Geneva, 1999, p. 262

معتقد شده است.^(۱) ماده‌ای که به دول عضو اتحادیه برن اجازه می‌دهد موافقتنامه‌هایی میان خود در مورد آثار ادبی و هنری منعقد کنند به شرط آنکه ناقض هیچ یک از مواد کنوانسیون برن نباشد. لذا روشن می‌شود که معاهده کپی‌رایت وایپو را هیچ‌گاه نمی‌توان طوری تفسیر کرد که خلاف کنوانسیون برن باشد و در صورتی که تناقضی احتمالی مشاهده شود کنوانسیون برن حاکم است.

مقررات ماهوی

در دوره پس از تصویب موافقتنامه «تریپس» یعنی دوره‌ای که نهایتاً به انعقاد «معاهده کپی‌رایت وایپو» و «معاهده وایپو در خصوص ایفاگران و تهیه‌کنندگان آثار ضبط شده» انجامید، روشن شده بود که مهمترین و ضروری‌ترین وظیفه کمیته‌های وایپو و نیز کنفرانس دیپلماتیک مورد نظر، شفاف کردن هنجارهای موجود و در صورت لزوم ایجاد هنجارهای نوین برای پاسخ به مسائل ایجاد شده در اثر تکنولوژی دیجیتال و بخصوص اینترنت است. لذا از این موضوعات بطور کلی با عنوان «دستور کار دیجیتال»^(۲) یاد می‌شود. مقررات معاهده کپی‌رایت وایپو در خصوص «برنامه کار دیجیتال» موارد ذیل را پوشش می‌دهد:

- حقوق مربوط به نگهداری و انتقال آثار در سیستم‌های دیجیتالی، محدودیتها و استثناهای وارده بر حقوق مالکیت معنوی در یک محیط دیجیتال، ابزارهای فنی حمایت و مدیریت اطلاعاتی در جهت حمایت از حقوق مورد نظر، بعلاوه حق توزیع که البته می‌توان آنرا در قالب همان حقوق مربوط به انتقال آثار آورد ولی با این حال از دامنه بسیار گسترده‌تری برخوردار است. این حق را می‌توان با حقوق مربوط به اجاره آثار مذکور نیز در ارتباط دانست.^(۳)

علاوه بر موارد مذکور، معاهده کپی‌رایت وایپو به مواردی چون کشور مبدأ، رفتار ملی، حمایت بدون تشریفات، محدودیت‌های قابل اعمال و غیره نیز پرداخته است، در این معاهده

۱. ماده اول

2. Digital Agenda

3. World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/about-wipo/en/gib.html, October 2001

تأکید می‌شود^(۱) که مقررات ماده سه تا شش کنوانسیون برن در این خصوص لازم‌الاجرا است. این معاهده برای صاحب اثر یک حق انحصاری در مورد صدور اجازه برای انتشار اصل یا کپی اثر از طریق فروش یا طرق دیگر انتقال قائل است یعنی «حق انحصاری توزیع»^(۲). در کنوانسیون برن، تنها در مورد آثار سینمایی است که این حق آشکارا به رسمیت شناخته می‌شود، اما اینجا، این حق در مورد تمام مواردی که بعنوان «دارایی معنوی در بعد ادبی، هنری و علمی» شناخته می‌شود از قبیل برنامه‌های کامپیوتری و نوارهای کاست ویدئویی و صوتی و غیره به صراحت اعلام شده است.

ماده هفت معاهده مربوط است به حق انحصاری صدور اجازه برای کرایه دادن آثار مورد نظر به عموم. آثاری از قبیل برنامه‌های رایانه‌ای، آثار سینمایی، آثاری که در قالب نوار ضبط شده‌اند و غیره. البته استثناهایی هم وارد است: مثلاً در مورد برنامه‌های کامپیوتری که خود برنامه‌ها موضوع اصلی کرایه نیستند و یا در مورد آثار سینمایی در صورتی که به کپی کردن و تکثیر گسترده اثر و در نتیجه به نقض حق «باز تولید» و «تکثیر» منجر نشود.

ماده نهم معاهده کپی رایت، تبعیضی که در کنوانسیون برن میان آثار عکاسی و سایر آثار وجود داشت را از بین برده است. این ماده، اعضا را موظف می‌کند مدت ۲۵ سال که برای حمایت از آثار عکاسی در کنوانسیون برن در نظر گرفته شده بود^(۳) را همانند بقیه موارد، بهمان ۵۰ سال که عموماً مطرح است افزایش دهند.

ماده ۱۴ معاهده، دولت‌ها را ملزم می‌کند که در قوانین و سیستم قضایی خود، راهکارهای مناسب برای مقابله با نقض حقوق مورد حمایت کنوانسیون را در نظر بگیرند. این بیان، مشابه ماده ۳۶ کنوانسیون برن و ماده ۴۱ موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی است.^(۴)

۱. ماده سوم

۲. ماده ششم

۳. ماده هفتم کنوانسیون برن

4. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, Wipo Publication No. 476, Geneva, 1999, p. 265

مقررات اجرایی

مقررات اجرایی این معاهده، شباهت زیادی به مقررات اجرایی بقیه کنوانسیونها و معاهدات وایپو دارد. دو جنبه مهم که باید مورد توجه قرار گیرند، یکی امکان عضویت جمعی دولتها در این معاهده در قالب سازمانهای بین‌المللی دولتی است و دیگر اینکه تعداد اسناد تصویب و الحاقی که باید برای لازم‌الاجرا شدن معاهده، تسلیم شود ۳۰ عدد است که بیش از سایر معاهدات مشابه است.

معاهده می‌گوید هر دولت عضو وایپو می‌تواند به عضویت این معاهده درآید و عضویت یک سازمان بین‌الدولی که اهلیت حقوقی لازم را دارا بوده و تصمیماتش در این حوزه برای دول عضو لازم‌الاجرا باشد و مراحل قانونی داخلی را برای عضویت در این معاهده طی کرده باشد، با تصویب مجمع امکان‌پذیر است.^(۱) اتحادیه اروپایی که طی کنفرانس دیپلماتیک، مراحل مزبور را طی کرده بود، از ابتدا با تصویب کنفرانس اجازه عضویت در معاهده را یافته و برای عضویت، نیازی به تصویب بعدی مجمع ندارد.

معاهده کمی رایت هنوز الزام آور نشده است. آنرا ۵۱ کشور امضا کرده‌اند و ۲۷ کشور به تصویب رسانده‌اند.^(۲) بنابراین به زودی با تصویب سه کشور دیگر این معاهده الزام‌آور می‌شود.^(۳)

کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از گونه‌های گیاهی جدید^(۴)

دسترسی به گونه‌های پرورش یافته جدید و اصلاح شده گیاهان برای صنایع کشاورزی و باغبانی هر کشوری اهمیت زیادی دارد. مواردی مثل گیاهانی که مقاومت بیشتری در مقابل آفت‌ها نشان می‌دهند و یا پیشرفت در زمینه گیاهان پیوندی و مانند آن می‌تواند نقش بسیار مهمی در سودآوری اقتصادی یک محصول کشاورزی و جلب نظر خریداران آن ایفا کند. اگر قرار

۱. ماده هفدهم

۲. تا تاریخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱

3. World Intellectual Property Organization, *Supra*

4. International Convention for the Protection of New Varieties of Plants

است رقابت خوبی میان پرورش دهندگان گیاهان ایجاد شود، دسترسی به این نوع فن‌آوریها و پیشرفتهای علمی در حداقل زمان ممکن برای آنان حیاتی می‌گردد.

با این حال، گونه‌های نوینی که با صرف سالها وقت و کار مداوم و پرحوصله و نیز هزینه‌های تحقیقاتی گزاف به دست آمده‌اند همانند سایر گونه‌های گیاهی معمولاً به سادگی قابل تکثیر و تولید مجدد هستند. پخش حتی مقدار کمی از این گونه‌ها بدان معنی است که همگان قادر به تولید مجدد آن خواهند بود. از آنجا که تولیدکننده اصلی، در اثر این عوامل قادر نخواهد بود از زحمات و سرمایه‌گذاری خود، منافع اقتصادی لازم را کسب کند، لذا اعطاء حقوق انحصاری به وی برای بهره‌برداری از گونه‌هایی که خود کشف یا تولید کرده است، تنها چاره کار می‌باشد و اگر این کار صورت نگیرد، انگیزه محققان و سرمایه‌گذاران برای تلاش در جهت ایجاد روشها و تکنیکهای نوین و گونه‌های گیاهی تازه و جدید، از بین می‌رود.

اتحادیه بین‌المللی حمایت از گونه‌های گیاهی جدید^(۱)

در اوایل دهه ۱۹۳۰ دولت ایالات متحده پایه‌گذار حق جدیدی بنام «امتیاز گیاه»^(۲) گردید. بدنبال آن پس از سالها، عده‌ای از دولتهای اروپایی در سال ۱۹۶۱ گرد هم آمدند تا کنوانسیون بین‌المللی حمایت از گونه‌های نوین گیاهی را منعقد سازند. این کنوانسیون در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ مورد بازنگری قرار گرفت. سند اصلاحی ۱۹۷۸، تمام انواع گونه‌های گیاهی را بدون توجه به روش تکثیر یا فن‌آوری بکار گرفته شده در تولید آنها مورد حمایت قرار می‌دهد.^(۳)

مطابق سند اصلاحی ۱۹۷۸، دولتهای عضو کنوانسیون ملزم هستند درون چارچوب قوانین خود یک سیستم خاص برای حمایت از حقوق پرورش دهندگان گیاهان ایجاد کنند که با

1. The International Union for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV)

2. Plant Patent

3. Cornish, W.R., *Intellectual Property in the Postmodern World*, 3rd edition, Sweet & Maxwell, London, 1996, p. 281

اصول مورد توافق بین المللی مطابقت داشته باشد. هر عضو اتحادیه‌ای که در این معاهده تأسیس شده است یعنی «یو.پی.او.وی.» باید این امر را به یک دستگاه اجرایی مناسب محول کند. مطابق سند ۱۹۷۸، اعطاء حقوق به پرورش دهندگان گیاه در هر کشور برای قلمرو سرزمینی همان کشور صورت می‌گیرد و مبنای بین المللی ندارد.^(۱)

اتحادیه «یو.پی.او.وی.» که مخفف اصطلاح «اتحادیه بین المللی برای حمایت از گونه‌های نوین گیاهی» در زبان فرانسه است، یک سازمان بین المللی دولتی مستقل است دارای اهلیت و شخصیت حقوقی بین المللی. دفاتر مرکزی آن در ژنو قرار دارد و کادر مخصوص بخود را در اختیار دارد. این سازمان همکاری اداری-اجرایی بسیار نزدیکی با سازمان جهانی مالکیت معنوی دارد. بدین ترتیب که وظیفه دبیرکلی این اتحادیه را مدیرکل وایپو برعهده دارد، مقر آن در همان ساختمان وایپو است و خدمات متعددی از سوی وایپو دریافت می‌دارد.^(۲)

در سند ۱۹۷۸، مواد ۱ تا ۱۴ دربرگیرنده قوانین حقوقی اصلی هستند که دول عضو متعهد شده‌اند آنها را در سیستم قوانین داخلی و ملی خود وارد کنند. باقی مواد ناظر به مقررات مربوط به تأسیس و نحوه اداره اتحادیه است.

پیشرفت‌های تکنولوژیک و تجربه اجرای کنوانسیون از ۱۹۶۱، سبب ارائه پیشنهاداتی بری اصلاح و بهبود کنوانسیون گردید. لذا در ۱۹۸۷، شورای «یو.پی.او.وی.» تصمیم به بازنگری در سند ۱۹۷۸ گرفت. بعد از رایزنی‌های وسیع با گروه‌های ذی‌نفع و جلسات متعدد کمیته‌های کارشناسی، شورای اتحادیه پیش‌نویس اصلاح کنوانسیون را در اکتبر ۱۹۹۰ به تصویب رساند. کنفرانس دیپلماتیکی که متعاقباً در ۱۹ مارس ۱۹۹۱ در ژنو تشکیل شد، به اجماع آرا، سند اصلاحی ۱۹۹۱ را پذیرفت.^(۳) این سند ۱۹۹۱ یک‌ماه پس از تودیع اسناد تصویب توسط ۵۵ کشور لازم‌الاجرا می‌شود با این شرط که حداقل ۳ کشور باید از اعضاء فعلی اتحادیه باشند. پس از

1. *Ibid.*

2. International Bureau of WIPO, *The Organization, Functions and Activities of the World Intellectual Property Organization*, WIPO/IP/SUV, Geneva, 1999, p. 78

3. World Intellectual Property Organization, *Supra*, p. 327

معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت معنوی ■ ۱۲۵

لازم‌الاجرا شدن سند ۱۹۹۱، الحاق جدید به سند ۱۹۷۸ امکان‌پذیر نخواهد بود.^(۱)
در سند ۱۹۹۱، مواد در ۱۰ فصل تقسیم‌بندی شده‌اند: «تعهدات کلی دول عضو»،
«شرایط اعطاء حقوق به پرورش دهندگان»، «مقررات مربوط به تقاضا برای برخوردار شدن از
حقوق مزبور»، «حقوق پرورش دهندگان»، «نامگذاری و طبقه‌بندی گونه‌های گیاهی» و «ابطال و
لغو حقوق». سه فصل آخر^(۲) هم اختصاص به مقررات اجرایی و نهایی کنوانسیون دارد.^(۳)
در حال حاضر، «اتحادیه بین‌المللی حمایت از گونه‌های گیاهی جدید» دارای ۴۹ عضو است که از
این تعداد ۱۸ کشور در سند اصلاحی ۱۹۹۱ عضویت دارند.^(۴)

۲. مواد ۲۱ تا ۴۵

۱. مطابق ماده سی و هفت

3. International Bureau of WIPO, *Supra*, p. 28

4. For more Information on this issue and studying the text of the convention, See www.wipo.int/treaties/en

بخش دوم

فصل اول



اجرای حقوق مالکیت معنوی

الف) مقدمه

۱- کلیات

در هر سیستم مالکیت معنوی طراحی ترتیباتی مؤثر و مناسب برای حمایت از حقوقی که در سیستم به رسمیت شناخته می‌شود، ضروری است. در جهانی که با رشد فن آوری امکان سوءاستفاده از حقوق مورد حمایت، به نحو بی‌سابقه‌ای تسهیل شده است، هیچ نوع سیستم شناسایی، اعطاء و انتشار اطلاعات مربوط به حقوق مالکیت معنوی - مانند سایر انواع حقوق - بدون وجود راهکارهایی برای الزام و اجرا، برای صاحب حق مثمر ثمر نخواهد بود. دارندگان حقوق باید قادر باشند علیه کسانی که حقوق آنان را پایمال می‌کنند، دست به اقدامی بزنند تا هم خساراتشان جبران شود و هم جلو سایر موارد سوء استفاده در آینده گرفته شود. همچنین این اشخاص باید قادر باشند در مواقع مقتضی از مقامات صالحه دولتی بخواهند که برای برخورد با موارد تقلب وارد عمل شوند.

تمام سیستم‌های مالکیت معنوی نیاز به حمایت یک دستگاه قدرتمند قضایی متشکل از تعداد مناسبی قاضی دارای سابقه و تجربه کافی در امور مربوط به حوزه مورد نظر دارند تا به نحو مناسب با موارد مدنی و جزایی مربوطه برخورد شود.

بحث مالکیت معنوی یکی از مهمترین مسائلی است که در حقوق مدنی هر کشور مطرح می‌شود و دستگاه‌های قضایی باید تمام تلاش خود را بنمایند که این موارد را نه تنها بطور قاطع و

مناسب بلکه در اسرع وقت و بدون فوت وقت، رفع و رجوع نمایند. بدون وجود یک نظام مناسب برای الزام حقوق و نیز جلوگیری از اعطاء حقوقی که قبلاً به یک شخص داده شده است به شخص دیگر، یک سیستم مالکیت معنوی هیچ ارزشی نخواهد داشت.

۲- پرهیز از ورود به روند رسیدگی قضایی

شخصی که در یک حوزه بخصوص، عملیات تجاری یا علمی و یا هر نوع فعالیت ذهنی صورت می‌دهد، اگر مشاهده کند که کس دیگری قبلاً حقوق مربوط به آن بخش فعالیت را کسب کرده است، تلاش می‌کند تا از مسأله پیش آمده بصورتی قانونی عبور کند مثلاً کمی حوزه کاری خود را تغییر دهد و اختراعی با کارکردهای حدوداً متفاوت عرضه نماید یا با تلاش بیشتر اختراع خود را به نسبت اختراع ثبت شده، در سطح بالاتری قرار دهد و ... ولی رهیافت دیگری هم هست و آن اینکه وقتی فرد نمی‌تواند براحتی این چرخش را در کار خود صورت دهد، کار خود را تحت لیسانس و امتیاز آن فرد دیگر قرار دهد و این کار، نیاز به مقداری مذاکره و رایزنی و توافق دارد. البته در بسیاری از کشورها، رقبا باید دقت کنند هنگامی که بدینگونه با یکدیگر به توافق می‌رسند، توافق مذکور طوری باشد که سیاست‌ها و قوانین مربوط به «جلوگیری از نابود شدن رقابت»^(۱) را خدشه‌دار نسازد. این قوانین در کشورهایی با بازار آزاد مثل ایالات متحده طراحی می‌شوند تا جلو تبانی چند شرکت یا شخص به منظور به انحصار درآوردن بازار و نابود کردن سایر رقبا و تسلط کامل بر بازار را بگیرند بنابراین توافقه‌های مزبور باید از مفادی که این اهداف را خدشه‌دار می‌سازد، عاری باشند.^(۲)

از سوی دیگر هنگامی که یک شرکت یا شخص حقیقی ملاحظه می‌کند که منافعی

1. Distortion of Competition

۲. این گونه قوانین در کشورهای صنعتی معمولاً قوانین (Anti-Trust) خوانده می‌شوند و تاکنون در مواردی، دستگاههای قضایی این کشورها با اعمال این قوانین، برخی شرکتها و مؤسسات غول‌آسای صنعتی و تجاری را محکوم و حتی تجزیه کرده‌اند. از نمونه‌های معروف این موضوع می‌توان به کمپانی نفتی «استاندارد اویل» متعلق به راکفلر و کمپانی رایانه‌ای «مایکروسافت» متعلق به بیل گیتس اشاره کرد.

تحت تأثیر حق مکتسب فرد دیگری قرار گرفته است، حق مزبور را بدقت مورد بررسی قرار می‌دهد تا در درجه اول دریابد آیا راهی برای بی‌اعتبار کردن آن و کسب حق جدید برای خود وجود دارد؟ فی الواقع آیا حق مورد نظر واقعاً «مکتسب» است یا در مبانی اعطا آن خلل و عیوبی وجود دارد؟ و در درجه دوم سعی می‌کند تا حوزه و قلمرو حق مورد نظر را بررسی کند تا دریابد فعالیت‌های خود را تا کدام حد و مرز می‌تواند گسترش دهد که با حق مورد نظر تداخل ننماید. این نکته، مؤید این مطلب است که متقاضی یک حق مثلاً «ورقه اختراع» باید بنحوی بسیار دقیق، جامع و مانع تقاضای خود را طراحی و اختراع خود را معرفی کند تا بعدها مشکلاتی از آن نوع که در بالا ذکر شد برایش ایجاد نشود. باید موضوعی را که برای آن می‌خواهد تقاضای حمایت کند، بطور واضح از نمونه‌های قبلی متمایز سازد و راه را برای ادعاهای متعاقب مسدود کند. لذا با طراحی دقیق و مناسب برای درخواست حق اختراع، می‌توان خودبخود جلوی بسیاری از موارد نقض و سوء استفاده در آینده را گرفت. همین بحث در مورد مارک‌های تجاری و طراحی‌های صنعتی نیز صادق است.

قبلاً در بخش اول، ذکر کردیم که این وظیفه دارنده حق است که خود پلیس حق و حقوق خود باشد. وی باید به دقت بازارهای صنعتی و تجاری را زیر نظر بگیرد. مخصوصاً بازارهایی که وی محصولات یا خدمات خود را در آنها عرضه می‌کند^(۱) و به ویژه فعالیت‌های رقبای خود را مورد مراقبت قرار دهد، البته اگر مشاهده کرد که به نوعی از حق وی بدون رضایتش بهره‌برداری می‌شود و حقوق وی نقض شده است، الزاماً این بدان معنا نیست که عمل نقض، ارادی و عامدانه بوده است، هرچند در صورتیکه کالا یا خدمات رقیب مزبور دقیقاً کپی کارهای وی باشد معنایی جز تقلب عامدانه ندارد. بنابراین وی باید در اولین گام با رقیب خود تماس حاصل کند و به او خاطر نشان سازد که حق وی در حال پایمال شدن است. در برخی کشورها قانون اشعار می‌دارد که دارنده یک حق، نباید در حالیکه می‌داند رفتار طرف مقابل ناقض حق وی نیست، او را به انجام

۱. بازار هر مکانی است که خریداران و فروشندگان در آن آزادانه کالا یا خدمات را مبادله می‌کنند و الزاماً از نظر جغرافیایی به مکان خاصی اطلاق نمی‌گردد. لذا ممکن است مبادله کالا و خدمات بصورت تلفنی و یا از طریق سیستم‌های اینترنتی انجام گیرد.

اقدامات قضایی و یا مسائلی از این دست تهدید کند، ولی در هر حال اگر کسی گمان می‌برد که حق وی در حال نقض شدن است می‌تواند با ارسال یک نامه ساده وجود حق خود را به اطلاع طرف مقابل برساند تا در مراحل بعدی طرف وی نتواند به «عدم اطلاع» استناد نماید.

یکی از مهمترین جنبه‌های حمایت و اجرای حقوق، مذاکره^(۱) است. در مذاکره بسیار امکان دارد که فرد ناقض، قانع شود که رفتار خود را تغییر دهد. در جریان مذاکرات، ناقض احتمالی، ممکن است مدعی شود که عمل وی نقض بشمار نمی‌رود و یا اینکه حق مورد ادعای طرف مقابل، به موضوع مورد نظر تسری نمی‌یابد و یا مسائلی از این دست، لذا معمولاً توصیه می‌شود که در جریان مذاکراتی اینچنین، از وجود یک میانجی و یا یک داور استفاده گردد که این امر بستگی به نظر هر دو طرف و توافق آنان دارد.

در صورتیکه چنین توافقی بین طرفین حاصل شود، طبق مراحل و ترتیباتی که متعاقباً به شرح مفصل آنها خواهیم پرداخت، قضیه به میانجیگری یا داوری و یا روشهای جدیدی که به روشهای ترکیبی معروف هستند ارجاع گردیده و حل و فصل خواهد شد. اما اگر طرفین برای یک راه حل مثل میانجیگری و داوری به توافق نرسند چه راهکارهایی برای اجرای حقوق مالکیت معنوی وجود دارد؟ ذیلاً موضوع را به طور جداگانه برای حقوق مالکیت صنعتی و کپی رایت بررسی می‌کنیم.

ب) اجرای حقوق مالکیت صنعتی

این بحث را می‌توان به سه قسمت تقسیم نمود: اول اقداماتی که در یک اداره که متصدی امور مالکیت صنعتی است می‌توان به عمل آورد، دوم اقدامات در محاکم مدنی و سوم اقداماتی که در یک دادگاه جزائی می‌تواند بعمل آورده شود.

۱- عمل از طریق ادارات مربوطه

در کشورهای مختلف ادارات مختلفی عهده‌دار انجام وظایف مربوط به مالکیت صنعتی مثل اعطاء حق اختراع و یا ثبت مارکهای تجاری و غیره هستند. این ادارات معمولاً از نوعی کارکرد «شبه قضایی»^(۱) در اجرای امور نظامهای مالکیت صنعتی برخوردارند و عرصه‌ای برای رسیدگی به تنازعات و رقابتهای حقوق مالکیت صنعتی از سوی متقاضیان و رقبای آنان می‌باشند.^(۲) بسیاری از حقوقی که در این دفاتر اعطا می‌گردد و یا مراحل رسیدگی را می‌گذرانند، مورد اعتراض دیگران واقع می‌شود و رقیبان، اعتراضات خود را در ادارات مزبور مطرح می‌کنند. اصطلاح «اعتراض» را در وسیع‌ترین تفسیر ممکن می‌توان بکار برد، یعنی در مورد تمام راههایی که «اشخاص ثالث» برای ورود در جریان مراحل رسیدگی به یک تقاضا در ادارات مالکیت صنعتی و یا در مراحل اعتراض به اعطاء یک حق در حوزه مزبور پیش رو دارند.

این امکان اعتراض مخصوصاً در رابطه با حقوق قابل ثبت رخ می‌نماید چرا که «ثبت» حقوقی از این دست مثل حق اختراع یا مارکهای تجاری می‌تواند مورد اختلاف واقع شود و در مواردی مثل کپی رایت و حقوق همسایه آن کمتر پیش می‌آید چرا که این حقوق در اکثر سیستم‌های حقوقی بین‌المللی، به محض خلق اثر، به وجود می‌آیند و اصولاً نیازی به ثبت در جایی ندارند.

اما چرا دولتها و ادارات مربوطه، امکان طرح مخالفت از سوی طرفهای ثالث را فراهم می‌آورند؟ بدین دلیل که حتی در کشورهایی که دقیق‌ترین و جامع‌ترین سیستمهای بررسی و تحقیق در اختیار ادارات مربوطه است، باز نمی‌توان تضمین کرد که اعطاء و ثبت حقوق از سوی دولت دچار عیب و ارادی نیست و همواره این امکان وجود دارد که یک حق مقدم از نظر به دور مانده باشد و یا برخی مشخصه‌ها درست مورد نظر و توجه قرار نگرفته باشند. به خصوص که در بسیاری کشورها، سیستمهای تحقیق و بررسی چندان دقیق و جامع نیستند و لذا احتمال اعطاء

1. Quasi-Judicial

2. International Bureau of WIPO, *Basic Notions of the Exercise, Administration and Enforcement of Rights*, WIPO/CR, Geneva, 1994, p. 12

و ثبت حقوقی که در تعارض با حقوق سابق هستند، بیشتر می‌شود. لذا دارنده حق مقدم و سابق باید امکان یابد که در یک مرحله، داخل شده و مخالفت خود را به گوش مقامات صالح برساند. گرچه ممکن است این اعتراض را در یک دادگاه نیز مطرح کرد ولی به نفع طرفهای قضیه است که مراحل رسیدگی به اعتراض به صورتی سریع، کم خرج و بدون پیچیدگی صورت پذیرد تا منافع هیچ یک از طرفین در اثر گذشت بیهوده زمان دچار ضرر نگردد. لذا در بسیاری از سیستم‌های حقوقی این رویه پذیرفته شده است که ادارات ذیصلاح در امر مالکیت صنعتی بتوانند با ایفای یک نقش «شبه قضایی» قضایای این چنین را رسیدگی کنند. البته واضح است که حق مدعی در رجوع به محاکم همواره محفوظ است. مناسبترین زمان برای طرح اعتراض، مراحل قبل از اعطاء حق و ثبت آن است.

برخی نظامهای حقوقی اجازه می‌دهند که طرف ثالث بطور رسمی در قبال اعطاء حق اختراع اعتراض نماید و یا این امکان را فراهم می‌کنند که طرف ثالث در مذاکراتی که در مورد اعطاء یا عدم اعطای حق اختراع صورت می‌گیرد، شرکت داشته باشد. البته مسأله‌ای که در اثر این اعتراضات قبل از اعطای جواز به وجود می‌آید، تأخیر بیش از حد در کسب جواز مورد نظر است و این امر مشکلات فراوانی برای متقاضی ایجاد می‌کند.

در مورد اعتراضات پس از صدور جواز نیز مهم است که این اعتراض در وقت مقتضی مطرح شود چرا که اگر در این امر تأخیر شود، صاحب امتیاز مؤخر می‌تواند ادعا کند که اعتراض‌کننده (که صاحب امتیاز مقدم است) به امتیاز او رضایت داده و اعتراض پس از رضایت معتبر نیست. در هر حال این مسأله می‌تواند مقابله با آثار حق امتیاز ثانویه را بسیار دشوار کند. در برخی کشورها مثل ایالات متحده، هیچ پیش‌بینی و مقررات خاصی در مورد مخالفت با مراحل صدور جواز حق اختراع یا موارد مشابه وجود ندارد. با این حال، اطراف ثالث که در مورد یک حق اختراع اعطاء شده حساس هستند می‌توانند تقاضا کنند آن اختراع دوباره مورد بررسی قرار گیرد. این اطراف ثالث در مراحل رسیدگی بطور مستقیم شرکت نخواهند داشت ولی می‌توانند مثلاً اختراع مقدم را که از نظر مقامات به دور مانده است، نزد ایشان مطرح کنند. لذا

بررسی مجدد ممکن است به رد مجوز صادر شده و یا تحدید بیشتر آن بیانجامد.^(۱) در برخی کشورها مثل فرانسه، هیچ نوع مقرراتی در مورد مخالفت و نحوه آن وجود ندارد چرا که ادارات مربوطه صلاحیت لازم را دارا نیستند. در کشورهایی از این دست که هیچ نوع آزمایش و بررسی ماهوی صورت نمی‌گیرد، تنها راه برای درخواست لغو و یا اصلاح یک مجوز که برای رقیب صادر شده است، توسل به محاکم قضایی است.^(۲)

اما در مورد مارکهای تجاری، در بسیاری از کشورها امکان اعتراض در مراحل قبل از ثبت وجود دارد.^(۳) بدین ترتیب که مارکهای تجاری به همان شکلی که قرار است ثبت شوند منتشر می‌گردند و مهلت کوتاهی برای اعتراضهای احتمالی در نظر گرفته می‌شود. در کل، مراحل کار بسیار ساده‌تر و غیر پیچیده‌تر از موارد حق اختراع است و لذا روند کار بسیار سریعتر صورت می‌گیرد. در انگلستان شاید به دلیل تحقیق و بررسی دقیقی که در مورد حقوق مقدم می‌شود، اعتراضات بسیار کمی مطرح می‌گردد. در سایر کشورها مثلاً آلمان، از آنجا که هیچ نوع تحقیق رسمی در مراحل رسیدگی به ثبت یک مارک تجاری صورت نمی‌گیرد، مخالفت‌ها بسیار است چرا که اعتراض تنها راهی است که دارنده یک مارک تجاری می‌تواند موجب شود تا اداره مالکیت صنعتی به وضعیت وی توجه کند.^(۴)

در کشورهای زیادی نیز امکان اعتراض بعد از ثبت یک مارک برای طرفی که خود را متضرر می‌داند وجود دارد و وی می‌تواند تقاضا کند که مارک مزبور لغو شود و یا اصلاح گردد تا ضرری به وی وارد نیاید و یا می‌تواند درخواست کند که با توجه به اینکه از مارک ثبت شده توسط دیگری، مدت طولانی استفاده نشده است، مارک مزبور لغو شود تا وی بتواند از آن استفاده کند که البته این امر بسته به قوانین کشورهای مختلف، فرق خواهد داشت.

1. World Intellectual Property Organization, *Intellectual Property Reading Material*, WIPO Publication No. 476, Geneva, 1999, p. 208 2. *Ibid.*, p. 209

۳. در کشورمان، مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت علائم تجاری، حق اعتراض برای اشخاصی که احساس می‌کنند حقوق آنها با ثبت مارک شخص دیگر، تضییع شده است، به رسمیت شناخته می‌شود. اصولاً دلیل الزام کسانی که خواهان ثبت مارک خود هستند به آگهی موضوع در روزنامه‌ها نیز همین است.

4. *Ibid.*, p. 211

۲- مراحل و روند کار در محاکم مدنی

با وجود تمام تلاشهایی که ممکن است برای حل و فصل دوستانه اختلافات بعمل آید و نیز با وجود روشها و ابزارهایی که ممکن است با توسل به آنها اختلاف را در ادارات و دستگاههای شبه قضایی ذیصلاح حل نمود با این حال مواردی پیش می‌آید که دارنده یک حق احساس می‌کند برای حفاظت از منافع خود و جلوگیری از پایمال شدن حقش و نیز جبران خسارت احتمالی، باید اقدامی فراتر صورت دهد. مسائلی مثل اینکه آیا قلمرو یک حق اختراع که تعلق به یک شخص دارد، شامل موارد معینی که مورد نظر طرف دیگر است نیز می‌شود یا خیر و آیا عمل خاصی از سوی یک طرف به منزله نقض^(۱) حقوق صاحب یک امتیاز نامه بشمار می‌رود، در اکثر کشورها در محاکم مدنی مورد رسیدگی واقع می‌شوند. نقض‌کنندگان نیز همانند صاحبان حقوق ممکن است قویاً معتقد باشند که عمل آنها نقض بشمار نمی‌رود. از سویی ممکن است عمل نقض‌کنندگان دقیقاً تقلید از کار صاحبان امتیاز نباشد ولی از مفاهیم و مضامین بکار رفته در اختراع صاحبان امتیاز که تحت حمایت قانون است، بهره‌بری شود.

در هر حال، معمولاً صاحب حق باید به سرعت در این موارد، تقاضای خود را تسلیم محاکم صالحه کند و معمولاً در چنین تقاضاهایی علاوه بر ذکر حق مورد نظر و نوع تخلفی که در قبال آن صورت گرفته است و نیز درخواست جبران^(۲) و تاوان، صاحب حق در مقام خواهان، خواستار صدور قرار اقدامات تأمینی مقدماتی^(۳) و توقف در اعمال خواننده (مدعی علیه) می‌گردد. دادگاه در حکم خود احتمالاً علاوه بر دستور توقف ادامه کار نقض‌کننده (متخلف)، دستور جبران خسارات وارده در نتیجه تخلف را صادر نموده و بعلاوه ممکن است از متخلف بخواهد که عدم النفع خواهان را نیز پرداخت کند. دادگاه ممکن است حکم نابودی کالاهای تولیدشده توسط متخلف را نیز صادر کند.

1. Infringement

2. Compensation

3. Provisional Measures

۳- اقدامات کیفری^(۱) - تقلب^(۲)

چنانچه در بالا اشاره شد، امور مربوط به مالکیت صنعتی مثل حق اختراع عمدتاً و در ذات در مقوله مسائل مدنی قرار می‌گیرد و لذا تخلفات در این زمینه معمولاً در محاکم مدنی مورد رسیدگی واقع می‌شود. اما در مواردی که مسئله تقلب پیش می‌آید ممکن است علاوه بر مسائل مدنی، بحث جرائم جدی کیفری نیز مطرح شود.^(۳) مثلاً ممکن است یک شخص عامداً و عالماً با استفاده از یک مارک، کالاهایی را تولید یا توزیع کند و به فروش برساند که مارک مزبور قبلاً به ثبت رسیده و تعلق به دیگری دارد و یا اصولاً کالاها را بطور غیرمجاز و غیرقانونی تقلید و کپی کند.

راههای متعددی برای جلب توجه مقامات به تقلبهای صورت گرفته وجود دارد. ممکن است خود صاحبان حق با اطلاع از تولید یا توزیع غیرقانونی کالاهایی که ناقض حقوق آنهاست، جریان را به پلیس اطلاع دهند. نیز در بسیاری کشورها، قوانین مربوط به اموری مثل مارکهای تجاری به پلیس اجازه می‌دهد مواردی این چنین را خود تحت نظر گرفته و اقدامات لازم را صورت دهد. حتی در برخی موارد پلیس می‌تواند جرائم مربوط به کپی رایت را نیز تعقیب کند. در صورت اثبات مجرمیت، کسانی که مرتکب تقلب گردیده‌اند ممکن است با مجازات سختی روبرو شوند و ضبط کلیه اموالی که در جرم دخیل بوده و نیز اموالی که در نتیجه تقلب حاصل شده است تقریباً قطعی است. در مواردی که تحت حمایت قانون کپی رایت است مثل اصوات ضبط شده بر روی نوار یا دیسک فشرده، معمولاً پلیس مرجع رسیدگی است و بر مبنای شکایت دارینده حق، عمل می‌نماید و معمولاً ظرف مدتی کمتر از ۲۴ ساعت از شکایت صاحب حق، بررسی لازم را بعمل آورده و پروسه کار را آغاز می‌نماید.

یکی دیگر از راههای برخورد با کالاهای تقلبی، اقدام در بنادر و کلاً مبادی ورود کالا به کشور است. اگر دارینده یک مارک ثبت شده آگاه شود که محموله‌ای از کالای تقلبی که با مارک وی

1. Criminal Measures

2. Counterfeiting

۳. در این زمینه می‌توان به مواد ۴۶ تا ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات کشورمان نیز اشاره کرد.

عرضه می‌گردد، در راه ورود به کشور است می‌تواند به مقامات گمرک اطلاع دهد و آنان کالاهای ورودی را بررسی کرده و اگر ادعای وی صحت داشته باشد کالاهای تقلبی ضبط می‌گردد. آنگاه احتمال دارد اعمال قانونی نیز بر علیه واردکننده این کالاها صورت گیرد.

ج) اجرای کپی راییت و حقوق همسایه آن

۱- مقدمه

در سالهای اخیر، هنجارها و استانداردهای عملی در مورد اجرای کپی راییت و حقوق همسایه آن تحولات زیادی داشته است و این تحولات عمدتاً در اثر دو عامل به وجود آمده‌اند. نخست، پیشرفت فن‌آوری و ابزارهای تکنولوژیک که برای خلق و استفاده از آثار مورد حمایت (چه بطور قانونی و چه غیر مجاز) بکار می‌روند مثل ظهور فن‌آوری دیجیتال که انتقال و کپی‌برداری از هر نوع اطلاعات موجود در قالب دیجیتال را ممکن می‌سازد و این اطلاعات می‌تواند آثار تحت حمایت کپی راییت و حقوق همسایه آنرا نیز دربر بگیرد. عامل دوم افزایش اهمیت اقتصادی کالاها و خدماتی است که تحت حمایت حقوق مالکیت معنوی قرار دارند در قلمرو تجارت بین‌المللی، به نحوی که امروزه تجارت کالاهای محتوی آثار تحت حمایت حقوق مالکیت معنوی به یک تجارت شکوفا و گسترده بین‌المللی مبدل شده است.

۲- تدابیر ملی برای اجرای حقوق^(۱)

یکی از پایه‌های غیرقابل چشم‌پوشی در هر مکانیزم مؤثر برای الزام حقوق مربوط به کپی‌رایت، در دسترس بودن «اقدامات موقت تأمینی»^(۲) است. مهمترین اهداف چنان اقداماتی، جلوگیری از اعمال خلاف و توقیف کپی‌ها و لوازم و تجهیزات تکثیر و سایر ابزاری است که می‌تواند در آینده مورد استفاده تخلف‌آمیز قرار گیرد و از سوی دیگر می‌تواند بعنوان مدرک و دلیل مثبت مورد استفاده قرار گیرد و اگر توقیف نشوند ممکن است بسهولت قبل از اینکه بنظر

1. National Measures

2. Provisional (Conservatory) measures

دادگاه برسند، محو و نابود گردند. این اقدامات باید بر مبنای درخواست یک جانبه مدعی صورت گیرد چراکه آگاهی قبلی «خوانده» نقض غرض بوده و بیشتر مخرب است تا مفید. بنابراین باید برای دارندگان حق، امکان برخورداری از ابزارهای موقت و تأمینی برای جلوگیری از وقوع یا ادامه تخلف به ضرر وی فراهم باشد. همچنین، دادگاهها باید قادر باشند دستور تحقیق، توقیف موقت و جمع‌آوری تمام اموال و مدارکی که به هر روشی برای نسخه‌برداری غیرمجاز از آثار تحت حمایت قانون و یا برای بسته‌بندی یا قالب‌بندی آنها بکار می‌رفته یا می‌رود و نیز حسابها و دفاتر مربوط به این تخلفات را صادر نمایند.^(۱)

اما در مورد روشهای مدنی، هدف این روشها عبارت است از:

۱- جبران لطمات وارده در اثر تخلفات

۲- روشن کردن تکلیف‌هایی غیرمجاز (معمولاً نابود کردن آنها یا استفاده از آنها به روشی دیگر غیر از روشهای معمول تجاری)

۳- روشن کردن تکلیف ابزارها و وسایلی که برای انجام تخلف مزبور مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.

۴- صدور قرار لازم برای پیشگیری از تخلفات احتمالی آینده.

این نوع روشها باید همواره بدون در نظر گرفتن اینکه آیا تخلف مزبور عمداً صورت گرفته یا نه و بدون توجه به قصد مختلف که آیا قصد انتفاع مالی را داشته یا خیر، اجرا گردند.^(۲) با این حال روشهای مدنی و حقوقی همیشه کارساز و کافی نیستند. چه بسا پس از فیصله‌دادن یک مورد تخلف، در آینده‌های نه چندان دور، موارد دیگری نیز سر برآورند. مرتکبان تخلفاتی که عمداً و با قصد انتفاع و سودجویی صورت گرفته‌اند باید توسط ضمانت‌اجراهای کیفری مورد مجازات قرار گیرند و سطح این مجازاتها باید طوری باشد که روشن سازد این نوع

1. International Bureau of WIPO, *Basic Notions of the Exercise, Administration and Enforcement of Rights*, WIPO, CR, Geneva, 1994, p. 22

2. International Bureau of WIPO, *Enforcement of Rights under Copyright and Neighboring Rights Law*, WIPO/CNR/S, Geneva, 1994, p. 16

تخلفات و نقض کپی راییت، جرائمی جدی بشمار می‌آیند. در موارد تکرار جرم نیز، باید مقدار و میزان مجازات بیشتر باشد. نوع مجازات معمولاً شامل زندان و جرائم نقدی است و در موارد مقتضی دادگاه می‌تواند ترکیبی از هر دو را اعمال نماید.^(۱)

اما در مواردی بخصوص، تنها ابزار عملی برای جلوگیری از کپی کردن، استفاده از «روشهای حفاظت از نسخه برداری»^(۲) و یا «سیستمهای مدیریت کپی»^(۳) در تولید اثر اولیه است یعنی سیستمهایی مشتمل بر نوعی تدابیر فنی که سبب می‌شوند اصولاً کپی برداری از اثر غیرممکن باشد و یا کیفیت کپی به حدی نازل شود که آنرا غیر قابل استفاده گرداند. همچنین روشهایی فنی وجود دارد که دریافت برنامه‌های تلویزیونی کدگذاری شده را بدون استفاده از «رمزگشا» که متقاضی باید آنرا بخرد یا اجاره کند، غیرممکن می‌سازد. با این حال، روشهای فنی هر چقدر هم دقیق و پیشرفته باشند باز ممکن است بتواند از آنها عبور کرد و یا آنها دور زد. همچنین مکانیزمها و وسایلی که برای رمزگشایی بصورت غیرقانونی ساخته یا وارد می‌شوند نیز سبب می‌گردند که صاحب امتیاز و دارندگان حقوق مربوطه از بخش عمده‌ای از منافع مشروع و قانونی خود محروم شوند و لذا باید با ساخت، تولید، توزیع و ورود غیرقانونی این نوع ابزارها نیز همانند سایر موارد نقض حقوق مالکیت معنوی برخورد نمود.

۳- تدابیر مربوط به مرزهای بین‌المللی

سرقت معنوی پدیده‌ای نیست که منحصر به درون مرزهای یک دولت باشد یعنی همواره این طور نیست که کپی‌های غیرمجاز که در یک کشور تولید می‌شوند تنها در همان کشور عرضه شود. بلکه این عمل در مقیاس وسیعی، در سطح بین‌المللی نیز صورت می‌گیرد یعنی کپی‌های غیرمجاز در یک کشور به مقدار زیاد تولید می‌شود و به کشورهای دیگر حتی در آن سوی جهان حمل می‌گردند. این محموله‌ها گاهی آنچنان بر بازار تجارت بین‌المللی اثر

۱. در فصل چهارم «قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان» کشورمان نیز مجازات حبس و جریمه نقدی پیش‌بینی شده است.

می‌گذارند که شرکتهای بین‌المللی فعال مجبور به عقب‌نشینی شده و ریشه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مجاز خشکانده می‌شود و استعدادهای محلی در کشور مقصد از بین می‌روند. به همین دلیل، ضروری و حیاتی است که قدرتی وجود داشته باشد که بتواند از ورود این کپی‌های غیرمجاز به بازار مورد نظر جلوگیری کند و این مسأله یک جنبه مهم در قوانین مدرن کپی‌رایت را تشکیل می‌دهد و امروزه در اسناد مختلف بین‌المللی به آن توجه فراوانی می‌شود. از جمله در «موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی»^(۱) به روشهای مربوط به مرزها به طور گسترده‌ای پرداخته شده است.^(۲) همچنین سازمان جهانی گمرک^(۳) یک «قانون نمونه» تهیه کرده است که در صورت اجرا در کشورها، به حفاظت در مقابل ورود کالاهای غیرمجاز مثل همان کپی‌های غیرقانونی کمک شایانی خواهد کرد.

استفاده از «روشهای مرزی» برای مقابله با توزیع کپی‌های غیرقانونی کار مبارزه با تخلفات کپی‌رایت را بسیار ساده‌تر می‌کند، چراکه واضح است که جلوگیری از ورود این نوع کالاها در مرز بسیار آسانتر از جلوگیری از توزیع آنها پس از ورود به کشور می‌باشد. «روشهای مرزی» معمولاً توسط مقامات اجرایی گمرک مورد استفاده قرار می‌گیرند و در سیستم قانونگذاری ملی باید تضمینها و راهکارهای مناسب برای حصول اطمینان از منصفانه بودن و نیز مؤثر بودن این روشها پیش‌بینی شود. چرا که تنها «وجود» قوانین کافی نیست بلکه نظام تقنینی ملی باید سیستم فوق‌را طوری طراحی کند که با استانداردها و اصول عدالت و انصاف همخوانی داشته و از سوی دیگر ضعیف و ناکارآمد نبوده و اثر لازم را داشته باشد. مثلاً باید اعمال و رویه‌های مورد نظر عادلانه، برابر، شفاف، سریع، ساده و غیر پیچیده و کم هزینه باشد و دارای محدودیت‌های زمانی غیر ضروری نباشد و هم مدعی و هم خواننده باید دسترسی یکسان به اطلاعات موجود و امکان برابر برای طرح موضوع و نظر خود داشته باشند.

1. TRIPs

۲. مواد پنجاه و یک الی شصت

3. World Customs Organization

۴- سرقت معنوی در آثار صوتی - تصویری و برنامه‌های رایانه‌ای

مفهوم «سرقت معنوی»^(۱) مفهومی عام و القاکننده موارد و موضوعات متفاوتی به ذهن است، برای مثال در حوزه موسیقی سه اصطلاح مختلف در محاورات حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند که هر سه تحت پوشش مفهوم سرقت معنوی واقع هستند. این سه عبارتند از: «تقلب»^(۲)، «بوتلگ»^(۳) و «کپی‌های غیرمجاز»^(۴).

هنگامی که اصطلاح «تقلب» بکار می‌رود منظور کپی‌هایی هستند که دقیقاً از روی نمونه اصلی درست شده و جلد شده‌اند و جلد و بسته‌بندی آن همانند نسخه اصلی بوده و حتی مارک تجاری نسخه اصلی نیز بر روی کپی حک شده است. این کپی‌ها ممکن است بصورت نوارهای کاست و یا حتی دیسک‌های فشرده باشند. اما هنگامی که اصطلاح بوتلگ که در فارسی واژه دقیقی به ازای آن یافت نکرده‌ایم^(۵) استعمال می‌شود منظور کپی‌هایی از ضبط یک اجرای زنده یا یک برنامه پخش شده زنده است که این «ضبط» بدون اجازه صاحبان امتیاز مربوطه صورت گرفته است. و نهایتاً «کپی‌های غیرمجاز» به کپی‌های بدون اجازه‌ای اطلاق می‌گردد که از آثار صوتی یا ویدئویی بعمل آمده و نه تنها تقلید عینی اصل نیستند بلکه عمدتاً با کیفیت پایین و با برجسبهای دست‌نویس و ... عرضه می‌گردند که البته این نوع اخیر چندان رواج ندارد چرا که مردم ترجیح می‌دهند محصولات با کیفیت بهتر و زیباتر را خریداری نمایند. وقتی ما اصطلاح «سرقت معنوی» را بکار می‌بریم هر سه تعبیر فوق را شامل می‌شود.^(۶) کلاً پنج دسته از آثار، اجراها و تولیدات، قربانیان اصلی عمل سرقت معنوی هستند. این پنج دسته عبارتند از:

- آثار ضبط شده صوتی

- آثار ضبط شده ویدئویی

1. Piracy

2. Counterfeit

3. Bootleg

4. Pirate Copies

۵. واژه Bootleg در اصل به مشروبات الکلی قاچاق در دوره ممنوعیت واردات مشروبات الکلی به ایالات متحده اطلاق می‌شده است ولی امروزه هنگامی که این اصطلاح بکار می‌رود، مراد همان تعریفی است که در متن آورده‌ایم.

6 International Bureau of WIPO, *Supra*, p. 25

- برنامه‌های رایانه‌ای

- برنامه‌های پخش شده از ایستگاههای رادیو یا تلویزیون

- کتب

بالاخص سه مورد نخست در اثر رشد فن‌آوری دیجیتال در دهه‌های اخیر و سهولت کپی‌کردن آنها حتی در خانه‌ها، از پدیده «سرقت معنوی» لطمه زیادی دیده‌اند. مثلاً برنامه‌های رایانه‌ای را عمدتاً می‌توان تنها با یک رایانه خانگی به نحوی تکثیر کرد که از لحاظ سرعت، کارایی و کیفیت عین نسخه اصلی باشد و اگر توجه کنیم که نگارش یک برنامه رایانه‌ای که کارکردهای خاصی داشته باشد، به حجم بالایی کار و برنامه‌ریزی و تحقیق نیازمند است، درمی‌یابیم که عمل «سرقت معنوی» تا چه اندازه به منافع صاحبان حقوق این نوع برنامه‌ها آسیب می‌زند.

بنابراین دولت‌ها به دلایل متعددی باید تدابیری برای مقابله با «سرقت معنوی» اتخاذ کنند. از همه دلایل مهمتر، ضررهای عمده اقتصادی است که در اثر این عمل، متوجه مؤلفان، مصنفان، برنامه‌نویسان رایانه‌ای، تولیدکنندگان آثار صوتی و ویدئویی، فیلم‌سازان، ناشران و سایرین می‌شود و در نتیجه منافع اقتصادی جامعه لطمه خورده، صنایع فعال در امور فرهنگی از کار افتاده و خلاقیت هنری و فکری دچار سرخوردگی می‌گردد. باید توجه داشت که همانطور که میوه‌های تلخ، آفت زده نمی‌شوند و تنها میوه‌های شیرین و مرغوب هستند که در معرض حمله آفت قرار می‌گیرند، در حوزه‌های هنری و ادبی نیز همواره این آثار موفق و پرفروش هستند که برای «سارقان» جالب بوده و در معرض هجوم آنان قرار می‌گیرند چرا که واضح است کپی‌کردن آثاری که خود موفقیتی نداشته‌اند، برای کپی‌کننده نیز سودی دربر ندارد. لذا اگر این بخش‌های درآمدزا و موفق از طریق پخش کپی‌های غیرمجاز و در نتیجه کاهش فروش آثار اصلی در بازار دچار رکود گردند امکان دارد کل صنعت فعال در زمینه مورد بحث دچار افت گردد. در این میان آن دسته از آثار هنری که گرچه ارزش هنری بالایی دارند ولی مقبول طبع عامه نیستند و فروش کمتری دارند و صنایع فقط با تکیه بر درآمد آثار موفق و پرفروش قبلی می‌توانند این گونه آثار را حمایت کنند نیز لطمه می‌بینند و در نتیجه عمل سرقت معنوی هم از نظر کیفی و هم از نظر

کمی در درازمدت اثرات ناگواری برای جامعه به همراه خواهد داشت.

ممکن است عده‌ای استدلال کنند که کار «سرقت معنوی» و کپی‌کاری‌های غیرمجاز چندان هم به ضرر جامعه نیست چرا که اولاً سبب دسترسی عموم مردم به آثار محبوب با قیمت‌های پایینتر می‌شود و ثانیاً کپی‌کاران با بکارگرفتن نیروی کار، سبب ایجاد فرصت‌های شغلی برای عده‌ای می‌شوند که در کار توزیع و فروش و اجاره و ... این نوع آثار فعالیت می‌کنند. اما اگر قدری تعمق کنیم، واضح است که این منافع کوچک در قبال مضرات طولانی مدتی که در بالا برشمردیم و نیز در قبال به خطر افتادن آبرو و اعتبار جهانی دولت، بسیار ناچیز و قابل چشم‌پوشی است.

- تدابیر ضد «سرقت معنوی»

برای مقابله با سرقت معنوی، از تدابیر عملی بسیاری می‌توان استفاده کرد. از جمله همانطور که گفته شد، تا حدودی در این راه می‌توان از انواع گوناگون «سیستم‌های حفاظتی در برابر کپی رایت» استفاده کرد یعنی مکانیزم‌هایی که در ساخت وسایل بکار می‌رود و از کپی‌کردن غیرمجاز جلوگیری می‌نماید، مثلاً در برنامه‌های رایانه‌ای از قفلها و رمزگذاریها و یا در آثار صوتی یا ویدئویی استفاده از آنچه که به «امواج مخرب»^(۱) شهرت دارند. کار دیگری که می‌توان صورت داد ایجاد نهادهای جمعی مؤثر در حوزه آثار موسیقی است.^(۲) مثلاً اگر استفاده‌کنندگان بتوانند به آسانی از طریق سازمان مزبور با صاحبان امتیاز تماس گرفته و از آنان کسب اجازه کنند، تا حدودی وسوسه درگیر شدن در فعالیتهای غیرمجاز مثل سرقت معنوی کمتر خواهد شد. سیستم کپی رایت و حقوق همسایه آن شاخه‌ای از حقوق خصوصی هر کشور است چرا که معطی حقوق شخصی انحصاری به اشخاص ذی‌نفع است. لذا در اکثر کشورها، رهیافت اصلی این است که طرف زیان دیده خود باید اقدامات قانونی را انجام دهد و در نتیجه فرد متضرر باید به

1. Spoiler Signals

۲. معمولاً از این سیستم تحت عنوان «مدیریت جمعی کپی رایت» Collective Management of Copyright یاد می‌شود.

اقدامات حقوقی و مدنی متوسل گردد. اما در سالهای اخیر در دیدگاه بسیاری از کشورها در اثر رشد چشمگیر فعالیتهای مربوط به سرقت معنوی، تغییرات عمده‌ای حاصل شده است. تعدادی از کشورها، مجازاتهای سنگینی حداقل برای بعضی انواع معین تخلف در کپی رایت علی‌الخصوص «سرقت معنوی» مشخص کرده‌اند و آنرا در مقوله حقوق کیفری قرار داده‌اند. ضمانت اجراهای کیفری در اکثر کشورها همچنانکه باید، هم جنبه جریمه مادی دارد و هم محکومیت به حبس که حداکثر ممکن است به چند سال بالغ شود. اما اگر قرار است ضمانت اجراهای کیفری موفق باشند باید استانداردهای عینی برای شناخت «تخلف» دقیقاً تعریف شوند. و این یعنی که «حقوق» باید به نحوی واضح و روشن قالب‌بندی و شرح داده شود تا از این رهگذر «نقض حقوق» تعریف شود و معلوم گردد که دقیقاً چه عمل یا اعمالی را نباید بدون اجازه صاحب حق صورت داد. همینطور باید تعریف شود که آیا مجازاتهای مورد نظر تنها در مورد اعمالی که عامدانه و آگاهانه صورت می‌گیرد قابل اعمال است یا اعمالی که بدون عمد یا علم صورت گرفته‌اند ولی اوضاع و احوال به گونه‌ای بوده که مرتکب باید آگاه می‌بوده است را نیز در برمی‌گیرند؟

بعلاوه باید این مجازاتها نه تنها در مورد کسانی که مستقیماً مرتکب تخلف شده‌اند بلکه در مورد کسانی که به نوعی در ارتکاب عمل خلاف مشارکت داشته‌اند نیز اعمال شود. مثلاً در مورد کسانی که با علم به اینکه وسایل مورد نظر قرار است در چه زمینه‌ای مورد استفاده واقع شوند، امکانات و تجهیزات لازم را برای انجام تخلف فراهم آورده‌اند.

البته مهمترین جنبه این قبیل مجازاتها، خاصیت بازدارندگی آنها در مقابل جرائم آینده است که این مسأله هم از نظر منافع کلی جامعه در رابطه با حفظ حرمت قانون اهمیت دارد و هم از نظر منافع پدیدآورندگان و صاحبان حقوق. اما باید در نظر داشت که از دیدگاه افراد ذی‌حق، مسأله دریافت غرامت و جبران خسارات نیز همان اندازه دارای اهمیت است. قانون باید برای این اشخاص امکان دریافت غرامت واقعی و مؤثر در برابر لطمات و ضررهای وارده به حقوق آنان را فراهم کند و این نباید تنها به جبران خسارات مستقیم محدود شود بلکه باید بعنوان مثال غرامت

از دست دادن بازار و نیز پایمال شدن حقوق اخلاقی دارنده حق نیز در نظر گرفته شود. در کل باید تمام آسیب‌های مادی و اخلاقی وارد آمده ملحوظ گردد. گاهی ممکن است تعیین مقدار دقیق غرامت بسیار دشوار باشد، با این حال در قوانین بسیاری از کشورها مقررات ویژه‌ای برای محاسبه منصفانه مبلغی که باید پرداخت شود وجود دارد و جزییات قضیه به نظر قاضی موکول شده است.

نکته مهم دیگر در مواردی که کپی‌هایی بطور غیرمجاز و بدون رضایت دارنده حق تهیه می‌شوند، جلوگیری از بسته‌بندی و توزیع این کپی‌ها در بازار است. اصل اساسی در چنین مواردی امحاء این نوع کپی‌ها است مگر آنکه طرف زیان‌دیده طور دیگری تقاضا کند مثلاً ممکن است این کپی‌ها و حتی اموال و تجهیزات بکار رفته در تولید آنها که احتمال دارد مجدداً برای تخلف مورد استفاده قرار گیرند به متضرر تحویل داده شوند. طبق برخی قوانین نیز این اموال و تجهیزات به نفع خزانه دولت مصادره می‌گردد.

جنبه دیگری از این موضوع که حائز اهمیت است، مسأله اقدامات تأمینی یا موقتی است که باید مخصوصاً در موارد «سرقت معنوی» در دسترس متضرر باشد، یعنی مواردی که تداوم وجود کپی‌های غیرمجاز در بازار می‌تواند برای دارنده حقوق آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. هدف این نوع اقدامات تأمینی حفظ وضع موجود و جلوگیری از تشدید وخامت اوضاع است. اگر کمی بیشتر وارد جزییات شویم باید ذکر کنیم که این اقدامات دو هدف دارند یکی جلوگیری از ارتکاب یا ادامه ارتکاب اعمال موسوم به سرقت معنوی و دیگری حفظ شواهد و مدارک مربوط به ماهیت، مقدار و کمیت، محل، منبع و مقصد کپی‌های غیرمجاز و هویت مظنونین.

معمولاً این نوع اقدامات موقت تأمینی تنها به تقاضای شخص حقیقی یا حقوقی که مدعی آسیب‌دیدگی و یا در معرض آسیب‌دیدگی قرار گرفتن است صورت می‌گیرد. در اکثر قوانین، طرفی که تقاضای این اقدامات را دارد مسئولیت ضررهای احتمالی ناشی از آن را برعهده دارد و اگر لازم باشد موظف است وثیقه مناسب بسپارد. اقدامات موقت تأمینی شامل موارد ذیل

است:

- توقیف کالاهایی که مشکوک به «غیرمجاز» بودن هستند.
 - مهر و موم اماکنی که تولید، بسته‌بندی، ذخیره یا عرضه برای فروش، اجاره و ... کپی‌های غیرمجاز در آنها صورت می‌گیرد.
 - توقیف ابزارهایی که در تولید یا بسته‌بندی کپی‌های غیرمجاز به کار می‌روند و نیز اسناد تجاری مربوط به اقلام مذکور.
 - دستور توقف تولید یا توزیع کپی‌ها؛ و
 - دستور افشای مبدأ کپی‌های مشکوک.
- بدلیل اهمیت و ضرورت مبارزه قاطع و مؤثر با سرقت معنوی و اثرات آن در بسیاری از کشورها واحدهای ویژه‌ای برای رسیدگی به این امر اختصاص یافته است، این واحدها ممکن است در وزارتخانه مربوطه و یا در ادارات پلیس و یا در گمرک استقرار داشته باشند. اما در بیشتر کشورها رسیدگی به «اجرای حقوق نسخه‌برداری و حقوق همسایه آن» برعهده مقامات عادی یعنی دادگاهها، پلیس، دادستانی و مقامات گمرک قرار دارد.

۵- مفاد کنوانسیونهای بین‌المللی «کپی رایت و حقوق همسایه» در خصوص اجرای حقوق

با آنکه در کنوانسیونهای ناظر به کپی رایت و حقوق همسایه آن که امور اجرایی - اداری آنها برعهده واپسو است، در خصوص نحوه الزام به اجرای این حقوق، نکته چندان قابل توجهی یافت نمی‌شود ولی این کنوانسیونها بطور جدی از دولت‌ها می‌خواهند که ابزارهای تحقق و اجرای این حقوق در قلمرو خود را به نحو مناسبی فراهم آورند. کنوانسیون برن در دو مورد به این مسأله می‌پردازد، نخست^(۱) مقرر می‌دارد که نسخه‌های کپی برداری شده غیرمجاز باید در آن دسته از کشورهای عضو اتحادیه برن که اثر اصلی در آنها از حمایت قانونی برخوردار است، جمع‌آوری و توقیف گردند حتی اگر این نسخه‌ها از کشوری وارد شده باشد که اثر مزبور در آن کشور تحت

۱. ماده‌ شانزدهم، پاراگراف ۱ و ۲

حمایت نیست. و نیز مقرر می‌دارد نسخه‌های کپی شده برخی آثار ضبط شده موسیقی که بدون اجازه مصنف و یا سایر صاحبان حقوق به کشور وارد شده باشد باید توقیف گردد.^(۱)

کنوانسیونهای برن، رم و کنوانسیون فونوگرام مقرراتی نیز دارند که بطور غیرمستقیم مستلزم انجام اقدامات مقتضی برای اجرای حقوق مورد نظر در هر کشور عضو این کنوانسیونها است. برای مثال کنوانسیون برن مقرر می‌دارد که «هر کشور عضو این کنوانسیون متعهد می‌گردد که مطابق با قانون اساسی خود، اقدامات مقتضی جهت اجرای کامل این کنوانسیون را صورت دهد.»^(۲) و پاراگراف دوم همان ماده مقرر می‌دارد که «این مسأله از قبل مفروض حساب می‌شود که در هنگامی که یک دولت در قبال این کنوانسیون متعهد می‌گردد، از لحاظ حقوق داخلی خود در وضعیتی است که می‌تواند مقررات این کنوانسیون را اجرا نماید.» مقررات مشابهی در کنوانسیون رم نیز یافت می‌شود.^(۳) کنوانسیون فونوگرام نیز هر دولت عضو را موظف می‌کند که از تولیدکنندگان آثار صوتی در مقابل تکثیر آثارشان بدون کسب اجازه آنان و وارد کردن و توزیع این تکثیرهای غیرمجاز حمایت بعمل آورد.^(۴) این کنوانسیون انتخاب یک یا بیشتر از راههای ذیل برای اجرای معاهده را به خود دولتها وامی‌گذارد: استفاده از قوانین کپی رایت و یا حقوق نزدیک به آن، بهره‌گیری از قوانین مربوط به رقابت ناجوانمردانه و یا ضمانت اجراهای جزائی.^(۵)

۶- تحول استانداردهای بین‌المللی در مورد اجرای حقوق

روشن است که مقررات فوق که در کنوانسیونهای برن، رم و کنوانسیون فونوگرام ذکر شده‌اند، بدون وجود ابزارهای مناسب برای الزام و اجرای حقوق در قوانین داخلی دولتهای عضو به منصفه عمل و اجرا در نخواهند آمد. نیز روشن است که این مقررات به تنهایی هیچ نوع رهیافت عملی و رهنمود اجرایی پیش پای دولتهای عضو برای ایجاد استانداردهای نوین و مناسب در زمینه اجرای حقوق مزبور نمی‌نهند. لذا در یک دوره زمانی بحث تحول در استانداردهای

۲. ماده سی و شش، پاراگراف ۱

۴. ماده دوم

۱. ماده سیزدهم، پاراگراف سوم

۳. ماده بیست و ششم، پاراگراف اول و دوم

۵. ماده سوم

«اجرای حقوق» در چارچوبهایی متعدد و از مهمترین آنها در چارچوب فعالیتهای سازمان جهانی مالکیت معنوی شکل گرفت.

از اوایل دهه ۱۹۸۰، وایپو بخش عمده‌ای از توجه خود را معطوف مسائل و موضوعات مرتبط با «اجرای حقوق» کرده است. بعنوان مثال و فهرست وار: در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳ و وایپو دو «جلسه بحث»^(۱) جهانی در مورد سرقت آثار معنوی^(۲) برگزار نمود، و بدنبال آن طی سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ در قالب یکسری جلسات تخصصی، پیشنهادات و توصیه‌هایی همراه با جزئیات دقیق در مورد ابزارهای موجود برای مقابله با سرقت آثار صوتی تصویری، فونوگرامها و آثار چاپی ارائه شد.^(۳)

در سال ۱۹۸۸ وایپو با تشکیل یک کمیته کارشناسی، کار بر روی روشهای مقابله با سرقت ادبی و هنری و نیز تقلب در این حوزه را دنبال کرد که دستاوردهای این کمیته در «قانون نمونه وایپو در مورد کپی‌رایت»^(۴) که توسط دفتر بین‌المللی وایپو در سال ۱۹۹۰ تهیه شده است، مورد استفاده قرار گرفت، و نیز یک فصل دقیق و همراه با جزئیات در مورد نحوه «اجرای حقوق» به «قانون نمونه وایپو در مورد حمایت از تولیدکنندگان آثار صوتی»^(۵) افزوده شد (۱۹۹۲) که علاوه بر مقرراتی ناظر بر اقدامات موقت و راهکارهای مدنی و جزایی، حاوی مقرراتی است در مورد اعمالی که برای حمایت از کپی‌رایت باید جهت مقابله با سوء استفاده از ابزارهای فنی انجام شود.^(۶)

تجربه‌ای که از تمام اقدامات فوق از دهه ۱۹۸۰ به این طرف حاصل شده است، در کار دو

1. Global Forum

۲. در این نوشته برای کلمه انگلیسی Piracy که در متون مربوطه بکار رفته است، از اصطلاح «سرقت معنوی» استفاده می‌کنیم.

3. International Bureau of WIPO, *Enforcement of Copyright and Neighboring Rights in WIPO Activities*, WIPO/CR/PRG, Geneva, 1994, p. 7

4. WIPO's Copyright Model Law

5. WIPO Model Law on the Protection of Producers of Sound Recordings

6. *Ibid.*, p. 11

کمیته کارشناسی منعکس شده است. یعنی کمیته‌ای که کار در مورد طراحی یک پروتکل برای کنوانسیون برن در سال ۱۹۹۱ را برعهده گرفت و کمیته دیگری که برای تدوین یک سند بین‌المللی در مورد حمایت از حقوق ایفاگران و تولیدکنندگان آثار صوتی در ۱۹۹۳ آغاز بکار کرد. این تجربیات و سوابق کاری سبب گردیده است که یکی از عمده‌ترین بحث‌های مطرح در این دو کمیته، بحث «اجرای حقوق» باشد. این شور و مشورتها بخشی از روندی بود که نهایتاً به تشکیل یک کنفرانس دیپلماتیک در سال ۱۹۹۶ انجامید، کنفرانسی که معاهده کپی رایت وایپو^(۱) و معاهده وایپو در مورد اجراهای هنری و آثار صوتی^(۲) را مورد پذیرش قرار داد. هر دو این معاهدات مشتمل بر مقرراتی در مورد «اجرای حقوق» می‌باشند.

د) فعالیتهای وایپو در زمینه اجرای حقوق

مقابله با فعالیتهایی نظیر سرقت معنوی و تقلب که عواملی با اهمیت اقتصادی فراوان هستند یکی از وظایف مهم وایپو است که سه حوزه عمده فعالیت را دربرمی‌گیرد:

ابتدا اینکه وایپو مجری و مدیر بسیاری از کنوانسیونها و معاهدات بین‌المللی مربوط به مالکیت معنوی است. این جنبه از کار وایپو مشتمل است بر حصول اطمینان از فعالیت مناسب نهادهایی که بوسیله هر یک از این معاهدات تأسیس شده‌اند و نیز تلاش برای جلب موافقت تعداد بیشتری از کشورها برای الحاق به این معاهدات.^(۳) زیرا برای اینکه «روشهای مقابله با نقض تعهدات» دارای کارایی و تأثیر لازم باشند، ضروری است که هماهنگ‌ترین و یکپارچه‌ترین چارچوب حقوقی ممکن ایجاد شود و در آن چارچوب، مقرراتی جامع و مناسب پیش‌بینی شود که با تحولات جدید و تکنولوژی‌های نوینی که در دسترس «سارقان آثار معنوی» قرار می‌گیرد همخوانی داشته باشد و این موارد تازه را نیز پوشش دهد. پس وایپو به منظور تحقق این

1. Wipo Copyrught Treaty (WCT)

2. Wipo Performance and Phonograms Treaty (WPPT)

3. International Bureau of WIPO, *The Organization, Functions and Activities of the World Intellectual Property Organization*, WIPO/IP/SUV/99/ Geneva, 1999, p. 3

چارچوب حقوقی هماهنگ در سطح جهان می‌کوشد تا معاهدات به نحو مناسبی اجرا شوند و روزبه روز دولتهای بیشتری به این معاهدات بپیوندند.

جنبه دوم وظایف وایپو تلاش برای گسترش مقررات قانونی جدید در کشورهای جهان در جهت تطابق قوانین موجود با فناوری جدید است.^(۱) برای مثال باید قوانین حقوق مالکیت معنوی در کشورها به گونه‌ای باشد که با اثرات تکنولوژی دیجیتال بر کپی‌رایت و حقوق همسایه آن که به راستی از حد شمارش بیرون است همپا و هماهنگ باشد. امروزه قابلیت ارسال و انتقال آثار موسیقایی از طریق امواج الکترومغناطیسی، کابل یا ماهواره و ضبط آسان و راحت این آثار در قالب محصولات صوتی و تصویری سبب شده است که مشکل «تکثیر غیرمجاز» بیشتر شده و کپی‌کارهای خصوصی نیز بدان اضافه شود چرا که کارهای ارائه شده در قالب دیجیتال بسیار ساده و بدون کمترین کاهش کیفیت می‌توانند بدفعات تکثیر شوند. همینطور فیلمهایی که بر روی دیسک‌های فشرده رایانه‌ای ضبط شده‌اند از همین مقوله بشمار آمده و مکرراً بدون اجازه از صاحب امتیاز فیلم تکثیر می‌شوند.

آخرین جنبه از فعالیت‌های وایپو در این زمینه که البته اهمیت کمتری از دو مورد قبلی ندارد، انتقال دادن روشهای مناسب و راهکارهای مورد نیاز برای اجرای کنوانسیونهای بین‌المللی به دولتهای عضو است.^(۲) این نکته بسیار مهم و حتی ضروری است که مقررات طراحی شده در عرصه بین‌المللی در سطوح ملی به کار گرفته شوند چرا که تشویق و افزایش سطح «خلاقیت» در درجه اول نیاز به مدیریت صحیح و اجرای مقرراتی دارد که برای حفظ منافع «انسانهای خلاق» طرح شده است. عمده فعالیت‌های وایپو در این زمینه را می‌توان در «برنامه همکاری توسعه»^(۳) این سازمان متمرکز دانست.

1. *Ibid.*

2. *Ibid.*, p. 14

3. Development Cooperation Programme

ه) مفاد موافقتنامه «تریپس» در خصوص اجرای حقوق مالکیت معنوی

یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که موافقتنامه «جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی» که بخشی از موافقتنامه کلی مؤسس سازمان تجارت جهانی است از دولتهای عضو این سازمان می‌خواهد که الزام و اجرای مؤثر رویه‌های پیش‌بینی شده را تا حصول اطمینان از تحقق آنها و جبهه همت قرار دهند. موافقتنامه مزبور همچنین دربرگیرنده مقرراتی است در خصوص اعمالی که توسط مقامات گمرک علیه کالاهای مظنون باید صورت گیرد.^(۱)

مطابق این موافقتنامه، در کلیه کشورهای عضو باید تدابیر ویژه‌ای در زمینه اجرای حقوق مالکیت معنوی اتخاذ گردد تا بتوان با هر نوع نقض حقوقی که در موافقتنامه ذکر شده است بطور مؤثر مقابله نمود و نیز راه‌حلهایی سریع و فوری برای پیشگیری از نقض و روشهایی برای بازدارندگی در مقابل موارد احتمالی نقض در آینده باید در نظر گرفته شود. این رویه‌ها باید به نحوی بکار گرفته شود که در عین اینکه جلوی هر نوع سوء استفاده از تجارت آزاد را بگیرد، مانعی بر سر راه تجارت مشروع و قانونی ایجاد نشود.^(۲)

رویه‌های مربوط به اجرا و الزام حقوق مالکیت معنوی باید منصفانه و عادلانه بوده و مگر به اقتضای ضرورت، نباید پرهزینه و پیچیده باشد. در این رویه‌ها نباید ضرب‌الاجل‌های غیرمنطقی یا تأخیرهای بی‌جهت وجود داشته باشد. آراء محاکم در مورد حقوق قانونی اطراف یک اختلاف باید ترجیحاً کتبی و مستدل باشد و بدون هر نوع تأخیر بی‌دلیل دست‌کم در اختیار طرفین اختلاف قرار گیرد. این آرا باید تنها بر دلایلی استوار باشد که در مورد آنها به طرفین اختلاف فرصت استماع داده شده است. همچنین باید به طرفین اختلاف فرصت داده شود که از مقام قضایی در مورد آراء اداری و نیز آراء مدنی دادگاهها تقاضای تجدیدنظر کنند اما در مورد موضوعات کیفری دول عضو طبق قوانین خود عمل می‌کنند و الزامی به رعایت مسأله فوق در موضوعات جنایی ندارند. بعلاوه، همانطور که قبلاً گفته شد، دولتهای عضو موظف نیستند یک

۱. مرکز تجارت بین‌الملل وابسته به آنکتاد و سازمان تجارت جهانی، راهنمای تجاری دور اروگوئه، مؤسسه مطالعات

و پژوهشهای بازرگانی ایران، چاپ اول، تهران، آبان ۱۳۷۵، ص ۴۵۷

۲. ماده چهل و یکم

سیستم قضایی ویژه برای اجرای حقوق مالکیت معنوی در کشور خود ایجاد کنند بلکه وجود همان نظام قضایی معمولی که در کشورها وجود دارد به شرط دارا بودن صلاحیت در این گونه موارد، کافی است.^(۱)

رویه‌های اداری و مدنی

موافقتنامه فوق دربردارنده رهنمودهایی درخصوص رویه‌های اداری - اجرایی و مدنی است که دولت‌های عضو باید از آنها بعنوان راهکارهایی برای اجرا و الزام حقوق مالکیت معنوی تعبیت کنند. این رهنمودها دربرگیرنده مسائلی چون لزوم عادلانه و منصفانه بودن رویه‌ها^(۲)، چگونگی شواهد و مدارک، دستورات و قرارهای صادره توسط دادگاهها می‌باشد. همچنین موافقتنامه اشاراتی دارد به نحوه تعیین غرامت^(۳) و همینطور سایر وسایل جبران خسارت از قبیل دادن اختیار به مقامات قضایی برای صدور دستور مصرف شدن کالاهایی که حقوق مالکیت معنوی در آنها نقض گردیده است خارج از کانالهای تجاری به نوعی که به دارنده این حقوق لطمه‌ای وارد نگردد.^(۴) همچنین در این بخش به مسائلی چون «حق مطلع شدن»^(۵) نیز پرداخته شده است. منظور از این حق این است که دولت‌های عضو می‌توانند مقرر کنند که مقامات قضاییشان اختیار داشته باشند تا دستور دهند که شخص نقض کننده ملزم شود مشخصات اشخاص ثالث درگیر در تولید و توزیع کالاها یا خدماتی را که حقوق مالکیت معنوی در آنها نقض شده است و نیز مشخصات کانالهای توزیع را به اطلاع دارنده حقوق برساند.^(۶) دو ماده ۴۸ و ۴۹ این موافقتنامه نیز به بحث پرداخت غرامت به مدعی علیه^(۷) در صورت براءت و نیز رویه‌های اداری پرداخته‌اند.

۲. ماده چهل و دوم
۴. ماده ۴۶

۱. ماده چهل و یکم
۳. مواد ۴۳ تا ۴۵

5. The Right of Information

۶. ماده چهل و هفت

7. Indemnification of the defendnt

اقدامات تأمینی موقت

مطابق «موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی»^(۱) دستگاه‌های قضایی دول عضو در موارد ذیل می‌توانند دستوراتی در مورد بعمل آمدن اقدامات فوری و مؤثر تأمینی صادر نمایند:

الف) پیشگیری از رخداد هر نوع نقض حقوق مالکیت معنوی مثلاً از طریق جلوگیری از ورود بلافاصله کالاهای وارداتی به کانالهای تجاری قلمرو خود پس از ترخیص از گمرک

ب) جلوگیری از امحاء مدارک مربوط به نقض مورد ادعا

این اقدامات تأمینی در صورت لزوم حتی بدون استماع طرف مقابل انجام می‌شود مخصوصاً در مواردی که تأخیر می‌تواند به وارد آمدن ضررهای غیرقابل جبران به دارنده حقوق منجر شود و یا خطر از میان رفتن مدارک، بسیار جدی باشد. البته مقامات قضایی می‌توانند از مدعی بخواهند مدارک معقولی ارائه کند که آنان را قانع نماید که وی واقعاً صاحب حق است و حقوقش نقض شده یا در معرض نقض است. در ضمن می‌توانند از وی بخواهند وثیقه‌ای برای حمایت از حقوق «خواننده» و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی نزد دادگاه بسپارد.

در ادامه ماده ۵۰ مقرراتی در مورد آیین کار و تشریفات مربوط به تجدیدنظر یا لغو این اقدامات و نیز پرداخت غرامت به مدعی علیه در صورت اثبات کذب بودن ادعا آمده است.

الزامات ویژه در ارتباط با تدابیر مرزی^(۲)

در این موافقتنامه به اعضا اجازه داده شده است رویه‌هایی اختیار کنند تا دارنده حق بتواند در صورت داشتن دلایل معتبر برای این ظن که احتمالاً کالاهایی که دارای علامت تجاری تقلبی هستند و یا کالاهایی که بصورت کپی و بدون اجازه و موافقت دارنده حق یا شخصی که از طرف دارنده حق مجاز است، ساخته شده‌اند و در کل هر نوع کالایی که به نوعی حقوق مالکیت

۱. ماده پنجاه

2. Special Requirements Related to Border Measures

معنوی وی در آنها نقض گردیده است در حال ورود به کشور است، با ارائه درخواست کتبی به مقامات ذیصلاح خواستار تعلیق ترخیص و جریان آزاد کالاهای مزبور توسط مقامات گمرکی شود.^(۱)

از هر دارنده حقی که به این نوع اقدامات توسل جوید خواسته خواهد شد که مدارک کافی برای اقناع مقامات ذیصلاح در این مورد که طبق قوانین کشور واردکننده^(۲)، واقعاً شواهد اولیه دال بر نقض حقوق وی می‌باشد، ارائه نماید و نیز شرحی به تفصیل در مورد کالاهای مورد نظر تهیه کند تا مقامات گمرکی برای تشخیص این کالاها دچار مشکل نشوند. بعلاوه مقامات ذیصلاح می‌توانند از مدعی بخواهند برای حفظ حقوق مدعی علیه، وثیقه کافی و معقول ارائه کنند. در صورت صدور قرار تعلیق ترخیص باید مراتب فوراً به اطلاع طرفین برسد.^(۳)

اگر حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری پس از صدور اطلاعیه تعلیق، مقامات گمرکی مطلع نشوند که اقداماتی برای رسیدگی به وضعیت کالاها آغاز گردیده است و یا مقام ذیصلاح قضایی اقداماتی موقتی برای تمدید مدت تعلیق ترخیص به عمل آورده است، کالاهای مزبور مشروط بر رعایت شرایط معمولی ورود یا صدور کالا، ترخیص خواهند شد. بنابراین مدعی از تاریخ صدور اطلاعیه تعلیق ترخیص مدت ۱۰ روز کاری فرصت دارد که تعقیب قضیه از طریق مقامات صالحه را آغاز نماید.^(۴)

در ادامه این بخش به مقامات ذیصلاح دولتهای عضو اختیار داده شده است که به مدعی اجازه دهند بدون تلاش برای دستیابی به «اطلاعات احتمالاً محرمانه»، کالای ضبط شده در گمرک را برای اثبات ادعای خویش مورد بازرسی و بررسی قرار دهد و در مواردی که مقامات صالحه تشخیص دهند خدشه‌ای به حقوق قانونی کسی وارد نمی‌آید، مجاز خواهند بود که اسم و نشانی فرستنده، واردکننده و گیرنده و نیز مقدار کالای مورد بحث را به دارنده حق مالکیت

۱. ماده پنجاه و یکم

۲. که البته این قوانین باید با تعهدات بین‌المللی این کشور سازگار و هماهنگ باشد.

۴. ماده ۵۵

۳. مواد ۵۲ تا ۵۴

معنوی اطلاع دهند.^(۱) از این ترتیبات در موافقتنامه تریپس، به عنوان «حق بازرسی و حق اطلاعات» یاد شده است.^(۲) همچنین مطابق ماده ۵۸، مقامات صالحه می‌توانند به ابتکار خود عمل کرده و بدون اینکه از سوی صاحب حق اقدامی به عمل آورده شود ترخیص کالاهایی را که در مورد آنها به نشانه‌های اولیه نقض یک حق مالکیت معنوی دست یافته‌اند به حالت تعلیق درآورند.^(۳) در ادامه این بخش، مقرراتی در مورد طرق جبران خسارت و نیز واردات مقادیر اندک کالاهای فاقد جنبه تجاری باشد ذکر شده است. کالاهای اخیرالذکر را که در بار مسافر قرار دارد و یا در محموله‌های کوچک ارسال شده است می‌توان از شمول مقررات فوق مستثنی دانست.^(۴)

آیین‌های کیفری

موافق قواعد موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی، دولتهای عضو باید حداقل در موارد جعل عامدانه علائم تجاری یا سرقت حق نسخه‌برداری در مقیاس تجاری، مجازاتهایی مناسب و در خور مقرر داشته و آیین‌های کیفری لازمه را معمول دارند. ابزارها و تدابیری چون زندان یا اخذ جریمه مالی به عنوان عامل بازدارنده به گونه‌ای مطابق با سطح مجازاتهای معمول در مورد جرائم دارای شدت درجه مشابه بعمل درخواهد آمد. همچنین در موارد مقتضی، توقیف، ضبط و معدوم کردن کالاهای مورد نظر و نیز تجهیزات و ابزارهای مورد استفاده در ارتکاب جرم می‌تواند جزء طرق متخذه به حساب آیند.

۱. ماده ۵۷

2. Right of Inspection and Information

3. Ex Officio Action

۴. ماده ۶۰

فصل دوم



روشهای حل و فصل اختلافات^(۱) در حوزه مالکیت معنوی

«روشهای جایگزین» در حل اختلافات^(۲)

روشهای جایگزین برای حل اختلافات که در زبان انگلیسی به اختصار ای.دی.آر.^(۳) خوانده می‌شود، به آن دسته از روشهای حل و فصل اختلافات اطلاق می‌گردد که به جای توسل به روشهای قضایی و ورود به مراحل رسیدگی قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به بیان دیگر روشهایی که برای حل و فصل یک اختلاف بدون استفاده از طرق قضایی و ورود به دادگاه وجود دارد را روشهای جایگزین می‌نامند.^(۴) این روشهای جایگزین ممکن است صورتهای مختلف داشته باشد که رایجترین آنها داوری و میانجیگری است ولی ممکن است از روشهای دیگری نیز مثل «حل و فصل براساس نظرات کارشناس» استفاده شود. بخصوص در موافقتنامه‌های انتقال فناوری، بسیار دیده می‌شود که طرفین توافق کرده‌اند هر اختلاف فنی را به یک کارشناس و متخصص ارجاع دهند. این متخصص یک طرف ثالث مستقل با تخصص مورد نیاز در حوزه فنی مرتبط با موضوع است. در ادامه مطالب در مورد داوری و میانجیگری به تفصیل سخن خواهیم گفت.

1. Dispute Settlement Mechanisms

2. Alternative Dispute Resolutions

3. A.D.R.

4. Donahey, M. Scott, *Alternative Dispute Resolution*, The IP Litigator, July/August 1996, p.p. 20-22

حل و فصل اختلافات در عرصه بین‌المللی

بسیاری از موافقتنامه‌های انتقال تکنولوژی، دارای خصیصه بین‌المللی هستند. این امر فی‌نفسه مشکلی به همراه ندارد اما وقتی به حوزه «حل و فصل اختلافات» وارد می‌شویم دشواری‌های فراوانی ایجاد می‌کند. اگر قرار باشد که طرفین موافقتنامه، برای حل اختلافاتشان به محاکم و دادگاهها تکیه کنند باید اطمینان حاصل نمایند که نتیجه و حکم دادگاه در قلمرو هر کشوری که موضوع اختلافات در آن واقع است یا بهر حال حکم باید در آنجا اجرا شود، قابلیت اجرا داشته باشد.

معمولاً اجرای حکم دادگاه دولت متبوع «خواهان» در قلمرو دولت متبوع مدعی علیه می‌تواند مشکل ساز باشد. البته ممکن است برای دور زدن این مشکل، مدعی در دادگاه کشور اقامتگاه «مدعی علیه» طرح دعوی کند اما این راه برای وی گزینه چندان مطلوبی نخواهد بود چرا که وی احتمالاً به قوانین، فرهنگ حقوقی، دادگاهها و زبان این حوزه صلاحیت قضایی چندان آشنا نیست. بعلاوه، در موردی که حکم باید در قلمرو یک دولت ثالث که اموال محکوم در آن واقع است اجرا شود، این راه نیز کمک چندان به حل قضیه نخواهد کرد.

اما در مقابل در مورد احکام داوری، مشکل اجرا از نوعی که در بالا برای رسیدگی قضایی به آن اشاره کردیم وجود ندارد. چرا که با توجه به مفاد «کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در مورد پذیرش، شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی»^(۱) که بسیار مورد استقبال جامعه بین‌المللی قرار گرفته است^(۲)، احکام داوری به طور کلی - البته با در نظر گرفتن و رعایت رویه‌ها و قوانین سرزمینی که حکم باید در آن اجرا شود - از سوی مراجع صاحب صلاحیت کشورهای عضو پذیرفته می‌شود. در این کنوانسیون نحوه اجرای آراء داوری خارجی و شرایط آن، و نیز موارد عدم شناسایی و عدم اجرای رأی مشخص شده است. مطابق این سند بین‌المللی تنها در صورتی که رأی با ایرادات اساسی مواجه باشد (مانند تجاوز داور از حدود اختیارات یا نقض نظم عمومی

1. New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards

۲. این کنوانسیون از دی ماه سال ۱۳۸۰ برای جمهوری اسلامی ایران نیز الزام‌آور است.

و...) قابل شناسایی و اجرا نیست. این کنوانسیون رویهمرفته تسهیلات و امکانات فراوانی برای اجرای آراء داوری خارجی قائل شده است.^(۱)

در دهه‌های اخیر تعداد مؤسسات و نهادهایی که کار داوری را در سرتاسر جهان انجام می‌دهند افزایش چشمگیری داشته است، همچنانکه شمار اختلافاتی که به داوری ارجاع می‌گردند افزایش چشمگیری نشان می‌دهد. از دیگر سو، در جهان صنعتی و بخصوص در ایالات متحده، انواع جدیدی از روشهای جایگزین مورد استفاده قرار می‌گیرند و معمولاً دیگر به دو روش سنتی یعنی داوری و میانجیگری اکتفا نمی‌شود. بلکه سعی می‌شود به تناسب موضوع و ماهیت اختلاف از روشهای ترکیبی که البته مقتبس از همان روشهای قدیمی هستند استفاده شود.

رشد استفاده از فناوری در مراحل تولید کالا، تأکید بر تصاویر، تبلیغات و بازاریابی برای توزیع کالاها و عرضه خدمات و تنوع و گستردگی رسانه‌های ارتباطی، همه و همه به افزایش بی‌سابقه اهمیت مالکیت معنوی کمک کرده‌اند. از سوی دیگر باید به بین‌المللی شدن بازارها نیز توجه داشت. هرچقدر که مؤسسات و شرکتهای غول آسا و یا حتی شرکتهای و مؤسسات تخصصی کوچک تلاش می‌کنند دامنه‌های فعالیتهای خود را به کشورهای بیشتری گسترش دهند و به بازارهای سرزمینهای جدید وارد شوند به موازات این فعالیتهای باید به دنبال کسب حمایت وسیعتر از مایملک معنوی و فکری خود نیز باشند.

افزایش میزان توسل به حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت معنوی سبب می‌شود که امکان استفاده از روشهای جایگزین نیز افزایش یابد. وجود حقوق بیشتر و متنوعتر به معنای وجود زمینه بیشتر برای تضارب منافع و در نتیجه بروز بیشتر اختلاف در مورد حقوق مزبور است. از عواملی که سبب تشدید این امر می‌شود یکی هم این مطلب است که اغلب تجار و بازرگانان به هنگام انجام مذاکراتی که برای دادن یا گرفتن امتیاز یک کالا یا خدمات با طرف مقابل می‌نمایند،

۱. ر. ک. سوسن خطاطان، اجرای احکام داوری بین‌المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، سال ۷۲-۱۳۷۱ و نیز کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی، مجله حقوقی، شماره چهاردهم و پانزدهم، ۱۳۷۰.

بیشتر توجه خود را صرف به نتیجه رساندن مذاکرات و به اصطلاح «جوش دادن معامله» و تدوین یک موافقتنامه تجاری و یک همکاری بازرگانی - صنعتی موفق می‌کنند و کمتر توجهی به نتایج و عواقب اختلافات احتمالی آینده می‌شود. چراکه عموماً در هنگام تلاش برای جوش دادن معامله کمتر کسی سعی می‌کند که صحبت از اختلافات و تنازعات به میان آورد و همین امر باعث می‌شود که دقت کافی به عمل نیاید و در نتیجه زمینه برای بروز اختلاف بیشتر می‌شود.

برخورد منافع دو طرف با ملیت‌های متفاوت ضرورت وجود نوعی روشهای حل اختلاف را که سبب جلوگیری از تعارض احتمالی قوانین و دادگاهها شود آشکار می‌سازد. در کنار تحولاتی که در زمینه حمایت از حقوق مالکیت معنوی در سطوح ملی و بین‌المللی رخ داده است، در «روشهای جایگزین» نیز پیشرفتهایی ایجاد شده و مکانیزمهایی بوجود آمده است که شاید بتوان آنها را دقیقاً مناسب مسائل مربوط به مالکیت معنوی دانست. یک خاصیت عمده اختلافات مربوط به حوزه مالکیت معنوی این است که این اختلافات به طور متناوب و مداوم با صلاحیت‌ها و قلمروهای مختلف سر و کار می‌یابند. این خاصیت سبب می‌شود که اگر امکان حل و فصل این اختلافات در یک محکمه واحد وجود داشته باشد بسیاری از مشکلات بالقوه، حل شده و روند کار با سهولت بیشتری ادامه یابد.

علاوه بر این، امکان اینکه طرفین بتوانند برای حل و فصل اختلافات خود از یک مرجع حل و فصل که هم بی‌طرف بوده و هم تخصص و خبرگی لازم در حوزه مورد نظر را داشته باشد برای کسانی که اختلاف آنها به حوزه‌های تخصصی - فنی و موضوعات علمی از قبیل حق اختراع، اسرار تجاری، کپی رایت و حقوق مربوط به گونه‌های نوین گیاهی مربوط می‌گردد بسیار ارزشمند خواهد بود. اگرچه در برخی از کشورها، دادگاهها به صورت تخصصی عمل می‌کنند و در سایر کشورها نیز بهر حال دادگاهها از کارشناسانی کمک می‌گیرند ولی در هر حال ارجاع موضوع به یک محکمه داوری که خود داور یا داوران، کارشناس، خبره و دارای تخصص کافی در همان موضوع مورد اختلاف باشند می‌تواند بسیار بهتر به حل قضیه کمک کند. علاوه بر این، امکان محرمانه بودن داوری در تمام مراحل نیز برای طرفین اختلاف امتیاز بسیار خوبی محسوب

روشهای حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی ■ ۱۶۱

می‌گردد، چراکه ممکن است در جریان مراحل رسیدگی قضایی در دادگاهها بسیاری از رازها و اسرار تجاری افشا گردد.

مرکز داوری و میانجیگری سازمان جهانی مالکیت معنوی^(۱)

در سپتامبر ۱۹۹۳، مجمع عمومی وایپو به اتفاق آراء، رأی به ایجاد مرکز داوری وایپو داد که امروزه مرکز داوری و میانجیگری وایپو خوانده می‌شود. این مرکز خدماتی در زمینه حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی از طریق داوری و میانجیگری ارائه می‌کند.^(۲) این مرکز ایجاد شده است تا پلی باشد میان دو عرصه مختلف که در سالهای اخیر به موازات یکدیگر دچار تحولات قابل توجهی شده‌اند. این دو عرصه عبارتند از داوری و یا اگر کلی‌تر بگوییم «روشهای جایگزین برای حل و فصل اختلافات» از یکسو و «حقوق مالکیت معنوی» از سوی دیگر.

مرکز داوری وایپو یک واحد اداری - اجرایی از دفتر بین‌المللی وایپو است. همانطور که ذکر شد تأسیس این نهاد با تصویب مجمع عمومی وایپو صورت گرفته و این مرکز فعالیت خود را از اکتبر ۱۹۹۴ در مقر سازمان جهانی مالکیت معنوی در شهر ژنو سوئیس آغاز کرده است. این نهاد مطابق سند تأسیس خود بطور عمده دو نقش ایفا می‌کند: یکی نقش یک مقام اجرایی^(۳) و دیگری نقش یک مرکز مرجع یا کمکی^(۴).

مرکز داوری وایپو بعنوان یک مقام اجرایی

در این نقش مرکز مجری چهار نوع روش حل و فصل اختلافات است:

- میانجیگری تحت قواعد میانجیگری وایپو

- داوری تحت قواعد داوری وایپو

1. World Intellectual Property Organization's Arbitration and Mediation Center

2. International Bureau of WIPO, *The Services of the WIPO Arbitration Center*, Geneva, 1998, p.8

3. Administrative authority

4. Resource Center

- داوری سریع

- و یک روش ترکیبی جدید از میانجیگری تحت قواعد میانجیگری وایپو که در صورت عدم حصول نتیجه، داوری جایگزین آن می‌شود.^(۱) این روش را گاهی «میانجیگری و داوری اتوماتیک» و یا «میانجیگری و داوری از پیش طرح شده»^(۲) می‌خوانند. بعنوان یک نهاد اجرایی، نقش مرکز داوری وایپو اجرای وظایف و تصمیم‌گیری در امور است که طبق قواعد وایپو در مورد داوری، داوری سریع و میانجیگری به آن محول شده است. یکی از این وظایف منصوب کردن میانجی یا داور در شرایطی است که طرفین خود نخواهند این کار را انجام دهند و یا در مهلت مقرر در قواعد مذکور، موفق به انجام این کار نشوند. به همین منظور، مرکز فهرستی از داوران و میانجیان متخصص و کارشناس تهیه کرده است که در موارد مقتضی از وجود آنان بهره می‌برد. بعلاوه، قوانین وایپو طوری طراحی شده‌اند که تحت هر سیستم حقوقی بتوان از آنها استفاده کرد.^(۳)

مرکز داوری وایپو بعنوان یک مرکز مرجع^(۴)

در این نقش مرکز داوری وایپو می‌کوشد بعنوان پلی میان حوزه‌های مالکیت معنوی از یکسو و روشهای حل و فصل غیرقضایی اختلافات از سوی دیگر عمل نماید. بویژه در این راستا مرکز ارائه دهنده خدماتی است از قبیل:

۱- در نگارش پیش‌نویس قیدهایی که در یک قرارداد برای روشن ساختن طریقه حل و فصل اختلافات احتمالی ناشی از آن قرارداد ذکر می‌شوند و اختلافات مزبور را به روشهای ارائه شده توسط مرکز ارجاع می‌دهند، به اطراف قرارداد کمک می‌کند. همچنین در نگارش پیش‌نویس قراردادهایی که برای ارجاع یک «اختلاف موجود» به روشهای مزبور منعقد می‌گردند کمک‌هایی ارائه می‌کند.

1. Mediation followed in the Absence of settlement, by Arbitration

2. Mediation and Default Arbitration

3. *Ibid.*, p. 9

4. Resource Center

روشهای حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی ■ ۱۶۳

۲- مرکز خدماتی در ارتباط با مساعی جمیله^(۱) نیز ارائه می‌دهد یعنی به درخواست یک طرف اختلاف، تلاش می‌کند زمینه‌ای فراهم آورد که طرفین برای تسلیم اختلاف خود به روشهای پیشنهادی مرکز به بحث و گفتگو بنشینند.

۳- مرکز به درخواست طرفین اختلافی که به یک میانجیگری یا داوری خارج از مکانیزمهای مرکز ارجاع شده است و در ازای دریافت عوارض مربوطه برای آنان داور یا میانجی برمی‌گزیند.

۴- مرکز هر از چندگاهی کنفرانسهایی در مورد مسائل مختلف مرتبط با روشهای حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی مثل داوری و میانجیگری و نیز سایر روشهای جایگزین برگزار می‌کند و نیز به طور ادواری برنامه‌های آموزشی مختلفی برای داوران و میانجی‌ها تدارک می‌بیند.

۵- مرکز کار انتشار کتب، مجلات و بولتن‌ها و سایر اسناد مربوط به حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی را نیز انجام می‌دهد.^(۲)

مرکز در انجام وظایفش از کمک‌های دو نهاد بهره می‌گیرد. این دو نهاد عبارتند از: شورای داوری و ایپو و کمیسیون مشورتی داوری و ایپو.

شورای داوری و ایپو^(۳)

این شورا ترکیبی است از نمایندگان بخش‌های عمومی و خصوصی. نقش آن ارائه راهنمایی، نظرات کارشناسی و توصیه به مرکز داوری و میانجیگری و ایپو در مواردی مثل برنامه‌ریزی و سیاستگذاری علی‌الخصوص در ارتباط با قواعد داوری، میانجیگری و داوری سریع و ایپو است.

این شورا در حال حاضر هشت عضو از کشورهای سوئیس، ایالات متحده، انگلستان،

1. Good Offices

2. *Ibid.*, p. 10

3. WIPO Arbitration Council

ژاپن، آلمان، برزیل و چین دارد.^(۱)

کمیسیون مشورتی داوری وایپو^(۲)

کمیسیون مشورتی داوری وایپو متشکل است از کارشناسان و خبرگان برجسته در عرصه‌های داوری و نیز مالکیت معنوی. کارکرد اصلی این کمیسیون، ارائه نظرات و توصیه‌های مشورتی به مرکز داوری و میانجیگری وایپو در ارتباط با موارد غیرعادی و خارج از روتین است که در آنها چگونگی اجرای قواعد داوری وایپو موکول به تصمیم مرکز می‌باشد مثلاً جرح^(۳) یا تغییر و جایگزینی یک داور یا جنبه‌های بخصوصی از مسائل مرتبط با هزینه‌های داوری و از این قبیل مسائل شکلی و اجرائی داوری. به همین منظور مرکز هر وقت که لازم بداند کمیته‌های ویژه^(۴) متشکل از سه نفر از اعضاء کمیسیون مشورتی تشکیل می‌دهد. ممکن است در شرایط مخصوص مانند وقتی که هیچ یک از اعضا کمیسیون در مورد قانون ملی یک کشور خاص اطلاعات مکفی نداشته باشند مرکز از کارشناسان و خبرگان خارج از کمیسیون نیز برای کار در آن کمیته ویژه دعوت بعمل آورد. کمیسیون مشورتی داوری وایپو در حال حاضر دارای ۳۹ عضو از کشورهای مختلف جهان است.^(۵)

روشها و مکانیزمها

مرکز داوری و میانجیگری وایپو چهار روش برای حل و فصل اختلافات ارائه می‌دهد. این روشها هر یک دارای اثرات حقوقی متفاوت و نیز مزایای مخصوص به خود هستند. این روشها چنانکه قبلاً اشاره شد عبارتند از میانجیگری، داوری، داوری سریع و میانجیگری که در صورت عدم حصول نتیجه به داوری می‌انجامد. در کل این روشها که نمونه‌هایی از «روشهای جایگزین» می‌باشند در مقایسه با روشهای قضایی دارای محاسنی هستند به شرح ذیل:

1. *Ibid.*, p. 11

2. WIPO Arbitration Consultative Commission

3. Challenge of an Arbitrator

4. Ad Hoc Committees

5. *Ibid*, p.p.11-15

۱- استفاده از این روشها در مقایسه با روشهای قضایی به صرفه جویی قابل توجهی در وقت و هزینه می‌انجامد. چرا که این روشها قابلیت اجرای سریع داشته و نیازی به انتظار برای تعیین وقت از سوی دادگاه نیز ندارند.

۲- این روشها به خودمختاری و حق انتخاب طرفهای درگیر لطمه‌ای نمی‌زند، طرفین در انتخاب قانون حاکم، روش کار و زبان در مراحل رسیدگی و سایر موارد مشابه به اقتضای موضوع با اراده خود و با توافق با یکدیگر عمل می‌کنند و این موارد همانند رسیدگی قضایی، از پیش تعیین شده و اجباری نیست.

۳- رویه‌هایی که در این روشها از آنها بهره‌گرفته می‌شود بر مبنای حقوق و عرفی است که از بطن نظام‌های حل اختلافات تجاری بین‌المللی استخراج شده است و لذا از بی‌طرفی کامل نسبت به زبان، قانون و فرهنگ ساختاری دول متبوع طرفین اختلاف برخوردارند. اجرای این روشها نیز بر عهده مرکز داوری و ایپو است که بخشی از یک سازمان بین‌المللی است و لذا هیچ نوع تعصب خاصی نسبت به یکی از طرفین اختلاف ندارد. بعلاوه می‌توان برای تشکیل جلسات رسیدگی، یک حوزه صلاحیتی بی‌طرف را برگزید که از علائق تابعیتی دو طرف برکنار باشد.

۴- در دعاوی بسیار تخصصی مربوط به مالکیت معنوی از طریق استفاده از روشهای مذکور می‌توان اطمینان حاصل کرد که میانجی و یا داور از تخصص فنی و علمی مرتبط با موضوع بحث، برخوردار است.

۵- می‌توان رسیدگی را به طور کامل محرمانه برگزار نمود. قواعد و ایپو در مورد داوری و میانجیگری حاوی مقرراتی است در مورد امکان محرمانه بودن کل جریان دادرسی و حتی مقررات دقیق‌تری در مورد لزوم حفظ اسرار تجاری که در جریان دادرسی مطرح می‌گردد، که از این طریق طرفین میتوانند اطمینان حاصل کنند طرح دعوی و پیگیری اختلاف موجود میان آنها به بروز ضررهای احتمالی بزرگتر که ممکن است در اثر افشای اسرار تجاری‌شان ایجاد شود، منجر نخواهد شد^(۱).

1. For more information see: Scott, Hugh, **Ensuring a confidential arbitration process**,

۶- از طریق روشهای مذکور می‌توان در مواردی که اختلاف بر سر موضوعی است که در سیستمهای حقوقی کشورهای مختلف، عناوین و جایگاههای متفاوتی دارد، جریان رسیدگی را بدون اینکه با مشکلات قانونی گوناگون در سطوح ملی مواجه شد، با یک روش حل کرد و در نتیجه در وقت، هزینه و پیچیدگیهایی که در جریان رسیدگی بوجود می‌آید، صرفه‌جویی نمود^(۱).

چه کسی می‌تواند یک اختلاف را به مرکز ارجاع دهد؟

روشهای حل و فصل اختلافات که مرکز داور و میانجیگری وایپو ارائه می‌دهد بر روی همه اشخاص صرفنظر از ملیت آنها باز است. حتی نیازی نیست که یک شخص از طریق عامل ارتباطی مثل ملیت یا اقامتگاه با یکی از دولتهای عضو یک معاهده بخصوص پیوستگی و ارتباط داشته باشد.

هم افراد و هم موسسات و شرکتهایی که دارای اهلیت حقوقی هستند می‌توانند اختلافات خود را به رویه‌های ارائه شده در مرکز داور و میانجیگری وایپو ارجاع دهند. یک نهاد و ارگان دولتی نیز می‌تواند طرف یک اختلاف ارجاع شده به مرکز قرار گیرد به شرط آنکه ارگان مزبور مانند هر نهاد دیگری رضایت کتبی خود را برای ارجاع اختلاف به رویه‌های مذکور اعلام دارد^(۲).

- چه نوع اختلافاتی را می‌توان به این رویه‌ها ارجاع داد؟

مرکز ارائه دهنده خدمات تخصصی برای حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی است. با این حال رویه‌های حل اختلاف که توسط مرکز اجرا می‌گردند، محدود به مسائل مرتبط با مالکیت معنوی نمی‌گردند. دلیل اینکه از به وجود آمدن چنین محدودیتی جلوگیری شده این

International Commercial Litigation (Supplement: A guide to resolving intellectual property disputes), October 1996, pp.2 et seq. 1. International Bureau of WIPO, *Supra*, p.17

2. *Ibid*, p.18

است که اطمینان حاصل شود تمام اختلافات ارجاعی، در خود مرکز بطور کامل، موثر و جامع، حل و فصل گردیده و اگر احیاناً برخی از موارد، در برگیرنده مسایل تجاری غیر از مالکیت معنوی نیز بودند نیازی نباشد که به دلیل محدودیت عملکرد مرکز داوری و ایپو به دیگر نهادها و موسسات فعال در زمینه حل و فصل اختلافات ارجاع شوند. بنابراین طراحان مرکز حل اختلافات و ایپو با اعطاء این قابلیت به این نهاد تلاش کرده‌اند از تاخیری که در اثر بحث بر روی صلاحیت یا عدم صلاحیت میانجیان و یا محاکم داوری و ایپو برای رسیدگی به موضوعاتی که صرفاً به مالکیت معنوی مربوط نیستند، پیشگیری شود.

- چگونه یک اختلاف را به مرکز ارجاع می‌دهند؟

دو راه برای ارجاع اختلافات به رویه‌های ارائه شده توسط مرکز وجود دارد: نخست آنکه می‌توان در یک قرارداد تجاری قیدی گنجانید که بموجب آن تمام اختلافات احتمالی که در آینده ممکن است در اثر این قرارداد رخ دهد باید به یکی از رویه‌های مرکز داوری و میانجیگری و ایپو ارجاع گردد.

راه دوم برای ارجاع یک اختلاف، انعقاد یک موافقتنامه در خصوص ارجاع یک اختلاف «موجود»^(۱) است. بر اساس چنین موافقتنامه‌ای که بعنوان مثال ممکن است «قرار داوری»^(۲) خوانده شود، اختلافی که قبلاً ایجاد شده است - و نه اختلافات آینده - به یکی از رویه‌های مرکز ارجاع می‌گردد.

مرکز در زمینه تهیه پیشنویس قیده‌های درون قراردادهای و نیز قراردادهای ارجاع اختلاف، راهنمایی‌ها و توصیه‌هایی به متقاضیان ارائه می‌کند.

مساعی جمیله^(۱):

در ابتدا خالی از فایده نخواهد بود اگر ذکر کنیم که منظور از مساعی جمیله یا پایمردی در حقوق بین‌الملل عمومی تلاش دوستانه دولت یا شخص ثالثی است که قصد دارد با فراهم کردن زمینه‌های گفتگو و تبادل نظر، کشورها یا شرکتها یا افراد در حال اختلاف را به توافق برساند^(۲). در مساعی جمیله این «طرف ثالث» دخالتی در حل ماهوی اختلاف ندارد و تنها شرایط انجام ملاقات و گفتگو را فراهم می‌کند و پس از ملاقات و مذاکره طرفین اختلاف، مساعی جمیله خاتمه یافته تلقی می‌شود. به طور کلی در روش مساعی جمیله، دخالت ماهوی شخص ثالث بسیار کم است و حتی متضمن ارائه پیشنهادات هم نیست.

اهداف:

اختلافات گاهی در چارچوب روابط قراردادی بروز می‌کند مثل اختلافاتی که در روابط میان تولیدکننده و توزیع‌کننده یک کالا بروز می‌کند و یا بین یک امتیازدهنده^(۳) و کسی که از وی پروانه و جواز گرفته است^(۴). املهموار اختلافات به این روابط قراردادی محدود نمی‌شود بلکه گاهی نیز ممکن است اختلاف میان کسانی بروز کند که هیچ نوع ارتباط قراردادی بایکدی ندارند. مثلا یک دارنده حق ممکن است ادعا کند که فلان فرد یلموسسه که با وی هیچ ارتباط قراردادی نیز ندارد، در حال نقض حقوق مالکیت معنوی وی است. این مثال بارز از اختلافاتی است که به کرات در حوزه مالکیت معنوی رخ می‌دهد. در چنین مواردی، به خاطر عدم وجود یک نوع رابطه قراردادی، ارتباطات بعدی میان طرفین غالباً محدود به یک سری مکاتبات رسمی و خشک اداری خواهد شد که بیانگر اعتراض یک طرف و خاطر نشان ساختن مسئولیت دیگری از یکسو و انکار و رد دلایل او از سوی طرف دیگری باشد. جو حاصل از این نوع ارتباطات در روابط دو طرفه غالباً متضمن اصرار بر حقوق و مسوولیتهاست و نه بحث بر روی روشهای ممکن برای حل و فصل قضیه.

1. Good Offices

۲. موسی زاده، رضا، کلیات حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۶، صص ۲-۱۶۱

3. Licensor

4. Licensee

در چنین جوی، احتمال کمی وجود دارد که طرفین به راه حلی غیر از محاکم قضایی بیاندیشند گرچه ممکن است نفع هر دو در پرهیز از روشهای قضایی باشد. لذا هدف «سرویس مشورتی برای تسلیم یک اختلاف»^(۱) که از سوی مرکز داوری واپیو ارائه می شود و ماهیت آن همان مساعی جمیله است، این است که فرصتی برای طرفین فراهم شود تا بتوانند مزایای ارجاع اختلاف خود به یکی از رویه های غیر قضایی موجود علی الخصوص رویه های ارائه شده توسط واپیو را مورد بررسی و بحث قرار دهند. برای نیل به چنین فرصتی، مرکز پیشنهاد می کند (یا ممکن است از مرکز خواسته شود) که نقش یک واسطه بیطرف را برای نشان دادن دو طرف اختلاف پشت یک میز گفتگو ایفا کند. مرکز ممکن است با توافق طرفین ریاست جلسه ای را به منظور بحث و گفتگوی طرفین در مورد احتمال ارجاع قضیه به یکی از رویه های ارائه شده توسط مرکز، بر عهده بگیرد و در صورت حصول توافق، در نگارش موافقتنامه ارجاع اختلاف آنان را یاری دهد^(۲).

روش عمل:

خدمات مرکز در این زمینه یعنی مساعی جمیله بر روی همگان باز است. حتی کسانی هم که اختلاف آنها در چارچوب یک رابطه موجود تجاری بروز کرده است می توانند از خدمات مرکز در این زمینه استفاده کنند، چرا که ممکن است قراردادی که موجد رابطه تجاری میان آنان است، هیچ پیشبینی خاصی در مورد روشهای حل و فصل اختلافات احتمالی نداشته باشد و یا ممکن است طرفین تمایل داشته باشند در مورد احتمال اصلاح و تغییر روشها و مکانیزمهای پیش بینی شده در قرارداد فی مابین خود، بحث و بررسی به عمل آورند.

خدمات مرکز در این زمینه کاملاً جنبه غیر رسمی دارد و نیازی به هیچ تقاضای مخصوص یا فرم درخواست خاصی ندارد. طرفی که مایل است از خدمات واپیو در این زمینه استفاده کند، فقط باید به سادگی با مرکز داوری واپیو تماس گرفته و خواستار آن شود که مرکز

1. Submission Advisory Service

2. International Bureau of WIPO, *Supra*, P.20

برای تشکیل یک جلسه بین اطراف یک اختلاف تلاش کند. به این منظور، فردی که خواستار این امر است باید نام و مشخصات لازم اطراف اختلاف و در صورت لزوم وکلا و نمایندگان آنان را به همراه شرح مختصری از ماجرا در اختیار مرکز قرار دهد. این شرح ماجرا تنها برای آن لازم است که مرکز به هنگام برقراری تماس با اطراف اختلاف، بتواند موضوع را به دقت برای آنان شرح دهد. این خدمات را مرکز به صورت محرمانه انجام می‌دهد و هر نوع جزئیاتی که توسط اطراف دعوی در اختیار مرکز قرار می‌گیرد کاملاً محرمانه خواهد ماند و در اختیار هیچکس خارج از طرفین دعوی قرار نخواهد گرفت. بعلاوه هیچ یک از جلسات به هیچ عنوان از سوی وایپو، ثبت و ضبط نخواهد شد.

جلساتی که در راستای خدمات ارائه شده از سوی مرکز به عنوان مساعی جمیله بین اطراف اختلاف برگزار می‌شود، به هیچ عنوان اثری بر روی ماهیت دعوی و جریان رسیدگی که احتمالاً در آینده در مورد موضوع برگزار خواهد شد نداشته و قبل از برگزاری جلسات از حضور خواسته می‌شود تعهدنامه‌ای را امضا کنند که بموجب آن هیچ یک از اظهارنظرها، افشای اطلاعات و یا پیشنهادهاتی که در طی جلسات مورد نظر مطرح می‌شوند، در هیچ موردی چه مربوط به قضیه و چه غیر مرتبط با آن در هیچ مرحله‌ای مورد استفاده واقع نخواهد شد. این خدمات دارای جنبه اختیاری بوده و به هیچ وجه خصیصه الزام آور ندارد. این نکته بدان معنی است که حتی کسی که خودش از مرکز تقاضای ورود به مساله را نموده، آزاد است در هر مرحله‌ای از کار چه قبل از تشکیل جلسات و چه پس از آن و یا در حین جلسات، به دلخواه خود از ادامه کار صرف‌نظر کند و جلسات را ترک نماید و بطریق اولی سایر اطراف اختلاف نیز بهیچ وجه الزامی به همکاری ندارند و می‌توانند به راحتی تقاضای حضور در جلسه ارجاع احتمالی اختلاف به رویه‌های ارائه شده توسط مرکز را نادیده بگیرند.

مرکز بابت خدماتش در قالب مساعی جمیله هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌کند. با این حال اگر به درخواست طرفین قرار باشد یک جلسه خارج از شهر ژنو که مقر سازمان وایپو و مرکز داوری آن است برگزار شود هزینه‌های سفر و اقامت مامور اعزام شده از سوی مرکز باید به طور مساوی

توسط طرفین پرداخت شود. (مگر آنکه خودشان به نحو دیگری در مورد سهم خود در این هزینه‌ها توافق کنند.)^(۱)

مزایا

نخست آنکه واضح است که وجود یک فضای بحث بی طرف برای مذاکره غیررسمی بین طرفین درگیر، برای هر دو آنان مطلوب خواهد بود زیرا این چنین فضایی برای بحث بر روی مساله در جای دیگری کمتر یافت می‌شود. اگر جلسه‌ای میان اطراف اختلاف تشکیل بشود این جلسه فرصتی در اختیار آنان می‌گذارد که انتخابهای ممکن و گزینه‌های در دسترس برای حل و فصل اختلافشان را بررسی کرده و بهترین راه حل ممکن برای اختلاف خود را انتخاب نمایند و با توافق یکدیگر گامهای لازم در این مسیر را بردارند و علاوه بر تمام اینها، در تمام مراحل می‌دانند که بطور کامل اختیار را در دست دارند و هیچ یک از مراحل مزبور قبل از انعقاد یک قرارداد، برای آنان الزام‌آور نخواهد بود.

میانجیگری:

میانجیگری که از آن بعنوان «مصالحه»^(۲) یا «آشتی» نیز یاد شده است روندی است که در آن یک واسطه بیطرف که میانجی نامیده می‌شود، انتخاب می‌گردد تا به طرفین درگیر در یک اختلاف برای نیل به یک راه حل مرضی الطرفین کمک کند. این راه حل اگر حاصل شود در قالب یک سند الزام‌آور یعنی قراردادی که هر دو طرف آنرا امضا می‌کنند لازم‌الاجرا خواهد گردید. تعریفی که در حقوق بین‌الملل به طور کلی از میانجیگری گردیده است از این قرار است: «میانجیگری عبارت است از اقدام داوطلبانه و فعال یکی از تابعین حقوق بین‌الملل جهت دستیابی به زمینه‌های توافق و رفع اختلافات موجود میان اطراف درگیر در این اختلافات. میانجیگری به درخواست طرفین و یا به پیشنهاد خود میانجی و موافقت طرفین و با در نظر

1. *Ibid*, p.21

2. Conciliation

گرفتن همه شرایط و عناصر اختلاف صورت می‌گیرد^(۱)».

از تعریف فوق می‌توان استنباط کرد که میانجیگری کاملاً اختیاری و داوطلبانه است و هیچ یک از طرفین مکلف به مراجعه به این شیوه نیستند.^(۲) بعلاوه میانجی هیچ قدرتی برای تحمیل یک راه حل به اطراف دعوی ندارد و نیز هر یک از طرفین دعوی می‌توانند هر زمان که بخواهند و در هر مرحله‌ای از رسیدگی، قبل از امضا راه حل مورد توافق از ادامه کار صرف نظر نمایند. لذا میانجیگری برای حصول موفقیت از یکسو بستگی به تعهد اخلاقی اطراف اختلاف به نشان دادن حسن نیت برای پیدا کردن یک روش مناسب حل اختلاف و از سوی دیگر به مهارت و تجربه میانجی و درجه اعتماد و اطمینانی که وی می‌تواند به طرفین دعوی القا کند، دارد. از آنجا که میانجیگری بیشتر یک روش دوستانه است و سبب رویارویی طرفین نمی‌شود، به خصوص برای حل اختلافاتی مناسب است که در چارچوب روابط تجاری موجود رخ می‌دهد و طرفین مایلند ضمن رفع اختلافات بوجود آمده، به روابط خود ادامه داده و باز هم با یکدیگر همکاری داشته باشند و اختلافی که رخ داده است سبب قطع رابطه تجاری‌شان نشود.

- تفاوت اصلی میانجیگری با مساعی جمیله:

علی‌رغم اینکه این دو روش هر دو اختیاری هستند و طرفین هیچ الزامی در قبول پیشنهادها ندارند ولی در هر حال تفاوت‌هایی میان آنها هست. عمده‌ترین تفاوت در این است که در مساعی جمیله جلب رضایت خاطر طرفین برای آغاز اقدامات طرف ثالث لازم نیست بلکه وی اصولاً اقدامات خود را آغاز می‌نماید تا رضایت آنان را برای مراحل بعدی کسب نماید، حال آنکه در روش میانجیگری، شخص میانجی باید مورد قبول و تایید طرفین اختلاف باشد. از طرف دیگر در مساعی جمیله وظیفه شخص ثالث فقط ایجاد یک کانال ارتباطی بین دو طرف است در حالیکه میانجی نقش فعالی داشته و در مذاکرات بصورت فعال شرکت می‌کند. بعبارت دیگر در

۱. موسی زاده، رضا، پیشین، ص. ۱۶۴

۲. البته اگر بر اساس موافقتنامه‌ای رجوع به میانجیگری برای اطراف اختلاف اجباری باشد اصل فوق مجرا نخواهد بود.

روشهای حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی ■ ۱۷۳

مساعی جمیله دامنه دخالت شخص ثالث محدود است ولی در میانجیگری شخص ثالث دخالت وسیعی در موضوع اختلاف دارد. بدین لحاظ در مساعی جمیله شخص ثالث در ماهیت دعوی وارد نمی‌شود و هدف وی تنها ایجاد زمینه‌های^(۱) لازم به منظور به وجود آوردن جو مساعدی برای حل اختلاف است، حال آنکه در میانجیگری، میانجی خود ارائه طریق کرده و با دادن پیشنهادات لازم وارد ماهیت دعوی می‌شود^(۲).

- نقش مرکز داوری و میانجیگری وایپو

نقشی که مرکز داوری و میانجیگری وایپو در یک روند میانجیگری ایفا می‌نماید، در «قواعد میانجیگری وایپو»^(۳) چنین تشریح شده است:^(۴)

مرکز در این زمینه

- تقاضای میانجیگری را دریافت می‌کند که این عمل سرآغاز مراحل میانجیگری است؛
- در صورتی که طرفین خود یک میانجی انتخاب نکرده باشند و یا مکانیزم خاصی برای انتخاب میانجی در نظر نگرفته باشند، مرکز میانجی را انتخاب می‌کند.
- پس از مشورت با میانجی و نیز طرفین اختلاف و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، مبالغی را که باید به میانجی پرداخت شود، معین می‌کند.
- از طرفین برای تضمین پرداخت هزینه‌های میانجی و سایر هزینه‌های مربوطه، وثیقه دریافت می‌کند و در پایان کار هزینه‌های متعلقه را کسر و باقی را به همراه سود احتمالی که به آن تعلق گرفته است، به طرفین مسترد می‌دارد.
- مرکز چنانچه طرفین بخواهند، ترتیب اتاق برگزاری جلسات و نیز خدمات ترجمه و

۱. از قبیل ارائه خدماتی مثل برپایی جلسات و تسهیل ارتباطات

۲. همان، صص. ۳-۱۷۲

3. WIPO Mediation Rules

۴. قواعد میانجیگری وایپو، مجموعه قواعدی است که از سوی این سازمان تنظیم شده است و از اول اکتبر ۱۹۹۴ بر سیر مراحل میانجیگری که به این مرکز ارجاع می‌گردد، حاکم است. این قواعد مشتمل بر ۲۷ ماده به ضمیمه جدول هزینه‌ها است.

خدمات دبیرخانه‌ای را بر عهده می‌گیرد. اگر میانجی‌گری در مقر سازمان جهانی مالکیت معنوی صورت گرفته باشد، اتاقهای مخصوص جلسه بدون دریافت وجه اضافی در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. اما هزینه‌های مربوط به خدمات اضافه از قبیل ترجمه یا ثبت اسناد، خارج از هزینه اولیه ثبت قضیه در وایپو محاسبه شده و باید به مرکز پرداخت گردد^(۱).

هزینه‌های متعلقه به مرکز:^(۲)

مرکز یک هزینه ثبت قضیه دریافت می‌کند که بر مبنای مقدار مبلغ خواسته اسمی اختلاف، محاسبه می‌گردد.

هزینه‌های متعلقه به میانجی:

هزینه‌هایی که به میانجی پرداخت می‌گردد را ممکن است بر مبنای ساعتی یا روزانه محاسبه کرد. وایپو میزان حداقل و حداکثر دستمزد میانجیان را در یک جدول ارائه کرده^(۳) و پس از مشورت با شخص میانجی و نیز اطراف اختلاف، مبلغی بین دو حد بالا و پایین مذکور را با در نظر گرفتن مبلغ اسمی اختلاف و میزان پیچیدگی موضوع اختلاف و سایر شرایط مربوطه، بعنوان حق العمل میانجی برای پرداخت به وی تعیین می‌نماید. همچنین تعیین واحد پولی و نیز برنامه زمانی و نحوه پرداخت هزینه‌ها را مرکز بر عهده دارد. اگر طرفین، خود به نحو دیگری برای پرداخت هزینه‌های مذکور توافق ننموده باشند، این هزینه‌ها به طور مساوی از طرفین اخذ می‌گردد.

1. International Bureau of WIPO, **WIPO Mediation Rules**, WIPO Publication No.446,6th Edition, Geneva, 1999,p.p.6-17

2. Fees of the Center

۳. این جدول ضمیمه قواعد میانجیگری وایپو است.

- قید ارجاع به میانجیگری در قراردادها^(۱)

مرکز داوری و میانجیگری وایپو برای کسانی که مایلند اختلافات احتمالی را که ممکن است در اثر قراردادهایشان پیش آید، به روش میانجیگری تحت قواعد این مرکز ارجاع دهند، پیشنهاد می‌کند که قید ذیل را در قرارداد خود بگنجانند:

«هر اختلاف^(۲)، مرافعه^(۳) یا دعوی^(۴) که در اثر این قرارداد و کلیه الحاقات و اصلاحات بعدی آن بوجود آید از قبیل اختلاف در شکل، اعتبار، اثرات الزام آور، تفسیر، اجرا، نقض یا خاتمه آن و نیز دعاوی غیر قراردادی مرتبطه باید بدون محدودیت، برای حل و فصل به «میانجیگری تحت قواعد سازمان جهانی مالکیت معنوی» ارجاع گردد. محل میانجیگری باید... و زبان مورد استفاده در میانجیگری... باشد.»

اما برای ارجاع یک اختلاف موجود به میانجیگری تحت قواعد وایپو پیشنهاد شده است که از متن قراردادی ذیل استفاده شود:

«اینجانبان طرفین امضاکننده این موافقتنامه بدین وسیله توافق می‌کنیم که اختلاف ذیل را برای حل و فصل به میانجیگری تحت قواعد وایپو تسلیم نماییم. (..شرح مختصری از اختلاف...) محل و زبان مورد استفاده در مراحل میانجیگری.. است.»

- مکان میانجیگری:

انتخاب محل برای تشکیل جلسات میانجیگری چنانچه از متون بالا نیز معلوم است، بر عهده طرفین دعوی است. میانجیگری ارائه شده توسط مرکز داوری و میانجیگری وایپو در هر مکانی از جهان می‌تواند صورت پذیرد.

1. Contract Clause

2. Dispute

3. Controversy

4. Claim

داوری^(۱)

بر خلاف میانجیگری که در حقیقت چیزی نیست جز ادامه مذاکرات مستقیم طرفین یک اختلاف منتهی با حضور و دخالت یک واسطه بیطرف، داوری در برگیرنده پروسه دادرسی در مورد حقوق طرفین توسط یک دیوان متشکل از یک یا چند داور است که می تواند تصمیمی اتخاذ کند که برای طرفین الزام آور محسوب گردد^(۲).

داوری از آن دسته از روشهای حل و فصل اختلاف است که شاید بتوان قدمت آن را از زمانی دانست که اصولاً «اختلاف» در جوامع بشری بوجود آمد و بشر متوجه شد برای حل اختلاف راهی غیر از درگیری و نابودکردن طرف مقابل نیز وجود دارد! در هر حال داوری از کهن ترین روشهای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات است و حتی در تاریخ اسلام نیز موارد بسیاری از توسل به داوری می توان پیدا کرد. اما داوری با خصوصیات حقوقی خاصی که امروزه برای آن ذکر می شود حداکثر قدمتی به اندازه سه قرن دارد.

مبنای داوری در رسیدگی به اختلاف، اراده آزاد اصحاب دعوی است. و این رسیدگی زمانی صورت می گیرد که اطراف یک اختلاف توافق خود در مورد این مساله را با انعقاد یک موافقتنامه صراحتاً اعلام کرده باشند. این رضایت ممکن است بصورت شرط رجوع به داوری در قراردادها برای رسیدگی به اختلافات آینده و یا به صورت قرار رجوع به داوری برای اختلافاتی که قبلاً بروز کرده اند اعلام گردد.

یکی از مهمترین نکاتی که باید در قراردادهای داوری مورد توجه قرار گیرد، تعیین دقیق موضوع داوری است. چرا که همانطور که گفته شد، احکام داوری جنبه الزام آور داشته و لذا باید از قبل حدود اختیارات داوران دقیقاً مشخص شود تا داوران فراتر از اختیار خود حکمی صادر نکنند. احکام داوری، الزامی و قطعی است و معمولاً غیر قابل استیناف و فرجام خواهی می باشد و طرفین متعهد هستند که بلافاصله پس از صدور حکم آنرا به مرحله اجرا در آورند^(۳).

1. Arbitration

2. International Bureau of WIPO, *The Services of the WIPO Arbitration Center*, Geneva, 1998, P.27

۳. موسی زاده، رضا، پیشین، صص ۴-۲۱۳

در داوری طبق «قواعد داوری وایپو»^(۱)، بر عهده اطراف اختلاف است که انتخاب کنند یک داور به اختلاف آنها رسیدگی کند یا هیاتی از داوران این مهم را بر عهده گیرند. اگر خود چنین انتخابی نکرده باشند، مرکز داوری و میانجیگری وایپو معمولاً یک داور واحد برای رسیدگی بر می‌گزیند مگر آنکه شرایط و اوضاع و احوال چنان اقتضا کند که مرکز تشخیص دهد هیات داوری بهتر است متشکل از سه داور باشد^(۲).

همچنین انتخاب زبان داوری بر عهده طرفین است و در صورت عدم انتخاب توسط آنان، طبق قواعد داوری وایپو، مرکز همان زبانی را بر می‌گزیند که قرارداد ارجاع اختلاف به داوری با آن زبان نوشته شده است. البته در مراحل بعدی دیوان داوری می‌تواند با توافق طرفین زبان را عوض نماید.

قانون حاکم بر ماهیت اختلاف نیز توسط طرفین انتخاب می‌شود و اگر خودشان آنرا انتخاب نکرده باشند، قواعد داوری وایپو به دیوان تشکیل شده اجازه می‌دهد راساً و به تشخیص خود قانون مناسب را برگزیند^(۳).

تصمیم دیوان که در قالب یک حکم ابلاغ می‌گردد، چنانچه ذکر شد، نهایی، قطعی و لازم‌الاجرا است و معمولاً به لحاظ ماهوی قابل تجدید نظر نیست^(۴).

در اکثر موارد داوری تجاری، طرفین حکم داوری را اجرا می‌نمایند و نیازی به وجود ضمانت اجرا از سوی دیوان نیست. اما هر کجا که یک طرف اختلاف از عمل به حکم دیوان سرباز زند، مساله اجرا اصولاً موکول به قوانین و مقررات کشوری است که از محاکمش درخواست

۱. قواعد داوری وایپو که همزمان با قواعد میانجیگری، از اول اکتبر ۱۹۹۴ رسمیت یافته است، مشتمل بر ۷۸ ماده و یک جدول ضمیمه است.

2. International Bureau of WIPO, *Supra*, p.26

3. See: International Bureau of WIPO, **WIPO Arbitration Rules**, WIPO Publication NO.446, Geneva, 1999.

۴. عده‌ای از کشورها در قوانین داخلی خود، برای دادگاههای خود این صلاحیت را قائل می‌شوند که بعنوان مرجع تجدیدنظر و فرجام خواهی آن دسته از داوری‌های تجاری بین‌المللی که در خاک آنان برگزار می‌شود، عمل کنند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. جزوه کلاسی دکتر محمد باقر میرعباسی درس «روشهای مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی» دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

شناسایی و اجرای رأی داور می‌شود. در حال حاضر مهمترین سند بین‌المللی که در مورد اجرای احکام داوری خارجی وجود دارد، «کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی» است که بیش از ۹۰ کشور جهان به آن ملحق شده‌اند و جزو قوانین داخلی آنها محسوب می‌گردد^(۱).

- نقش مرکز داوری و میانجیگری وایپو:

نقش این مرکز بعنوان یک مقام اجرایی چنانچه قبلاً اشاره شد در قواعد داوری وایپو ذکر شده است. در مجموع نقش مرکز در شش کارکرد عمده تجلی می‌یابد:

۱- در خصوص تشکیل یک محکمه داوری بر عهده مرکز است که مراقبت نماید کلیه مراحل با نظم و هماهنگی جریان یابد و دیوان چنانکه باید و شاید تشکیل شده و آغاز به کار نماید. در این مرحله مرکز:

- اظهاریه‌های کتبی و سایر مکاتبات انجام شده توسط اطراف دعوی را میان آنان تازمانی که دیوان تشکیل شود، به جریان می‌اندازد.

- اگر طرفین خود داور را انتخاب ننمایند و یا در مهلت مقرر موفق به انجام این کار نشوند، مطابق با قوانین وایپو، مرکز کار انتخاب داور یا داوران را بر عهده می‌گیرد.
- هزینه‌ها و عوارض مربوطه را تعیین می‌نماید^(۲).

۲- مرکز پابندی طرفین اختلاف و نیز دیوان داوری به زمانبندی‌های از پیش تعیین شده را کنترل می‌کند. بویژه مرکز این اختیار را دارد که مطابق قوانین وایپو برخی محدوده‌های زمانی را تمدید و اضافه نماید. بعلاوه، قواعد مذکور ایجاب می‌نماید که دیوان داوری در مواردی که در وقت مقرر، پروسه داوری مختومه اعلام نگردیده و یا حکم صادر نشده است، یک گزارش از وضعیت و دلایل تاخیر پیش آمده، به مرکز ارسال کند.

۱. ر.ک. سوسن خطاطان، پیشین.

۲. مواد ششم تا بیست و سوم قواعد داوری وایپو ناظر به این موضوعات است.

۳- پس از تشکیل دیوان ممکن است از مرکز خواسته شود در برخی موارد که تصمیم‌گیری از سوی خود دیوان غیر ممکن و یا غیر مقتضی است، تصمیم‌گیری نماید، مثلاً در مورد جرح و رد داور از سوی اطراف دعوی^(۱) و با عزل و جایگزینی یک داور^(۲). این تصمیمات را مرکز به یک کمیته ویژه از اعضا کمیسیون مشورتی داوری واپیو ارجاع می‌دهد. ترکیب کمیته مذکور باید به اطلاع طرفین رسانده شود.

۴- چنانچه اطراف اختلاف درخواست کنند، مرکز خدمات پشتیبانی و اداری - اجرایی برای داوری ارائه می‌دهد، خدماتی از قبیل: اتاق استراحت، تجهیزات ثبت و ضبط، ترجمه و خدمات دبیرخانه‌ای. وقتی که داوری در مقر واپیو برگزار می‌گردد اتاقهای مورد نظر بدون اخذ وجه اضافه تامین می‌گردد ولی سایر خدمات در ازای پرداخت وجه ارائه می‌گردد که جدا از تعرفه هزینه اولیه محاسبه می‌گردد.

۵- مرکز، وثیقه‌های پولی لازم را که طرفین باید بعنوان تضمین پرداخت مخارج داوری بسپارند دریافت کرده و امور اداری و محاسباتی مربوط را انجام داده و در نهایت پس از محاسبه کسورات و نیز سود متعلقه در مدت مراحل داوری، باقی مانده را به طرفین مسترد می‌دارد.

۶- مرکز، حکم اعلام شده توسط دیوان را به جریان می‌اندازد^(۳).

- هزینه‌های مرکز:

به یک پروسه داوری که توسط مرکز اجرا می‌گردد، دو نوع هزینه تعلق می‌گیرد که باید به مرکز پرداخت شود. نخست، هزینه ثبت اولیه قضیه^(۴) است که بر مبنای مبلغ «خواسته اسمی» دعوی محاسبه می‌گردد و پرداخت آن بر عهده مدعی در هنگام ثبت قضیه است.

دوم هزینه اجرایی^(۵) است که این نیز بر مبنای مبلغ اسمی دعوی محاسبه می‌گردد که

1. Challenge of Arbitrator

2. Release or Replacement of an Arbitrator

3. International Bureau of WIPO, *The Services of the WIPO Arbitration Center*, Geneva, 1998, p.28

4. Registration Fee

5. Administration Fee

در مورد دعوی از سوی «خواهان» و در هنگام دعوی متقابل از سوی «خوانده» باید پرداخت گردد^(۱).

- هزینه‌های داور:

مسئولیت تعیین مبلغ و نوع ارزی که حق الزحمه داور یا داوران باید طبق آن پرداخت گردد و مسائل شکلی و تشریفات و زمان بندی پرداخت، بر عهده مرکز داوری وایپو است که این وظیفه را با مشورت داور انتخابی و طرفین اختلاف انجام می‌دهد^(۲).

همانند آنچه در مورد میانجی‌گری گفته شد، مرکز به طور ادواری جداولی ویژه تهیه می‌کند که در آن حداکثر و حداقل هزینه‌هایی که باید بنفع داور یا داوران پرداخت گردد، مشخص شده است. مرکز پس از مشورت‌های لازم و با در نظر گرفتن تخمینی زمان مورد نیاز برای حل و فصل اختلاف (یعنی مدت زمانی که داور به کار داوری در این پرونده اشتغال خواهد داشت) مبلغ خواسته دعوی، میزان پیچیدگی موضوع اختلاف، میزان فوریت آن و سایر اوضاع و احوال مرتبط با قضیه مبلغی بین سقف و کف مبالغ مندرج در جدول مذکور را تعیین می‌نماید.

- قید ارجاع به داوری؛ قرار ارجاع به داوری

برای ارجاع اختلافات احتمالی آینده به رویه‌های قواعد داوری وایپو، مرکز پیشنهاد می‌کند که قید ذیل در قراردادها گنجانده شود: «هر اختلاف، مرافعه یا دعوی^(۳) ناشی از این قرارداد یا مرتبط با آن و یا الحاقیه‌های آن شامل مسائل شکلی، اعتبار، اثرات الزام‌آور آن، تفسیر، اجرا، نقض یا خاتمه و نیز دعاوی غیر قراردادی مرتبط با آن باید برای رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی به داوری تحت قواعد داوری سازمان جهانی مالکیت معنوی ارجاع گردد. هیات داوری باید از... نفر داور تشکیل شده و داوری در محل... و به زبان... برگزار گردد. قانون حاکم بر مسائل

۱. مواد شصت و هفت و شصت و هشتم قواعد داوری وایپو

۲. ماده شصت و نهم قواعد داوری وایپو

ماهوی، قانون... خواهد بود^(۱)»

اما برای ارجاع یک «اختلاف موجود» به داوری تحت قواعد داوری وایپو، مرکز پیشنهاد می‌کند که موافقتنامه‌ای به شرح ذیل منعقد گردد:

«اما امضاکنندگان ذیل بدینوسیله توافق می‌نماییم که اختلاف زیر را برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهایی به داوری تحت قواعد داوری سازمان جهانی مالکیت معنوی ارجاع دهیم. (شرح مختصر اختلاف). مکان داوری... زبان آن... و قانون حاکم بر مسائل ماهوی، قانون... خواهد بود.»

مکان داوری

معمولا مکان داوری نشان دهنده قانونی است که بر مسیر جریان حاکم است یعنی قانونی که بویژه رابطه میان سیر داوری از یکسو و میزان توجه محاکم قضایی میزبان و اقدامات آنان در رابطه با داوری را از سوی دیگر تنظیم می‌کند. شایان ذکر است که با وجود آنکه در اکثر موارد، گفته می‌شود که حکم داوری، قطعی و نهایی است، معینا نوعی عرف در حقوق تجاری بین‌المللی ایجاد شده است مبنی بر اینکه از احکام داوری‌های تجاری بین‌المللی در صورتی که قانون کشور میزبان این صلاحیت را برای دادگاه‌های خود شناخته باشد، می‌توان در دادگاه‌های کشور محل برگزاری داوری، تقاضای تجدید نظر کرد. این امر خود یکی از دلایل اهمیت یافتن محل داوری بشمار می‌رود.

مطابق قواعد داوری وایپو، بر عهده اطراف دعوی است که تعیین کنند داوری در کدام محل تشکیل شود و این مکان می‌تواند هر نقطه‌ای در جهان باشد. اما اگر آنان خود توافق نکنند، مرکز بر اساس اوضاع و احوال و قرائن موجود از جمله زبانی که برای داوری انتخاب شده یا قانونی که بر مسائل ماهوی حاکم گشته است، محل داوری را برمی‌گزیند.

1. International Bureau of WIPO, **WIPO Arbitration Rules**, WIPO Publication No.446, Geneva 1999, P.74.

داوری سریع^(۱)

این روش داوری چندان تفاوتی با داوری به سبک عادی و متعارف ندارد اما در آن، چهار اصلاح عمده صورت گرفته است تا در نتیجه بتوان داوری را در یک محدوده زمانی کوتاهتر و لذا با هزینه کمتر به انجام رسانید^(۲).

بنابراین تفاوت عمده آن با داوری متعارف در همین اصلاحاتی است که ذیلا ذکر می‌گردند:

- در حالیکه در داوری متعارف «خواهان» می‌تواند اظهارنامه دعوی^(۳) خود را متعاقبا و بطور جداگانه از «تقاضای داوری^(۴)» - که سبب آغاز مراحل کار می‌شود - به دیوان تسلیم نماید، در روش داوری سریع، اظهاریه دعوی باید همزمان با تقاضای اولیه تسلیم گردد. همچنین «خوانده» باید دفاعیه^(۵) خود را همزمان با «پاسخ به تقاضای آغاز داوری» ارسال دارد.

- مهلت‌های زمانی مقرر که در روش داوری سریع برای مراحل مختلف داوری مقرر می‌گردد کوتاهتر از مهلت‌های مقرر برای مراحل مشابه در روش داوری متعارف می‌باشد.

- در روش داوری سریع، همواره فقط از وجود یک داور^(۶) استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، دیوان داوری در این روش همیشه از یک داور تشکیل می‌شود.

- جلسات استماع در مقابل داور بصورت فشرده برگزار شده و غیر از موارد استثنائی و اضطراری، نمی‌تواند از سه روز تجاوز کند.

روش داوری سریع، بویژه برای آن دسته از موضوعاتی که در آنها ارزش مادی اختلاف کمتر از آن است که هزینه‌های توسل به محاکم قضایی و نیز داوری متعارف را توجیه کند و در

1. Expedited Arbitration or Fast -Track Arbitration

2. International Bureau of WIPO, **WIPO Expedited Arbitration Rules**, WIPO Publication No.446, Geneva 1999, P.69.

3. Statement of Claim

4. IRequest for Arbitration

5. Defence

6. Sole Arbitrator

واقع توسل به این نوع روشها برای حل اختلاف مذکور دارای صرفه اقتصادی نیست، بسیار مفید و مناسب است. همچنین این روش برای شرکتها و موسسات کوچکی که توانایی پرداخت هزینه‌های گزاف رسیدگی قضایی و نیز داوری متعارف را ندارند می‌تواند بسیار مطلوب و موثر باشد. همینطور موقعی که باید قضیه سریعا به نتیجه برسد، روش داوری سریع راه حل مناسبی است.

- نقش مرکز، هزینه‌های آن و هزینه‌های داور

«قواعد وایپو در مورد داوری سریع^(۱)» نقش مرکز داوری وایپو در مواردی را که به این روش ارجاع شده‌اند مشخص می‌کند. از آنجا که این قواعد به غیر از اصلاحات مذکور که برای کوتاه کردن زمان و افزایش سرعت کار بعمل آمده‌اند، تفاوتی با «قواعد وایپو در مورد داوری» ندارند، نقش مرکز در این مورد شبیه نقشی است که در مراحل مختلف داوری متعارف ایفا می‌کند.

همچنین انواع هزینه‌هایی که مرکز دریافت می‌دارد مشابه هزینه‌هایی است که برای داوری اخذ می‌کند و مبنای محاسبه آنها نیز مشابه است.

حق الزحمه داور واحد که در این روش از وی استفاده می‌شود نیز همانند داوران در موارد داوری متعارف محاسبه می‌گردد ولی طبعا فوریت موضوع و نیاز به حل و فصل سریع آن می‌تواند عامل مهمی در تعیین حق الزحمه داور در حدود مشخص شده در جداول وایپو باشد.

قید ارجاع به داوری سریع؛ قرارداد ارجاع به داوری سریع

قید ارجاع به داوری سریع در مورد اختلافات احتمالی آینده و قرارداد ارجاع به داوری

۱. این قواعد معمولا به صورت صفحاتی ضمیمه قواعد داوری وایپو بوده و تنها اصلاحات بعمل آمده در مواد مختلف آن را ذکر می‌کند.

سریع برای حل و فصل اختلافات موجود، همانند موارد ارجاع شده به داوری است با این تفاوت که عبارت «تحت قواعد داوری وایپو» در متون مزبور باید به «تحت قواعد وایپو در مورد داوری سریع» تغییر یابد.

روش «میانجیگری که با عدم حصول نتیجه، به داوری تبدیل می‌شود»^(۱).

این روش، یک روش ترکیبی است که در آن اختلاف ابتدا برای حل و فصل به میانجیگری تحت قواعد میانجیگری وایپو ارجاع می‌شود. آنگاه اگر ظرف یک مهلت زمانی مشخص - که معمولاً طرفین این مهلت را حداقل ۶۰ و حداکثر ۹۰ روز در نظر می‌گیرند - روند حل اختلاف به نتیجه‌ای نرسید و طرفین بر سر یک راه حل به توافق نرسیدند و نیز اگر در جریان مراحل میانجیگری، یکی از طرفین از ادامه کار منصرف شده و از حضور در بقیه مراحل سرباز زند، اختلاف برای حل و فصل و تصمیم‌گیری الزام‌آور به داوری^(۲) تحت قواعد داوری وایپو ارجاع می‌گردد^(۳).

مزیت این روش ترکیبی در آنست که سبب می‌گردد طرفین در جریان مراحل میانجیگری، حسن نیت بیشتری از خود نشان دهند چراکه آگاه هستند در صورت بروز هر نوع شکست در مذاکرات میانجیگری، موضوع به داوری ارجاع خواهد شد که هم در وقت و هم در هزینه به مراتب بیش از میانجیگری برای طرفین گران تمام می‌شود. علاوه بر این که یک تصمیم داوری، غیر قابل انعطاف و معمولاً برگشت‌ناپذیر است^(۴).

1. Mediation Followed in the absence of settlement by Arbitration

۲. و یا به نظر طرفین، به داوری سریع

3. International Bureau of WIPO, **The Services of the WIPO Arbitration Center**, Geneva, 1998, P.35.

4. See: Bagner, Hans, **Expedited Arbitration Rules: Stockholm and WIPO**, Arbitration International, Vol.13, No.2, 1997, pp.193-198

- نقش مرکز در این پروسه، عوارض پرداختی به مرکز و هزینه‌های میانجیگری و داوری:

نقش مرکز در دو مرحله متفاوت این روش، تفاوتی با نقشی که بطور مجزا در هر یک از مراحل داوری یا میانجیگری واپیو ایفا می‌کند ندارد. یعنی مرکز در جریان میانجیگری نقش خود را تحت قواعد میانجیگری واپیو ایفا می‌کند و در صورت شکست مذاکرات و ارجاع موضوع به داوری، نقش خود را تحت قواعد داوری واپیو ادامه می‌دهد.

همچنین هزینه‌هایی که مرکز در مراحل مختلف این روش ترکیبی دریافت می‌کند، همسان هزینه‌هایی است که در مراحل مختلف روشهای میانجیگری و داوری معمولی دریافت می‌گردد با این تفاوت که در این روش در صورت شکست در میانجیگری و ارجاع موضوع به داوری، مرکز آن هزینه اولیه‌ای را که برای آغاز میانجیگری دریافت کرده است بجای هزینه ثبت اولیه داوری منظور خواهد کرد و نیازی به پرداخت مجدد این هزینه اولیه نمی‌باشد.

هزینه‌های پرداختی به میانجی و نیز به داور یا داوران احتمالی، عینا مطابق قواعد میانجیگری و قواعد داوری واپیو برای هر یک بصورت جداگانه‌ای محاسبه و دریافت می‌گردد.

قید ارجاع به این روش در قراردادها و قرار ارجاع به «میانجیگری منتج به داوری»:

برای ارجاع یک اختلاف احتمالی که ممکن است در آینده در اثر یک قرارداد بروز کند، مرکز داوری و میانجیگری واپیو توصیه می‌نماید که در قراردادها، قیدی گنجانده شود عینا مانند قید پیشنهادی برای ارجاع به میانجیگری و بعد به دنبال آن اضافه شود «... اگر اختلاف مزبور که به میانجیگری طبق قواعد واپیو ارجاع شده است، ظرف مدت (۶۰ یا ۹۰) روز از آغاز میانجیگری حل و فصل نگردد، این اختلافات به تقاضای هر یک از طرفین برای حل و فصل و صدور حکم نهایی به داوری تحت قواعد داوری واپیو ارجاع می‌گردد. و نیز اگر پیش از انقضای مهلت مقرر ۶۰ (یا ۹۰) روزه یکی از طرفین از شرکت در جلسات میانجیگری خودداری نماید طرف مقابل با تشکیل پرونده می‌تواند موضوع را برای رسیدگی و صدور حکم نهایی به داوری تحت قواعد واپیو ارجاع دهد. دیوان داوری باید از... نفر داور در محل... و به زبان... تشکیل شده و قانون حاکم بر

مسائل ماهوی، قانون... خواهد بود»^(۱).

برای ارجاع یک اختلاف موجود نیز پیشنهاد شده است که طرفین قراردادی همانند قرارداد ارجاع به میانجیگری تحت قواعد وایپو منعقد ساخته و در ادامه آن، متنی مشابه متن فوق را بیافزایند.

انتصاب میانجی یا داور توسط مرکز داوری و میانجیگری وایپو:

مرکز داوری و میانجیگری وایپو فهرست هایی از اسامی کسانی که دارای مهارت و صلاحیت های کافی برای عمل بعنوان داور یا میانجی در امور مربوط به مالکیت معنوی هستند تهیه می کند. این لیست ها اطلاعاتی از قبیل سابقه شغلی و تحصیلاتی و تجربه تخصصی هر یک از افراد مذکور در امور مربوط به مالکیت معنوی را نیز در بر می گیرد.

این فهرست ها، مهمترین منابع مرکز داوری و میانجیگری وایپو در مواقعی است که از مرکز داوری خواسته می شود میانجی یا داورانی به طرفین اختلاف توصیه کند یا خود رأساً منصوب نماید.

حالت هایی که از مرکز خواسته می شود که انتصاب داور یا میانجی را بر عهده بگیرد، دو نوع متفاوت است: یکی حالتی که قضیه برای حل و فصل به خود مرکز ارجاع گردیده است یعنی قرار است موضوع تحت قواعد داوری یا میانجیگری وایپو رسیدگی شود و دیگری، حالتی که قضیه خارج از چارچوب قواعد وایپو جریان دارد ولی اطراف قضیه از مرکز داوری و میانجیگری وایپو خواسته اند که برای آنان داور یا میانجی انتخاب کند.

الف - در حالتی که موضوع تحت قواعد وایپو جریان دارد:

در این موارد، مطابق قواعد داوری، میانجیگری و داوری سریع وایپو، مرکز در برخی شرایط معین باید انتخاب میانجی یا داور را بر عهده گیرد. در مورد میانجیگری، قواعد وایپو مقرر

1. Ibid, p.36

می‌دارد که طرفین اختلاف خود باید میانجی را انتخاب کنند اما اگر آنان از انجام این کار خودداری کنند و روی طریقه دیگری نیز توافق ننمایند، مرکز داوری و میانجیگری وایپو با هماهنگی طرفین و مشورت با آنان، میانجی را انتخاب می‌نماید.

در مورد داوری، قواعد داوری وایپو جزئیات نسبتاً دقیقی برای چگونگی انتخاب داوران بیان کرده است^(۱). در مورد «داور واحد»، طرفین باید بطور مشترک انتخاب داور را انجام دهند. در مورد سه داور، هر طرف یک داور انتخاب می‌کند و دو داور که با این روش انتخاب شده‌اند، بطور مشترک داور سوم را که ریاست دیوان داوری را برعهده خواهد داشت، برمی‌گزینند. اما در مواقعی که طرفین ظرف مدت معینی حق انتخاب خود را اعمال ننمایند و یا در صورتیکه سر داور ظرف مدت معینی انتخاب نشود، مرکز داوری و میانجیگری وایپو این مهم را انجام خواهد داد. در مواقعی که قرار می‌شود مرکز انتخاب داور واحد یا سرداور را برعهده بگیرد، طبق قواعد داوری وایپو مرکز باید لیستی حاوی اسامی داورانی که بالقوه ممکن است از سوی مرکز انتخاب شوند به‌مراه جزئیات سوابق، تحصیلات، تجربیات و تخصص آنها را برای طرفین ارسال کند تا اگر با یکی از این اشخاص مخالفت خاصی دارند، عقیده خود را به مرکز اعلام کنند و نیز افراد را به ترتیب علائق خود درجه‌بندی نمایند. فردی که در لیستهای بازگشتی از سوی طرفین بالاترین امتیاز را کسب کرده باشد در صورتیکه مشکل خاصی وجود نداشته باشد، از سوی مرکز انتخاب می‌گردد^(۲).

در مورد داوری سریع، قواعد وایپو مقرر می‌دارد که طرفین، بطور مشترک تنها یک داور واحد انتخاب نمایند و اگر آنان ظرف مدت معینی این کار را صورت ندهند مرکز داوری وایپو داور واحد را انتخاب می‌نماید و از آنجا که در روش داوری سریع، تاکید بر انجام گرفتن کارها در مدت کوتاهتر است، مرکز دیگر لیستی برای طرفین ارسال نمی‌کند و خود با تشخیص خود، انتخاب می‌نماید.

۱. ماده نوزدهم قواعد داوری وایپو، این ترتیبات را تحت عنوان (Default Appointment) بطور مشروح بیان داشته است.
۲. از این روش معمولاً به «روش لیستی» تعبیر می‌شود.

ب - نصب میانجی یا داور در قضایایی که مرکز داوری وایپو اجرای آنها را برعهده ندارد:

مرکز داوری وایپو به درخواست اطراف اختلاف و در ازای دریافت حق الزحمه، در مواردی که برای حل و فصل به آن ارجاع نشده و در خارج از چارچوب وظایف مرکز جریان دارند نیز به انتخاب داور یا میانجی اقدام می‌کند. مبالغی که مرکز برای این کار دریافت می‌کند، در جدولی مشخص است.

خصوصیات و امتیازات سه روش اصلی غیرقضایی حل و فصل اختلافات:

بطور کلی شیوه‌های حل و فصل اختلافات را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: یکی رسیدگی قضایی در محاکم که بنا بر ماهیت خود علی‌الاصول شیوه «ترافی» است. دوم شیوه‌های دوستانه که مبتنی بر تراضی طرفین دعوی است. گروه دوم که قبلاً از آن با عنوان «روشهای جایگزین» یاد کرده‌ایم، خود مشتمل است بر داوری، کمیسیونهای سازش^(۱)، مراجعه به کارشناس، میانجی‌گری و واقعیت‌یابی^(۲) که وجه مشترک اصلی همه آنان همانطور که اشاره شد، توافق و تراضی قبلی طرفین است که در واقع اساس صلاحیت و مشروعیت مرجع رسیدگی را تشکیل می‌دهد. همین ویژگی یکی از مهمترین وجوه افتراق شیوه‌های رسیدگی دوستانه را با شیوه‌های قضایی رقم می‌زند زیرا برای استفاده از شیوه قضایی در دادگاه، نیازی به توافق قبلی طرفین نیست و هر یک از دو طرف دعوی می‌تواند به دادگاه مراجعه و درخواست رسیدگی نماید. اصولاً دادگاه دارای صلاحیت عام است و مشروعیت و اقتدار آن ناشی از قانون است و توافق اصحاب دعوی نقشی در آن ندارد. پس جوهر اصلی شیوه‌های دوستانه عبارت است از تراضی و توافق اصحاب دعوی که برای حل اختلاف خود، به طرف ثالث مراجعه نمایند. همین تراضی باعث می‌شود که اولاً فضای سنگین بگو و مگو در دادگاه به جوی دوستانه مبدل شده و از انعطاف زیادی برخوردار گردد و ثانیاً اصحاب دعوی آزادی عمل فراوانی در نحوه حل و فصل دعوی خود

1. Conciliation Commissions

2. Fact Finding

داشته باشند.

داوری و امتیازات آن

علاوه بر خصیصه مشترک فوق‌الاشاره یعنی عنصر توافق و تراضی، چون در روش داوری طرفین می‌توانند افراد مورد نظر و معتمد خود را با توجه به تخصص آنها بعنوان داور انتخاب کنند، می‌توانند آسوده خاطر باشند که از امتیازات ذیل به نسبت روشهای حل و فصل قضایی، بهره افزونتری می‌برند:

- رعایت تخصص

- سرعت و کارایی

- بیطرفی^(۱)

- محرمانه بودن^(۲)

- و کم هزینه بودن.

تمام موارد فوق در روش داوری به نسبت روشهای حل و فصل قضایی، به مراتب بیشتر به چشم می‌خورد و بیشتر این امتیازات نیز مدیون این خصیصه داوری است که طرفین خود داور و قانون حاکم بر سیر رسیدگی و قواعد حاکم از جمله میزان محرمانه بودن کار را مشخص می‌کنند و لذا می‌توانند اطمینان حاصل نمایند که داور، فردی بی‌طرف و متخصص است و قواعد مورد نظر آنان را مراعات خواهد کرد.^(۳)

1. Neutrality

2. See: Scott, A. Hugh/Columbia, Sarah Chapin, **Ensuring a confidential arbitration process**, International Commercial Litigation (Supplement: A guide to resolving intellectual property disputes), October 1996, pp.2 et seq.

۳. همچنین ر.ک. محبی، محسن، **نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی**، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، ۱۳۷۸، صص. ۴۶-۴۲.

داوری سریع و امتیازات آن:

روش داوری سریع که یکی از ابتکارات سازمان جهانی مالکیت معنوی است، روشی است که در آن تلاش شده است علاوه بر حفظ مزیت‌های که برای داوری متعارف بر شمردیم، برخی از دشواریهای ناشی از آن غلبه شود و این روش را برای دعاوی تجاری و مخصوصاً دعاوی مربوط به حوزه مالکیت معنوی، هر چه بیشتر مناسبتر و پرفایده‌تر بگرداند.

با وجود تمام مزایایی که برای روش داوری نسبت به روشهای رسیدگی قضایی در دادگاهها ذکر کردیم، بسیاری از حقوقدانانی که قراردادها را به نگرارش درمی‌آورند و نیز شرکتهای تجاری از این مساله شکایت دارند که داوری در صحنه بین‌المللی بسیار دست و پاگیر، پرهزینه و بیش از حد مقرراتی و قانونگرا شده و تا حد زیادی متاثر از روشهای قضایی گردیده است. از اینرو، متخصصان داوری در نهادهای مختلف سعی کرده‌اند با ابداع مکانیزمهای جدید و عرضه روشهای اصلاح شده، به این مشکلات پاسخ داده و راه‌حلهایی برای مشکلات مزبور پیدانمایند. از جمله موفق‌ترین این تلاشها، ارائه روش داوری سریع است که در قالب قواعد داوری سریع وایپو به جامعه بین‌المللی معرفی و عرضه شده است. در اینجا باید اشاره کرد که هر چند امکان دارد این روش در جلب اعتماد و نظر مساعد عده‌ای، ناکام بوده باشد و این عده روش داوری سریع را در تامین «امنیت حقوقی»^(۱) خود ناکارآمد بدانند،^(۲) اما در مقابل باید گفت روش داوری سریع برای کسانی طراحی شده است که وقت را عنصر اساسی به شمار آورده و خطر آن ۱۰٪ احتمال کاهش «امنیت حقوقی» را در قبال سرعت عمل و کاهش مخارج، می‌پذیرند. مثلا در موقعیتی که دو شرکت با ارتباطات فراوان و گسترده، این احتمال را در نظر می‌گیرند که درصدی از قراردادهایشان سبب بروز اختلافاتی شود، در عین حال که تلاش می‌کنند در تمام این اختلافات، خود پیروز از میدان خارج شوند، خطر باخت در برخی از این اختلافات را نیز

1. Legal Security

۲. منظور این است که اگر چه احتمالا در ۹۰٪ موارد، یک داور با تجربه با مطالعه پرونده‌ای بطور خلاصه در مدت مثلا پنجاه ساعت، به همان نتیجه اصلی برسد که یک هیات داوری متشکل از سه داور بعد از هزار ساعت کار بر روی پرونده به آن نتیجه می‌رسند اما همان ۱۰٪ احتمال عدم موفقیت، برای عده زیادی از شرکتهای و موسسات مخصوصاً آنها که در دعاوی بین‌المللی با حجم سنگین و مبالغ زیاد درگیر هستند کافی است که اختصاص مخارج اضافه و زمان بیشتر را جهت رسیدگی قضیه توسط هیات داوری و به روش داوری متعارف برای آنان توجیه نماید.

می‌پذیرند، یعنی همان خطری که ممکن است در اثر انتخاب روش داوری سریع به جای داوری متعارف دامنگیر آنها شوند و صرف هزینه مضاعف و زمان اضافی برای افزایش شانس خود تنها به میزان ده درصد را عقلانی نمی‌دانند، دیدگاهی شبیه کارشناسان شرکتهای بیمه که با قبول خطرات احتمالی، سعی دارند منافع شرکت خود را به حداکثر برسانند.^(۱)

بعلاوه، عده زیادی نیز روش داوری سریع را ترجیح می‌دهند چراکه معتقدند یک هیات داوری سه نفره ولو با صرف هزار ساعت وقت، نسبت به یک داور واحد، آنان را چندان از امنیت حقوقی برخوردار نمی‌سازد. به اعتقاد این اشخاص، اگر اشتباهی از سوی سر داور رخ دهد، داور منصوب طرف ذی‌نفع به احتمال قریب به یقین، از موقعیت کمال استفاده رابرده و در نتیجه رای دو بر یک به ضرر طرف مقابل صادر خواهد شد.

یعنی در این دیدگاه فرض بر این است که داوران منصوب طرفین همواره حداکثر تلاش خود را می‌کنند که در دعوی، رای به نفع طرف نصب‌کننده آنان صادر شود و لذا در این میان، رای سرداور است که اهمیت می‌یابد. بنابراین، قضیه تفاوت چندانی با وقتی که یک داور بخواهد به تنهایی به موضوع رسیدگی کند، ندارد. پس صرف هزینه و زمان زیادتر برای رسیدگی توسط یک هیات سه نفری، تنها اتلاف وقت و منابع مالی خواهد بود. البته این دیدگاه ممکن است بسیار بدبینانه باشد اما در هر حال واقعیت آن است که عده زیادی این دیدگاه را نصب‌العین خود قرار داده‌اند و همین دیدگاه، انگیزه اصلی آنها در بی‌اعتمادی به هیاتهای داوری و در نتیجه، رجحان سیستم داوری سریع است.^(۲)

در هر حال اساس روش داوری سریع در دو عامل خلاصه می‌شود (۱) استفاده از یک داور به جای هیات داوری و (۲) در نظر گرفتن مهلت‌های زمانی کوتاهتر. در عین حال داوری سریع

1. Paulsson, Jan , **The WIPO Expedited Arbitration Rules: Fast-Track Arbitration I**, World Arbitration and Mediation Report, Vol.6,No.11, November 1995, pp.255-258

2. Paulsson, Jan , **Fast Track Arbitration (With Special Reference to the WIPO Expedited Arbitration Rules)**, Hastings International and Comparative Law Review, Vol.18,No.3, Summer 1995, pp.713-718

منجر به رای‌ی می‌شود که درست به همان اندازه آراء داوری متعارف قطعی، نهایی و لازم‌الاجرا است، فقط سریعتر حاصل شده است.

اما گذشته از تمام مطالب فوق، روش داوری سریع به اعتقاد اکثر کارشناسان ممکن است برای شرکتها و افرادی که در رابطه مداوم با یکدیگر نبوده و متعلق به فرهنگها و سیستم‌های حقوقی متفاوتی هستند، چندان مناسب نباشد چرا که با الزام به تشکیل سریع پرونده و تقدیم سریع لوائح لازمه، فرصت آشنایی با نظرات طرف مقابل و سیستم رسیدگی برای اطراف اختلاف وجود نخواهد داشت و لذا ممکن است اشتباهات بسیاری رخ دهد که در فرصت بیشتر برای مطالعه و بررسی قضیه از سوی طرفین و نیز دیوان، جلوی این اشتباهات گرفته می‌شد. لذا در چنین مواردی، بخصوص اگر زمان کافی برای رسیدگی وجود داشته باشد، توصیه می‌شود که طرفین اگر می‌خواهند از داوری استفاده کنند، داوری متعارف را برای حل و فصل اختلافات خود برگزینند و روش داوری سریع را به کناری نهند^(۱).

مزایای میانجیگری در حل و فصل اختلافات حوزه مالکیت معنوی:

در یک اختلاف مربوط به کپی رایت یک برنامه رایانه‌ای یا حق اختراع مربوط به صنایع میکروالکترونیک، طی کردن روشهای قضایی و همچنین داوری ممکن است بیشتر از کل دوران سوددهی محصول مورد اختلاف به طول انجامد. بعلاوه صدور یک قرار اقدامات موقتی تأمین می‌تواند تمام خط تولید را نابود کند و نیز یک حکم نهایی ممکن است بسیار دیر صادر شود، زمانی که قربانی عملاً دیگر نابود شده است^(۲).

جهان حقوق مالکیت معنوی نیاز به مکانیزمهایی سریع و موثر برای حل و فصل اختلافات دارد که درست به همان سرعتی حرکت و پویا داشته باشد که تکنولوژی به کار رفته در دارایی‌های فکری موضوع اختلاف به پیش می‌رود. شرکتهای بین‌المللی چند میلیارد دلاری

1. Ibid

2. Burhring-Uhle, Christian, *Arbitration and Mediation in International Business*, Kluwer Publications, London, 1996, P.313.

که درگیر در تبادلات کالاهای معنوی و فکری در عرصه بین‌المللی هستند، نمی‌توانند یک زمان طولانی برای نشستن به همراه وکلای خود پشت میزهای دادگاهها و دیوانهای داوری در مقابل قضات و داوران صرف نمایند. یک چنین زمان طولانی برای حل و فصل اختلافات ناشی از مارکهای تجاری، کپی رایت، حق اختراع و اسرار تجاری برای چنین شرکتهایی به منزله یک فاجعه خواهد بود.

مثلا در نظر بگیرید هنگامی که اختلافی میان یک امتیاز دهنده در یک سوی جهان و شرکت تحت لیسانس او در آن سوی جهان در مورد یک محصول با فن آوری بالا و پیشرفته بروز می‌کند، هر دو طرف خواستار راه‌حلی سریع، به موقع و مناسب هستند که هم در وقت آنان صرفه جویی شود و هم روابط تجاری آنان را تداوم بخشد. چراکه در روابط تجاری بین‌المللی هیچ شرکتی خواستار از دست دادن طرف تجاری خود نیست و اگر بتوان راه‌حلی برگزید که روابط تجاری دو طرف حفظ شود، این راه حل برای هر دو طرف مطلوب خواهد بود.

درست همانطور که در عرصه بین‌المللی و حتی در عرصه‌های ملی کشورهای مثل ایالات متحده، محاکم قضایی رفته رفته به نفع محاکم داوری، جایگاه خود را از دست داده‌اند، پیش بینی می‌شود که نهایتاً در عرصه بین‌المللی، محاکم داوری نیز جایگاه خود را از دست داده و میانجیگری بعنوان روش غالب، جایگزین آن شود^(۱).

مزایای عمده میانجیگری:

(۱) هزینه کمتر

در مقایسه میانجیگری با داوری و روشهای قضایی، در هزینه‌های مربوط به دیوان و وکلای و سایر مخارج مربوطه، صرفه جویی قابل ملاحظه‌ای حاصل می‌گردد. بطور میانگین، مخارج ناشی از یک دعوی مربوط به حق اختراع در دادگاه و مراحل تجدید نظر قضایی در کشورهای

1. Fernandez Carmen Collar/Spolter, Jerry, *International Intellectual Property dispute resolution: Is mediation a sleeping giant?* The Journal of World Intellectual Property, May 1998, pp.555

صنعتی برای هر طرف اختلاف ممکن است به بیش از یک میلیون دلار بالغ گردد. همچنین در داوری نیز گرچه هزینه‌ها از روشهای قضایی کمتر است، نسبت به میانجیگری این مبالغ بسیار زیادتر خواهد بود^(۱).

(۲) زمان

حل و فصل اختلافاتی که به روشهای قضایی و نیز داوری تسلیم می‌شوند، اغلب سالها به طول می‌انجامد. اما میانجیگری می‌تواند ظرف چند ساعت آغاز شود و در مدتی کمتر از یک ماه و حتی یک هفته، به انجام برسد. با توجه به اینکه در بحث مالکیت معنوی، تکنولوژی و موارد مشابه آن، باید به سرعت وارد بازار شوند و ممکن است تاریخ مصرف آنها به سرعت به اتمام برسد، زمان اهمیت فراوانی می‌یابد. از این رو اختلافات مرتبط با مالکیت معنوی نیاز به روشهای سریع حل و فصل دارند تا در نتیجه طرفین به جای وقت‌گذرانی در دادگاهها، بتوانند هر چه زودتر به تجارت خود باز گردند.

(۳) محرمانه بودن

معمولاً موافقت‌نامه‌های میانجیگری - چه بصورت قید ضمن قرارداد باشند و یا به صورت قرار ارجاع به میانجیگری - حاوی این شرط هستند که تمام ارتباطات کتبی و شفاهی مربوط به جریان میانجیگری و نیز گهگاه حتی توافق‌نامه نهایی پس از میانجیگری، کاملاً محرمانه و سری بماند. این خاصیت میانجیگری سبب می‌شود که اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه مربوطه، از دسترس رقبا، مصرف‌کنندگان، رسانه‌ها و افکار عمومی بدور مانده و فاش نگردد.

(۴) کنترل

تمام جریان میانجیگری از جمله نتیجه آن، بطور کامل توسط اطراف اختلاف، کنترل

1. Ibid, P.556

می‌شود. بنابراین طرفین علاوه بر اینکه می‌توانند هر کجا که تشخیص دهند که منافعشان در خطر است، کار را متوقف کرده و از ادامه آن سرباز زنند، در جریان مراحل بررسی اختلاف نیز می‌توانند به جای کاری که دادگاه و محاکم داوری انجام می‌دهند - یعنی تطبیق خشک حقایق با قانون و سپس نتیجه‌گیری - جریان را به این سمت هدایت کنند که خود قضیه بررسی شده و نقطه دقیق اختلاف مشخص گردد و سعی شود با توجه به سوابق طرفین و در نظر گرفتن آینده کاری و تجاری دو طرف، نقطه اختلاف محو گردد.

(۵) راه‌های ابتکاری

در جریان مراحل میانجیگری، فرصت برای ارائه راه‌های ابتکاری بسیار بیشتر از سایر روشها است:

«در میانجیگری، هیچ‌کس علاقه‌ای به سیر حقوقی و قانونی صرف ندارد بلکه همه علاقمند راه‌حلی هستند که برای اوضاع تجاری و مبادلاتشان مناسب‌تر باشد. مثلاً می‌توان برای حل قضیه، موضوع را بجای اینکه از گذشته شروع به بررسی کنید، از سر دیگر قضیه یعنی از آینده شروع نموده و به این طرف حرکت نمایید. با بررسی آینده احتمالی موضوع و روابط تجاری احتمالی آینده میان طرفین، می‌توان برای اختلاف موجود، راه‌حل سریعتر و منعطف‌تری پیدا کرد.»^(۱)

لذا در جریان میانجیگری، بعضاً راه‌حلهایی ارائه می‌شود که در جریان رسیدگی قضایی و داوری، هرگز نمی‌توان به آنها دست یافت. مثلاً می‌توان برای حصول اطمینان از اجرای توافق نامه، مجازاتی برای کسی که آنرا نقض کند در نظر گرفت و توافق نامه را با اسناد اعتباری و این نوع ضمانت‌نامه‌ها محکم نمود.

(۶) رضایت از نتیجه

از آنجا که نتیجه میانجیگری همواره چیزی است که طرفین روی آن توافق کرده‌اند این نتیجه بر خلاف آراء داوری یا آراء دادگاهها که ممکن است کاملاً به ضرر یک طرف باشد، مطلوب هر دو طرف است. بعلاوه بدلیل همین مطلوبیت و توافق نظر طرفین، احتمال اینکه توافق مزبور نقض شود بسیار کمتر است چون چیزی است که طرفین آزادانه آن را پذیرفته‌اند و لذا به همین دلیل، مشکل ضمانت اجرای احکام داوری و دادگاهی در روش میانجیگری رخ نمی‌نماید.

(۷) حفظ و تداوم روابط

بر خلاف طبیعت روشهای قضایی و داوری که مبتنی بر نزاع و برد و باخت و جمع جبری صفر در نتیجه^(۱) می‌باشند، این خاصیت میانجیگری که هر دو طرف برنده آن هستند و جمع جبری نتیجه در آن همواره صفر نیست، طرفین را قادر می‌سازد که رابطه تجاری میان خود ایجاد کنند و اگر چنین رابطه‌ای موجود است، آنرا حفظ کرده و حتی ارتقا بخشند چرا که همانطور که گفته شد، بر خلاف داوری که در آن به گذشته نگاه می‌شود، در میانجیگری نگاه‌ها به آینده است.

بدلایل مذکور در فوق، نویسندگان و صاحب نظران معتقدند که میانجیگری روشی است کم هزینه و راضی کننده که بتدریج، جای روشهای قضایی و داوری را در حوزه روابط تجاری و خصوصاً در مباحث مربوط به مالکیت معنوی می‌گیرد.

بعنوان یک مثال عینی، شاید بتوان مشهورترین دعوی مربوط به مالکیت معنوی در عرصه بین‌المللی را که از طریق میانجیگری حل شد، اختلاف میان شرکت آمریکایی آی. بی. ام^(۲) و شرکت ژاپنی فوجیتسو در مورد حقوق مربوط به برنامه رایانه‌ای «سیستم عامل^(۳)» دانست. بطور خلاصه در این دعوی که ابتدا به داور ارجاع شده بود، پس از مدتی طرفین توافق نمودند که جریان داوری به میانجیگری تغییر یابد و همان هیات داوری بعنوان میانجی عمل

1. Zero-Sum

2. International Business Machines (I.B.M.)

3. Operating System

نماید. این تغییر سبب گردید که اختلاف بسیار راحتتر و سریعتر به نتیجه برسد^(۱). در هر حال اگرچه هنوز بطور متداول، داوری نخستین انتخاب اطراف دعوی برای حل و فصل اختلافات در عرصه بین‌المللی است، ولی میانجیگری متداوما در حال رشد و جلب توجه بیشتر است و هر چه خصوصیات آن بیشتر برای سوداگران روشن می‌شود، استقبال از این روش بیشتر می‌شود. حتی در جریان کنفرانس روز داوری بین‌المللی در سال ۱۹۹۷ در نیویورک در بیانیه نهایی اعلام شد که: «گرچه هنوز داوری در حوزه حل و فصل اختلافات بین‌المللی، حرف اول را می‌زند ولی مراجعان روز به روز بیشتر به سمت میانجیگری و سازش می‌روند چرا که داوری، بسیار گران و وقتگیر شده و آراء با دشواری اجرا می‌گردد.»^(۲)

به عقیده اسکات دوناھی از نویسندگان صاحب‌نظر در این زمینه: «دلایل خوب و فراوانی وجود دارد که در ترتیبات بین‌المللی، میانجیگری را بعنوان بهترین راه حل ممکن برای حل و فصل اختلافات به حساب آوریم. میانجیگری روشی است ارزان، قابل انعطاف، دارای جهتگیری مناسب برای امور تجاری و واقعاً بیطرفانه. در هر موردی که طرفین واقعاً علاقه به حل قضیه داشته باشند و یک میانجی خوب و با تجربه نیز انتخاب کرده باشند، احتمال موفقیت بسیار بالا است.»^(۳)

خدمات وایپو تحت قواعد آنسیترال:

قواعد داوری آنسیترال^(۴) در سال ۱۹۷۶ توسط «کمیسیون ملل متحد برای حقوق بین‌المللی تجارت» پذیرفته شد. این کمیسیون متشکل بود از نمایندگان دولتهایی از

1. *Ibid*, p.560

۲. —راسم روز جهانی داوری در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ از سوی «مجمع داوری آمریکا» یا "American Arbitration -Association" در شهر نیویورک و با حضور بیش از ۲۰۰ تن از داوران و متخصصان برگزار گردید.

3. Donahy, Scott, **International Mediation and Arbitration**, International Law Journal, 1997, p.275

4. United Nations Commission on International Trade Law (U.N.C.I.T.R.A.L.)

سیستم‌های مختلف حقوقی، اقتصادی و اجتماعی از مناطق مختلف جغرافیایی جهان. مجمع عمومی ملل متحد پیشنهاد کرده است که استفاده از این قواعد در قراردادهای بین‌المللی تجاری گنجانده شود^(۱).

در داوریهایی که تحت قواعد آنسیترال اداره می‌شوند، در صورتیکه موسسات بی‌طرف برای ایفای برخی وظایف مربوطه انتخاب شوند، کارایی و احتمال موفقیت بسیار بالاتر خواهد رفت. قواعد وایپو برای کسانی که می‌خواهند از مقررات آنسیترال بهره‌گیرند این امکان را فراهم کرده است که مرکز داورى وایپو را انتخاب کنند. اگر طرفین اختلاف چه در قید ارجاع به داورى و چه در قرار ارجاع به داورى، مرکز داورى وایپو را برگزینند تا تحت قواعد آنسیترال انجام وظیفه نماید، این مرکز:

(۱) در اختلافاتی که شامل مسائل مالکیت معنوی هستند و تحت قواعد آنسیترال مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، بعنوان «مقام نصب کننده»^(۲) عمل می‌نماید.

در این راستا مرکز به نحو ذیل فعالیت می‌کند:

(الف) انتصاب داوران

در آن دسته از دعاوی که قرار است از وجود سه داور استفاده شود، قواعد آنسیترال^(۳) مقرر می‌دارد که هر یک از طرفین یک داور انتخاب کنند و در مواقعی که یکی از طرفین در پایان مهلت مقرر، داور خود را انتخاب کرده ولی طرف مقابل داور خود را منصوب نکرده باشد، حق دارد از «مقام منصوب کننده» بخواهد که به جای آن طرف، داورى انتخاب کند. در این مواقع اگر مرکز داورى وایپو مقام منصوب کننده باشد، بدون توسل به «روش فهرستی» که قبلاً توضیح داده شد،

۱. قواعد فوق با اصلاحاتی جزئی، در دیوان داورى دعاوی ایران - ایالات متحده نیز جاری گردیده است.

2. Appointing Authority

۳. ماده هفت پاراگراف اول

بطور مستقیم یک داور منصوب می‌کند.

همین طور مطابق قواعد آنسیترال، هرگاه اطراف اختلاف، خود ظرف مدت معینی داور واحد را برنگزینند، مقام منصوب‌کننده این کار را انجام می‌دهد^(۱) و نیز اگر در مورد داور سوم یا سرداور، دو داور انتخاب شده توسط طرفین، ظرف مهلت مقرر، سرداور را انتخاب نکنند، طبق قواعد آنسیترال، مقام منصوب‌کننده این کار را انجام می‌دهد^(۲).

در انتخاب سرداور و داور واحد، مرکز داور و واپیو از روش فهرستی که در ماده شش بند سه قواعد آنسیترال آمده است استفاده می‌کند مگر آنکه مطابق همین ماده، تشخیص دهد که استفاده از این روش در یک قضیه بخصوص، مناسب نیست. در حالت اخیر، مرکز داور واحد و یا سرداور را بطور مستقیم انتخاب می‌کند.

(ب) جرح داوران: مطابق قواعد آنسیترال اگر اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که نسبت

به بی‌طرفی یا استقلال نظر یکی از داوران تردیدی منطقی بروز کند، می‌توان وی را جرح نمود^(۳) و هر کجا که جرح داور از سوی طرف مقابل پذیرفته نشود، باید رسیدگی به این مساله به «مقام منصوب‌کننده» محول گردد. همچنین در مواقعی که طرفین در مورد کارایی یک داور اختلاف نظر دارند مساله برای رسیدگی به مقام منصوب‌کننده ارجاع می‌گردد^(۴).

هر زمان که از مرکز داور و واپیو برای حل چنین مساله‌ای، نظر خواسته شود، این مرکز با تشکیل یک کمیته ویژه متشکل از سه تن از اعضا کمیسیون مشورتی داور و واپیو، نسبت به حل موضوع اقدام می‌کند.

(ج) نصب داوران جایگزین: مطابق با قواعد آنسیترال^(۵)، داور جایگزین مواقعی

نصب می‌شود که:

- جرح یک داور از سوی یکی از طرفین با موافقت طرف دیگر روبرو شود.

- یک داور پس از اعلام جرح، خود از هیأت داور واپیو کناره بگیرد.

۲. ماده هفت پاراگراف سوم

۴. ماده دوازدهم

۱. ماده هفت پاراگراف دوم

۳. ماده دهم

۵. مواد یازدهم تا سیزدهم

- جرح یک داور از سوی مقام منصوب کننده، مورد تایید قرار گیرد.
- یک داور در مراحل رسیدگی استعفا کند یا فوت نماید.
- یک داور در انجام وظایف خود قصور کند یا امکان انجام وظایف مقرر برای او رسماً یا عملاً وجود نداشته باشد.

در هر یک از موارد فوق طبق قواعد آنسیترال باید داور جایگزین درست مطابق با همان شرایطی که داور اصلی انتخاب شده بود، انتخاب گردد. لذا در موقعی که اوضاع مشابه اوضاع قبلی باشد، مرکز داوری وایپو اقدام به نصب داور جایگزین می‌کند.

(د) کمک در تعیین هزینه‌ها: طبق قواعد آنسیترال، دیوان داوری در تعیین هزینه‌ها باید تا آنجاییکه اوضاع و احوال اقتضا کند، به جداول حق الزحمه‌ها و هزینه‌ها که مقام نصب‌کننده تدوین می‌نماید، توجه کند^(۱). مرکز داوری وایپو در قواعد داوری خود جداولی تدوین نموده است که حاوی هزینه‌ها و حق الزحمه‌های مربوط به داوران می‌باشد.

(ه) توصیه در مورد وثیقه‌ها: بر اساس قواعد آنسیترال، هر وقت یکی از طرفین درخواست نماید مرکز داوری وایپو در مورد میزان و نحوه سپردن ودیعه‌های لازم برای تضمین پرداخت مخارج داوری توصیه‌هایی به دیوان می‌نماید^(۲).

(۲) خدمات پشتیبانی و اجرایی برای انجام مراحل داوری مهیا می‌نماید.

این خدمات به تقاضای طرفین و یا دیوان داوری آنها و در ازای دریافت هزینه‌های مربوطه انجام می‌گیرد^(۳).

سرویس ویژه مرکز داوری وایپو در ارتباط با حل اختلافات نامهای اینترنتی:^(۴)

امروزه مرکز داوری وایپو بعنوان مرجع پیشرو در ارائه خدمات در زمینه حل و فصل

۱. ماده سی و نهم، بند دوم

۲. ماده چهل و یکم، بند سوم

۳. برای دیدن متن کامل این قواعد ر.ک مقررات آنسیترال، مجله حقوقی، شماره چهارم، زمستان

اختلافات در حوزه اسامی اینترنتی در سطح جهان مطرح است. از زمان آغاز این خدمات در دسامبر سال ۱۹۹۹ در حدود بیش از ۲۰۰۰ موضوع از بیش از ۱۵۰ کشور جهان به این مرکز مراجعه شده است که این امر نشان دهنده استقبال فراوان جامعه اینترنتی جهان از این سرویس است. به طور متوسط روزانه چهار تقاضای جدید در این رابطه در مرکز ثبت می‌شود^(۱).

۱- سیاست هماهنگ حل اختلافات مربوط به اسامی اینترنتی^(۲)

خدمات مرکز داوری در این راستا با در نظر گرفتن سیاست هماهنگ حل اختلاف نامهای اینترنتی که در ۲۶ ماه اوت ۱۹۹۹ میلادی توسط «انجمن اسامی و شماره‌های ثبت شده اینترنتی»^(۳) اعلام شد، ارائه می‌گردد. انجمن فوق یک نهاد تخصصی است که در اکتبر سال ۱۹۹۸ توسط ائتلافی گسترده از مجامع بازرگانی، دانشگاهی و فنی فعال در عرصه اینترنت تشکیل شده است و تقریباً تنها مرجع جهانی موجود برای نظم دهی به فعالیتهای اینترنتی است. این سیاست که از توصیه‌های وایپو در قالب «رویه‌های مربوط به اسامی اینترنتی» الگوگیری شده است، برای صاحبان حقوق مارکهای تجاری امکان دسترسی به یک مکانیزم اجرایی برای حل و فصل موثر اختلافات ناشی از ثبت آن دسته از اسامی اینترنتی که در آنها به نوعی از مارکهای تجاری آنان سوءاستفاده می‌شود را فراهم می‌آورد. سیاست مذکور را می‌توان در اختلافاتی که مربوط به نامهای اینترنتی با سه پسوند اصلی یعنی (کام، نت وارگ)^(۴) می‌شوند به کار گرفت. البته راه‌حل‌های در نظر گرفته شده تنها محدود به انتقال یا تعویض اسامی اینترنتی مزبور است و متضمن مجازات یا جریمه‌ای نیست.^(۵)

1. World Intellectual Property Organization, www.arbiter.wipo.int/domains, November 2001.

2. Uniform Domain Names Dispute Resolution Policy

3. Internet Corporation for Assigned Names and Numbers (ICANN)

4. .COM, .NET and .ORG

5. International Bureau of WIPO, **Domain Names Dispute Resolution Service**, Wipo Publications No.457, Jan 2001, P.3

۲- عملکرد سازمان جهانی مالکیت معنوی:

طبق مقررات مربوطه، هنگامی که یک شکایت ثبت می‌شود، «خوانده» باید ظرف ۲۰ روز پاسخ خود را ثبت کند. با دریافت پاسخ یا انقضای مدت فوق، مرکز داوری وایپو یک پانل مخصوص تشکیل می‌دهد. این پانل باید تصمیمی مدلل اتخاذ نماید و مرکز، این تصمیم را به اطلاع طرفین می‌رساند. علاوه بر طرفین، باید انجمن فوق‌الاشاره نیز از تصمیم مطلع گردد. در صورتی که «خوانده» محکوم گردد و ظرف ۱۰ روز اقدامات قضایی و دادگاهی را بر علیه مدعی آغاز ننماید، مرجعی که اسم اینترنتی مورد اختلاف را برای وی ثبت کرده است مثل شرکتهای مخابراتی و ... باید تصمیم پانل در خصوص تغییر یا انتقال اسم مزبور را اجرا نماید. کلیه اقدامات وایپو در این زمینه باید در مدتی کمتر از دو ماه انجام شود. شاکیان یک هزینه مشخص در عوض خدمات مرکز و پانل می‌پردازند. پانل مزبور ممکن است از یک یا سه عضو تشکیل شود^(۱).

مرکز داوری وایپو به منظور ارائه خدماتی با کیفیت بالا، زیرساختهای بسیار خوب حقوقی، اجرایی و اطلاعاتی ایجاد کرده است. این مرکز یک تیم بین‌المللی از حقوقدانان تشکیل داده است که یک دبیرخانه در اختیار دارند و در موارد لازم، خدمات حقوقی و اجرایی در ارتباط با موضوع مورد نظر ارائه می‌دهند. این مرکز می‌تواند به ۱۰ زبان مختلف و در صورت لزوم به زبانهای بیشتر به موضوعات رسیدگی کند. پرونده‌ها را می‌توان از طریق اینترنت^(۲) نیز ثبت کرد و طرفین و اعضاء پانلها می‌توانند در ارتباطات خود از پست الکترونیکی استفاده کنند^(۳).

فهرست اسامی پانلیستهایی که مرکز داوری وایپو، در تشکیل پانلها از آنها استفاده می‌کند، در حال حاضر نزدیک به ۱۹۰ نفر از ۳۷ کشور جهان است و بطور مداوم بر تعداد آنها افزوده می‌شود^(۴). این افراد باید مستقل و بی‌طرف و دارای سابقه و تجربه داوری بوده و در زمینه

1. *Ibid*, p.5

2. See: Wilbers, Erik, *On-Line Arbitration of Electronic Commerce Disputes*, **International Business Lawyer**, Vol.27, No.6, June 1999,p.273

3. World Intellectual Property Organization, **Supra**

4. *Ibid*

روشهای حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت معنوی ■ ۲۰۳

حقوق مالکیت معنوی، تجارت الکترونیکی و اینترنت دارای تخصص و تجربه باشند. مشخصات و سوابق هر یک از این افراد بر روی پایگاههای اینترنتی مرکز داوری واپیو منتشر می شود. در هفتم نوامبر سال ۲۰۰۰ میلادی نخستین جلسه عمومی با شرکت این اشخاص در مقر واپیو برگزار شد که کمک زیادی به آشنایی و هماهنگی پانلیستها با یکدیگر و با رویهها و قواعد نوین نمود.

گفتنی است تاکنون در چهار مورد از دعاوی ثبت شده در این رابطه، شرکتهایی از کشورمان «خوانده» دعوی بوده اند که متاسفانه در هر چهار مورد محکوم شده اند و سازمانی که اسامی مربوطه را برای آنان ثبت کرده بود، به دستور پانل رسیدگی کننده، این اسامی را به مدعی، انتقال داده است^(۱).

1. See: <http://arbiter.wipo.int/domains/decisions/word/2000>

بخش سوم

فصل اول



روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با کشورها و سازمانهای بین المللی

وایپو و کشورهای در حال توسعه

(I) برنامه همکاری توسعه:^(۱)

همکاری توسعه اصطلاحی است که در سیستم ملل متحد برای اشاره به کمکهایی که به کشورهای در حال توسعه در مسیر پیشرفت و رشد می شود، بکار می رود و در سازمان جهانی مالکیت معنوی، آنرا «کمکهای فنی - حقوقی»^(۲) می خوانند.

اهداف و فعالیتهای

هدف برنامه همکاری توسعه وایپو، کمک به کشورهای در حال توسعه برای ایجاد یا مدرنیزه کردن سیستمهای مالکیت معنوی (صنعتی و کپی راییت) در راستای اهداف و نیازمندیهای ملی آنان است.

برنامه و بودجه وایپو که بر مبنایی دو سالانه طرح می شود^(۳)، اهداف کلی ذیل را برای کمک به کشورهای در حال توسعه در مسیر ایجاد یا ارتقاء سیستمهای مالکیت معنوی برمی شمرد:

1. Development Cooperation Program

2. Legal-Technical Assistance

۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد بودجه و برنامه وایپو، به قسمتهای قبل مراجعه نمایید.

- توسعه منابع انسانی

- تسهیل در امر ایجاد یا ارتقاء قوانین ملی یا منطقه‌ای و افزایش پایداری به معاهدات

وایپو

- تقویت زیرساخت‌های اجرایی برای الزام و اجرای حقوق مالکیت معنوی

- تسهیل در امر ایجاد، تقویت و مدرنیزه کردن نهادهای دولتی و غیردولتی برای اجرای

موثر سیستم‌های ملی یا منطقه‌ای مالکیت معنوی از جمله کامپیوتریزه کردن و روشمند کردن

این نهادها. (ساختار سازی)

- گسترش فعالیتهای ابتکاری و خلاقانه در جهت تجاری کردن و قابل بهره‌برداری نمودن

اختراعات و ابتکاراتی که توسط حقوق مالکیت معنوی حمایت می‌شوند.

- تسهیل در امر توسعه، انتشار و استفاده از اطلاعات مربوط به مالکیت معنوی

- ارتقاء درک عمومی از نقش سیستم مالکیت معنوی در فرایند توسعه و مزایا و فواید آن

- تسهیل در امر مشارکت هر چه بیشتر نمایندگان کشورهای در حال توسعه در جلسات

تخصصی که در وایپو برگزار می‌شود.

- کمک به کشورهای در حال توسعه در راستای قرارداد منعقدہ بین وایپو و سازمان

تجارت جهانی^(۱)

برای نیل به اهداف فوق، سازمان وایپو برنامه‌ها و پروژه‌هایی با هدف مدیریت و

سازماندهی فعالیتهای کمک‌رسانی فنی به کشورهای در حال توسعه طراحی و اجرا کرده است.

در دهه ۱۹۷۰، سازمان جهانی مالکیت معنوی برنامه‌هایی در ارتباط با مالکیت صنعتی و نیز

کپی‌رایت و حقوق همسایه آن تدوین نمود که هر یک از این برنامه‌ها توسط یک کمیته ثابت

هدایت می‌شدند. این کمیته‌ها از گروهی کشورهای عضو وایپو تشکیل می‌شد که مایل به

مشارکت در این زمینه بودند.

1. World Intellectual Property Organization, **Intellectual Property Reading Material**, WIPO Publications No.476, Geneva, 1999, P.p.248-9

روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با کشورها و سازمانهای بین‌المللی ■ ۲۰۹

کمیته‌های مذکور اخیراً در یکدیگر ادغام شده و یک کمیته ثابت برای «توسعه مالکیت معنوی»^(۱) ایجاد نموده‌اند که در واقع مدیریت فعالیتهای وایپو در این زمینه را برعهده گرفته است.^(۲)

فعالیتهای «همکاری توسعه» وایپو در حوزه مالکیت معنوی را در مجموع می‌توان در شش گروه طبقه‌بندی کرد:^(۳)

(۱) آموزش

برنامه آموزش وایپو متشکل است از انواع دوره‌های تخصصی و نیز دوره‌های عمومی که بطور سالانه در برخی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برای آموزش گروهی مقامات دولتی و سایر افراد ذی‌ربط برگزار می‌شود. بعلاوه سمینارهای ادواری، کارگاههای آموزشی و سایر انواع جلسات آموزشی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در چارچوب این برنامه قرار می‌گیرد. علاوه بر این، ماموران کشورهای در حال توسعه گهگاه از سوی وایپو در ادارات مالکیت معنوی کشورهای توسعه یافته یا برخی از کشورهای در حال توسعه که از نظام مالکیت معنوی خوبی برخوردار هستند به کارآموزی عملی می‌پردازند. مقامات عالی رتبه این کشورها نیز بصورت «بازدید» از این ادارات، با فعالیتهای و نحوه انجام کار بصورت جدید و امروزی آشنا می‌شوند. همچنین وایپو به درخواست کشورها با ارسال کارشناس و استاد به ادارات مالکیت معنوی آنان، اقدام به آموزش در حین کار ماموران و کادر این ادارات می‌نماید. سطح آموزش‌ها از مقدماتی تا تخصصی و پیشرفته را در بر می‌گیرد.

برنامه آموزشی وایپو از آموزش کادر ادارات دولتی مالکیت معنوی در کشورها فراتر می‌رود و سایر گروهها و نفرات ذی‌نفع را نیز در برمی‌گیرد. این گروهها عبارتند از حقوقدانان و وکلا، اعضاء نهادها و موسسات تحقیقاتی، شرکتهای خصوصی و نیز نمایندگان آن دسته از

1. Permanent Committee on Intellectual Property Development.

2. *Ibid*, p.250

3. *Ibid*

سازمانهای دولتی که مسوولیت اجرا و الزام حقوق مالکیت معنوی را برعهده دارند از جمله پلیس، دستگاه قضایی، وزارتخانه‌های اقتصادی و بازرگانی و نیز وزارت امور خارجه. در کل تمام کسانی که به نوعی با امور مالکیت معنوی سر و کار می‌یابند می‌توانند در برنامه‌های آموزشی وایپو شرکت کنند.

یکی دیگر از اهداف وایپو، گسترش و ارتقاء سطح آموزش حقوق مالکیت معنوی در دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه است. به این منظور دفتر بین‌المللی وایپو، برای اساتید دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه دوره‌هایی به صورت کارورزی^(۱) برگزار می‌کند. استادان در این دوره‌ها به همراه کارشناسان و متخصصان وایپو و نیز اساتید برجسته دانشگاه‌های معتبر که به همین منظور دعوت می‌شوند، روی محتویات دروس بحث کرده و سرفصل‌های نوین در امور مالکیت معنوی به آنان معرفی می‌شود.

هدف اصلی برنامه‌های آموزش وایپو این است که کشورهای در حال توسعه را قادر سازد از طریق کسب آموزش‌های لازم و مهارت‌های حرفه‌ای، سیستم مالکیت معنوی در کشورهای خود را به نحو موثر و دقیق‌تری طرح ریزی و اداره کنند. برنامه‌های آموزشی وایپو از جایگاه بسیار رفیعی در برنامه همکاری توسعه این سازمان برخوردار است چرا که هر چقدر قوانین و مقررات خوب وجود داشته باشد، بدون وجود کادری مجرب و کارآمد برای اداره امور، بی‌فایده و بلااثر خواهد بود.^(۲)

شایان ذکر است که تنها در سال ۱۹۹۹ میلادی بیش از ۱۴۰۰۰ نفر از ۱۲۵ کشور در حال توسعه در بیش از ۲۰۰ دوره آموزشی تحت برنامه همکاری توسعه وایپو شرکت کرده‌اند.^(۳)

1. Fellowship

2. International Bureau of WIPO, **Staff Training and Development; Use of Patent Information Systems** WIPO/R&D/SIN, Geneva, 1997, p.6

3. World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/about-wipo/en, September 2001

آکادمی جهانی مالکیت معنوی وایپو^(۱)

یکی از کارهایی که وایپو در چارچوب برنامه‌های آموزشی خود برای کشورهای در حال توسعه انجام داده است، تأسیس «آکادمی مالکیت معنوی» در سال ۱۹۹۳ می‌باشد. مکان این آکادمی همان مقر سازمان وایپو در شهر ژنو است و معمولاً از آن به «آکادمی جهانی» یاد می‌شود. جلسات این آکادمی به زبانهای مختلف از جمله انگلیسی، عربی، فرانسوی و اسپانیایی برگزار شده و هر جلسه در برگیرنده چند سخنرانی، مباحثه و بازدیدهای آموزشی است. دوره‌های سالانه آکادمی برای کارکنان متوسط و ارشد دولتهای در حال توسعه که در کار سیاست‌سازی و با اجرای سیاستهای مربوط به مالکیت معنوی در کشور متبوع خود فعالیت دارند، ارائه می‌گردد. هدف این آکادمی ارائه اطلاعاتی در مورد مسائل اصلی و موضوعات جاری در حوزه مالکیت معنوی به شرکت‌کنندگان می‌باشد تا آنان را قادر سازد پس از بازگشت به کشور خود، نقش فعالی در شکل‌دهی سیاستهای دولتشان در مورد مسائل مالکیت معنوی ایفا کنند و همواره در ایفای این نقش، اثرات مسائل مزبور بر روند توسعه اقتصادی، فنی، علمی و فرهنگی کشور خود را در ذهن داشته باشند.

سخنرانان این دوره‌ها، کارشناسان و متخصصان وایپو هستند ولی البته در موارد زیادی از متخصصان خارج از سازمان مثلاً متخصصانی از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه دعوت می‌شود. برای هر جلسه، یک هماهنگ‌کننده تعیین می‌شود که با برخورداری از تجربه کافی در تدریس موضوعات مالکیت معنوی، جلسه را فعال کرده و تبادل نظرات در میان حضار و سخنرانان را افزایش داده و جهت‌دهی کند.^(۲)

(۲) کمکها و توصیه‌های حقوقی و قانونی

در سالهای اخیر، کشورهای در حال توسعه تمایل بسیاری از خود نشان داده‌اند که از

1. WIPO Worldide Academy

2. World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/academy/en, October 2001.

مالکیت معنوی بعنوان ابزاری در راه توسعه بهره‌برداری کنند. از دیگر سو وجود قوانین مالکیت معنوی که با نیازهای یک کشور همخوانی داشته باشد، پیش شرط تحقق یک سیستم موثر مالکیت معنوی است از اینرو بسیاری از کشورهایی که فاقد قوانین مناسب در این زمینه هستند، از سازمان وایپو درخواست کرده‌اند تا در تهیه پیش نویس قوانین به آنها کمک کند. همینطور در کشورهایی که قوانین مالکیت معنوی را قبلاً تصویب کرده‌اند ولی احساس می‌کنند که این قوانین به نحو مناسب و جامعی تدوین نشده است و نقایصی دارد، از وایپو دعوت می‌شود که با در نظر گرفتن اولویت‌ها و نیازهای کشور مزبور، در بازنگری این قوانین همکاری کرده و توصیه‌هایی ارائه نماید.

بنابراین با وصول تقاضای یک دولت، دفاتر مربوطه در سازمان جهانی مالکیت معنوی پس از مشورت و انجام تحقیقاتی در زمینه نیازها و شرایط کشور متقاضی توسط کارشناسان و متخصصان خود، پیش نویس‌هایی را تدوین کرده و برای مطالعه و بررسی‌های دقیق‌تر در اختیار مقامات آن کشور قرار می‌دهند. از این مرحله به بعد نیز کارشناسان وایپو برای ارائه نظرات مشورتی به مقامات مربوطه در مورد پیش‌نویسهای مورد نظر، آماده خواهند بود.^(۱)

کمک‌های حقوقی دفتر بین‌المللی به دو گونه ارائه می‌شود: یکی همانطور که گفته شد، کمک در نگارش پیش نویس قوانین ملی و دیگری نگارش قوانین نمونه (مدل). دفتر بین‌المللی وایپو تاکنون قوانین نمونه متعددی تدوین کرده است که می‌تواند مورد استفاده کشورهای در حال توسعه واقع شود. این متون توسط اجلاسی با حضور کارشناسان کشورهای در حال توسعه و نیز کشورهای توسعه یافته و با کار بر روی پیشنهادات دفتر بین‌المللی تهیه شده و برای بررسی و مطالعه به تمام دول عضو ارسال می‌گردد و نهایتاً در جلساتی با حضور کارشناسان دولت‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

وایپو تاکنون یکسری قوانین مدل برای کشورهای در حال توسعه در زمینه موضوعاتی

1. World Intellectual Property Organization, **Intellectual Property Reading Material**, WIPO Publications No.476, Geneva, 1999, p.p.252-4

مانند «حق اختراع»، «مارکهای تجاری»، «طراحیهای صنعتی»، «اعطاء مجوز بهره‌برداری از سوی یک صاحب امتیاز به دیگری یعنی انتقال امتیاز»^(۱)، «کپی رایت و حقوق همسایه آن»، «اجرای کنوانسیون ماهواره» و «حمایت از مظاهر فولکلر»^(۲) تدوین نموده است.

(۳) کمکهای ساختاری^(۳)

قانون به تنهایی به درد هیچ کشوری نمی‌خورد و مشکلی از مشکلات آنرا حل نمی‌کند. گرچه قانون یک چارچوب با اهمیت است که سیستم مالکیت صنعتی درون آن طرح‌ریزی می‌گردد ولی برای اینکه بتواند موثر واقع شود، باید مورد استفاده قرار گیرد و برای این کار نیاز به دستگاههای اجرایی و اداری مناسب و رویه‌های موثر هست. در این مقوله نیز وایپو تجربیات بسیار ذی‌قیمتی در اختیار دولتها و نهادهای مربوطه می‌گذارد. در این حوزه وایپو در صورتیکه درخواستی از دولتها دریافت کند، بی‌درنگ کارشناسان و متخصصان خود را برای ارائه نظرات کارشناسی و دادن مشورتهای عملی و کاربردی در موضوعاتی مثل ایجاد، گسترش یا مکانیزه کردن روشها و سیستمها، چارتهای سازمانی، بکارگیری تجهیزات مناسب از قبیل سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مفید رایانه‌ای، سندسازی و آرشیوسازی، برقراری ارتباط با سازمانهای خارجی، بررسی و ارزیابی کادر ادارات و نیازهای آموزشی آنان، فضا سازی اداری و تدوین جدوال هزینه و عوارض ماخوذه از مراجعان به کشورهای متقاضی ارسال می‌دارد^(۴). در حوزه کپی رایت و حقوق همسایه آن، وایپو توجه زیادی را معطوف سیستمهای مدیریت جمعی نموده است. این سیستمها از حقوق و منافع مولفان حمایت کرده، حق‌التالیف آنان را جمع و توزیع می‌نماید و به ارتقاء فرهنگ، آموزش و تبادل فرهنگی بین‌المللی کمک فراوانی می‌نماید.

1. Licensing

2. Expressions of Folklore

3. Institutional Assistance

4. *Ibid*, p.p.255-256 Licensing

سیستم‌های مدیریت جمعی کپی رایت^(۱)

در بخش‌های قبلی توضیح دادیم که پدید آورنده یک اثر این حق را دارد که اجازه استفاده از کار خود را برای دیگران صادر کند و یا استفاده از آثار خود را ممنوع نماید. مثلاً یک نمایشنامه‌نویس می‌تواند اجازه دهد تحت شرایطی نمایش وی را به روی صحنه ببرند و یا یک نویسنده می‌تواند قراردادی منعقد کند که به موجب آن یک ناشر اجازه نشر و پخش آثار وی را داشته باشد و یا یک آهنگساز می‌تواند اجازه دهد اثر وی بر روی یک دیسک فشرده ضبط و توزیع شود. در تمام این حالات، پدیدآورنده می‌تواند از اساس، با بهره‌گیری از اثر خود مخالفت کرده و آنرا ممنوع استفاده کند. اینها نمونه‌هایی از اعمال شخصی و انفرادی حقوق مالکیت معنوی است.^(۲) (مدیریت فردی)

اما اگر در موضوع دقیق شویم، درمی‌یابیم که در جهان امروز سیستم مدیریت فردی حقوق مالکیت معنوی چندان کارا و عملی نیست. یک نویسنده در عمل قادر نخواهد بود تمام گونه‌های استفاده از آثار خود را مورد نظارت قرار دهد. از سوی دیگر بعنوان مثال برای یک سازمان رادیویی و تلویزیونی نیز عملی نیست که در به در به دنبال نویسندگان، آهنگسازان و فیلمسازان مختلف بگردد و از تک تک این افراد برای استفاده از آثارشان اجازه بگیرد و با آنان قرارداد منعقد کند. برآورد می‌شود که بطور میانگین در یک دوره زمانی یک ساله، یک ایستگاه تلویزیونی از شصت هزار اثر موسیقی استفاده می‌کند. پس اگر قرار باشد که سیستم مدیریت فردی حاکم باشد، این ایستگاه تلویزیونی باید سالانه با هزاران صاحب اثر مذاکره کرده و آثار آنان را خریداری نماید. بنابراین دلیل اصلی ضرورت وجود سیستم‌های مدیریت جمعی که نقش آنان پرکردن فاصله میان صاحبان آثار و کاربران آثار به نحوی موثر و عملی است، غیرممکن بودن و غیر عملی بودن سیستم مدیریت فردی است هم برای صاحبان حقوق و هم برای کسانی که خواهان استفاده از آثار آنان هستند.

1. Collective Management of Copyright

۲. به فصل نخست مراجعه فرمایید.

مدیریت جمعی را در یک جمله می‌توان این طور تعریف کرد: «مدیریت جمعی، اعمال کپی رایت و حقوق مربوط به آن از سوی سازمانهایی است که بعنوان نماینده و حافظ منافع صاحبان آفرینه‌ها عمل می‌کنند.»^(۱) به عبارت دیگر، این سازمانها، حقوق صاحبان آثار را بطور یکجا و دسته جمعی از سوی آنان اعمال می‌کنند.

عضویت در این سازمانها بر روی تمام صاحبان آثار درمقوله کپی رایت و حقوق مربوطه مفتوح است، کسانی از قبیل نویسندگان، آهنگسازان، ناشرین، عکاسان، هنرپیشگان و غیره ولی سازمانهای رادیویی - تلویزیونی^(۲) گرچه در یک منظر، صاحبان حقوقی در این مقوله هستند، معمولاً در لیست سازمانهای مدیریت جمعی پذیرفته نمی‌شوند چراکه این سازمانها عمدتاً بعنوان مصرف‌کننده و کاربر شناخته می‌شوند و لذا در طرف مقابل سازمانهای مدیریت جمعی قرار می‌گیرند.

در بدو عضویت، اعضاء اطلاعات شخصی خود و آثاری که خلق کرده‌اند را به سازمان اطلاع می‌دهند و این اطلاعات مبنای فعالیتهای سازمان در نظارت بر استفاده صحیح از این آثار و پرداخت حق و حقوق این آثار به صاحبان اصلی آن است. سازمانهای مدیریت جمعی بطور معمول از طرف اعضاء خود بر سر نرخها و شرایط استفاده از آثار از سوی کاربران مذاکره کرده، از طرف اعضاء خود صدور مجوز می‌نمایند و حق التالیف و موارد مشابه را جمع آوری کرده در اختیار صاحب حق قرار می‌دهند. صاحب حق بصورت انفرادی در هیچ یک از مراحل فوق وارد نمی‌شود و تنها در نهایت، حق و حقوق خود را دریافت می‌دارد.

البته برخی روشهای جدید و مکانیزمهای نوین نیز در این گونه سازمانها بسته به حوزه فعالیت آنها و حقوق تحت پوشش هر یک، وجود دارد چراکه این سازمانها ممکن است بصورت تخصصی تنها بر روی یک مقوله مثلاً موسیقی یا تئاتر، فعالیت خود را متمرکز کنند مثلاً در یک روش^(۳)، نویسنده خود بطور مستقیم شرایط استفاده از کار خود را اعلام می‌کند و سازمان تنها

1. World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/about-ip/en/about_collective_mngt.html, October 2001
2. Broadcasting Organizations
3. Rights Clearance

بعنوان وکیل وی عمل می‌کند و اختیاری در ماهیت قضیه ندارد. روش دیگر^(۱)، مربوط است به تشکیل ائتلافی از سازمانهای مدیریت جمعی که این ائتلاف، کار دریافت مجوزها را بسیار ساده می‌کند. مخصوصاً در اموری مثل «چند رسانه‌ای‌ها»^(۲) که فرد برای استفاده، باید از اشخاص متعددی کسب مجوز کند - چراکه در مالتی مدیا از صوت، تصویر، برنامه‌های رایانه‌ای و... بطور همزمان و با هم استفاده می‌شود - این سازمانها روند کار را تسریع می‌نمایند. در این زمینه سازمان جهانی مالکیت معنوی همانطور که ذکر شد، در کمکهای ساختاری خود به کشورهای در حال توسعه، تشکیل این نوع سیستمهای مدیریت جمعی کپی رایت را تشویق و تقویت می‌نماید.^(۳)

برای اینکه یک سیستم اجرایی مالکیت معنوی مفید فایده باشد، باید در خدمت عموم قرار گیرد. در بسیاری از کشورها این سیستمها نتایج چندان درخشانی بهمراه نداشته‌اند چراکه عموم مردم از جمله پدیدآورندگان و نیز بازرگانان و صنعتگران از مزایایی که این سیستمها در اختیارشان می‌گذارند مطلع نیستند. وایپو در کشورهای در حال توسعه، به دستگاههای دولتی کمک می‌کند از راههای مختلف، مردم و مخصوصاً افراد ذی‌نفع را از مزایا و دستاوردهای سیستمهای مالکیت معنوی آگاه کرده، نقش برجسته مالکیت معنوی در مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان روشن نماید.

(۴) کمک به رشد خلاقیت، نوآوری و ابداعات بومی

همانطور که بارها ذکر شد، حمایتی که حقوق مالکیت معنوی از پدیدآورندگان بعمل می‌آورد، سبب می‌شود که خلاقیتها، نوآوریها و ابداعات رشد یافته و سرمایه‌گذاری و تلاش بیشتری مصروف تحقیق و پژوهش در حوزه‌های فنی گردد. همچنین حقوق مالکیت معنوی سبب انتقال بیشتر و راحتتر تکنولوژی خارجی به کشور شده و از این طریق نیز به رشد علمی و

1. One-Stop-Shops

2. Multimedia

3. For more Information on this Issue, See: Smith, Douglas, **Collective Agencies for the Administration of Copyright**, Canadian Supply & Services, Ottawa, 1984.

آکادمیک کشور کمک می‌نماید.

دولتها می‌توانند با کمک گرفتن از تجربیات و تخصص کارشناسان وایپو، راه‌ها و روشهایی در رابطه با موارد ذیل، اتخاذ نمایند: تشویق پیشگامان تجارت و موسسات فعال بومی، ایجاد انجمنها و گروههای ملی در این حوزه و نیز حمایت حقوقی و قانونی از این گروهها، حمایت مالی و ایجاد انگیزه در کسانی که بصورت بالقوه قادر به تحرک در این حوزه می‌باشند و نیز ایجاد آگاهی و شناخت عمومی از مخترعان و ابداع‌گران و در نظر گرفتن جوایزی برای افزایش میزان رقابت. درک عمومی از سیستمهای مالکیت معنوی و افزایش استفاده عامه مردم از این سیستمها می‌تواند بوسیله گسترش رقابت و ایجاد مشارکت همگانی در سطح ملی حتی از طریق ایجاد باشگاهها و انجمنهایی در مدارس و دانشگاهها برای آشنایی محصلین و دانشجویان با مخترعان و ابداع‌گران و حقوق آنان بوجود آید. بعنوان مثال، خود سازمان وایپو از اواخر دهه هفتاد میلادی، جایزه‌ای بنام «مدال طلایی وایپو» برای مخترعان و نوآوران در نظر گرفته است که با استقبال نسبتاً خوبی در کشورهای در حال توسعه روبرو شده است.^(۱)

(۵) کمک به استفاده از اطلاعات موجود در حوزه مالکیت معنوی

یکی از فعالیتهای وایپو در فرایند کمک به توسعه کشورهای در حال توسعه، ارتقا و گسترش دسترسی این کشورها به اطلاعات فنی مندرج در اسناد مربوط به حقوق اختراعات است. وایپو در این راه خدماتی همچون فراهم کردن و مهیا ساختن اسناد لازم و آموزش روشهای صحیح و مدرن بازیابی و استفاده از اطلاعات، ارائه می‌دهد.

برنامه وایپو برای ارائه خدمات در زمینه اطلاعات مربوط به حق اختراع با عنوان «دبلیو. پی. پی. آی. اس.^(۲)» در سال ۱۹۹۵ آغاز گردیده است. هدف این برنامه ارائه خدمات اطلاعاتی رایگان در زمینه حق اختراع به موسسات مربوطه در کشورهای در حال توسعه از طریق

1. International Bureau of WIPO, **Promotion of Innovation, Activity and Technological Innovation**, WIPO/IP/SUV, Geneva, 1993, p.8.

2. Wipo's program for patent Information Services (WPPIS)

انعقاد قراردادهایی میان دفتر بین‌المللی وایپو با دفاتر و ادارات مالکیت صنعتی در کشورهای توسعه یافته است^(۱). وایپو در بسیاری از پروژه‌های برنامه توسعه ملل متحد^(۲) در خصوص طراحی و ایجاد مراکزی برای تهیه و تنظیم اسناد، مدارک و اطلاعات که در خدمت پاسخ به نیازهای موسسات ملی در کشورهای در حال توسعه باشند، نقش مشاوره و حتی اجرای پروژه را برعهده دارد. این مراکز ممکن است درون یک اداره مالکیت معنوی و یا اگر چنین اداره‌ای وجود ندارد، درون یک مرکز اطلاعات علمی و فنی تاسیس شوند.

شبکه جهانی اطلاعات مالکیت معنوی وابسته به وایپو

با در نظر گرفتن تحولات مهم فنی و تکنولوژیک در حوزه اطلاعات، در سال ۱۹۹۷ میلادی یک گروه کاری که از سوی وایپو بر روی مساله استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی در عرصه مالکیت معنوی کار می‌کرد، پیشنهاد داد که کمیته‌ای ثابت برای این امر تشکیل شود. این کمیته که پس از تاسیس به اختصار اس. سی. آی. تی^(۳) نامیده شد، در کنار سایر اقدامات خود، یک شبکه جهانی اطلاعات مالکیت معنوی ایجاد کرده است که در سطح جهانی به ارائه خدمات اطلاعاتی به متقاضیان می‌پردازد. این شبکه کار خود را از طریق اینترنت و سایر روشهای جدید الکترونیکی انجام می‌دهد. در همین راستا، یک پایگاه اطلاعاتی یعنی **Wipo.net** به سایتهای قبلی وایپو یعنی **Wipo. Org** و **Wipo. int** اضافه شده است.

یکی دیگر از اقداماتی که در حوزه وظایف این کمیته قرار دارد، جانشینی و ادامه وظایف کمیته ثابت اطلاعات مالکیت صنعتی^(۴) و کار بر روی طبقه‌بندی‌های بین‌المللی است. این کمیته کار تهیه و تنظیم استانداردهای وایپو برای عرضه و ارائه اطلاعات و داده‌ها در حوزه

1. World Intellectual Property Organization, **Intellectual Property Reading Material**, WIPO Publications No.476, Geneva, 1999, P.258

2. United Nation Development Program (UNDP)

3. Standing Coommittee on Information Technologies (SCIT)

4. Permanent Committee on Industrial property Information (PCIPI)

روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با کشورها و سازمانهای بین‌المللی ■ ۲۱۹

مالکیت معنوی برای انتشار بر روی شبکه‌های جهانی را بر عهده دارد و این استانداردها را در انتشارات و ایپو لحاظ می‌کند. این کمیته همچنین در آماده‌سازی ویراست‌های جدید طبقه‌بندی‌های آی. پی. سی.^(۱) و لوکارنو و انتشار این اسناد و نیز ویرایش‌های جدید نیس و وین مشارکت می‌کند.

یکی دیگر از اقدامات این کمیته، بررسی روشها و مکانیزم‌های مدرن و نوین در کار انتشار اطلاعات و تسهیل دسترسی کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه به این اطلاعات است. مثلا این کمیته در ایجاد یک مجموعه وسیع الکترونیکی از اطلاعات مالکیت معنوی برای کتابخانه‌های دیجیتالی مالکیت معنوی مشارکت می‌کند. این کمیته علاوه بر این، به کشورهای در حال توسعه برای گسترش سخت‌افزاری - نرم‌افزاری سیستم‌های رایانه‌ای به منظور استفاده از اطلاعات مزبور کمک‌هایی ارائه می‌دهد.^(۲)

(۶) برنامه‌هایی برای قانونگذاران و دستگاه‌های قضایی

وایپو در کار تبادل تجربیات و اطلاعات میان قانونگذاران کشورهای مختلف نیز مشارکت فعالی دارد و از این طریق آنان را قادر می‌سازد که برای نیازهای کشور خود، پاسخ‌های مناسب یافته و در کار تصویب قوانین مربوط به مالکیت معنوی و تطبیق خود با وضعیت متغیر فنی و اقتصادی در سطوح ملی و بین‌المللی با دید بازتر و سطح آگاهی بالاتری عمل نمایند. این کار را وایپو از طرق مختلف مثل برگزاری سمینارهای ملی و منطقه‌ای و نیز تدارک دیدن بازدیدها و سفرهای مطالعاتی برای این اشخاص، انجام می‌دهد.

از سوی دیگر، وایپو در امر افزایش تبادل اطلاعات و تجربیات میان کادر دستگاه‌های قضایی کشورها بخصوص قضات، نقش موثری ایفا می‌کند و از این طریق آنان را قادر می‌سازد در تفسیر و بکارگیری قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی در حوزه مالکیت معنوی، بهتر عمل

۱. به فصل‌های قبلی مراجعه فرمایید. (همکاری بین‌المللی در زمینه حق اختراع)

کرده، رهیافتهای موثری برای جلوگیری از تداوم نقض حقوق مالکیت معنوی در پیش گیرند. این کار نیز از طریق روشهایی مثل برگزاری سمینارهای منطقه‌ای، سفرهای مطالعاتی و جلسات شبیه‌سازی دادگاه انجام می‌گیرد.^(۱)

دفاتر منطقه‌ای وایپو^(۲) برای برنامه همکاری توسعه:

وایپو بخش عمده‌ای از فعالیتهای مشروحه را از طریق دفاتر منطقه‌ای خود که در نقاط مختلف جهان فعالیت می‌کنند، انجام می‌دهد. این دفاتر اموری از قبیل توصیه‌های کارشناسی در مورد تصویب قوانین مالکیت معنوی، آگاه‌سازی، آموزش و نیز پروژه‌های خاص برای مدرنیزه کردن سیستمهای منطقه‌ای یا ملی مالکیت معنوی را انجام می‌دهند. دفاتر مذکور عبارتند از:

● دفتر آفریقا

● دفتر کشورهای عربی

● دفتر آسیا و اقیانوسیه

● دفتر آمریکای لاتین و منطقه کارائیب^(۳)

از میان دفاتر فوق، بدلیل اینکه جمهوری اسلامی ایران در حوزه فعالیتهای دفتر آسیا و پاسیفیک قرار می‌گیرد، به طور مختصر به شرح فعالیتهای این دفتر منطقه‌ای می‌پردازیم.

دفتر آسیا و پاسیفیک^(۴) سازمان جهانی مالکیت معنوی

برنامه همکاری توسعه وایپو در منطقه آسیا و اقیانوسیه، منطقه‌ای را تحت پوشش قرار می‌دهد که بیش از ۶۰٪ کل جمعیت جهان را در خود جای داده است، یعنی جمعیتی در حدود سه میلیارد و چهارصد میلیون نفر. این برنامه ۳۸ کشور جهان را تحت پوشش دارد که هر یک دارای خصوصیات سیاسی و اجتماعی مختلف بوده و در سطوح متفاوتی از توسعه قرار دارند. از

1. Ibid, p.259

2. Regional Bureau

3. World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/cfd/en/index.html, October 2001.

4. Bureau for Asia and the Pasific

این سی و هشت کشور، ۳۲ کشور در قالب سازمانهای منطقه‌ای زیر گروه‌بندی شده‌اند و دفتر آسیا و اقیانوسیه وایپو، در موارد بسیاری از همکاری این سازمانها در نیل به اهداف خود، سود جسته است. در واقع دفتر منطقه‌ای وایپو در آسیا و اقیانوسیه همکاری با کشورها در قالب سازمانهای منطقه‌ای را به همکاری با کشورها بطور انفرادی ترجیح می‌دهد. سازمانهای مورد نظر عبارتند از:

● مجمع کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه آن)^(۱) که مشتمل است بر بروئی دارالسلام، کامبوج، اندونزی، جمهوری خلق لائوس، مالزی، میانمار، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام.

● مجمع همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا^(۲) شامل: بنگلادش، بوتان، هندوستان، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا.

● کشورهای جزیره‌ای حوزه اقیانوس آرام شامل: جزایر کوک، میکرونزی، فیجی، کرباتی، جزایر مارشال، نائورو، نیوئه، پالائو، گینه جدید، ساموآ، جزایر سلیمان، توک لائو، تونگا، تووالو و وانواتو.

شش کشور افغانستان، چین، جمهوری خلق کره، جمهوری اسلامی ایران، مغولستان و کره جنوبی نیز بر اعضا این سه سازمان منطقه‌ای اضافه شده و مجموعاً تشکیل سی و هشت کشور را می‌دهند که «برنامه آسیایی همکاری توسعه» آنها را تحت پوشش خود دارد^(۳).
گفتنی است که کشورهای استرالیا، ژاپن و زلاند نو در این منطقه با دفتر وایپو همکاری کرده و این دفتر را در ارائه کمکهای فنی یاری می‌دهند. در واقع این کشورها شرکای وایپو در این منطقه در اجرای برنامه همکاری توسعه هستند.

از میان این سی و هشت کشور، افغانستان مدتی طولانی است که بدلیل ناآرامی‌های

1. Association of South East Asian Nations (ASEAN)

2. South Asian Association for regional Cooperation (SAARC)

3. World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/aspac/en/cooperation, September 2001

شدید داخلی، از فعالیتهای دفتر وایپو برکنار مانده است. غیر از افغانستان، دوازده کشور آسی و هشت کشور، بعنوان کشورهای دارای کمترین میزان توسعه یافتگی^(۱) طبقه‌بندی شده‌اند و لذا در برنامه همکاری توسعه وایپو به این کشورها توجه ویژه‌ای می‌شود.

وایپو و آسه آن

روابط و همکاری وایپو با سازمان آسه آن بطور رسمی در سال ۱۹۹۳ میلادی با ایجاد یک مکانیزم مشورتی در خصوص همکاری در حوزه مالکیت معنوی از طریق گفتگوهای منظم میان وایپو و «کمیته ژنو سازمان آسه آن» متشکل از سفرای کشورهای عضو آسه آن در ژنو آغاز شد.^(۲) این روند نیروی محرکه خوبی برای شکل‌دهی و گسترش همکاری میان وایپو و سازمان آسه آن بوده است چرا که زمینه را برای بازنگری و بررسی وضعیت روابط و نیز فرصتهای همکاری در آینده میان این دو سازمان فراهم کرده است. این همکاری، در مدتی که از آغاز آن می‌گذرد به حوزه‌هایی چون ساختار سازی، توسعه منابع انسانی و آموزش، آگاه‌سازی عمومی علی‌الخصوص در مورد مسائلی که مثل جایگاه دانش سنتی و بومی در مالکیت معنوی، نوپا و جدید هستند و نیز بحث ارتباط مالکیت معنوی و تجارت الکترونیکی تسری یافته است.

آخرین جلسه گفتگوی مشترک میان وایپو و آسه آن که در ۲۲ ماه می ۲۰۰۱ میلادی در ژنو برگزار شد، استراتژی‌ها و سیاستهایی را که به کاربرد حقوق مالکیت معنوی در فرایند توسعه و سرمایه‌سازی^(۳) کمک می‌کند، مورد بررسی قرار داد و پایان آن یک سند بعنوان نتیجه اجلاس ارائه شد که بطور کلی بیان می‌کند چگونه مالکیت معنوی می‌تواند توسعه در منطقه کشورهای عضو آسه آن را تسهیل نماید. این گزارش نگاهی دارد به مقولاتی چون مزایا و منفعت‌های خاصی که سیستم مالکیت معنوی می‌تواند از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فنی برای کشورهای آسه آن به همراه داشته باشد، اثرات مالکیت معنوی بر موضوعاتی چون شرکتهای کوچک و متوسط^(۴)،

1. Least Developed Countries (LDCs)

2. Ibid

3. Wealth Creation

4. Small & Medium Sized Enterprises (SMSEs)

روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با کشورها و سازمانهای بین‌المللی ■ ۲۲۳

صنایع مرتبط با کپی رایت، بخش تجاری، بخشهای تحقیقاتی و پژوهشی، جوامع محلی که دارای دانش بومی و سنتی هستند و سایر امور مربوط به آسه آن^(۱). این گزارش قطعا برای استفاده سایر کشورهای جهان با وضعیت اقتصادی و اجتماعی مشابه کشورهای عضو آسه آن می‌تواند مفید باشد.

وایپو برنامه‌هایی برای گفتگو و تبادل نظر با سیاست‌گذاران و روسای ادارات مالکیت معنوی در منطقه آسه آن نیز برگزار کرده و می‌کند که در این گفتگوها، موضوعاتی چون طراحی استراتژیها و رهیافتهایی برای غلبه بر مشکلات ناشی از جهانی شدن، گسترش ارتباطات، صنایع دیجیتالی و موضوعات جدید در حوزه مالکیت معنوی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. آسه آن نیز یک گروه کاری بنام «گروه کاری برای همکاری در زمینه مالکیت معنوی»^(۲) ایجاد کرده است که طرف سازمانی مهمی برای دفتر منطقه‌ای وایپو در آسیا و اقیانوسیه است.

وایپو و سارک

اساس مجمع همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا در دسامبر ۱۹۸۵ میلادی پایه‌نهادده شد تا کمکی باشد در جهت تسریع روند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای بنگلادش، هندوستان، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا.

سازمان جهانی مالکیت معنوی در سالهای ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، و ۲۰۰۱ میلادی سه اجلاس منطقه‌ای برای همکاری در زمینه مالکیت معنوی میان کشورهای عضو «سارک» در کلمبو^(۳) سریلانکا، کاتماندو^(۴) نپال و داکای^(۵) بنگلادش برگزار نمود. این اجلاس متمرکز بودند بر شناساندن اهمیت مالکیت معنوی برای کشورهای سارک و اثرات رو به افزایش آن بر روند پیشرفت فنی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه و ضرورت آغاز، ارتقاء و سرعت

1. Ibid

2. Working Group for Intellectual Property Cooperation (WGIPC)

3. Colombo

4. Katmandu

5. Dhaka

بخشیدن به همکاری و درک متقابل در حوزه مالکیت معنوی در کشورهای عضو سارک. در این اجلاس موضوعات اصلی حقوق مالکیت معنوی در چارچوب همکاری‌های اعضای سارک مورد بررسی قرار گرفت^(۱).

وایپو و سازمان BIMST-EC

این سازمان که نام کامل آن عبارت است از «همکاری اقتصادی بنگلادش، هندوستان، میانمار، سریلانکا و تایلند»، یک سازمان منطقه‌ای است که در سال ۱۹۹۷ با هدف گسترش همکاری برای کمک به رشد سریع اقتصادی در دول عضو ایجاد شده است. وایپو تا بحال سه جلسه مشترک با این سازمان در تایلند و هند و بالاخره در اکتبر ۲۰۰۱ در سریلانکا برگزار کرده و زمینه‌های مختلف همکاری میان دو نهاد را مورد بررسی قرار داده است.^(۲)

وایپو و مجمع کشورهای جزیره‌ای منطقه اقیانوسیه^(۳)

از سال ۱۹۸۳ هفت جلسه در سطوح بالا میان سازمان جهانی مالکیت معنوی و سازمان کشورهای حوزه اقیانوسیه در نقاط متعددی از این ناحیه برگزار شده است. این جلسات، عرصه مناسبی بوده‌اند برای تبادل تجربیات، اطلاعات و دیدگاهها در حوزه‌های مختلف حمایت از مالکیت معنوی و بحث بر روی زمینه‌های ممکن برای همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه مالکیت معنوی. یک برنامه منطقه‌ای^(۴) نیز برای کمک به کشورهای این منطقه برای برطرف ساختن نیازها و مشکلاتشان در زمینه مالکیت معنوی از سوی وایپو در دست بررسی است.

وایپو و استرالیا

در ماه مارس سال ۲۰۰۰ میلادی، سازمان جهانی مالکیت معنوی و دولت استرالیا

1. Ibid

3. Pacific Islands Forum Countries

2. Ibid

4. Regionally Focused Action Plan

موافقتنامه‌ای امضا کردند با نام «بیانیه مشترک استرالیا - وایپو در مورد همکاری برای ارائه کمکهای فنی در زمینه مالکیت معنوی در منطقه آسیا و اقیانوسیه». هدف این موافقت نامه تقویت همکاری‌های دو جانبه میان وایپو و دولت استرالیا در فراهم آوردن کمکهای فنی برای کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه در زمینه مسائل مربوط به مالکیت معنوی است. یک «گروه کاری مشترک»^(۱) نیز برای اجرای منویات موافقتنامه مزبور تاسیس گردیده است. برخی از موارد مذکور در موافقتنامه عبارتند از: توسعه تجارت بین‌المللی و ارتباط آن با مالکیت معنوی، ارتقا قابلیت‌های مدیریتی ادارات مالکیت معنوی، دانش سنتی، آموزش از راه دور، توسعه نظامات مالکیت معنوی در کشورهای جزیره‌ای اقیانوسیه و مدیریت جمعی کپی رایت^(۲).

وایپو و همکاری با ژاپن

در سال ۱۹۸۷، دولت ژاپن و سازمان جهانی مالکیت معنوی ترتیباتی مشترک اتخاذ کردند تا با همکاری یکدیگر به کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه در تقویت نظامهای مالکیت معنویشان کمک کنند. این همکاری از سال ۱۹۸۷ با «اداره حقوق اختراعات ژاپن»^(۳) در حوزه مالکیت صنعتی آغاز شده و در سال ۱۹۹۳ با «اداره کپی رایت ژاپن» در حوزه کپی رایت و حقوق مرتبط با آن نیز برقرار شد. هر دو این همکاریها در سالهای اخیر هم در کمیت و هم در قلمرو تحت پوشش، افزایش و رشد خوبی داشته است. این همکاریها موارد ذیل را شامل می‌شود: برگزاری و سازماندهی جلسات منطقه‌ای و ملی، سمینارها و کارگاههای آموزشی، دوره‌های تعلیم، فرستادن متخصص و کارشناس، برگزار کردن دوره‌های کارورزی طولانی مدت، کمک به اتوماسیون و پروژه‌های پشتیبانی اطلاعاتی چه در زمینه نرم‌افزاری و چه در زمینه تهیه تجهیزات مربوطه در زمینه‌هایی مانند امور اداری، اجرا و الزام مالکیت معنوی و نیز بررسی موضوعات جدید حقوق مالکیت معنوی از قبیل نقش این حقوق در افزایش رقابت شرکتها،

1. Joint Working Group

2. Ibid

3. Japan Patent Office

استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی در اداره امور مربوط به مالکیت معنوی، مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق همسایه آن و الزام و اجرای موثر حقوق کپی‌رایت در کشورهای منطقه^(۱).

یادداشت تفاهم وایپو و سنگاپور

دولت سنگاپور از طریق نهادی به نام «مدیریت همکاری فنی»^(۲) در وزارت امور خارجه این کشور از فوریه سال ۱۹۹۷ در قالب یک یادداشت تفاهم در زمینه برنامه‌های آموزشی در حوزه مالکیت صنعتی همکاری‌های خود را با سازمان جهانی مالکیت معنوی آغاز نموده است. این یادداشت تفاهم مقرر می‌دارد که هر ساله دوره‌های آموزشی مشترکی در زمینه‌های مربوط به مالکیت معنوی برای مسئولین ادارات مالکیت معنوی کشورهای منطقه با مشارکت هر دو طرف برگزار شود و از این طریق، سنگاپور در ارائه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه منطقه آسیا - اقیانوسیه با سازمان وایپو همکاری می‌نماید^(۳).

دیگر موسسات

علاوه بر روابط دو جانبه‌ای که در قسمتهای بالا میان وایپو با کشورها و چند سازمان منطقه‌ای توضیح داده شد، تعدادی از موسسات ملی در کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه نیز از طریق کمک در تامین هزینه‌های بخشی از فعالیتهای وایپو و نیز میزبانی برخی از جلسات این نهاد در منطقه آسیا - اقیانوسیه، به این سازمان در انجام وظایف خود در قالب «برنامه همکاری توسعه» کمک می‌نمایند. تعدادی از این موسسات عبارتند از:

● بنیاد سربلانکا در کلمبو که از سال ۱۹۸۴ در برگزاری و میزبانی «دوره‌های سالانه آموزشی وایپو در مورد مالکیت معنوی برای کشورهای در حال توسعه منطقه آسیا و پاسیفیک» با وایپو همکاری کرده است.

1. Ibid

2. Technical Cooperation Directorate

3. Ibid

روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با کشورها و سازمانهای بین‌المللی ■ ۲۲۷

- موسسه بین‌المللی آموزش مالکیت معنوی در داندوک^(۱) کره جنوبی که از سال ۱۹۸۶ میلادی برنامه آموزشی سالانه وایپو را که در این شهر برای کشورهای در حال توسعه منطقه برگزار می‌شود، حمایت و میزبانی کرده است.
- مرکز آموزش مالکیت معنوی چین^(۲) در پکن که از ۱۹۹۸ برخی برنامه‌های آموزشی و سمینارهای سالانه مربوط به مالکیت معنوی را که از سوی وایپو برگزار می‌شوند میزبانی کرده است.^(۳)

فعالیت‌های دفتر آسیا - اقیانوسیه

- بطور کلی می‌توان فعالیت‌هایی را که این دفتر در راستای برنامه همکاری توسعه وایپو در منطقه آسیا و اقیانوسیه انجام می‌دهد به موارد ذیل طبقه‌بندی کرد:
- فعالیت‌های مربوط به استراتژی و سیاست‌گذاری در حوزه مالکیت معنوی
 - مدرنیزه کردن سیستم‌های مالکیت معنوی
 - ارتقاء سطح اجرای حقوق مالکیت معنوی
 - موضوعات جهانی^(۴) مالکیت معنوی که منظور از آن، موضوعات جدیدی مثل منابع ژنتیک^(۵)، دانش سنتی و فولکلور^(۶) است.
 - ساده کردن و همه فهم کردن حقوق مالکیت معنوی^(۷)
 - مدیریت جمعی حقوق نسخه برداری و حقوق مرتبط با آن
 - تجاری کردن حقوق مالکیت معنوی و توجه به شرکتهای متوسط و کوچک^(۸)

1. Daeduk

2. C.I.P.T.C.

3. **Ibid**

4. Global Issues

5. Genetic Resources

6. Folklore and Traditional Knowledge

7. Public Outreach and Demystification of Intellectual Property Rights

8. World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/aspac/en/activities, September 2001.

(II) برنامه همکاری با کشورهای در حال گذار^(۱)

هر کشوری در جهان که تحت پوشش برنامه همکاری برای توسعه وایپو با کشورهای در حال توسعه قرار نداشته باشد، می‌تواند از برنامه همکاری با کشورهای در حال گذار بهره‌گیرد. هدف این برنامه عبارت است از کمک به این کشورها در تقویت نظامهای مالکیت معنوی‌شان و تشویق استفاده موثر از این نظامها و سیستمها.

در این راستا وایپو با در نظر گرفتن استانداردها و رویه‌های بین‌المللی مرتبط از جمله موافقت نامه «جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی»، به روزآمد کردن سیاست ملی و چارچوب قانونی و حقوقی این کشورها کمک می‌کند. این برنامه همچنین بر مدرن کردن دستگاههای اجرائی در بحث کپی رایت و مالکیت صنعتی و ایجاد یا تقویت مجامعی برای مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبطه بخصوص از طریق توسعه منابع انسانی، معرفی سیستمهای مدرن مدیریت و اصلاح رویه‌های اجرایی متمرکز شده است. وایپو تلاش می‌کند از دستگاههای اجرایی و اداری ملی در امر اصلاح و مدرن کردن و نیز بسط دادن خدمات به عموم و ایجاد دسترسی به اطلاعات فنی و حقوقی حمایت کند و کشورهای مورد نظر را در ایجاد یا تقویت نظام‌هایی برای الزام و اجرای حقوق مالکیت معنوی کمک نماید.

بعلاوه وایپو تلاش می‌کند که یک درک و فهم همگانی از ابعاد مختلف مالکیت معنوی ایجاد کند تا بدین وسیله اطمینان حاصل شود که تمام افراد علاقمند و ذی‌نفع از اهمیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ارزش حقوق مالکیت معنوی و میزان اثرگذاری آن در تمام مراحل توسعه و طریقه استفاده مؤثر از این حقوق آگاه شده‌اند. برنامه همکاری تلاش می‌کند که در تمام کشورها یک نوع آگاهی عمومی نسبت به این مساله ایجاد کند که استفاده صحیح و حمایت از حقوق مالکیت معنوی برای دستیابی به بازار، تجارت عادلانه، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل انتقال تکنولوژی، ایجاد، خلق و بکارگیری تکنولوژیهای جدید و خلاقیت و

نوآوری ضروری و حیاتی است^(۱).

(III) روابط سازمان جهانی مالکیت معنوی با سازمان تجارت جهانی:

پیش از آنکه به بررسی روابط این دو سازمان بین‌المللی بپردازیم، برای روشن شدن ماهیت این روابط لازم است ابتدا به این پرسش پاسخ داده شود که اصولاً با وجود سازمانی مانند وایپو و معاهداتی که این سازمان مجری آنهاست، چه نیازی بود که گفتگوهای دورارگونه‌گات وارد مقوله مالکیت معنوی گردد و سازمان تجارت جهانی در امور مربوط به مالکیت معنوی نیز مداخله نماید؟

درک خصوصیات نهادهای مربوط به موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی بدون درک روند و فرایندی که به ادخال این موافقت‌نامه در دستور کار مذاکرات گات دورارگونه‌گات انجامید ممکن نخواهد شد. در این مورد با مراجعه به متن مذاکرات که از سوی سازمان تجارت جهانی بر روی پایگاه اینترنتی این سازمان^(۲) در دسترس عموم قرار گرفته است، می‌توان مشاهده کرد که اصل این مساله ناشی از سیاستهای ایالات متحده بوده و این کشور در سال ۱۹۸۴ این موضوع را وارد دستور مذاکرات نموده است. البته گات پیش از این یعنی از حدود سال ۱۹۷۸ نیز به برخی از موضوعات مالکیت معنوی پرداخته بود ولی این موضوعات تنها محدود به تجارت کالاهای تقلبی شده و لذا بسیار محدود و مضیق مورد نظرگات قرار گرفته بود. هم در سال ۱۹۷۸ و هم در سال ۱۹۸۶، ایالات متحده تفسیری بسیار موسع از «جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی» در ذهن داشت و در این راستا هم بر ضرورت در نظر گرفتن استانداردهای بالاتر و قویتر و هم بر ضرورت تعبیه رژیمهای اجرایی قاطع و موثری برای این استانداردها پای می‌فشرد. اما در این میان سایر دولتهای توسعه یافته از جمله کشورهای اتحادیه اروپایی موضع چندان دقیق و مشخصی اختیار نکرده بودند. در سال ۱۹۸۸ میلادی اتحادیه اروپایی نیز موضعی مشابه ایالات

1. World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/activities/en/cooperation/asia.html, October 2001.

2. See: <http://docsonline.wto.org>

متحده آمریکا اتخاذ کرد^(۱). زیرا اتحادیه اروپایی تلاش می‌کرد که به هر نحو ممکن، ایالات متحده را درون چارچوب گات نگاه دارد و از خروج این کشور از گات و افزایش حرکت‌های یک جانبه و تکروی‌های آن برای رسیدن به اهداف اقتصادی جلوگیری کند^(۲). این تغییر در نظرات اتحادیه اروپایی سبب شد ایالات متحده بتواند نظرات خود را با حمایت این کشورها در دور اروگوئه به کرسی بنشاند.

جریاناتی که به انعقاد موافقتنامه تریپس انجامید باعث شده است که بسیاری از منتقدان این موافقتنامه را یک «قانون الزام‌آور»^(۳) بدانند که برخلاف سایر این نوع قواعد بین‌المللی^(۴)، محصول بررسی‌های حقوقی و اقتصادی نبوده و تنها مظهر آمال سلطه جویانه شرکت‌های چند ملیتی در راه جهانی کردن و الزام حقوق مالکیت معنوی به گونه‌ای که منافع آنها حفظ شود، می‌باشد^(۵). این گروه از منتقدان، این موافقتنامه را نتیجه یک استراتژی زور و اجبار از سوی ایالات متحده برای وادار کردن کشورهای دیگر به تصویب قوانین داخلی برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی می‌دانند^(۶).

بنابراین، پاسخ سوال مطروحه در ابتدای این مبحث شاید این باشد که ایالات متحده در

۱. این تأخیر در رسیدن به اجماع در اتحادیه اروپایی تا حدی به این دلیل بود که این اتحادیه معمولاً مواضع سیاسی و تجاری بازتر و ملایم‌تری در مقایسه با آمریکا در پیش می‌گیرد. حتی بعنوان مثال دولتی مانند فرانسه در مجموع از دستور کار پیشنهادی ایالات متحده به اجلاس گات نگران نیز بود چرا که بیم از آن داشت که یارانه‌های کشاورزی اتحادیه اروپایی نیز یکی از اهداف این دستور کار قرار گیرد.

2. Doern, Bruce, **Global Change and Intellectual Property Agencies**, Pinter Publishers, London and New York, 1999, p.95.

3. Hard Law

۴. در حقوق بین‌الملل، به آن دسته از قواعد بین‌المللی که کشورها گرچه به لحاظ اخلاقی و پرستیژ بین‌المللی خود باید آنها را اجرا کنند اما در عمل تعهد قطعی و الزام‌آور به اجرای آنها ندارند، Soft Law و به آن دسته از قواعد که برای کشورها لازم‌الاجرا هستند Hard Law اطلاق می‌گردد. بعنوان مثال، می‌توان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و نیز بسیاری از قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد را از نوع اول، و معاهدات و کنواسیونهای بین‌المللی از قبیل میثاقین حقوق بشر را از نوع دوم دانست.

5. Drahos, P., *Thinking strategically about Intellectual Property Rights*, Telecommunications policy, 21(3), p.p.201

6. Sell, Suzan, *Intellectual Property protection and Antitrust in the Developing World: Crisis, Coersion and Choice*, International Organization, 49(2), p.316

تلاشی که بعدها سایر کشورهای توسعه یافته نیز بدان پیوستند، می‌خواست حقوق مالکیت معنوی نیز وارد مقولات گات شود^(۱)، یعنی تحت نظام حل و فصل اختلاف نوینی که برای سازمان تازه پای تجارت جهانی تعبیه شده بود، قرار گیرد. بنابراین موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی که ضمیمه سند نهایی مذاکرات گات دور اروگوئه است، یک نهاد جدید بنام «شورای جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی» یا شورای تریپس تاسیس کرده است. این شورا مسوولیت نظارت بر نحوه اجرای موافقتنامه مورد نظر در سطوح ملی را بر عهده دارد ولی بطور مستقیم در مراحل حل و فصل اختلافات دخالتی ندارد. مقررات و مفاد کلی گات به اختلافات ناشی از این موافقتنامه نیز تسری داده می‌شود و رسیدگی به این اختلافات به پانلهای حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی واگذار شده است. شورای مذکور، متشکل است از تمام اعضای سازمان که دبیرخانه کوچکی نیز در اختیار دارد. سازمان واپیو هم به تمام جلسات آن دعوت می‌شود که البته باید گفت در این جلسات از تمام نهادهای بین‌المللی مهم دعوت بعمل می‌آید و واپیو در این خصوص مزیتی ندارد. شورا در نخستین مراحل کاری خود دو رهیافت اصلی اتخاذ کرده است. رهیافت نخست رهیافتی است سیستماتیک که متمرکز است بر آن دسته از مقررات تریپس که کشورهای عضو موظف می‌کند قوانین و سیاستهای داخلی خود در رابطه با مفاد موافقتنامه را اعلام دارند. رهیافت دوم مشتمل است بر یک روند سه مرحله‌ای برای پرداختن به موضوعات خاصی که ممکن است از سوی اعضا مطرح شود.^(۲)

در مورد مقوله «اعلام سیستماتیک قوانین داخلی»^(۳)، بسیاری از جلسات شورا اختصاص یافته است به بحث در مورد اینکه کشورها قوانین خود را تا چه میزانی خود باید اعلام کنند؟ و اگر اعلام نکنند چه ترتیباتی می‌توان اتخاذ کرد؟ البته در حالت دوم این فرایند براساس بررسی موضوع به موضوع و کشور به کشور صورت گرفته و بیش از آنکه توسط کادر شورا انجام شود، توسط سایر کشورهای عضو انجام می‌گیرد و البته تعجب‌آور نیست که مشاهده می‌شود

۱. به اصطلاح، GATTable گرد.

2. World Trade Organization, **Report (1995) of the Council for TRIPs**, WTO Publications, Geneva, 1995

3. Systematic Notification of Laws

کشورهایی مثل آمریکا و ژاپن و یا اعضاء اتحادیه اروپایی هستند که از منابع و امکانات کافی برای بررسی فعالیتهای و اقدامات سایر کشورها برخوردارند. نتیجه این بررسیها در وهله اول به خود کشور مورد نظر بازتابانده می شود تا اگر این کشور مثلاً در مراحل پیش نویسی قوانین است با آگاهی از عواقب کار و عکس العمل جامعه بین المللی بتوانند به طور دقیق تری کار خود را بررسی و بازنگری نمایند. در بسیاری موارد نیز خود دولتها مستقیماً قوانین و اقدامات خود را اعلام می کنند. برای روشن تر شدن موضوع لازم به ذکر است که در موافقتنامه جنبه های تجاری مالکیت معنوی مقرراتی برای پیشگیری از وقوع اختلافات پیشبینی شده است. این مقررات در ماده ۶۳ این موافقتنامه ذیل عنوان شفافیت^(۱) ذکر گردیده است. مطابق این ماده آن دسته از قوانین و مقررات و تصمیمات نهایی قضایی و احکام اداری دارای کاربرد عام که یک عضو در ارتباط با موضوع موافقتنامه فوق به اجرا می گذارد، باید منتشر شده و یا در مواردی که انتشار آنها برای عموم به زبان ملی عملی نیست، به گونه ای منتشر شود که دولتها و دارندگان حقوق مالکیت معنوی بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند. آن دسته از معاهدات مربوط به موضوع موافقتنامه فوق که میان یک دولت عضو یا یک سازمان دولتی وابسته به آن و دولت عضو دیگر مجرا شود نیز باید منتشر گردد.

در ادامه ماده ۶۳، در بند دوم اعضا موظف می شوند که قوانین و مقررات مذکور را به اطلاع «شورای جنبه های تجاری مالکیت معنوی»^(۲) برسانند تا به شورای مذکور در بررسی عملکرد اعضا در قبال این موافقتنامه کمک شود.

شورای مزبور موظف گردیده است سعی کند با اتخاذ تدابیری، تعهدات دولتها در مورد این مساله را به حداقل برساند. شورا باید سعی کند با همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی، یک سیستم مشترک به وجود آورد تا دولتها مجبور به اطلاع دادن مستقیم قوانین و مقررات خود به آن نباشند.

با این حال، هر عضو موظف است در پاسخ به درخواست کتبی عضو دیگر، اطلاعات مزبور

1. Transparency

2. The Council of TRIPs

که در بند ۱ ماده ۶۳ مورد اشاره قرار گرفته‌اند را عرضه دارد. عضو که بنا به دلایلی معتقد است یک تصمیم قضایی یا حکم اداری یا توافق‌های دو جانبه اعضا دیگر در زمینه حقوق مالکیت معنوی، به حقوق او در چارچوب موافقتنامه تریپس خدشه‌ای وارد کرده است می‌تواند کتبا درخواست کند که به او اجازه دسترسی یا کسب اطلاعات مکفی از جزئیات این تصمیمات یا احکام یا توافقیها داده شود. معهدا موافقتنامه تریپس اعضا را ملزم نمی‌کند اطلاعات محرمانه‌ای را افشا سازند که اطلاع از آنها ممکن است به اجرای قانون یا منافع عمومی یا منافع تجاری مشروع شرکتها و موسسات خاصی (چه عمومی و چه خصوصی) زیان وارد آورد. گزارش سال ۱۹۹۶ شورا که جمع‌بندی شش جلسه برگزار شده در این سال را در خود دارد نشانگر آن است که حدود ۳۰ کشور، تمام یا بخشی از اقدامات خود در این رابطه را اعلام کرده‌اند^(۱).

اما در مورد رهیافت دوم که گفته شد بصورت سه مرحله‌ای است، ابتدا دولتهای عضو که مساله خاصی را در رفتار کشور دیگر در مقوله مالکیت معنوی مشاهده می‌کنند، باید بصورت دو جانبه سعی نمایند مساله را بین خود و آن کشور حل کنند. در مرحله دوم اگر مساله حل نشده باقی ماند، آنرا به شورا ارجاع می‌دهند که شورا با بررسی موضوع و تذکر به دولت خاطی سعی می‌کند مساله را حل نماید. نهایتاً در مرحله سوم، موضوع به پانلهای سازمان تجارت جهانی ارجاع شده و مراحل مختلف حل و فصل اختلافات عیناً منطبق با سایر موضوعات گات، اجرا می‌گردد^(۲). با ارجاع قضیه به پانلها و آغاز مراحل رسیدگی، شورا دیگر هیچ نقشی ایفا ننموده و دارای هیچ نوع صلاحیتی نمی‌باشد^(۳).

همچنانکه قبلاً اشاره شده است، دولتهای در حال توسعه از یک فرجه پنج ساله در قبال سیستم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی برخوردار شده‌اند و تا سال ۲۰۰۰ از شرکت

1. World Trade Organization, **Report (1996) of the Council for TRIPs**, WTO Publications, Geneva, 1996

2. See: Petersman, E., *The Gatt/WTO Dispute Settlement System-International Law, International Organization and Dispute Settlement*, Journal of World Trade, 31(3), 1997, p.p.169-179

3. Bruce Doern, *Supra*, p.96

در مراحل رسیدگی بعنوان «خوانده» معاف بودند^(۱). لذا در این دوره تمام توجه شورا به موضوع تقویت و یا ایجاد رژیمهایی درون این کشورها برای اجرای موافقتنامه معطوف بود. در این مقطع زمانی دوره‌های آموزشی و تمرینی بسیاری در زمینه گمرک، امور قضایی و سایر مسائل مرتبطه برگزار گردید. حتی کمکهایی در زمینه نگارش پیش نویس قوانین مناسبی که با تعهدات بین‌المللی دولتهای در حال توسعه مطابقت داشته باشد، در اختیار این کشورها قرا گرفت.

اما در ارتباط با مسأله اجرای حقوق مالکیت معنوی و ضمانت‌های موجود، گرچه در کنوانسیونهای وایپو نظیر برن، رم و کنوانسیون فونوگرام مقرراتی در این زمینه وجود دارد که تعهداتی در زمینه اجار این حقوق بر عهده دولتها می‌گذارد ولی این مقررات چندان جامع، گسترده و قاطع نیست^(۲) و همین امر علت اصلی نارضایتی کشورهای مثل آمریکا و تلاش این کشورها برای کشاندن این موضوعات به عرصه مذاکرات گات بود.

وایپو با علم به این قضیه در خلال سالهای دهه ۱۹۸۰ جلسات بسیاری در این رابطه برگزار نمود و بخصوص به موضوع روشهای مقابله موثر با «سرقت معنوی» توجه خاصی مبذول داشت که در بخشهای قبل به این موضوع اشاره کردیم اما این پیشرفتهای در وایپو بسیار محتاطانه صورت می‌گرفت چراکه وایپو می‌بایست بین منافع کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته تناسب و توازن برقرار می‌کرد. در نهایت دولت آمریکا از کندی کار در وایپو به ستوه آمد و خود بطور یکجانبه سیاستهای تنبیهی اقتصادی فراوانی علیه کشورهایی که به سوء استفاده از حقوق مالکیت معنوی متهم بودند اتخاذ نمود. از جمله قانون تجارت و رقابت ۱۹۸۸ این کشور که به دولت آمریکا اجازه می‌داد کشورهایی را که به ارتکاب اعمال تجاری غیر مجاز در ۳۰۱ مورد از موارد مالکیت معنوی مذکور در این قانون مظنون بودند مورد تحریم قرار دهد^(۳). بعد هم در مذاکرات گات دور اروگوئه همچنانکه ذکر شد، موضوع را با جدیت دنبال نمود.

۱. ر.ک. سند نهایی دور اروگوئه گات، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، تهران، دی ماه ۱۳۷۳، صص.

۲. به فصل چهارم مراجعه نمایید.

۵۹۶-۵۹۳

3. See: Getlan, m, *TRIPs and the Future of Section 301: A Comparative Study in Trade Dispute Resolution*, Columbia Journal of Transnational Law, No.34, 1995, p.p.178-184.

لذا در این فضای بین‌المللی است که باید به نقش و جایگاه وایپو در عرصه جهانی و بخصوص در معادله وایپو با سازمان تجارت جهانی پرداخت. دست‌اندرکاران وایپو از ابتدا چندان احساس مثبتی در قبال موافقتنامه تریپس و شورایی که به وسیله این موافقتنامه تاسیس می‌گردد، نداشتند. حتی در مواردی این دیدگاه درون وایپو بوجود آمد که امکان دارد این سازمان کاملاً به کناری نهاده شود. البته این ترس قدری غیر منطقی می‌نمود چرا که سابقه طولانی و پرسنل و منابع متعدد این سازمان که کارایی خود را در وظایف محوله ثابت کرده بودند سبب می‌شد که صرف‌نظر کردن از آن خلاف عقل سلیم باشد اما در هر حال وایپو جایگاه خود را در چشم بازیگران کلیدی جامعه بین‌المللی مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپایی از دست داده بود. به هر حال رژیم جدید، اتفاقی بود که افتاده بود و لذا وایپو تلاش کرد هر چه بیشتر خود را با مقتضیات آن وفق دهد و عمده توجه خود را به مقولاتی متمرکز کند که از حوزه کاری موافقتنامه «جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی» برکنار مانده است. برای وایپو، انعقاد موافقتنامه مذکور و تقریباً همزمان با آن، تغییر مدیریت وایپو در سال ۱۹۹۷^(۱)، این سازمان را به سوی اتخاذ رهیافتی متمرکز و همگرا تر در ارتباط با مالکیت‌های معنوی راند. این طرز تفکر جدید در چهار حوزه فعالیت، مشهود است. حوزه نخست، تلاش برای کسب اهمیت بیشتر برای نقش سازمان جهانی مالکیت معنوی در فرایند الزام و اجرای حقوق مالکیت معنوی در سطح جهان است. بنابراین توجه وایپو معطوف طراحی و تدوین سیستمی گردید که باعث شود متخلفان و ناقضان حقوق فوق‌سریعاً و بطور قاطع، در دادگاه‌های کشورهای عضو مورد محاکمه قرار گیرند. دومین مورد از مواردی که در آنها رهیافت جدید وایپو به خوبی مشهود است، تلاش برای سرمایه‌گذاری بیشتر و فعال کردن مبادلات میان مناطق مختلف جهان و ایجاد هماهنگی بیشتر میان کشورهای گوناگون و نیز آموزش مربیان و استادانی است که باید جهانیان را هر چه بیشتر با حقوق مالکیت معنوی و ارزش و جایگاه آن آشنا سازند. این فعالیتها نیازمند اختصاص بودجه بیشتری به نسبت سابق است که وایپو بخشی از آن را از محل درآمدهای خود تامین کرده و برای

۱. آغاز تصدی دکتر «کامل ادريس» مدیر کل فعلی وایپو

تأمین بقیه آن بر روی کمکهای مادی و پرسنلی کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه حساب می‌کند.

حوزه سوم توسعه سازمان وایپو این است که وایپو باید بیشتر به امور اقتصادی در بحث مالکیت معنوی بپردازد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه این نکته را مطرح می‌کنند که انتظار آنها از وایپو این است که به نحو جامع‌تر و دقیق‌تری برایشان تشریح کند که اساساً و به کدام دلیل باید این کشورها یک نظام مالکیت معنوی در ساختار اداری - اجرایی، تقنینی و قضایی خود بوجود آورند و بخصوص چه نفعی در پیوستن به معاهدات بین‌المللی مربوطه دارند؟ در این میان عده‌ای نیز اظهار می‌دارند که فعالیتهای وایپو در طول دودهمه گذشته بیشتر بر امور تقنینی و تشویق کشورها به قانونگذاری متمرکز بوده و توجه کمتری به دستگاههای اجرایی و قضایی شده است حال آنکه این دستگاهها برای اجرای موثر و مفید قوانین مربوطه نیازمند آشنایی و توجیه هستند. در همین راستا کشورهای جنوب شرق آسیا نیز در قالب جلسات آسه آن با وایپو فشارهایی بر سازمان جهانی مالکیت معنوی وارد آورده‌اند تا مبانی اقتصادی مالکیت معنوی را مورد توجه قرار دهد.

بعد چهارم از ابعاد مورد نظر در رهیافت نوین وایپو، گسترش هر چه بیشتر کاربرد صنایع رایانه‌ای در امور اطلاعاتی مالکیت معنوی و افزایش استفاده از اینترنت در این حوزه است. گرچه در ۱۵ سال اخیر این سازمان تا حد زیادی رایانه‌مند^(۱) گردیده است، ولی هنوز جای بسیاری برای حرکت در این مسیر وجود دارد. کشورهای عضو وایپو نیز از این سازمان انتظار دارند به آنان برای امور اجرایی مالکیت معنوی و دسترسی به اطلاعات مربوطه هم به لحاظ تجهیزات سخت‌افزاری و هم نرم‌افزارهای مناسب کمک نماید. از نگاه دیگر ظهور اینترنت به این معناست که اطلاعات مربوط به مالکیت معنوی از این پس یک پدیده جهانی است، در همه جای دنیا می‌توان این اطلاعات را مبادله کرد و حتی روی یک رایانه خانگی پیاده و ضبط کرد. بنابراین روز به روز این امکان بیشتر ایجاد می‌شود که در آینده مراجع و نهادهای مختلف منطقه‌ای و

1. Computerized

بین‌المللی بتوانند جانشین ادارات ملی مالکیت معنوی گردند. این مطالب سبب می‌شود که بحث همکاری و نیز رقابت میان نهادهای فعال در زمینه مالکیت معنوی در عرصه بین‌المللی بیش از پیش مطرح شود.

مطالب فوق در نخستین سخنرانی‌های دکتر کامل ادريس مدير كل وایپو در پائیز سال ۱۹۹۷ میلادی مورد تاکید قرار گرفتند. وی تطبیق دادن حرکتها و سیاستهای وایپو با تحولات فنی و تکنولوژیک و نیز جهت‌گیری اقتصادی در برنامه‌های وایپو را دارای اهمیت مضاعف خوانده و تاکید کرد که تلاش خواهد نمود وایپو در عرصه بین‌المللی یک سازمان منحصر به فرد و بدون رقیب باقی بماند. وی منحصر بفرد بودن وایپو را در این خصیصه دانست که «وایپو دارای یک کارا کتر دوگانه است یعنی هم یک سازمان بین‌الدولی است که نیازها و منافع جامعه دولتها را مدنظر دارد و هم یک سازمان جهانی با جهت‌گیری‌هایی در زمینه تجارت و بازار است که به نیازهای تعدادی کثیر و رو به افزایش از کاربران خصوصی در سطح جهان پاسخ می‌دهد»^(۱). بنابراین در مجموع می‌توان گفت که ظهور سازمان تجارت جهانی و انعقاد موافقتنامه «جنبه‌های مالکیت معنوی» و بخصوص تشکیل شورای این موافقتنامه و ادخال موضوعات موبوط به مالکیت معنوی در حوزه صلاحیت پانلهای حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی از یک سو و تحولات تکنولوژیک و تغییر دیدگاه مدیریت وایپو که نشان دهنده دیدگاه اعضا این سازمان است از سوی دیگر سبب شده است که وایپو تلاش کند حوزه‌هایی از مالکیت معنوی را در عرصه بین‌المللی تحت پوشش خود بگیرد که کمتر در چارچوب موافقتنامه «تریپس» و شورای آن قرار داشته باشد.

لذا وایپو فعالیتهای خود را در عرصه‌هایی مانند تکنولوژیهای اطلاعاتی و کاربرد آن در نظامهای مالکیت معنوی، امور آموزشی و تعلیم دست‌اندرکاران سیستمهای مالکیت معنوی، تلاش برای جانداختن مفهوم مالکیت معنوی و نقش و ارزش این مفهوم در فرایند توسعه برای

1. World Intellectual Property Organization, **Director General Idris Addresses the Staff of WIPO and UPOV**, WIPO press Release, 20 November 1997. and **Acceptance Speech of the new Director General of WIPO, Dr Kamil Idris**, WIPO Press Release, September 22, 1997

کشورهای غیر صنعتی و نیز ارائه خدمات ثبتی و اطلاعاتی به شرکتها و افراد و ابداع مکانیزمها و روشهای مناسب برای کمک به حل و فصل سریع اختلافات در این حوزه از طریق ارائه روشهای غیرقضایی از قبیل داوری و میانجیگری، متمرکز کرده است و تلاشهایی را که بطور پراکنده برای ایجاد یک سیستم حل و فصل اختلافات نظیر آنچه در سازمان تجارت جهانی امروزی وجود دارد، انجام می‌شد تقریباً بطور کامل متوقف کرده است^(۱).

موافقتنامه‌های همکاری میان دو سازمان:

سازمان جهانی مالکیت معنوی و شورای «جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی» در سال ۱۹۹۵ میلادی یک موافقتنامه همکاری امضا کردند که در اول ژانویه سال ۱۹۹۶ به مرحله اجرا در آمد. بر اساس این سند، وایپو موافقت میکند که به شورا در اجرای مفاد موافقتنامه «تریپس» کمک کند. این سند به همکاری در سه زمینه اصلی اشاره دارد که عبارتند از:

● تسهیل در امر دسترسی شورا به قوانین و مقررات داخلی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی. از آنجا که موافقتنامه «تریپس» مقرر می‌دارد که دولتهای عضو باید برخی مقررات مربوط به حقوق مالکیت معنوی را الزاماً در قوانین داخلی خود وارد کنند و شورا مسوولیت نظارت بر این امر را بر عهده دارد، وایپو که دارای مجموعه‌های کامل و بسیار خوبی از قوانین و مقررات کشورهای عضو خود می‌باشد (۱۷۸ عضو که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق ۱۴۱ عضو سازمان تجارت جهانی را شامل می‌شود). می‌تواند با ارائه این مجموعه‌ها به زبانهای مختلف، دسترسی شورا به آنها را بسیار ساده و آسان نماید.

- همکاری در زمینه اجرای روبه‌هایی برای حمایت از علائم و نشانه‌های ملی؛^(۲) و
- همکاریهای فنی و تکنولوژیک.^(۳)

1. SEE: Beier, Friedrich-Karl, *GATT or WIPO? New Ways in the International Protection of Intellectual Property*, Studies in Industrial Property and Copyright Law, Weinheim, 1999

2. National Emblems

3. <http://www.wipo.org/about-wipo/en/gib.htm#wto>, November 2001, Also, the whole text of the agreement is available at: http://www.wto.org/english/tratop_e/trips_e/wtowip_e.htm

در راستای همکاریهای سازمان جهانی مالکیت معنوی با سازمان تجارت جهانی، در سال ۱۹۹۸ یک حرکت مشترک^(۱) از سوی دو سازمان به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه برای انجام دادن به موقع تعهداتشان در قبال موافقتنامه «تریپس» شکل گرفت. کشورهای در حال توسعه چنانکه قبلاً ذکر کردیم، موظف بودند که موافقتنامه «تریپس» را از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی به موقع اجرا بگذارند یعنی در واقع از زمان لازم‌الاجرا شدن سند نهایی مذاکرات دور اروگوئه گات، به این کشورها پنج سال فرصت داده شده بود تا نظامهای داخلی خود را با مقررات موافقتنامه تطبیق داده و هماهنگ سازند. این کشورها بایست قوانین داخلی خود در زمینه مالکیت معنوی را با مقررات موافقتنامه در یک خط قرار داده و زمینه قانونی و اجرایی مناسب برای برخورد قاطع با تخلفات و نقض حقوق مزبور از قبیل سرقت معنوی، تقلب در کالاها و غیره را فراهم آورند.

بنابراین دو سازمان حدود یک سال و نیم قبل از انقضا این مهلت برنامه مشترکی برای کمک به این کشورها طرح‌ریزی نمودند. به دنبال این توافق دو جانبه، مدیرکل‌های دو سازمان یعنی «کامل ادریس» از واپیو و «رناتو رو جیرو» از سازمان تجارت با ارسال پیامهای مشترکی به کشورهای در حال توسعه که عضو هر دو سازمان هستند، آنان را از این برنامه آگاه کردند. هدف این برنامه تلاش برای استفاده حداکثر از منابع موجود برای برنامه‌ریزی و هماهنگی همکاریهای فنی در طی مدت باقی مانده از مهلت مقرر در «تریپس» بود. در این راستا، سازمان تجارت جهانی از کمکهای فنی واپیو و خدمات مشاوره‌ای این سازمان در راه کمک به کشورهای در حال توسعه در اموری نظیر تهیه قوانین، آموزش، ساختارسازی و مدرنیزه کردن سیستمهای مالکیت معنوی برای رسیدن به استانداردهای موردنظر «تریپس» بهره می‌گرفت^(۲).

با رسیدن سال ۲۰۰۰ میلادی و انقضا مهلت مقرر برای کشورهای در حال توسعه، دو سازمان تصمیم به همکاری در زمینه کمک به کشورهای کمتر توسعه یافته عضو سازمان تجارت جهانی که تا سال ۲۰۰۶ برای اجرای «تریپس» مهلت دارند گرفتند. لذا در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۱

1. Joint Initiative

2. World Trade Organization, **WTO & WIPO join forces to help developing countries meet year-2000 commitment on intellectual property**, WTO Press Release 21 July 1998

میلادی، دو سازمان در مورد برنامه مشترکی برای کمک به کشورهای عقب مانده توافق کردند. همانطور که قبلاً گفته شد، مطابق موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی، کشورهای در حال توسعه تا اول ژانویه ۲۰۰۰ و کشورهای کمتر توسعه یافته تا اول ژانویه ۲۰۰۶ میلادی فرصت یافتند که مقررات این معاهده را اجرا نمایند. البته در مورد کشورهای عقب مانده، این مهلت قابل تمدید است.

برنامه مشترک دو سازمان ادامه همکاریهای متقابل آنها در امر کمک به اجرای موافقتنامه «تریپس» بوده و بر اساس برنامه‌های کمک‌های فنی که هر سازمان بطور جداگانه ارائه می‌داد، طرح ریزی شده است. این برنامه شباهت زیادی به ابتکار قبلی دو سازمان برای کمک به کشورهای در حال توسعه دارد که در سال ۱۹۹۸ آغاز شده بود. این برنامه در امر قانون‌سازی، آموزش، ساختارسازی، مدرنیزه کردن سیستم‌های مالکیت معنوی و اجرای این حقوق به ۴۹ کشوری که از سوی سازمان ملل متحد بعنوان کمتر توسعه یافته^(۱) تعریف شده‌اند، کمک می‌نماید. از این ۴۹ کشور، ۳۰ کشور عضو سازمان تجارت جهانی هستند و ۶ کشور نیز در حال مذاکره برای عضویت این سازمان می‌باشند. ۴۱ کشور نیز عضویت وایپو را دارا می‌باشند. گفتنی است که تمام ۴۹ کشور مزبور می‌توانند از کمک‌های فنی ارائه شده در قالب این برنامه مشترک استفاده کنند و برای بهره‌گیری از این کمک‌های نیازی نیست که کشورهای مزبور حتماً در یکی از دو سازمان عضویت داشته باشند که این یکی از محدود تفاوت‌های این برنامه با برنامه‌ای که برای کشورهای در حال توسعه طرح شده بود، می‌باشد. کمک‌های مورد نظر این برنامه در دو مرحله ارائه می‌گردند:

در مرحله اول دو کارگاه آموزشی منطقه‌ای در سال ۲۰۰۲ از سوی دو سازمان برای کشورهای آفریقایی در هائیتی و برای کشورهای آسیا و اقیانوسیه در تایلند برگزار می‌شود. مقامات این کشورها در این کارگاه‌ها با اصول «تریپس» و مشکلات ناشی از اجرای این موافقتنامه آشنا می‌شوند. در مرحله دوم، دو سازمان مشترکاً کمک‌های لازم را بصورت عملی و برای هر کشور بطور جداگانه ارائه می‌دهند.

1. Less Developed Countries

فصل دوم



جمهوری اسلامی ایران و سازمان جهانی مالکیت معنوی

(الف) حقوق مالکیت معنوی در ایران

پیش از آنکه به شرح روابط جمهوری اسلامی ایران با سازمان جهانی مالکیت معنوی بپردازیم، لازم است ابتدا به طور مختصر در مورد وضعیت و جایگاه حقوق مالکیت معنوی در کشورمان توضیحاتی ارائه کنیم.

در ایران، نخستین حرکت جدی در مقوله حمایت از حقوق مالکیت معنوی در فروردین ماه سال ۱۳۰۴ شمسی بعمل آمد. در این تاریخ قانونی بنام «قانون راجع به علایم تجاری و صنعتی» از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که البته این قانون چندان جامع و کافی نبود. لذا در تیرماه سال ۱۳۱۰ قانونی در ۵۱ ماده بنام «قانون ثبت علائم و اختراعات» در ارتباط با حقوق مالکیت‌های صنعتی با الگوگرفتن از کنوانسیون پاریس به تصویب رسید که در این قانون، علائم و اختراعات تعریف گردیده و شرایط حمایت قانونی از آنها معین شده است:

«علائم تجاری عبارت است از هر قسم علامتی اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غیر آن که برای امتیاز و تشخیص محصول تجاری، صنعتی و یا فلاحتی اختیار می‌شود» و «حق استعمال انحصاری علامت تجاری فقط برای کسی شناخته می‌شود که علامت خود را به ثبت رسانیده باشد»^(۱)

به موجب این قانون «کسانیکه در ایران دارای موسسات تجاری، صنعتی یا فلاحتی

هستند اعم از اتباع داخله یا خارجه در صورتی که علائم تجارتي آنان موافق مواد این قانون ثبت شود از مزایای آن برخوردار می‌شوند و نیز کسانی که موسسات تجارتي یا فلاحتي یا صنعتی آنها در خارج از ایران واقع است موافق شرایط ذیل می‌توانند از مزایای این قانون بهره‌مند شوند:

(۱) علائم خود را طبق مقررات این قانون به ثبت برسانند.

(۲) مملکتی که موسسه آنان در آنجا واقع شده است، به موجب عهدنامه و یا قوانین داخلی خود از علائم تجارتي ایران حمایت کند»^(۱)

و نیز طبق این قانون «هر قسم اختراع یا اکتشاف جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتي به کاشف و یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید مشروط بر اینکه اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. نوشته‌ای که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد، «ورقه اختراع» نامیده می‌شود».

«هر کس مدعی یکی از امور ذیل باشد می‌تواند تقاضای ثبت کند:

(۱) ابداع هر محصول صنعتی جدید

(۲) کشف هر وسیله جدید یا اعمال و سایل موجوده به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه صنعتی یا فلاحتي».

در مورد اوراق اختراع تحصیل شده در خارج از ایران، قانون مصوب ۱۳۱۰ مقرر می‌دارد که مخترعی که در خارج از ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل، تحصیل ورقه اختراع کرده می‌تواند در صورتیکه مدت ورقه مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند لیکن اگر اختراع مزبور را کسی یا موسسه‌ای در ایران قبل از تقاضای ثبت اختراع، کلاً یا جزئاً به موقع عمل یا استفاده‌گذار و یا مقدمات استفاده از آن را تهیه کرده باشد، مخترع نمی‌تواند از عملیات آن شخص یا موسسه جلوگیری نماید.

در این قانون مدت اعتبار ورقه اختراع حداکثر ۲۰ سال تعیین شده است. همچنین این

قانون، «قانون علائم تجارتي و صنعتي» مورخ ۱۳۰۴ را نسخ می‌کند^(۱).

از سوی دیگر، نخستین رویکرد قانونی به مقوله حق مولف در ایران را باید در مواد فصل یازدهم مبحث «دسیسه و تقلب در کسب و تجارت»^(۲) از قانون جزای عمومی مصوب ۱۵ مرداد ۱۳۱۰ جستجو نمود. این مواد برای ارتکاب جرم‌های چاپ تالیف یا تصنیف دیگری بدون اجازه وی، استفاده از آثار مولف یا مصنف در اثری دیگر بدون ذکر ماخذ، فروش یا وارد خاک کشور کردن اثر دیگری و چاپ تالیف یا تصنیف دیگری با نامی غیر از نام صاحب اثر، پرداخت غرامت پیش بینی نموده است.

پس از آن در دوران سلطنت رضاخان، چندین عهدنامه دو جانبه با کشورهای آلمان، اسپانیا و ایتالیا به امضا رسید. در عهدنامه ایران و آلمان قید شده بود که اتباع دو کشور در صورت تصویب قانون حق مولف، از مزایای آن برخوردار بوده و دارای حقوق مساوی خواهند بود. به دنبال گسترش ارتباطات فرهنگی بین‌المللی و مشروط شدن این ارتباطات از سوی برخی از دولتهای خارجی به تصویب قوانین خاص برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان و نیز شمار فراوان شکایتهای واصله به دادگستری و عدم پاسخگویی مواد قانونی موجود، ضرورت تدوین قانونی جامع در این رابطه احساس شد. از این رو در سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ طرحهایی از سوی برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی و نیز لوایحی از سوی دولت‌های وقت ارائه شده که دارای نارساییها و کاستیهایی اساسی بود از جمله اینکه همه‌گونه‌های آثار ادبی و هنری را در بر نمی‌گرفت، به حق اخلاقی صاحب اثر اشاره نداشت، در آنها مبدا برقراری حق مولف تعیین نشده بود، میان کمترین و بیشترین مجازات پیش‌بینی شده تناسب وجود نداشت، به ثبت رسیدن اثر را موجد حق قلمداد کرده بود^(۳)، به دلیل همین کاستیها، این طرحها و لوایح عقیم مانده و به جایی نرسیدند^(۴).

۱. ماده پنجاهم

۲. مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸

۳. این امر در مورد کپی رایت در هیچ معاهده بین‌المللی وجود ندارد، برعکس حقوق مالکیت صنعتی که برای کسب حمایت، باید اقدام به ثبت حقوق نمود

۴. آیتی، حمید، حقوق آفرینشهای فکری با تاکید بر آفرینشهای ادبی و هنری، چاپ اول و نشر حقوقدان، پاییز

با تصویب آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم و اختراعات در تیرماه ۱۳۳۷ و همزمان با آن الحاق ایران به کنوانسیون پاریس ۱۸۸۳ بر اساس قانونی که به تصویب مجلسین رسید، حقوق مالکیت صنعتی در ایران تا حد زیادی از کپی رایت و حقوق مرتبط با آن پیش افتاد. علاوه بر اینها ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی که هنوز نیز نسخ نشده است و مواد ۱۲۲ تا ۱۲۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ در مورد حمایت از علائم تجاری و اختراعات نیز به سهم خود بر این پیشتازی حقوق مالکیت صنعتی افزوده‌اند.

اما در زمینه کپی رایت، بلاخره در سال ۱۳۴۲ وزارت اطلاعات^(۱)، لایحه‌ای با عنوان «مالکیت ادبی و هنری» در ۷۹ ماده تهیه کرد که گرچه تصویب نشد، مقدمه‌ای شد برای لایحه وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۷ که مجلس شورای ملی سرانجام در یازدهم دی ماه ۱۳۴۸ آنرا با عنوان «قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان» تصویب کرد. این نخستین قانون مستقل راجع به حقوق پدیدآورندگان آثار هنری، تالیفی و علمی در ایران بشمار می‌آید. به موجب این قانون مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون جزای عمومی نسخ شد. آیین نامه اجرایی آنهم در تاریخ ۴ دی ماه ۱۳۵۰ به تصویب هیات وزیران رسید^(۲).

اما طبق ماده‌ای از قانون مذکور، «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای اولین بار در ایران، چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد^(۳)». از آنجا که در این قانون، حقوق پدیدآورندگان سایر کشورها در نظر گرفته نشده بود، مراجعات و مکاتبات متعددی از سوی کشورها و مراجع بین‌المللی صورت گرفت و شماری از مولفان خارجی نیز در ایران طرح دعوا کردند که به آنها بدلیل سکوت قانون، ترتیب اثری داده نشد. همچنین دعوتهای پیاپی مجامع

۱۳۷۵، صص. ۹-۴۸

۱. وزارت اطلاعات در آن زمان متولی امور فرهنگی و هنری بود و نباید به دلیل تشابه اسم، آنرا با وزارت اطلاعات کنونی که عهده دار امور امنیتی است اشتباه گرفت. وزارت اطلاعات بعدها به وزارت فرهنگ و هنر تغییر نام یافت. امروزه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جایگزین آن است.

۲. همان، ص ۵۰

۳. ماده بیست و دوم

بین‌المللی ذی ربط برای پیوستن به کنوانسیونهای مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری تال‌حظه نگارش این سطور، بی‌پاسخ مانده است.

مورد دیگر، آن است که در نتیجه اجرای قانون ۱۳۴۸ بویژه مفاد ماده ۲۲، عده‌ای از ناشران و صفحه‌سازان موسیقی با سوء استفاده از تفسیر این ماده، کتابها و صفحات موسیقی را که برای نخستین بار در خارج ایران ساخته و منتشر شده بود، عیناً نسخه برداری کرده و در بازارهای داخل و خارج کشور در مقابل جنس اصلی قرار دادند و بدین ترتیب مرتکب عمل «رقابت ناجوانمردانه» گردیدند. لذا در تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۵۲ قانون دیگری با عنوان «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» به تصویب رسید. این قانون که تکثیر کتب و نشریات به همان زبان اصلی و شکل چاپ شده و نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی را به قصد بهره‌برداری مادی و تجاری ممنوع ساخت^(۱)، ضمن پایبندی به تمامی مواد قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی بیگانگان، حمایت‌های خود را منوط به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل می‌داند^(۲).

(ب) پاره‌ای اندیشه‌ای فقهی در خصوص حقوق مالکیت معنوی

با توجه به اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران و جایگاه والای فقه اسلامی در رویکردهای سیاسی، حقوقی و بین‌المللی کشورمان، لازم است بطور مختصر در مورد دیدگاههای فقهی موجود در رابطه با حقوق مالکیت معنوی نیز صحبت نماییم.

از آنجا که در دوره‌های قبل، فقیهان و علما اسلام در خصوص حقوق مالکیت معنوی، چندان وارد بحث نشده‌اند، فقها در دوران جدید، این امر را تحت عنوان «مسائل جدید» مورد بررسی قرار داده‌اند. در این زمینه می‌توان به نظر استاد شهید مرتضی مطهری اشاره کرد: «در نظریه ارزش - کار به کار فقط از جنبه مادی و صرف انرژی و به عبارت دیگر از جنبه مشترک حیوانی و باربری توجه شده است و ارزش و اهمیت کارها متناسب با مقدار انرژی که

۱. مواد دوم و سوم

۲. ماده ششم

معمولاً برای ایجاد آنها لازم است در نظر گرفته شده است و به جنبه‌هایی که انسان با یک قدرت معنوی یعنی با ابتکار و به واسطه هوش و استعداد و ذوق آن را بهتر و عالیتر ایجاد می‌کند، توجه نشده است. کارهای به اصطلاح ساده شاید همین طور باشد ولی کارهای عالی و انسانی این‌گونه نیست. آیا ارزش تالیفات، نقاشیها، خطاطیها، منبت کاریها و خاتم کاریها بستگی به مقدار کاری دارد که صرف آنها شده است؟ امتیاز یک کتاب به مولف آن تعلق دارد. مالک کاغذ و قلم حق دارد از روی نسخه ملکی خود برای مطالعه نسخه‌ای استنساخ کند اما حق ندارد با کاغذ و مرکب و ماشین چاپ خود، هزار نسخه از روی نسخه اصلی چاپ کند و به فروش برساند^(۱)».

در جملات فوق گرچه شهید مطهری از لفظ «مالکیت معنوی» نامی نبرده است اما تعریفی که ارائه می‌کند یعنی «جنبه‌هایی که انسان با یک قدرت معنوی یعنی با ابتکار و هوش و استعداد و ذوق آنها را بهتر و عالی تر ایجاد می‌کند» دقیقاً مانند تعاریفی است که در متون حقوقی از حقوق مالکیت معنوی بعمل می‌آید. یعنی حقوقی که شخص به واسطه فعالیت‌های ذهنی و فکری خود از آن منتفع می‌شود و نه کار مادی و جسمی.

در این زمینه آیت... مکارم شیرازی می‌گوید:

«ما معتقدیم که حق طبع و تالیف و اختراع و مانند آن یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت. به تعبیر دیگر، اهمیت مالکیت‌های فکری کمتر از مالکیت‌های عینی نیست و حکومت باید عهده‌دار حفظ آنها باشد. اسلام می‌گوید تجاوز به حق دیگران حرام است. این حکم از اسلام است اما موضوعش از عرف گرفته می‌شود. امروز تقریباً تمام عقلای دنیامساله مالکیت معنوی را به عنوان یک حق شناخته و سلب آنرا ظلم می‌دانند.^(۲)»

نظر عده دیگری از فقها از جمله موسوی بجنوردی، حسینی روحانی، منتظری و... نیز در همین راستا است یعنی این گروه از فقها و علما حقوق مالکیت معنوی را به رسمیت شناخته و رعایت آنرا حداقل بنا بر اقوی لازم دانسته‌اند^(۳). اما در مقابل عده‌ای دیگر از علما من جمله

۱. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۶۸ ص. ۱۲۴

۲. امامی، نورالدین، حقوق مالکیت‌های فکری، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۱

ص. ۲۱۰ به نقل از حمید آیتی، پیشین، ص ۷۰ ۳. آیتی، حمید، پیشین، صص ۲-۷۱

حضرت امام خمینی (ره) نظری مخالف این عقیده دارند. فتوای حضرت امام (ره) در تحریرالوسیله چنین است:

«آنچه که معروف به حق طبع شده است، حق شرعی به حساب نمی آید و نفی سلطه مردم (خریداران کتاب و...) بر اموالشان بدون اینکه هیچ گونه شرط و عقدی در میان باشد جایز نیست، بنابراین چاپ کتاب و نوشتن جمله «حق چاپ و تقلید محفوظ است.» فی نفسه حقی ایجاد نمی کند و دلالت بر التزام دیگران نمی نماید، بنابراین دیگران می توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند و هیچ کس نمی تواند مانع از این کار آنها شود.^(۱)»

این فتوی حضرت امام پس از برقراری نظام مقدس جمهوری اسلامی باعث گردید نه تنها مساله الحاق ایران به کنوانسیونهای جهانی و بین المللی مربوط به حقوق مالکیت معنوی بخصوص کپی رایت، کاملاً بلامحل و نامربوط به حساب آید بلکه قوانین موجود داخلی در این زمینه نیز در پرده ای از ابهام قرار گرفت. حتی در چند پرونده، قضات با استناد به فتوای معظم له نظر داده اند که دعوی مدعی مردود است و هر چند این نظر با قوانین نسخ نشده از قبیل قانون مصوب ۱۳۴۸ در تعارض است ولی در مقام تعارض، رجحان دارد.

با این حال برخی از قضات برای رهایی از این وضعیت و با توجه به وجود نصوص قانونی، مساله دیگری از تحریرالوسیله را پیش کشیدند. مساله هفت این کتاب می گوید: «امام علیه السلام و والی مسلمین می توانند آن گونه که به صلاح مسلمین است عمل کنند از جمله نرخ گذاری یا امور صنعتی و انحصار تجارته و نظایر آن و هر مساله ای که مربوط به نظام اسلامی و صلاح اجتماعی است.» به نظر این قضات از آنجا که قوانین نظام جمهوری اسلامی با نظر ولی فقیه در جامعه مجرامی گردند و ولی فقیه طبق مساله مذکور، حق دارد در اموری این چنین طبق نظر خود، صلاح جامعه را ملاک عمل قرار دهد و در واقع از اختیارات حکومتی خود استفاده کند، قانون حمایت از مولفین نیز در حکم احکام ثانویه و حکومتی بوده و لذا لازم الاجرا است.

مشابه این راه حل را آیت ا... صافی دبیر سابق شورای نگهبان و از مراجع تقلید در نظریه

۱. امام خمینی، **تحریر الوسیله**، جلد دوم موسسه انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۹۰ ق. ص ۶۲۵

فقهی خود ذکر می‌کند. وی که مانند امام خمینی (ره) بنا را بر عدم اعتبار این نوع حقوق می‌گذارد و معتقد است این حقوق و آثار مترتب بر آن با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمی‌نماید، برای فراهم آمدن بعض اغراض صحیحی که در اعتبار این حقوق در نظر است، پیشنهاد می‌کند: «فقیه جامع الشرایط که بر حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد به طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع یا تالیف، طبع یا تقلید از آن را تا مدت معینی محدود نماید^(۱)».

با توجه به اینکه ابهام و عدم اطمینان و تردید در اعتبار یا بی‌اعتباری قانون حمایت از مولفان مصوب ۱۳۴۸ تا سالهای ۷۰ و ۷۱ ادامه یافت، در سال ۱۳۷۱ ریاست وقت قوه قضاییه در پاسخی به وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی چنین می‌گوید: «تالیف یک کتاب که ماهها و گاهی سالها عمر یک نویسنده، یک دانشمند، یک محقق رابه خود اختصاص می‌دهد و همچنین ترجمه یک اثر که باید گفت اگر از تالیف مشکل تر نباشد، آسانتر نیست، ... و از این‌ها مهمتر تهیه دیسکهای کامپیوتری و یا فیلمهای سینمایی و به طور کلی آثار سمعی و بصری است که با زحمت فراوان و بهره‌گیری از تکنولوژی و نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای لازم تهیه و آماده می‌شود که هر یک از این کارها به نوبه خود منشأ حق مکتسبی است که عرف و عقل آن رابه روشنی درک نموده و شرع انور رد و ردع نفرموده است... و از طرفی کسانی کم‌سواد و بی‌اطلاع با تهیه یک نسخه از اصل باگرفتن زیراکس، نوار، عکس و چاپ و تکثیر آن، حاصل زحمات آن دانشمند و محقق و نویسنده و هنرمند رابه یغما برده و میلیونها تومان از آن استفاده می‌کنند و حتی دیناری به تهیه کننده داده نمی‌شود که این ظلم روشن و مشخصی است. از نظر ما این حق برای مولف، مترجم، نویسنده، هنرمند و تهیه‌کننده، شرعی و براساس قوانین موجود، قانونی است. وی می‌تواند این حق را برای خود نگه دارد یا براساس قرارداد قانونی به هرکس که مایل باشد واگذار کند و در این قرارداد شرایط مورد نظر خود را منظور دارد که تخلف از آن تصرف در حق غیرشناخته شده و قابل تعقیب کیفری است. من با استفاده از فرصت به همه همکاران قضایی توجه می‌دهم که طبق

۱. امامی، نورالدین، پیشین، صص ۹-۲۰۸

قانون و شرع در پرونده‌های مربوط به حق تالیف، ترجمه و تنظیم یک اثر مثل اختراع ثبت شده برخورد نموده و احکام حقوقی لازم را صادر نمایند^(۱)».

از این نامه مشخص است که دیدگاه قوه قضائیه نسبت به این حقوق آن است که این حقوق هم شرعی و هم قانونی و لذا لازم‌الرعايه هستند. در همین نامه رئیس قوه قضائیه تصریح می‌کند:

«نظر شرعی لازم‌الرعايه و لازم‌الاجرای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر همین مطلبی است که توضیح داده شد.»

با این دیدگاه، مساله شرعی بودن یا نبودن این حقوق تقریباً خاتمه یافته تلقی می‌شود و لذا ضمن برطرف شدن هر نوع تردید در خصوص اعتبار قوانین داخلی مربوط به حقوق مالکیت معنوی، راه برای بررسی‌های جدی اقتصادی و سیاسی در مورد پیوستن به کنوانسیونهای بین‌المللی مربوطه نیز هموارتر می‌گردد.

(ج) ایران و کنوانسیونهای بین‌المللی مالکیت معنوی

(۱) کنوانسیون پاریس مورخ ۲۰ مارس ۱۸۸۳

ایران در اسفندماه سال ۱۳۳۷ هجری شمسی با تصویب «قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به اتحادیه پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و تجارتي و کشاورزی» توسط مجلسین سنا و شورای ملی، به کنوانسیون پاریس تجدید نظر شده در بروکسل به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۰۰، در واشینگتن به تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۱۱، در لاهه به تاریخ ۶ نوامبر ۱۹۲۵ و در لندن به تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۳۴ میلادی پیوست. همچنین چون دولت اجازه یافته بود که الحاق خود را با اتحادیه مزبور با تمام تغییرات و اصلاحاتی که تا تاریخ تصویب قانون در آن بعمل آمده، اعلام کند، دولت ایران مدتی بعد با تصویب هیات وزیران، اصلاحات بعمل آمده در این کنوانسیون در لیسبون ۱۹۵۸ را نیز پذیرفت.

لایحه الحاق ایران به اصلاحات ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ کنوانسیون پاریس در تاریخ ۴ آذرماه ۱۳۶۸ از سوی هیات دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید که پس از تصویب در کمیسیونهای مختلف به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. مصوبه فوق پس از ارائه به شورای نگهبان در جلسه مورخ ۳۰ دی ماه ۱۳۷۱ از سوی آن شورا به دلیل ذکر نام شراب و آب جو در ماده یک کنوانسیون پاریس به عنوان مثال در مورد محصولات کشاورزی، رد و به مجلس عودت داده شده و نهایتاً پس از بررسی مجدد از سوی مجلس شورای اسلامی نیز مورد تصویب قرار نگرفت. بعدها در سال ۱۳۷۷، لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این اصلاحات مجدداً تقدیم مجلس شد که البته در این لایحه ذکر شده بود که تصویب جمهوری اسلامی ایران نسبت به بندهای (۳) و (۴) ماده (۱) و بند (۲) ماده (۲) با توجه به جزء (ب) بند (۱) ماده ۲۰ لازم‌الاجرا نیست. بعلاوه بند (۱) ماده ۲۸ با توجه به بند (۲) آن در حال حاضر برای جمهوری اسلامی ایران تعهدآور نمی‌باشد. این لایحه در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به تصویب رسید.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر عضویت کنوانسیون پاریس را تا آخرین اصلاحات آن داراست و لذا عضویت کامل اتحادیه پاریس و مجمع عمومی این اتحادیه را داراست. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر عضو کمیته اجرایی این اتحادیه نیز می‌باشد^(۱) و همین امر باعث می‌شود که جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم این که تا مهرماه سال ۱۳۸۰ هنوز عضویت رسمی کنوانسیون موسس وایپو را نداشت به سبب اینکه این سازمان بعنوان دفتر اجرایی اتحادیه پاریس نیز عمل می‌کند (تازمانی که تمام اعضای اتحادیه پاریس به عضویت وایپو در نیامده‌اند) لذا جمهوری اسلامی ایران در جلسات کمیته هماهنگی سازمان جهانی مالکیت معنوی نیز نماینده دارد و نام جمهوری اسلامی ایران در فهرست اعضا کمیته هماهنگی وایپو از سوی این سازمان منتشر می‌شود.

1. MEMBERS OF WIPO ASSEMBLIES AND OTHER BODIES AND COMMITTEES, September 25, 2001, <http://www.wipo.int/treaties/docs/english>

(۲) وضعیت الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون موسس وایپو

موضوع الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون موجد سازمان جهانی مالکیت معنوی ابتدا در تاریخ چهارم آذرماه ۱۳۶۸ شمسی طی ماده واحده‌ای مشترک با الحاق به اصلاحات کنوانسیون پاریس از سوی هیات دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید که پس از تصویب در کمیسیونهای مختلف به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید اما همانطور که قبلاً ذکر شد، شورای نگهبان و متعاقب آن مجلس، به دلیل ذکر نام شراب و آبیجو در ماده یک کنوانسیون پاریس بعنوان مثالی برای محصولات کشاورزی، آن را رد کردند که با توجه به ارائه لایحه الحاق به «کنوانسیون موسس وایپو» و «اصلاحات کنوانسیون پاریس» در یک ماده واحده مشترک، هر دو سند دچار سرنوشت واحدی شدند.

مجدداً موضوع الحاق به «کنوانسیون موجد وایپو» در سال ۱۳۷۷ پس از تصویب از سوی هیات وزیران طی لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید که پس از تصویب از سوی کمیسیون صنایع در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ در صحن مجلس مطرح و متأسفانه این بار به دلیل اشتباه گرفتن این کنوانسیون با «کنوانسیون برن ۱۸۸۶ در خصوص کپی رایت» و عدم حضور نماینده‌ای از سوی دولت در مجلس شورای اسلامی جهت توضیح و دفاع، به تصویب نرسید.

نهایتاً موضوع الحاق به سازمان جهانی مالکیت معنوی در سال ۱۳۷۹ برای سومین بار از سوی هیات دولت به مجلس ارائه شد. کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی لایحه فوق را تصویب و مجلس شورای اسلامی در مهرماه ۱۳۸۰ آن را تصویب کرد و متعاقباً شورای محترم نگهبان نیز آن را تایید نمود و بدین ترتیب دولت با تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۸۰ توسط معاون قوه قضاییه و رییس سازمان ثبت کشورمان به مدیرکل وایپو در شهر ژنو، به عضویت سازمان جهانی مالکیت معنوی درآمد.

(۳) وضعیت الحاق به موافقتنامه‌های مادرید و لاهه

در سال ۱۳۳۷ همزمان با تصویب کنوانسیون پاریس، «موافقتنامه مادرید ۱۸۱۹ در خصوص ثبت بین‌المللی علائم تجاری» و «موافقتنامه مادرید ۱۸۹۱ در خصوص جلوگیری از سوءاستفاده و تقلب در مبدا جغرافیایی کالاها» و «موافقتنامه لاهه ۱۹۲۵ در خصوص ثبت بین‌المللی طرح‌های صنعتی» نیز به تصویب مجلس وقت رسید. در آن مصوبه قید شد که دولت هر زمان صلاح بداند الحاق خود را به این دو سند اعلام نماید.

در سال ۱۳۷۹ بر اساس قانون فوق‌الذکر، موضوع الحاق به موافقتنامه ثبت بین‌المللی علائم تجاری از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به هیات دولت ارائه شد که مجوز آن از سوی دولت در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۰ به وزارت امور خارجه اعلام شده است. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که مصوبه مجلس وقت گرچه به تاریخ یا اصلاحات موافقتنامه مادرید اشاره‌ای ننموده است ولی به نظر می‌آید که این ماده واحده اجازه الحاق به موافقتنامه مادرید را تا آخرین اصلاحاتش تا آن زمان صادر کرده است که این آخرین اصلاحات تا آن تاریخ، اصلاحات «نیس ۱۹۵۷» بوده است. بنابراین به احتمال قریب به یقین، مصوبه هیات وزیران در خصوص اجازه الحاق به موافقتنامه مادرید با توجه به مستند به خود، تنها شامل اجازه الحاق به این موافقتنامه تا اصلاحات ۱۹۵۷ نیس می‌باشد و الحاق به اصلاحات بعدی که اصلاحات ۱۹۷۹ است نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد. در ضمن باید در نظر داشت که بر مبنای اصلاحات اخیر این موافقتنامه، امکان پیوستن به آن بدون پیوستن به آخرین اصلاحات وجود ندارد و لذا می‌توان گفت که اصل الحاق ایران به این موافقتنامه باید مجدداً به تصویب مجلس برسد.

همچنین پروتکلی در سال ۱۹۸۹ و مقرراتی تحت عنوان «مقررات مربوط به موافقتنامه و پروتکل مادرید» در سال ۱۹۹۸ تدوین شده که جزء موافقتنامه و پروتکل مادرید می‌باشد. الحاق به هر یک از موافقتنامه و پروتکل بدون الحاق به دیگری و یا الحاق به هر دو سند مجاز می‌باشد بنابر مطالب گفته شده، جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر تنها عضویت کنوانسیون

پاریس و اخیراً، کنوانسیون موسس سازمان جهانی مالکیت معنوی را دارا است.

(د) همکاریهای سازمان جهانی مالکیت معنوی و جمهوری اسلامی ایران

از آنجاکه دولت ایران تا همین اواخر در سازمان جهانی مالکیت معنوی عضویت نداشته است، حجم همکاریهای انجام شده تقریباً صفر می باشد. تنها مورد قابل ذکر که در این زمینه به چشم می خورد، یک طرح همکاری برای توسعه سیستم مالکیت صنعتی در ایران از طریق مدرنیزه کردن اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است که پروژه مورد بحث قرار بود که در سال ۱۹۹۷ با تامین هزینه از سوی سازمان جهانی مالکیت معنوی و با مدیریت دفتر طرحهای ملی «برنامه توسعه ملل متحد» در ایران شروع و در سال ۱۹۹۹ به پایان برسد که این طرح با تاخیری یک ساله شروع شده و بنا به تقاضای اداره کل ثبت شرکتها، تا پایان سال ۲۰۰۱ میلادی تمدید شده است.

در این طرح، برگزاری دوره‌ها و سمینارهای آموزشی برای کارکنان اداره کل ثبت شرکتها در زمینه هایی از جمله حقوق مالکیت معنوی و بررسی قوانین و مقررات موجود در ارتباط با ثبت اختراعات، علائم و طرحهای صنعتی و... آموزش زبان انگلیسی و استخراج و استفاده از اطلاعات و نیز کمکهایی در زمینه نرم افزارها و تجهیزات سخت افزاری لازم، پیش بینی شده است که بخشی از این اهداف تاکنون محقق گردیده است^(۱).

ملاحظات:

۱- با توجه به اینکه تصویب کنوانسیون موسس سازمان جهانی مالکیت معنوی از سوی جمهوری اسلامی ایران و عضویت کشورمان در این سازمان تخصصی ملل متحد، هیچ گونه تعهدی در زمینه کپی رایت و مالکیت صنعتی و نیز بار مالی سنگینی برای کشور به همراه ندارد،

۱. مفاد قسمتهای (ج) و (د) این فصل، با همکاری کارشناسان محترم اداره کل حقوقی وزارت امور خارجه بخصوص جناب آقای سلیمانی تدوین گردیده است.

و با توجه به گسترش روزافزون سازمان تجارت جهانی و بررسی‌های گسترده در مورد عضویت جمهوری اسلامی در این سازمان و احتمال عضویت آتی دولت در این سازمان، و با در نظر گرفتن این نکته که موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی که جزء لایتجزی سند اخیر گات است، سبب شده است که تمام موضوعات مرتبط با حقوق مالکیت معنوی چه بخش کپی رایت و چه بخش مالکیت صنعتی به طور کامل تحت نظام لازم‌الاجرای سازمان تجارت جهانی درآید، به نظر می‌رسد که عضویت کشورمان در وایپو حتی تا حدودی دیر صورت گرفته است. چرا که عضویت در این سازمان که مقررات و تعهدات سنگینی برای اعضاء به همراه ندارد، می‌توانست و می‌تواند کمکی در جهت آگاهی هر چه بیشتر جامعه با این شاخه از حقوق و آماده‌سازی و زمینه‌سازی برای عضویت احتمالی کشورمان در سایر معاهدات بین‌المللی مربوطه علی‌الخصوص معاهدات مربوط به سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه «تریپس» آن باشد. از این رو لازم است با استفاده از فرصت کنونی و عضویت کشورمان در این سازمان، از طریق جذب کمک‌های فنی و حقوقی و ساختاری این سازمان و تلاش برای ایجاد آشنایی هر چه بیشتر محافل اجرایی، قضایی و آکادمیک کشور با معاهدات مربوط به این حوزه از حقوق بین‌المللی، زمینه و آمادگی لازم برای گام‌های احتمالی بعدی ایجاد شود.

۲- با توجه به مطالبی که در بخش‌های قبلی در مورد رابطه و همکاری‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی با سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای از قبیل سارک و یا آسه آن ارائه گردید، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های ایجاد روابط بهتر و موثرتر با این سازمان، تلاش برای برقراری همکاری مشابهی میان این سازمان و سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) باشد. لذا با توجه به این نکته که سازمان اخیر در سیاست خارجی منطقه‌ای کشورمان از جایگاه مهمی برخوردار است، به نظر می‌رسد که ایجاد رابطه میان دو سازمان مذکور می‌تواند ضمن کمک به رشد قابلیت‌های کشورهای منطقه در حوزه حقوق مالکیت معنوی، به انسجام بیشتر و فعال‌تر شدن سازمان اگو نیز کمک نماید.

۳- در بخش‌های قبل، ذکر کردیم که گروهی از معاهدات سازمان جهانی مالکیت معنوی

یعنی معاهدات سیستم جهانی حفاظت شامل:

- (۱) معاهده همکاری در زمینه حق اختراع
- (۲) مقررات تحت معاهده فوق
- (۳) موافقت نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی مارکها
- (۴) پروتکل مربوط به موافقت‌نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی مارکها
- (۵) مقررات عمومی تحت موافقت‌نامه و پروتکل آن
- (۶) سیستم مادرید برای ثبت بین‌المللی مارکها
- (۷) موافقت‌نامه لاهه در مورد ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی
 - سند اصلاحی لندن ۱۹۳۴ به موافق‌نامه لاهه
 - سند اصلاحی لاهه ۱۹۶۰ به موافقت‌نامه لاهه
 - سند الحاقی موناکو ۱۸ نوامبر ۱۹۶۱ به موافقت‌نامه لاهه
 - سند تکمیلی استکهلم ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ با اصلاحات ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹
- سند ژنو در مورد موافق‌نامه لاهه و مقررات اضافی مربوط به آن
- (۸) مقررات تحت موافقت‌نامه لاهه
- (۹) دستورالعملهای اجرایی برای کاربرد موافقت‌نامه لاهه
- (۱۰) سیستم لاهه برای ثبت بین‌المللی طراحیهای صنعتی
- (۱۱) معاهده بوداپست در خصوص شناسایی بین‌المللی ثبت ریزسازه‌های آلی به منظور مراحل ثبت حق اختراع
- (۱۲) مقررات تحت معاهده بوداپست
- (۱۳) راهنمای ثبت میکروارگانیسمها تحت معاهده بوداپست
- (۱۴) موافقت‌نامه لیسبون برای حمایت از اسامی مبدا (کالا) و ثبت بین‌المللی آنها و مقررات ناظر به موافقت‌نامه لیسبون

و نیز معاهدات موسوم به «طبقه بندی» یعنی معاهدات لوکارنو، نیس، استراسبورگ و وین^(۱) تعهد خاصی در زمینه مسائل مربوط به «حقوق» بر عهده دولت‌ها نمی‌گذارد و بیشتر ناظر به هماهنگ کردن سیستم‌های اجرایی و اداری دولت‌ها و نیز آسان کردن مراحل ثبت مارک‌ها و اختراعات و غیره می‌باشند. پیوستن کشورمان به این معاهدات، نه تنها بار و فشار خاصی برای کشورمان ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند به آسان شدن ثبت علائم و اختراعات ایرانیان در کشورهای دیگر نیز کمک کرده، سبب کاهش هزینه‌های ثبتی اتباع ایرانی گردیده و نیز در مواردی منبع درآمد خوبی نیز برای نظام ثبتی کشورمان به حساب آید. چنانکه کشور ترکیه بطور مثال با الحاق به موافقتنامه مادرید تنها ظرف دو سال حدود ۵۰۰۰۰۰ فرانک سوئیس از محل حق ثبت علائم خارجی درآمد داشته است. نیز با پیوستن به سیستم‌های طبقه‌بندی بین‌المللی، نظام اداری و ثبتی کشور با سایر کشورها هماهنگ شده و کار آرشو سازی و جستجو و دسترسی به منابع و اطلاعات مربوطه آسانتر می‌گردد.

۴. به نظر می‌رسد با توجه به عضویت جمهوری اسلامی ایران در کنوانسیون پاریس که مادر کنوانسیونها و معاهدات بین‌المللی در زمینه مالکیت صنعتی است، پیوستن به سایر کنوانسیونهای مربوط به این شاخه از حقوق مالکیت معنوی نیز برای کشورمان مشکلاتی به همراه نداشته باشد و در هر حال بهتر است مطالعه و بررسی موضوع عضویت کشورمان به معاهداتی نظیر معاهده «حقوق مارک‌های تجاری»^(۲) و معاهده «حقوق ورقه اختراع»^(۳) به طور جدی در ارگانه‌های مسوول آغاز و پیگیری شود.

۵. در شرایط کنونی و با توجه به حجم آثار فکری تولید شده در کشورهای خارجی و استفاده فراوانی که از این نوع آثار نظیر فیلم‌های سینمایی، آثار موسیقایی، کتب به صورت اصلی یا ترجمه شده و نیز برنامه‌های رایانه‌ای در کشورمان می‌شود، به نظر می‌رسد که عضویت کشورمان در معاهداتی نظیر کنوانسیون برن و یا کنوانسیون رم و سایر معاهدات و کنوانسیونهای

۱. برای اطلاع دقیق‌تر از این معاهدات به فصول قبلی مراجعه فرمایید.

2. Trademark Law Treaty (TLT)

3. Patent Law Treaty (PLT)

نزدیک به آنها در شرایط کنونی فشار مالی سنگینی بر اقتصاد ملی کشور وارد خواهد آورد و لذا در برهه فعلی، به موضوع عضویت در این کنوانسیونها باید با دیده تردید و احتیاط بیشتری نگریست. هر چند، همچنانکه ذکر شد، باید توجه داشت که عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز تعهداتی مشابه این کنوانسیونها را به دنبال خواهد آورد و این موضوعی است که باید در مطالعاتی که بر روی عضویت در این سازمان نیز صورت می‌گیرد، مد نظر قرار گیرد.

منابع

الف - منابع فارسی

- ۱- آیتی، حمید، حقوق آفرینشهای فکری با تاکید بر آفرینشهای ادبی و هنری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، پاییز ۱۳۷۵.
- ۲- امامی، نورالدین و دیگران، درباره قرارداد پاریس راجع به حقوق مالکیت صنعتی، موسسه حقوقی تهران، تهران، ۱۳۵۳.
- ۳- امامی، نورالدین، حقوق مالکیتهای فکری، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۱ ص. ۱۵-۲۱۰.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، گنج دانش، ۱۳۶۸.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۲.
- ۶- خطاطان، سوسن، اجرای احکام داوری بین‌المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، سال ۷۲-۱۳۷۱.
- ۷- خمینی (حضرت امام) روح‌الله، تحریر الوسیله، جلد دوم موسسه انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۹۰ ق.
- ۸- زمانی، سید قاسم، پنخس مستقیم ماهواره‌ای و اقدامات متقابل، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی شماره ۲۴، سال ۱۳۷۸، صص ۳۵۳-۳۱۹.
- ۹- سند نهایی دور اروگوه گات، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، تهران، دی ماه ۱۳۷۳.
- ۱۰- صفایی، سید حسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۵.

- ۱۱- کاسسه، آنتونیو، **حقوق بین‌المللی در جهانی نامتحد**، مرتضی کلانتریان، چاپ اول، دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تهران، زمستان ۱۳۷۰.
- ۱۲- کخدایی عباسعلی، نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلافات در سازمانهای تجارت بین‌المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و یکم، ۱۳۷۶، صص. ۱۵۷ تا ۱۸۰
- ۱۳- کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی، مجله حقوقی، شماره چهاردهم و پانزدهم، ۱۳۷۰.
- ۱۴- محبی، محسن، **نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی**، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، ۱۳۷۸.
- ۱۵- مرکز تجارت بین‌الملل وابسته به آنکتاد و سازمان تجارت جهانی، **راهنمای تجاری دور اروگوئه**، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ایران، چاپ اول، تهران، آبان ۱۳۷۵.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، **نظری به نظام اقتصادی اسلام**، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۷- **مقررات آنسیترا**، مجله حقوقی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۶۴
- ۱۸- موسی زاده، رضا، **کلیات حقوق بین‌الملل عمومی**، جلد دوم، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۹- میرعباسی، محمد باقر، جزوه کلاسی درس «**روشهای مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی**» دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ب - منابع انگلیسی

- 1- Andrew, Christie, **Integrated Circuits and their contents: International Protection**, Sweet & Maxwell, London, 1995.
- 2- Archer, Clive, **International Organizations**, 2nd Edition, Routledge, London, 1992

- 3- Bagner, Hans, *Expedited Arbitration Rules: Stockholm and WIPO*, Arbitration International, Vol.13, No.2, 1997, pp.193-198
- 4- Bainbridge, David, **Intellectual Property**, 2nd Edition, Pitman, London, 1994
- 5- Baldwin, John, **Innovation and Intellectual Property**, Statistics Publishers, Ottawa, 1997.
- 6- Beier, Friedrich-Karl, *GATT or WIPO? New Ways in the International Protection of Intellectual Property*, Studies in Industrial Property and Copyright Law, Weinheim, 1999.
- 7- Blessing, Marc, *Arbitrability of Intellectual Property Disputes*, Arbitration International, Vol.12, No.2, 1996, pp.191-221
- 8- Bogsch, Arpad, **Brief History of the first 25 years of the World Intellectual Property Organization**, WIPO Publications, Geneva, 1992.
- 9- Burhring-Uhle, Christian, **Arbitration and Mediation in International Business**, Kluwer Publications, London, 1996.
- 10- Carter, Nick, *Arbitrating Intellectual Property Disputes*, Freshfields Intellectual Property Yearbook, 1996, pp.118-120
- 11- Chartrand, H, *Intellectual Property Rights in the Postmodern World*, Journal of Arts, Management, Law and Society, 25(4), 1996, p.p.306-319.
- 12- Cornish, W.R., **Intellectual Property in the Postmodern World**, 3rd edition, Sweet & Maxwell, London, 1996.
- 13- De Freitas, D., **Recent Developments & Issues Pertaining to Enforcement of Intellectual Property Rights**, WIPO-ASEAN/SEM/JKT, Geneva, 1993.
- 14- Doern, Bruce, **Global Change and Intellectual Property Agencies**, Pinter Publishers, London and New York, 1999.

- 15- Donahey, Scott, *International Mediation and Arbitration*, International Law Journal, 1997, p.p.271-279
- 16-----, *Alternative Dispute Resolution*, The IP Litigator, July/August 1996, p.p.20-22
- 17- Drahos, p., *Thinking Strategically about Intellectual Property Rights*, Telecommunications Policy, 21(3), p.p.201-211
- 18- Fernandez, collar and Spolter, Jerry, *International Intellectual Property Dispute Resolution*, Journal of World Intellectual Property, 1(3) May 1998, P.555-569.
- 19- Frischtak, C.R., *Harmonization Vs Differentiation in Intellectual Property Rights Regimes*, International Journal of Technology Management, 10(203), 1995, p.p.200-213
- 20- Getlan, m, *TRIPs and the Future of Section 301:A Comparative Study in Trade Dispute Resolution*, Columbia Journal of Transnational Law, No.34, 1995, p.p.178-184.
- 21- Gibb, Frances, *Take the fast track; Disputes can be settled quickly-out of court-say the experts*, The Times, August 27, 1996, p.1
- 22- Goldschider, Robert, *Measuring the damages*, Dispute Resolution Journal, Vol.50, Issue 4, Oct-Dec 1995, pp.55-63.
- 23- Goldstein, Paul, *Copyrights and Author's Right in 21st Century*, Report of WIPO Worldwide Symposium on the Future of Copyright and Neighboring Rights, Geneva, 1994.
- 24- Gurry, Francis, Introduction (*Information about the WIPO Arbitration and Mediation Center*), The American Review of International Arbitration, Vol.5, Nos.1-4, 1994, pp.1-5.
- 25-----, *The Dispute Resolution Services of the World Intellectual Property Organization*, Journal of International Economic Law, 1999, pp.385-398

- 26-----, *The WIPO Arbitration Center*, Managing Intellectual Property, Vol.3, Issue 37, March 1994, pp.4-6
- 27-----, *Update on the WIPO Arbitration Center*, Managing Intellectual Property, Issue 48, April 1995, pp.42 et seq.
- 28- International Bureau of WIPO, **An Overview of the Actions & Remedies in Cases of Infringement of Industrial Property Rights**, WIPO/IR/RIG, Geneva, 1997.
- 29- International Bureau of WIPO, **Enforcement and Dispute Settlement Provisions Under TRIPs**, WIPO/IP/BUD, Geneva, 1997.
- 30- International Bureau of WIPO, **Introduction to Basic Notions of Copyright and Neighboring Rights**, WIPO/CNR/KTM/97, Geneva, 1997.
- 31- International Bureau of WIPO, **Introduction to Trademark Law and Practice**, 2nd edition, WIPO Publication No.653(e), Geneva, 1993.
- 32- International Bureau of WIPO, **The Main Objects of Industrial Property: Inventions, Industrial Designs, Marks**, WIPO/LIC/WL6/91/1, Geneva, 1991.
- 33- International Bureau of WIPO, **Guide on the Licensing of Integrated Circuits**, WIPO Publications No.689(E), Geneva, 1995.
- 34- International Bureau of WIPO, **Protection and Registration of Geographical Indications (Including Appellations of Origin) on the National & International Level: the Lisbon Agreement for the protection of Origins and their International Registration**, WIPO/ACAD/S/94/8, Geneva, 1994.
- 35- International Bureau of WIPO, **Protection against Unfair Competition**, WIPO Publication No.725, Geneva, 1994.
- 36- International Bureau of WIPO, **The Organization, Functions and Activities of the**

World Intellectual Property Organization, WIPO/IP/SUV/99/Geneva, 1999.

37- International Bureau of WIPO, **Berne Convention for Protection of Literary & Artistic Works: Basic Rules & Special Rules for Developing Countries**, WIPO/GIC/CNR, Geneva, 1986.

38- International Bureau of WIPO, **The Hague Agreement Concerning the International Deposit of Industrial Designs**, WIPO/INF/14 Rev.2, Geneva, 1999.

39- International Bureau of WIPO, **The Patent Cooperation Treaty & its Importance to Developing Countries**, WIPO/PCT/Rev.17, Geneva, 1995.

40- International Bureau of WIPO, **Guide to the International Registration of Marks Under the Madrid Agreement & Madrid Protocol**, Wipo Publications No. 455, Geneva, 1996

41- International Bureau of WIPO, **Trademark Law Treaty and Regulations**, Wipo Publication No.225, Geneva, 1994.

42- International Bureau of WIPO, **Nice Agreement concerning the International Classification of Goods and Services for the Purposes of the Registration of Marks**, WIPO/CEIPI/IP, Geneva, 1993

43- International Bureau of WIPO, **General Information on the Sixth Edition of the International Patent Classification**, Wipo Publication No.409, Geneva, 1995.

44- International Bureau of WIPO, **The Vienna Agreement establishing an International Classification of the Figurative Elements of Marks**, WIPO-CEIPI/IP, Geneva, 1993.

45- International Bureau of WIPO, **Basic Notions of Neighboring Rights-International Conventions in the Field of Neighboring Rights**, WIPO-/CR, Geneva, 1993.

46- International Bureau of WIPO, **The International Union for the Protection of New**

Varieties of Plants and the Basic Principles of the International Convention for the Protection of New Varieties of Plants, WIPO-/ACAD/E, Geneve, 1994.

47- International Bureau of WIPO, **Basic Notions of the Exercise, Administration and Enforcement of Rights**, WIPO-/CR, Geneva, 1994.

48- International Bureau of WIPO, **Enforcement of Rights under Copyright and Neighboring Rights Law**, WIPO-/CNR/S, Geneva, 1994.

49- International Bureau of WIPO, **Enforcement of Copyrights under Copyright and Neighboring Rights Law**, WIPO-/CNR/S, Geneva, 1994.

50- International Bureau of WIPO, **The Services of the WIPO Arbitration Center**, Geneva, 1998.

51- International Bureau of WIPO, **WIPO Mediation Rules**, WIPO Publication No.446, 6th Edition, Geneva, 1999.

52- International Bureau of WIPO, **WIPO Arbitration Rules**, WIPO Publication No.446, Geneva, 1999.

53- International Bureau of WIPO, **WIPO Expedited Arbitration Rules**, WIPO Publication No.446, Geneva, 1999.

54- International Bureau of WIPO, **Domain Names Dispute Resolution Service**, WIPO Publication No.447, Jan 2001.

55- International Bureau of WIPO, **Staff Training and Development; Use of Patent Information Systems**, WIPO /R & D/ SIN, Geneva, 1997.

56- International Bureau of WIPO, **Promotion of Inventive Activity and Technological Innovation**, WIPO/IP/SUV, Geneva, 1993, p.8.

57- **Internet Corporation for Assigned Names and Numbers**, www.icann.com

- 58- Lew, Julian D.M., *The Arbitration of Intellectual Property Disputes*, The American Review of International Arbitration, Vol.5, Nos. 1-4, 1994, pp.110-116
- 59- Low, P., **Enforcement of Patent Rights**, WIPO/SEM/BKK, Geneva, 1994.
- 60- Marlin, Bannette, *International Intellectual Property Rights in a Web of Social Relations*, Science Communication, 17(2), 1995, p.p.119-136.
- 61- Office Genevoise de Tourism, **Guide to Geneva Tourism**, 2000
- 62- Olsson, H., **Enforcement of Industrial Property**, WIPO/SEM/BKK, Geneva, 1994.
- 63- Parrot, Francois, *New Technologies and the Protection and Administration of the Rights of Performers*, Report of the WIPO Worldwide Symposium on the Future of Copyrights and Neighboring Rights, Geneva, 1994.
- 64- Paulsson, Jan, *The WIPO Expedited Arbitration Rules: Fast-Track Arbitration I*, World Arbitration and Mediation Report, Vol.6, No.11, November 1995, pp.255-258
- 65- Paulson, Jan, *Fast Track Arbitration (With Special Reference to the WIPO Expedited Arbitration Rules)*, Hastings International and Comparative Law Review, Vol. 18, No.3, Summer 1995, pp.713-718.
- 66- Petersman, E, and G.Marceau, *The GATT/WTO-International Law, International Organization and Dispute Settelement*, Journal of World Trade, No.31(3), 1997, p.p.169-179.
- 67- Richestone, S., *The Future of the Traditional Intellectual Property Conventions in the Brave New World of Trade-Related Intellectual Property Rights*, IIC-International Rights of Industrial Property and Copyright Law, 26(3), 1995, p.p.872-899.
- 68- Scott, A.Hugh/Columbia, Sarah Chapin, *Ensuring a confidential arbitration process*, International Commercial Litigation (Supplement: A guide to resolving intellectual

property disputes), October 1996, pp.2 et seq

69- Sell, Suzan, *Intellectual Property Protection and Antitrust in the Developing World: Crisis, Coersion and Choice*, International Organization, 49(2), P.p.315-349

70- Smith, Douglas, **Collective Agencies for the Administration of Copyright**, Canadian Supply & Services, Ottawa, 1984.

71- Smith, Gary W., **Intellectual Property Rights, Developing Countries and TRIPs**, The Journal of World Intellectual Property, 1(3) May 1998, P.P. 969-975.

72- Sugden, A., **The Role of the Judiciary & Law Enforcement Agencies for Effective Protection of Industrial Property Rights**, WIPO/IP/JKT, Geneva, 1995

73- Wilbers, Erik, *On-Line Arbitration of Electronic Commerce Disputes*, International Business Lawyer, Vol.27, No.6, June 1999, p.273

74- WIPO Arbitration Center, arbitr.wipo.int/domains/decisions/word/2000

75- World Intellectual Property Organization, www.arbitr.wipo.int/domains , November 2001.

76- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/about-wipo/en, , September 2001.

77- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/academy/en, , October 2001.

78- World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/about-ip/en/about_collective_mngt.html, , October 2001.

79- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/cfd/en/index.html, , October 2001.

80- World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/aspac/en/cooperation, , September 2001.

- 81- World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/aspac/en/activities, , September 2001.
- 82- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/activities/en/cooperation/asia.html, , October 2001.
- 83- World Intellectual Property Organization, **Director General Idris Addresses the Staff of WIPO and UPOV**, WIPO Press Release, 20 November 1997. and **Acceptance Speech of the new Director General of WIPO, Dr Kamil Idris**, WIPO Press Release, September 22,1997
- 84- World Intellectual Property Organization, **WIPO and WTO Launch New Initiative to Help World's Poorest Countries**, Press Release, PR/2001/276 Geneva, June 14, 2001
- 85- World Intellectual Property Organization, **Members of the WIPO Assemblies and other bodies and Committees**, September, 25, 2001, www.wipo.int/treaties/docs/english
- 86- World Intellectual Property Organization, **WIPO Main Program 12**, Wipo Publications, WO/PBC/4/2
- 87- World Intellectual Property Organization, **Intellectual Property Reading Material**, WIPO Publication, NO. 476(e), Geneva, 1999
- 88- World Intellectual Property Organization, **General Information About WIPO**, www.wipo.org/en/about/gib.html, , September 2001.
- 89- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/news/en/worldip/worldip.html, , October 2001.
- 90- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/activities/en/iplaw.html, , September 2001.
- 91- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/activities/en/copyrightlaw.html, ,

September 2001.

92- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/treaties, September 2001.

93- World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/treaties/docs/english/d-paris.doc, October 2001.

94- World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/treaties/docs/en, September 2001.

95- World Intellectual Property Organization, www.wipo.int/treaties/docs/english/n-strsbg.doc, September 2001.

96- World Intellectual Property Organization, www.wipo.org/about-wipo/en, October 2001.

97- World Trade Organization, www.wto.org/english/tratop_e/trips_e/wtowip_e.html,

98- World Trade Organization, **WTO & WIPO join forces to help developing countries meet year-2000 commitment on intellectual property**, WTO Press Release 21 July 1998

99- World Trade Organization, **Trading Into Future**, WTO Publications, 2nd edition, Geneva, April 1999, p.p.1-7

100- World Trade Organization, www.docsonline.wto.org

101- World Trade Organization, **Report (1995) of the Council for TRIPs**, WTO Publications, Geneva, 1995

102- World Trade Organization, **Report (1996) of the Council for TRIPs**, WTO Publications, Geneva, 1996

103- Yeend Nancy Neal/ Rincon, Cathy E., *ADR and Intellectual Property: A Prudent option*, The Journal of Law and Technology, Vol.36, No.4, 1996, pp.601-607

۲۷۰ ■ سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو)

ضمیمه

اسامی مقامات اصلی سازمان جهانی مالکیت معنوی

مدیرکل سازمان:

دکتر کامل ادریس

معاونین مدیرکل:

- قسمت خدمات و سیستمهای حفاظت جهانی (مادرید، لاهه و P.C.T.):

فرانسوا کورشو

- قسمت همکاری برای توسعه :

روبرتو کاستلو

- قسمت توسعه و پیشبرد حقوق بین المللی مالکیت معنوی:

شوزوا امومورا

دستیاران مدیرکل:

- دفتر امور حقوقی و سازمانی:

فرانسیس گری

- دفتر دیپلماسی عمومی و ارتباطات جهانی:

جفری سائوکوک یو

- خدمات پشتیبانی و اجرایی:

توماس کیفر

مشاور ویژه

خمیس سودی

مدیر تشریفات:

گای اکستین

Principal Officers

Director General

Mr.Kamil Idris, Director General

Deputy Directors General

Mr. Francois CURCHOD

(Sector of Global Protection Systems and Services (PCT, Madrid and
The Hague)

Mr. Robert CASTELO

(Sector of Cooperation for Development)

Mr. Shozo UEMURA

(Sector for Progressive Development of International Intellectual Property Law)

Assistant Directors General

Mr. Francis GURRY

(Office of Legal and Organization Affairs)

Mr. Geoffrey Sau KuK YU

(Office of Global Communications and Public Diplomacy)

Mr. Thomas KEEFER

(Administrative Support Services)

Special Counsel

Mr. Khamis SUEDI, Special Counsel

Office of Strategic Planning and Policy Development

Mr. Yoshiyuki TAKAGI, Director

Mrs. Dolores JIMENEZ HERNANDEZ, Director, Policy Development

Mr. Jaime SEVILLA, Director, Strategic Planning

Miss WANG Binying, Director, Inter-Office and General Assembly Affairs

**Office of Legal and Organization Affairs and WIPO Arbitration and
Mediation Center**

Mr. Francis GURRY, Assistant Director General and Legal Counsel

Office of the Controller

Mr. Joachim MÜLLER, Controller

Office of Global Communications and Public Diplomacy

Mr. Geoffrey Sau Kuk YU, Assistant Director General

Division of Protocol

Mr. Guy ECKSTEIN, Director

Office of Deputy Director General

(Sector of Cooperation for Development)

Mrs. Carlotta GRAFFIGNA, Director-Advisor

Copy right Collective Management Division

Mrs. Nahla HAIDAREL ADDAL, Director

Cooperation for Development Bureau for Africa

Mr. Geoffrey ONYEAMA, Director

Cooperation for Development Bureau for Asia and the Pacific

Mr. Narendra SABHARWAL, Director

Cooperation for Development Bureau for Arab Countries

Mr. Sherif SAADALLAH, Director

Cooperation for Development Bureau for Latin America and the Caribbean

Mr. Ernesto RUBIO, Director

Infrastructure and Innovation Promotion Division

Mr. Vladimir YOSSIFOV, Director

Cooperation for Development (Intellectual Property Law) Department

Mr. James QUASHIE-IDUN, Director

WIPO Worldwide Academy and Division of Human Resources Development

Mr. Mpazi A. SINJELA, Director

Economic Analysis Forecast and Research Division

Mr. Guriqbal Singh JAIYA, Acting Director

**Office of Deputy Director General (Sector for Progressive Development of
International Intellectual Property Law)**

Mr. Octavio ESINOSA, Deputy Director

Mrs. Joëlle ROGÉ, Director-Advisor

Division for Cooperation with Certain Countries in Europe and Asia

Mr. Kurt KEMPER, Director

Copyright Law Division

Mr. Jørgen BLOMQUIST, Director

Industrial Property Law Division

Mr. Albert TRAMPOSCH, Director

Office of Deputy Director General (Sector of Global Protection Systems and Services (PCT, Madrid and The Hague)

Mrs. Helen LOM, Director-Advisor

Office of the PCT (Patent Cooperation Treaty)

Mr. Gary SMITH, Director

PCT Operations Department

Mr. Juan Antonio TOLEDO BARRAZA, Acting Director

PCT Administration Department

Mr. Jean-Luc PERRIN, Director

PCT Legal Development Division

Mr. Philip THOMAS, Director

PCT Legal Division

Miss Isabelle BoUTILLON, Acting Director

Developing Countries (PCT) Division

Mr. WANG Zhengfa, Director

International Registrations Department

Mr. Bruno MACHADO, Director

Human Resources Management Division

Mr. Herman NTCHATCHO, Director

Administrative Support Services

Nr. Thomas KEEFER, Assistant Director General

Finance Division

Mr. Philippe FAVATIER, Director

Language Service

Mr. Bernard DONDENNE, Director

Conference Communications and Records Management Division

Mr. Clive WOODFORD, Acting Director

Publications Production Service

Mr. Malcolm Royles, Acting Director

IT Services Division

Mr. Inayet SYED, Director

فهرست منابع ■ ۲۷۷

IT Projects Division

Mr.Allan ROACH, Acting Director

Technical Services Division

Mr. Giovanni TAGNANI, Director

WIPO Coordination Office New York

Mr. Orobola FASEHUN, Chief Coordination Officer